رسول پویان

جغرافیۀ عمومی هرات



بسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه : پویان، رسول.
عنوان و نام پدیدآور : جغرافیهٔ عمومی هرات / رسول پویان.
مشخصات نشر : مشهد: ترانه مشهد، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری : [۲۹۶] ص.
شابک : 964-5638-58-5
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا.
موضوع : هرات -- جغرافیا.
رده‌بندی کنگره : DS ۳۷۵ / ه ۴ پ ۹ ۱۳۸۷
رده‌بندی دیویی : ۹۵۸/۱
شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۸۹۳۱۳

جغرافیهٔ عمومی هرات

رسول پویان



۱۳۸۸



انتشارات ترانه

● جغرافیهٔ عمومی هرات ● رسول پویان

● حروف‌نگاری: راضیه مظفری ● نمونه‌خوانی: محمدکاظم محقی

● ویرایش: سعیده جامع ـ محمدکاظم کاظمی

● صفحه‌آرایی: روح‌الله واعظی ● طرح جلد: وحید عباسی

● لیتوگرافی: مشهد اسکنر ● چاپ: چاپخانهٔ دانشگاه فردوسی مشهد

● چاپ اول، ۱۳۸۸ ● شمارگان: ۲۰۰۰ ● قیمت: ۴۵۰۰ تومان

مشهد، میدان سعدی، پاساژ مهتاب، تلفن: ۲۲۵۷۶۴۶

شابک: ۵ ـ ۵۸ ـ ۵۶۳۸ ـ ۹۶۴

ISBN: 964-5638-58-5

۶

فهرست

فصل اول

اوضاع طبیعی

زندگینامهٔ مختصر مؤلف

رسول پویان در زمستان ۱۳۳۵ مطابق به ۱۹۵۷ میلادی در ناحیهٔ اول شهر هرات متولد شد. درس و تعلیم را از مسجد خانگی آغاز کرد. دورهٔ ابتدایی و متوسطه را در مکتب موفق و دورهٔ لیسه را در مکتب لیسهٔ سلطان غیاث‌الدین غوری به اتمام رسانید. در سال ۱۳۵۸ خورشیدی از دانشگاه کابل فارغ‌التحصیل شد و مدتی در بانک مرکزی افغانستان ایفای وظیفه کرد.

پس از کودتای ثور ۱۳۵۷ و تجاوز نظامی شوروی سابق به افغانستان در مبارزات سیاسی سهم فعال داشت و در سال ۱۳۵۹ مجبور به ترک وطن و مهاجرت به کشور ایران شد. در دورهٔ مهاجرت در مبارزات سیاسی و کارهای فرهنگی سهیم شد و عضو «انجمن شعرای مهاجر افغانستان» بود.

در سال ۱۳۶۷ برای نخستین بار ضرورت بازسازی و احیای مجدد افغانستان را به یاری جمعی از نیروهای فنی و متخصصین در سطح حوزهٔ جنوب‌غرب با قوماندانهای عمده و سرشناس مطرح کرد و شورای بازسازی و انکشاف افغانستان را بنیان‌گذاری کرد. بعد از انتقال قدرت به مجاهدین، عضو افتخاری شورای عالی اقتصادی حوزهٔ جنوب‌غرب بود و با انجمن ادبی و انجمن ناظم هروی همکاری فرهنگی داشت.

وی در دورهٔ اول هجرت، در زمان اقامت در هرات و در دورهٔ دوم هجرت در زمان طالبان، علاوه بر فعالیتهای سیاسی، فرهنگی و سرایش شعر، مشغول مطالعه و پژوهش در زمینه‌های افغانستان‌شناسی و هرات‌شناسی بود و کتب متنوع تألیف کرد که کتاب حاضر از آن جمله است. بعد از سقوط طالبان مدتی به عنوان کارشناس نظام حقوقی غیردولتی (سیستم عرفی و حقوق تعاملی) افغانستان با پروژهٔ امور عدلی و قضایی همکاری داشت و در حوزه‌های کابل، مرکزی، شمال، غرب، شرق و جنوب افغانستان مطالعات گسترده انجام داد.

او در حال حاضر کتب متعددی آماده برای چاپ دارد، از جمله «هرات در کشاکش تاریخ از آغاز تا امروز»، «پژوهش در اقتصاد هرات» و «شناخت حاکم‌نشینان هرات» که به زودی چاپ خواهد شد.

مقدمه

در درازنای تاریخ، جغرافیه‌نگاران و تاریخ‌نویسان دربارهٔ هرات بسیار قلم‌فرسایی کرده‌اند و این گران گوهر صدف سینهٔ خراسان زمین را به‌نیکویی سفته‌اند. در این برش زمانی که وطن‌مان در چرخاب بحران عمومی افتاده و فشارهای جنگ و ناامنیهای داخلی آن را بیش از همیشه از ارزشهای تاریخی، فرهنگی و تمدنی‌اش دور ساخته است، به کارهای گستردهٔ مطالعاتی و پژوهشی نیاز است.

سیر کوتاهی در جغرافیهٔ طبیعی، بشری و تاریخی هرات گام مفیدی است در راه درک، بازیافت و شناخت هرات و می‌تواند تصویری واقعی و همه‌جانبه از هرات دیروز و امروز در ذهن خوانندگان خلق کند و نسل امروزین داخل و خارج را با گذشته و حال هرات باستان پیوند دهد.

پس از مطالعه و تتبع گسترده در زمینه‌های گوناگون افغانستان به این نتیجه رسیدم که تا هنوز دیدگاه معین ملی و معیاری بر مبنای واقعیتهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی در مورد هویت واقعی این سرزمین که قابل پذیرش تمام ساکنین آن باشد شکل و شیرازه نگرفته است. پس وظیفه و رسالت عموم نویسندگان، محققان و متفکران افغانستان است که در زمینه‌های مربوط به افغانستان‌شناسی مطالعه و تحقیقات علمی و بی‌غرضانه کرده و در معرفی واقعی وطن و احیای مجدد آن همت گمارند.

با درک این مسئولیت سترگ، سالیان درازی است که به اندازهٔ توان و امکانات شخصی‌ام در زمینه‌های متنوع افغانستان خاصه هرات‌شناسی مطالعه و تتبع می‌کنم و جهت معرفی این

ولایت باستانی و بزرگ کشور، کتب متعددی تألیف و تدوین کرده‌ام که یکی، کتاب حاضر (جغرافیهٔ عمومی هرات) است.

در بخش نخست این کتاب به اوضاع طبیعی که شامل موقعیت، حدود، کوهها، دشتها، غارها، آب و هوا، منابع آب، فرش گیاهی و جانداران می‌شود، پرداخته شده است. در بخش خصوصیات انسانی که شامل جغرافیهٔ بشری، سیاسی و تاریخی است به عناوینی چون نفوس، زبان، اقوام و طوایف، تعلیم و تربیه، طب و طبابت، بافت سیاسی اداری و طرز حکومت، عمران و آبادانی، ابنیه تاریخی و... تماس گرفته شده است.

مطالب این کتاب از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵ خورشیدی از منابع مکتوب، مصاحبهٔ مستقیم با اشخاص مجرب محلی، مدیران و کارمندان فنی و مسلکی دفاتر مربوطهٔ دولتی و غیر دولتی، آثار تحریری و مطالعات و مشاهدات عینی و مستقیم مؤلف گردآوری و تدوین شده است. همچنین پس از سال ۱۳۷۵ الی تاریخ چاپ این اثر برخی مدارک و مطالب لازمهٔ جدید نیز به متن کتاب افزوده شده است.

شایان توجه است که تهیهٔ معلومات معتبر بر مبنای اسناد، مدارک و ارقام موثق، به سبب عدم رشد و انکشاف کارهای احصائیوی در کشور، جنگ طولانی و بحران فراگیر، نابودی برخی از آثار و منابع در جریان جنگ و نبود امکانات و تسهیلات لازم برای پژوهش و نویسندگی در افغانستان بسیار دشوار بوده و مستلزم فداکاری و حوصله‌مندی فراوان است.

با همه رنج و زحمت، خوشحالی مؤلف در این است که کتاب موجود می‌تواند مورد استفادهٔ طیف وسیعی از معلمان و استادان، متعلمان و محصلان، محققان و نویسندگان، شخصیتهای حقیقی و حقوقی، افغانهای مقیم کشورهای خارجی و خارجیانی که دربارهٔ قلب خراسان قدیم (هرات) مشتاق آگاهی‌اند، قرار گیرد و به این‌سان گامی مفید در راه شناسایی پاره‌ای از پیکر میهن به شمار خواهد آمد.

رسول پویان

زمستان ۱۳۸۷

موقعیت

ولایت هرات در طول‌البلد شرقی ۶۳ درجه و ۱ دقیقه و ۱۲ ثانیه عرض‌البلد شمالی ۳۴ درجه، ۳ دقیقه و ۴۸ ثانیه واقع است.

مرکز شهر در طول‌البلد شرقی ۶۲ درجه و ۱۲ دقیقه و عرض‌البلد شمالی ۳۴ درجه و ۲۱ دقیقه واقع شده و ۹۳۰ متر از سطح بحر ارتفاع دارد. پایین‌ترین منطقهٔ هرات از سطح بحر، غوریان با ۷۹۰ متر و مرتفع‌ترین آن چشت شریف با ۱۵۵۰ متر است. به طور عموم می‌توان گفت که اکثر اراضی ولایت هرات در بین ارتفاعات ۸۰۰ تا ۱۳۰۰ متر واقع شده است.

حدود اربعه

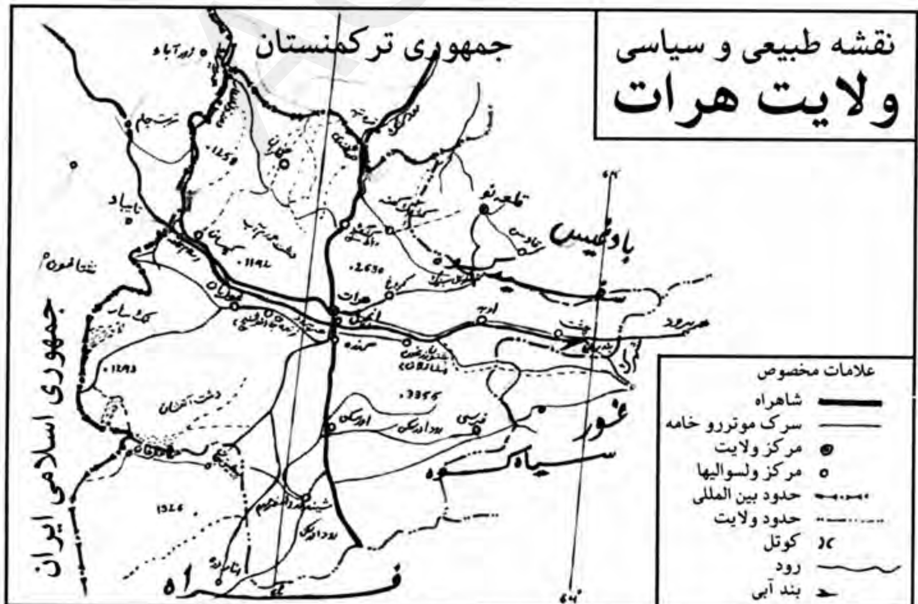
در سمت شمال هرات، ترکمنستان و ولایت بادغیس؛ در جنوب، ولایت فراه و قسمتی از ولایت غور؛ در سمت شرق ولایت بادغیس و غورات و در غرب جمهوری اسلامی ایران واقع است. (← تصویر ۱ ـ ۱ و تصویر ۱ ـ ۲)

مساحت

هرات ۶۱۳۱۵ کیلومتر مربع وسعت دارد و بعد از ولایت هلمند از وسیع‌ترین ولایات افغانستان محسوب می‌شود.



تصویر ۱ - ۱. حدود اربعهٔ ولایت هرات



تصویر ۱ - ۲. نقشهٔ طبیعی و سیاسی ولایت هرات



کوهها و ارتفاعات

وادی سبز و شاداب هرات در آغوش دو سلسلهٔ سفیدکوه و سیاه کوه آرمیده است که در اینجا به شرح این دو سلسله کوه می‌پردازم.

سفیدکوه (فیروزکوه)

از شمال دولت‌یار آغاز شده و تا قزل‌بولاق در شمال‌غرب هرات امتداد یافته است که در حدود چهار صد کیلومتر فاصله را از شرق به غرب در برگرفته و موازی به رود هری گسترش می‌یابد. ساحات مرتفع این سلسله بیشتر در سمت شرق واقع شده و به استقامت غرب از ارتفاع آن تدریجاً کاسته می‌شود.[1]

اوسط ارتفاع این سلسله کوه در حدود ۳۰۰۰ متر معین شده و کوتلهای عمدهٔ آن قرار آتی است: کوتل زرمست، اردوان، سبزک، خوش رباط و کوتل سرخ.

راههای متعددی که حوزهٔ درهٔ هریرود را با حوزهٔ رود مرغاب در شمال ملحق می‌سازد، از همین کوتلها عبور می‌کند. فیروزکوه به سبب رنگ احجار و موجودیت برف بر قله‌های آن، به سفیدکوه مسمی شده است و یک تعداد از معاونین هریرود و رود مرغاب از آن سرچشمه می‌گیرد.

سفیدکوه در امتداد غربی خود به سرزمین ایران، خط سیر شمال غربی را ادامه داده و در آنجا به نام «بینالود ویکتا»[2] یاد می‌شود و به جانب حوزهٔ مشهد امتداد یافته و به سلسله کوههای استان خراسان وصل می‌شود.

سیاه کوه

این کوه از جنوب‌غرب لعل و سرجنگل شروع شده و به استقامت جنوب‌غرب به طرف اسفزار (شیندند) توسعه پیدا می‌کند. این سلسله‌کوه عموماً در اراضی آهکی به وجود آمده که از دورهٔ کره‌ته‌شیس و جوراسمک نمایندگی می‌کند.

---

۱. جغرافیای طبیعی افغانستان، ص ۳۷.

۲. دایرةالمعارف آریانا، ج سوم، ص ۲۷۰.

در شمال این کوه، هریرود و در جنوب آن رودهای یزدوان، خاشرود، رود موسی‌قلعه، فراه‌رود و رود فرسی جریان دارد. معروف‌ترین کوتل آن تلخ‌آب نام دارد که ولایت غور را به هرات وصل می‌کند.

تیوره بلندترین قلهٔ سیاه‌کوه، ۳۹۲۳ متر ارتفاع دارد. انتهای غربی این کوه، موسوم به دوشاخ است و ساحهٔ غربی آن به دشتهای نمکی و هموار هرات و فراه‌رود می‌انجامد، ولیکن در جنوب شرقی به سطح مرتفع و فلات سرسبز منتهی می‌شود.[۱]

ارتفاع سیاه‌کوه نسبت به سفیدکوه کمتر بوده و اما طول آن بیشتر است. یکی از شعبات سیاه‌کوه که در انجام غربی آن امتداد دارد به اسم کوه دوشاخ یاد می‌شود و از نگاه تقسیمات آب و حوزه‌ها و دریاها و طبقات‌الارض خیلی قابل اهمیت است. کوه دوشاخ در واقع آخرین حصهٔ همان دیوار بزرگی را تشکیل می‌دهد که از پامیر خرد و هندوکش شروع شده است.

از لحاظ طبقات‌الارضی، احجاری که تا امروز در شمال دیوار فوق‌الذکر به ملاحظه رسیده است، غالباً خیلی قدیمی بوده و سنگهایی که در جنوب دیوارهٔ بزرگ هندوکش و کوه دوشاخ به مشاهده رسیده است باالعموم از عهد سوم طبقات‌الارض و اوایل عهد چهارم به نظر می‌آید.[۲]

نام کهن سفیدکوه و سیاه‌کوه

در یکی از کتب تاریخ کشور در این باب آمده است: سیامکه عبارت از سیاه‌کوه است. همین کوه در «بنداهش» به نام «سیاک‌اومند» یاد شده است. سیاک اومند هم همان سیاه‌کوه است. به عقیدهٔ دارمستتر فرانسوی این کوه همان سیاه‌کوه است که به شمال شرقی هریرود واقع است و فره یانت، این نام با کمی تغییر در بنداهش «وفاراومند» یاد شده و معنی آن «کوه برفی» و «کوه پر برف» است. سیاه‌کوه و برف‌کوه از شاخه‌های هندوکش بوده و یکی در مقابل دیگر افتاده است.[۳]

---

۱. جغرافیای طبیعی افغانستان، ص ۳۸.
۲. دایرةالمعارف آریانا، ج سوم، ص ۲۷.
۳. افغانستان در پرتو تاریخ، ص ۵۲.

نامهای محلی شاخه‌های سیاه کوه

شاخه‌های سیاه کوه که در مناطق گذره، جنوب اوبه، پشتون‌زرغون (شافلان)، جنوب زنده‌جان و غوریان و در ساحت ادرسکن و اسفزار (شیندند) دامن گسترانیده، دارای نامهای محلی گونا گون‌اند که شرح آن قرار آتی است:

گذره: کوه زیارتگاه، کوه میرداوود و سفیدکوه در جنوب، سلسله کوه بند بیدک، کوه کمرسیاه و ناسپنج در جنوب غربی.

غوریان: کوه خوله طاهر در جنوب‌شرق گاودره غوریان، دوشاخ در جنوب[1]، کوه سنگ‌دختر، یال‌خر، چاه سرخ و سوخته در سمت مغرب و کوه چاه‌قرار در جنوب.

زنده‌جان (فوشنج): خیمه کوه در حصهٔ سیدآباد در شمال شکیبانها. این شاخهٔ مذکور مربوط به سیاه کوه نبوده بلکه ادامهٔ همان دیواندر است. کوه مالکی و رباط پی در جنوب، کوه ترکه در شرق قریهٔ تیغه زرد، کوه کفتر خان در جنوب شرقی قریه سنگ‌بست.

ادرسکن: کوه خواجه عبدالله عامل و دره خلیلی در ناوه تخاب، ده خار در میان دوکوه، بند جوز و چهارباغ در ناوهٔ کروچه، کوه سفید و بند کرد در ناوهٔ رودگز و در حصص جنوب غربی مرکز ادرسکن کوه چشمه تمام و مهناز و انجیرک.

اسفزار (شیندند): کوه جمال غازی در جنوب‌غرب، بند غار مورچه و مهناز در شمال‌غرب، خیفان و باغ در جنوب، ری تولو در جنوب‌شرق، ده خار و شیرزاد در شرق، مظفر و محمود اسما عیل در شمال‌غرب، کوه کبود، له‌های کاریزک، هماکوه و گرم آبچان در غرب و هم سرحد با کشور ایران.

شافلان (پشتون‌زرغون): کوه معدن، تولکه، زاغو، تاخونک، مرغزاد از مربوطات کوه طاقچه و طاغنکوه در جنوب پشتون‌زرغون.

نام محلی شاخه‌های سفیدکوه (فیروزکوه)

رشته کوههای مربوط به سفیدکوه، که یک شاخهٔ مشهور آن دیواندراست، در شمال هرات، حصص شمال شرقی چشت شریف، مناطق شمالی اوبه و شافلان و در ساحت

---

۱. کوه دوشاخ کاهن و سنگلاخ است.

کوشک، کرخ، کهسان و گلران گسترش یافته است.

انجیل: ارتفاعات سنگی گازرگاه، تخت صفر، سید عبدالله مختار و خواجه ملاکوهی در شمال مرکز شهر هرات، کوه سنگ ترقک در شمال قریهٔ نقره و سنگ کوتل در شمال رباط پریان، مربوط به دیواندر.

کهسان (کوسویه): کوه بند بادغیس در شمال و کوه شکسته در جنوب و کوه تخت خانم در شمال‌غرب قریهٔ جوی‌نو.

گلران: کوه غورقند، افضل، سرتخت، سیم کوه، دهنهٔ ذوالفقار و غیره.

کوشک: کوه کیتو، اینبک و بند بابا در جنوب، شاخه مشهور دیواندر در شمال اوبه و پشتون‌زرغون.

کرخ (کروخ): سلسله کوه بند بابا و کوه اینبک در شمال‌غرب، کیتو در غرب، تخت خانم در شمال، کوه بند مست در شمال‌شرق.

برخی از ارتفاعات سفیدکوه و سیاه کوه

۱ ـ **ارتفاعات سفیدکوه**: کوه زرمست، ۲۵۰۸ متر؛ کوتل شتر مرده، ۲۶۳۶ متر؛ گله سم در جنوب کروخ، ۲۱۰ متر؛ کوتل سیاه‌چوبک در شمال زمان‌آباد شافلان، ۲۲۹۶ متر؛ قله‌بندی از کوه دیواندر در شمال منطقهٔ خواجه محمد استاد در شافلان، ۳۱۳۹ متر؛ کوه کیتو، ۲۶۳۰ متر؛ کوه اینبک، ۱۹۳۵ متر؛ سلسله کوه حضرت بابا در شرق شاهراه هرات تورغندی (قره‌تپه یا سیاه‌تپه)، ۲۵۶۴ متر؛ سرخ کوتل، ۱۳۶۹ متر؛ کوتل خوش‌رباط، ۱۵۰۰ متر؛ قلهٔ مرتفع بین افضل و خواجه قاسم در گلران، ۱۹۵۰ متر؛ قلهٔ کوه سیاه بوبک گلران، ۲۰۴۳ متر؛ کوه سرتخت گلران، ۱۳۶۱ متر؛ ارتفاع سنگ کوتل در شمال شاهراه هرات ـ اسلام‌قلعه، ۱۴۶۵ متر؛ کوه دیواندر در این مسیر، ۱۲۴۸ متر؛ خیمه‌کوه، ۱۱۶۵ متر و کوه سیاه، ۱۹۰۸ متر است.

۲ ـ **ارتفاعات سیاه‌کوه**: ارتفاعات نزدیک طاقچه در جنوب شافلان، ۲۷۱۳ ـ ۲۷۹۲ متر، ارتفاعات جنوب‌شرق میرداوود در مسیر شاهراه هرات ـ قندهار، ۱۷۵۰ متر است.

ارتفاعات جنوب گذره در غرب شاهراه هرات‌ـاسفزار: کوه ناسپنج، ۱۵۴۲ متر؛ سلسله کوه بند بیدک ۱۹۵۹ متر و کوه کمرسیاه ۱۰۵۰ متر سنجش شده است.

برخی از قلل سیاه‌کوه در مناطق جنوبی فوشنج و غوریان: کوه کفترخوان، ۱۴۲۲ متر؛ کوه ترکه، ۱۵۶۱ متر؛ کوه سیاه‌کوه، ۱۸۶۵ و کوه دوشاخ ۲۰۶۸ متر برآورد شده است.[۱]

نوعیت کوهها

کوههای افغانستان از سنگ ورقه‌های شفاف بلورمانند (کرستال) قدیم که از انواع سنگهای آهک به عمل آمده است، ترکیب یافته‌اند. دندانه‌های برهنه و قله‌های کوهها دارای رنگهای مختلف است.[۲]

دره‌های مشهور

هرات دره‌های خوش آب و هوای فراوان دارد که چشمه‌ساران زلال و فضای سبز آن دیدگان هر بیننده‌ای را نوازش می‌دهد. این دره‌ها بیشتر در مناطق چشت شریف، اوبه، پشتون‌زرغون (شافلان)، کروخ، کشک و ادرسکن واقع شده‌اند. (← تصویر ۱ـ۳)

چشت‌شریف: درهٔ تگاب (تگاو) غزه در غرب، درهٔ چشت، درهٔ بند سلمه و غیره.

اوبه: درهٔ چشمهٔ آب گرم اوبه، دره تگاو سنی، تگاو سور، تگاب ماهیچ. نیک، تگاو یاری که در کوه دیواندر به سمت شمالی اوبه قرار دارند.

پشتون‌زرغون (شافلان): درهٔ طاقچه در جنوب؛ طاغن‌کوه و خداج در جنوب‌شرق؛ گرو، کبکان در شرق متمایل به جنوب؛ چشمه سفیدکوه، خسرو، بوران، تودی، ده‌کشک، خواجه‌محمد سبزپوش و کارو در جنوب، درهٔ سیجه، طاقمه، خواجه محمد استاذ در شمال.

کروخ: درهٔ چهار طاق، درخت توت، کمرنگار، مسجد، دوزخ دره، غورقه، ازک، ته خم دره و بنوش دره و سلسله کوه بند بابا در شمال، دره آب‌گرمک، دهن غار و خواجه

---

۱. نقشهٔ هرات ـ افغانستان، چاپخانهٔ سازمان جغرافیایی ایران، سال ۱۳۵۲، سری ۱۵۰۱.

۲. قاموس جغرافیای افغانستان، جلد اول، ص ۱۲۳.

چهارشنبه در کوه دیواندر، درهٔ سنجور، دره تگاب و جر هزاوه.

کشک: درهٔ خواجه ملال، خوله مرغ، جبال در دامنهٔ کوه بابا، گله چقر در منطقهٔ بند شرم که پوشیده از جنگلهای طبیعی است.

گلران: درهٔ شکرآب، افضل، کرگسقال و غیره.

زنده‌جان: درهٔ رباط پی که در جنوب زنده‌جان واقع است و در آن آثار تاریخی وجود دارد.

غوریان: درهٔ گرمابه، پیر کلکی و سرخکان در کوه دوشاخ.

ادرسکن: درهٔ ناوه کروچه، تگاو چنار، تخاب، رود گز، انجیرک، مهناز، گازر و غیره.

انجیل: درهٔ خواجه ملاکوهی (بابا عبدالله کوهی) در شمال ساق‌سلمان (اسحاق سلیمان) و درهٔ میر داوود، پیر سرخ و چکنده در جنوب گذره.



تصویر ۱ – ۳ . یکی از دره‌های چشت شریف

دشتها

دشتهای گشاد و پروسعت هرات بیشتر در مناطق غرب غوریان و اسفزار (شیندند) هم‌سرحد با کشور ایران و در شمال گلران هم مرز با ترکمنستان موقعیت دارند. دشتهای اسفزار (شیندند) و غوریان دارای نامهای محلی است که در زیر تذکر می یابد.

اسفزار (شیندند): دشت علی‌آباد، شخکمان، مندیل، کال سفید، ته گز، و مهناز در شمال میدان هوایی واقع در پشت کوه، دشت خواجه گنگ در سمت شرق؛ دشت قندی‌های دلدل، چاری گاو، شیخ کمال، فیشنجان، گلوگاه شور، چاه گز، چاه شور، چاه لیلا، کلاته نظر، خواجه صاحب و آتشان در غرب.

غوریان: دشت چاه صالح، میسره، گردنهٔ سرخ، حوض، نیلگون، گنک، گاودار، کیشماران، نمکسار، سیه کدو، چاه گز، رباط ترک و آتشان در غرب و جنوب‌غرب دشتهای غوریان در حصص جنوب‌شرق با دشتهای غربی ادرسکن پیوست می‌شود.

دشت یلان: در دامن کوه جنوبی هرات که همان جنوب گذره است، افتاده و از ابتدای دادشان و بیچقی تا پل اسفزاری و قریهٔ مرغاب تا انتهای کریم‌آباد و حسن‌آباد، از شرق و غرب امتداد دارد. گویند که در روزگاران قدیم به دامن این کوه جوی آبی جاری بوده است. طرف شرقی دشت متذکره تا شافلان نیز می‌رسد. در زمان رژیم محمد داوود در نظر بوده است که در مسیر جوی یحیی‌آباد، نهری بزرگ احداث شده و در مسیر جنوبی شافلان و گذره به جریان افتد.

دشت همدم‌آب: در شرق کهسان و شمال غوریان و زنده‌جان موقعیت دارد و شاهراه هرات ـ اسلام‌قلعه از جنوب آن می‌گذرد.

هوا دشتک: از دشتهای معروف و تاریخی هرات است که در پشت کوه گازرگاه و تخت صفر در جنوب شرقی ده شیخ و پروانه واقع است و دشت حوض در شمال پروانه موقعیت دارد.

دشت فیل‌بندان: در جنوب زنده‌جان، در پادامن کوه رباط پی قرار گرفته و در قدیم به آن صحرای فیل‌بندان می‌گفتند. در غرب زنده‌جان و شرق غوریان نیز صحراهای نسبتاً فراخی دامن گسترده است، که به طور آیشی تحت کشت‌اند. در میان این صحراها

مطبخ شداد قرار گرفته است. در سمت شرقی زنده‌جان نیز صحرای کم‌مساحتی افتاده که به نام دشت ترکه مشهور است.

غارهای مشهور

غار کروخ

در کوه جنوبی کروخ درهٔ قشنگی است که در انتهای آن غاری واقع شده و به غار کروخ مشهور است. در میان غار چشمه‌ای است که آب آن همواره از سقف غار چکیدن دارد و در قسمتی از غار ذخیره می‌شود. از بالای کوه غار می‌توان منظرهٔ عمومی وادی سرسبز کروخ را به تماشا نشست. در سمت راست غار مسجد کوچکی است که در آن کتیبه‌ای از دوران کرتها و کتیبه‌ای از عهد سلطان ابوسعید تیموری به یادگار مانده است. (← تصویر ۱ـ۴)



تصویر ۱ ـ ۴ . غار کروخ

غار هفتگله
در حصهٔ جنوب شرقی اوبه قرار دارد. طول غار زیاد و دهانهٔ آن تنگ است. لیکن پس از پیمودن مسافتی اندک، سطح غار فراخنای افزون و گشاد پیدا می‌کند و در آن ساحت شاخه‌های متعدد و کوچک و دره‌های چند پدیدار می‌شود که دارای آب جاری و گیاهان است. در حصص وسیع غار سقف آن بسیار بلند به نظر می‌آید. گویند که انسان هنگام سیاحت در شاخه‌های متعدد غار راه خود را گم می‌کند. به قول اهالی محلی تاکنون کسی آخر غار را ندیده است و این شاید به سبب کمبود آکسیجن باشد.

غار اسمایی
در کوه بقرچر کشک قرار گرفته و این منطقه در پهلوی غربی شاهراه هرات ـ تورغندی موقعیت دارد. به قول اهالی اطراف غار تاکنون کسی آخر غار را ندیده است. در قسمتهای آخر غار هواکم می‌شود و چراغهای نفتی (تیل خاک) در آن حصص خاموش می‌شود.

غار چهل دختر
در درهٔ رباط پی موقعیت دارد. اهالی دربارهٔ این غار افسانه‌ای دارند که می‌گویند: در زمانه‌های قدیم به شهر کهنسال فوشنج لشکریان مهاجمین یورش آورده بودند. در اثنای تهاجم بیگانگان، چهل دوشیزهٔ جوان به خاطر رهایی از چنگ یورشگران به درهٔ متذکره پناه برده و در آن شکاف طویل کوه ناپدید شدند. بدین سبب این غار را غار چهل دختر می‌گویند.

غار درویشان
این غار در ارتفاعات شمال شهر هرات در بین تخت صفر و سید عبدالله مختار واقع شده است. گویند که در عهد سلطنت شاهرخ میرزا این غار در کوه مذکور به دستور گوهرشاد بیگم احداث شده است. در سال ۱۳۷۳ خورشیدی غار یاد شده به دستور اسماعیل خان، والی وقت، ترمیم مجدد شد و بر آن ارتفاعات ساختمان قشنگ و

حوض آبیِ اعمار گشت. زمانی که از غار نام‌برده دیدن کردم چشمم به این رباعی مولانا عبدالرحمان جامی افتاد که بر تارک درِ غار نبشته بود:

ای داشـــته از ســـلطنت عـالم نـنگ ای آمـــده از جـفای ایـام بـه تـنگ
بیرون زده زیـن سرای فـانی اورنگ بر دامن کوه در برآورده [ز] سنگ[۱]

نقل کنند که در این غار، درویشان و صوفیان خلوت‌گزیده، بـه ریـاضت و چـله می‌نشسته‌اند.

□

در رشته کوههای ولایت هرات غارهای بیشتری وجود دارد که نام آنها به سـبب طولانی شدن بحث به تفصیل نیامده است. برای مثال تعدادی از آن را در زیر نام می‌برم: غار چشمه گلبانه، غار گوزآب، غار حاتم (پای ارتفاعات میدان کوه در بند بابا)، چله خانه، خداج، معدن، کبکان، غارهای کوه دوشاخ و غیره.

معلومات جیولوژیکی

این معلومات بر مبنای نقشه‌های زمین‌شناسی ترتیب شده و به طور فشرده در زیر ارائه می‌شود:

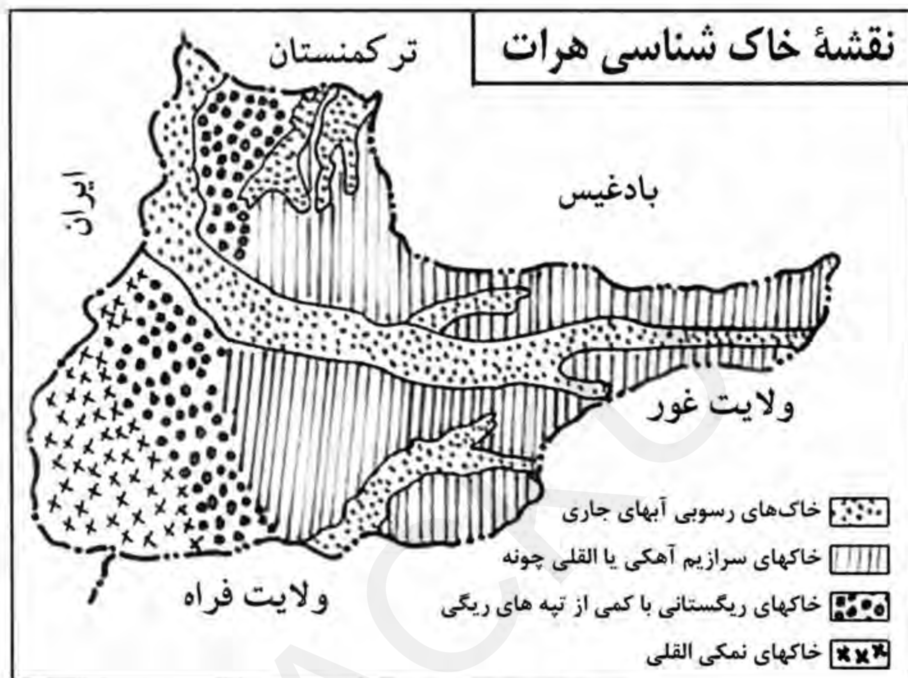
طبقه‌بندی خاکهای هرات

در سمت شمال و جنوب هرات خاکهای سیروزیوم با ترکیبات قـلیایی و خـاکـهای ریگستان با تپه‌های ریگیِ کمتر افتاده است. در قسمت شمال غربی خاکهای ریگستان با تپه‌های ریگی همراه با مساحتی خاکهای رسوبی و آبرفتگی و آبرفتگی رودخانه‌ای و در حصص جنوب غربی اول خاکهای ریگستان با تپه‌های ریگی، خاکهای رسوبی و آبرفتگی و در قسمتهای غربی، هم‌سرحد با ایران واقع در دشت غربی غوریان خاکهای

---

۱ . متن اصلی، «... در برآورده سنگ» است، ولی به اعتبار رعایت وزن شعر، شاید «... در برآورده ز سنگ» بوده است. (مؤلف)

نمکی و قلیایی دیده می‌شود. (← تصویر ۱ـ۵)



تصویر ۱ ـ ۵ . نقشهٔ خاک‌شناسی هرات

در ساحات مرکزی و در دو طرف مسیر هریرود که از چشت شریف، اوبه، شافلان (پشتون‌زرغون)، وسط انجیل و گذره، از شمال زنده‌جان و غوریان و غرب و جنوب کهسان عبور می‌کند، خاکهای رسوبی و آبرفتگی رودخانه‌ای گسترش پیداکرده است.[1]

اراضی از نگاه زمین‌شناسی

بیشتر اراضی هرات از شن، ماسه (قوم و سرمه‌ریگ) و خاکهای بادرفتی تشکیل شده است که در آن رگه‌های ماسه‌سنگ، سنگ آتشفشانی، سنگ آهک، مارل، ماسه‌سنگ قرمز، جوش سنگ و سنگ لوح و در گوشه شمال غربی هرات ماسه‌سنگ آتشفشانی و

۱. اطلس عمومی افغانستان، مؤسسهٔ جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، چاپ ایران، ص ۱۲ ـ ۱۵.

جوش سنگ آتشفشانی مشاهده می‌شود.

دربارهٔ احجار سلسله کوههای هرات در برخی متون دیگر چنین آمده است:

«دورهٔ پلیوسین: از همه بهتر احجار دورهٔ پلیوسین در حصهٔ تیرین هرات دیده می‌شود. سلسلهٔ هرات در اینجا عبارت از یک کتلهٔ ضخیم احجار است که از مارلهای ریگ‌دار سبز رنگ متشکل شده و در بین آن سنگهای ریگی متناوباً در میان طبقات مذکور جاگرفته است و بالای طبقات مارلهای سرخ‌رنگ و سنگهای ریگی واقع است. ضخامت عمومی این طبقات در حدود ۱۸۰۰ الی ۲۰۰۰ فوت است. سلسله هرات در قدامت و ساختمان خود با سلسلهٔ سیفالیک پیداوار شمال غربی پنجاب مطابقت می‌کند.»[۱]

در جایی دیگر می‌خوانیم: «در حوزهٔ هریرود به صورت پراکنده قطعات کوچک از ساختمانهای عصر نیوجن در شمال سفیدکوه و جریان علیای هریرود وجود دارد.»[۲]

آب و هوا

هرات دارای آب و هوای معتدله است، به طوری که هوای آن در فصول چهارگانه متفاوت است. برای تعیین آب و هوای هرات لازم است تا موقعیت اقلیمی آن را پیدا کنیم. «هرات در منطقهٔ استپ شمالی موقعیت دارد و مناطق که دارای اقلیم استپ‌اند، آب و هوای آن اوصاف برّی داشته و اختلاف حرارت شبانه روزی از ۲۰ درجه تجاوز نمی‌کند، لیکن در طول سال این تغییرات به ۳۰ و ۳۵ درجهٔ سانتی‌گرید بالا می‌رود.

استپ عموماً در حاشیه و یا مجاورت اقلیم صحرایی موقعیت دارد و در حقیقت منطقهٔ استپ داخل حدود صحرایی جا می‌گیرد. در این مناطق بارندگی عموماً در موسوم زمستان بوده و مقدار باران سالانه بین ۲۵۰ و ۳۰۰ میلی‌متر است. مناطق یاد شده اکثراً علفزار بوده و در آن بته‌های پست‌قامت و در بعضی جاها نیزارهای وسیع دیده می‌شود که از حیث تربیهٔ حیوانات مساعد است.»[۳]

---

۱. دایرةالمعارف آریانا، جلد سوم، ص ۲۸۱.
۲. جغرافیای طبیعی افغانستان، سال ۱۳۶۰.
۳. اقلیم افغانستان، ص ۵۹.

چهار فصل بهار، تابستان، خزان و زمستان هرات مشخص بوده و رژیم بارندگی در فصل زمستان و اوایل بهار است و برفباری در فصل زمستان است. به طور متوسط بلندترین میزان بارندگی سالانه را می‌توان ۲۸۰ میلی‌متر و کمترین آن را ۱۳۰ میلی‌متر تخمین کرد. قابل گفتن است که در اثر تغییر آب و هوای کرهٔ زمین و گرمایش روزافزون آن به سبب مصرف فزایندهٔ مواد سوخت فسیلی توسط کشورهای پیشرفته، از میزان برف و باران در ولایت هرات کاسته شده است.

آب و هوای هرات در طول سال تنوع بسیار دارد و آب و هوای مناطق مختلف این ولایت نیز در یک زمان معین تفاوت می‌کند، به قسمی که در بعضی نقاط آن آب و هوای کوهستانی، صحرایی و نیمه‌صحرایی نیز دیده می‌شود و حوزهٔ وسطی به خصوص شهر هرات در جریان سال آب و هوای معتدل دارد.[1] به طور مثال حاکم‌نشین کوشک و کروخ تابستان معتدل و زمستان سرد دارند. تابستان چشت شریف معتدل و زمستان آن به سبب وجود دیوارهای کوهی، سردی بسیار ندارد. حاکم‌نشین غوریان تابستان گرم و سوزان و زمستان سرد دارد. در حاکم‌نشین اسفزار تفاوت میان درجهٔ حرارت روز و شب در فصل تابستان زیاد است و صبحدم تابستانها، برخلاف چاشت سوزان آن خنکی مطبوعی دارد. ناگفته نباید گذاشت که بادهای ۱۲۰ روزهٔ هرات از شدت گرمای تابستان می‌کاهد که اگر گرد و خاک نباشد، هوا را خوشگوار سازد.

بهار هرات در واقع از ۱۵ حوت شروع شده، تا برج جوزا هوا اعتدال دارد و حرارت میانگین اعظمی در بهار در حدود ۲۹ درجه سانتی‌گراد و اصغری ۱۶ درجه تخمین می‌شود. از اوایل برج جوزا گرمی تموز رو به افزایش می‌نهد و حرارت وسطی اعظمی در تابستان ۳۵ درجه سانتی‌گرید و اصغری ۱۹ درجه سنجش شده می‌تواند. در ماه میزان و عقرب وضع آب و هوا به حال اعتدال می‌رسد و حرارت متوسط اعظمی در فصل خزان ۲۰ درجه و اصغری ۸ درجه برآورد می‌شود. در اوایل برج قوس سرمای زمستان سیر صعودی به خود می‌گیرد و حرارت اوسط اعظمی ۱۶ درجه و اصغری صفر درجه و یا زیر صفر تخمین می‌شود. البته گاهی حرارت در زمستان تا ۲۰ درجه زیر صفر و در تابستان تا ۴۵ درجه بالای صفر نیز می‌رسد. همچنان به قول قدیمیها نباید

---

۱. اطلس محلات افغانستان... ص ۲.

نیش‌زدن‌های گهگاه برج عقرب را فراموش کرد و از وزش نسیم ملایم ماه سنبله غافل بود.

چله کلان و چله خرد

اهالی بومی هرات اوقات سردی زمستان را به نام چله کلان و چله خرد یاد می‌کنند. اوج خنکی در چله کلان است و میزان برف‌باری و خشکه خنکی در این ۴۰ روز است. چله کلان از اول برج جدی شروع و به دهم دلو ختم می‌شود و چله خرد به ۲۰ روز آخر دلو اطلاق می‌شود.

شش‌های نوروز

در موسم بهار، آب و هوای هرات نوسان فراوان دارد و گاهی اوقات شدت سردی هوا به اندازه‌ای می‌رسد که به باغها و فالیزها مضر تمام می‌شود. مردم محلی به این تغییرات آب و هوا شش‌های نوروزی گویند که به باور آنها در روزهای ۶، ۱۶، ۲۶، ۳۶، ۴۶، ۵۶، ۶۶ یعنی در دو ماه اول بهار بروز می‌کند.

شام هرات

هرات دارای شام بسیار زیبا و جالبی است. خورشید جهان‌تاب در هنگام غروب در وادی گشاد هری آن‌گونه تابلو جالب طبیعی می‌سازد که چشم از تماشای آن غرق در لذت و نشاط می‌شود. این منظرهٔ تماشایی بیشتر در فصل بهار که با بوی خوش گل و گیاه هم‌آغوش است، جلوه گری می‌کند. اما غروب هرات از فراز پل مالان جلوهٔ دیگری دارد. دربارهٔ شام هرات یکی از شعرای پیشین چنین سروده است:

نماز دیگر مرو و نماز شام هرات — علی‌الصباح نشابور و خفتن بغداد

بادهای صد و بیست روزه

بادهای متذکره از مهم‌ترین بادهای منطقه‌ای محسوب شده و تأثیر آن در خارج از کشور در ترکمنستان و بلوچستان نیز محسوس است. بادهای ۱۲۰ روزه بالای آب و هوای هرات تأثیر زیادی نهاده و هوا را در تموزِ داغ، ملایم می‌سازد.

دربارهٔ منشاء و علل وزش بادهای یاد شده در کتب مختلفه چنین آمده است: «مبدأ وزش باد مزبور پامیر است که نخست در سرحد ایران و افغانستان ظاهر می‌شود و سریع ترین جریان آن در سیستان است. همین باد در فروردین ۱۲۸۴ با سرعت دقیقه‌ای ۶۲۱۸ متر می‌وزیده است که به عقیدهٔ بعضی علما سرعت همین باد علت اختراع آسیای بادی در ایران [و افغانستان] شده است.[1]

در دایرةالمعارف آریانا در این باره می‌خوانیم: «بادهای ۱۲۰ روزهٔ حوزهٔ غربی افغانستان به اصطلاح اهالی هرات و فراه از بادغیسات (بادخیزات) یعنی سرزمینهای شمال درهٔ هریرود می‌وزد، ولی در حقیقت از مناطق خیلی بعید سرحدات شمالی ما منشأ گرفته و به جانب خلیج فارس و بحیرهٔ عمان سیر می‌کند. این بادها نه تنها بر اقلیم مناطق غربی ما تأثیر بزرگی دارد، بلکه بزرگ‌ترین عامل ائتکال یعنی عامل تغییر و تبدیل سطح اراضی محسوب می‌شود.»[2]

استاد غلام جیلانی عارض در این مورد چنین نگاشته است: «فیروزکوه، پاروپامیزوس، کاسه‌مرغ و سیه‌کوه در ایام تابستان محیط نسبتاً سرد را تشکیل داده و حوزهٔ هرات محیط گرم و فشار پست را بار می‌آورد. روی این علت است که در اثر اختلاف این مراکز فشار هوا، بادهای ۱۲۰ روزه در هرات به وجود می‌آید. اوسط فشار در ماه جولای ۹۰۵/۲۶ میلی بار و حداکثر سرعت باد ۴۰ نات و حد اوسط در ۱۲ ماه ۸ نات است.»[3]

وزش بادهای ۱۲۰ روزهٔ هرات از ۱۵ جوزا تا ۱۵ برج میزان ادامه دارد و سرعت آن از ۱۷۷ کیلومتر در ساعت نیز تجاوز می‌کند.[4] اهالی هرات از باستان‌زمانه‌ها طرز استفاده از بادهای یاد شده را بلد بوده و به نیروی آن آسیاهای بادی را به گردش می‌انداخته‌اند و در گرمی تموز آن را از طریق بادگیرهای مناسب به درون اتاقهای خود رهنمایی می‌کرده‌اند؛ چنان‌که حافظ ابرو در قرن نهم هجری می‌نویسد: «باد شمال مخصوص هری است. در اول فصل تابستان به وقتی که باد مرغوب و مطلوب باشد البته وزیدن گیرد و از طرف شمال باشد، چنانچه بادگیرهای عمارات از این یک طرف بیش،

---

۱. جغرافیای طبیعی ایران، ص ۴۴.
۲. دایرةالمعارف آریانا، ج سوم، ص ۲۸۷.
۳. اقلیم افغانستان، ص ۳۰ ـ ۳۱.
۴. کتاب جهان اسلام، بخش افغانستان، جلد اول، ص ۶۸.

نمی‌گشایند.»[1] (← تصویر ۱ـ۶)



تصویر ۱ - ۶ . نمونه‌ای از بادگیرهای منازل در هرات

یادداشت

در ماه جدی ۱۳۸۶ و در دل چله کلان، پس از سالهای متواتر خشکسالی، موج وسیع هوای سرد و برف سنگین ـکه در بعضی حصص ارتفاع برف به یک و نیم متر رسیده و دمای هوا تا ۲۵ الی ۳۰ درجه سانتی‌گرید زیر صفر پایین رفته بود ـ مردم هرات را سخت غافلگیر کرد. در اثر سردی هوا و نبود امکانات بیش از چند صد نفر در هرات جان باختند و ده‌ها هزار رأس دام (مواشی) تلف شدند. همچنان به زراعت و باغداری هرات نیز خسارات وافری وارد شد. به طور مثال درختان انجیر و انار را سرمای شدید خشک کرد.

تجارب نشان داده است که سردی زمستان و گرمی تابستان هرات گاهی غیرقابل

---

۱ . جغرافیای حافظ ابرو، ص ۱۲.

انتظار است. تغییر آب و هوای کرهٔ زمین از یک طرف و عدم موجودیت امکانات و وسایل رفاهی و تکنولوژی پیشرفته از طرف دیگر اهالی این ولایت را بسی آسیب‌پذیر کرده است.

در تابستان سال ۱۳۸۷ موج وسیعی از گرد و خاک، گاهی آسمان هرات را تیره و تار می‌کرد و بر سر مردم خاک می‌بارید. این شاید به سبب تغییر آب و هوا در اثر گرمایش زمین، تخریب فضای سبز و گیاهان دشتهای هرات و اطراف و خشکسالی های متواتر به وجود آید. این توفان گرد و خاک از سمت جنوب، از حوزهٔ فراه و بلوچستان ایران و از جانب شمال از حوزهٔ کشکین و از دشتهای ترکمنستان وارد هرات می‌شود که اگر برای آن راه حل ممکن پیدا نشود ممکن است عواقب خطرناکی داشته باشد. یکی از راههای ممکن، توسعهٔ فضای سبز و جلوگیری از تخریب علفچرها و لغ‌شدن دشتهای اطراف هرات می‌تواند باشد.

منابع آب

هرات از نگاه داشتن آبهای جاری و آبهای تحت‌الارضی غنی است. مساحت قابل ملاحظه‌ای از زمینهای زراعتی هرات توسط آب رودخانه‌ها و جویهای کشیده شده از آن، آبیاری می‌شود. پس از آبهای جاری، آبهای زیرزمینی یعنی کاریزها، چشمه‌ساران، چاههای دستی و نیمه عمیق قابل یادآوری است.

رودها

رودباران هرات از روزگاران بسیار قدیم در این خطهٔ باستان جریان داشته و به‌سان شاهرگهای حیات بخش، جسم فیاض این ولایت را تر و تازه نگه‌داشته‌اند، که هریرود به عنوان شاهرگ اصلی شایان توصیف افزون است.

هنگام آبخیزی رودهای خرد و بزرگ هرات، در هنگام بارانهای زمستانی و بیشتر در موسم بهار است؛ زمانی که برفهای کوهساران آب شده و بارشهای زمستانی و بهاری شدت می‌یابد. هرگاه با استفاده از تخنیک پیشرفته و جدید سیلابهای بهاری این رودها

مهار شده و در مسیر آبهای جاری رودخانه‌ای بندهای آبی مناسب احداث شود، بی‌شک ظرفیت آبهای متذکره در فصل تابستان افزایش چشم‌گیر پیدا می‌کند و میدانهای زراعتی ولایت هرات توسعه افزون می‌یابند. از آبهای جاری هرات، برای تولید انرژی برق و به کار انداختن توربینهای برق نیز می‌توان استفادهٔ مطلوب کرد.

هریرود

هریرود، تاریخی بس دراز دارد و از باستان زمانه‌ها سواحل پُر برکت این رود زیستگاه آدمیزادگان بوده و از آب شیرین و گوارای آن برای آشامیدن و مشروب‌سازی اراضی زراعتی استفاده می‌کرده‌اند.

ابتدا دو شاخهٔ لعل و سرجنگل که در واقع هریرود را تشکیل می‌دهند، در ارتفاع تقریباً ۴۰۰۰ متر، از دامنهٔ غربی کوه بابا سرچشمه می‌گیرند. بعد از به هم پیوستن این دو شاخه در نزدیکی قریهٔ دولت‌یار، رود هری در میان سلسله مرتفع سیاه‌کوه و سفیدکوه که از شمال و جنوب مانند دیوار بزرگی دره را در آغوش گرفته است، جریان



تصویر ۱ - ۷. هریرود درآغوش سفیدکوه و سیاه‌کوه در تنگنای بند سلمه

یافته و به جانب غرب سیر می‌کند (← تصویر ۱ـ۷). رود تگاو یکی از بزرگ‌ترین معاونین هریرود است که تقریباً به درازنای دو صد کیلومتر به کنار چپ هریرود به طور موازی جریان داشته و سپس در غرب حاکم‌نشین اوبه به رود هری می‌ریزد.

بعد از اوبه هریرود موقتاً خط مستقیم (شرق به غرب) را رها کرده و خمیدگی‌ای را که سلسله جبال در این ناحیه تشکیل داده است تعقیب می‌کند، ولی پیش از رسیدن به قریهٔ بوریاباف از یک سو پهنای بستر رود بیشتر می‌شود و از سوی دیگر خط سیر رود دوباره به موازی خطوط عرض‌البلد یعنی شرق به غرب امتداد می‌یابد. در حقیقت هریرود پس از گذشتن از تنگنای اوبه به وادی بزرگ و سرسبز هرات وارد شده و شکل رود مهم و نسبتاً آرامی را به خود می‌گیرد.

هرگاه به تاریخ پُر درازنای هری نظر افکنیم، درخواهیم یافت که شهرت تاریخی و زراعتی هرات مرهون همین رود است و از جانب دیگر هرات بارها در طول تاریخ خراب شده است و باز سبب آبادی و احیای مجدد آن همین موقعیت مهم جغرافیایی و زرخیزی وادی آن بوده است.

توسعهٔ درهٔ هریرود در وادی هرات از یک طرف به سبب از بین رفتن بعضی شعبات سفیدکوه و سیاه‌کوه است که قبلاً دره را از نزدیک احاطه کرده بودند و از جانب دیگر به سرعت و قوت عمل انتکال در این ناحیه مربوط است که از احجار نسبتاً نرم یعنی سنگ ریگی و جوش‌سنگ تشکیل یافته است.

هریرود در قسمت علیای خود و یا در آغازگاه دارای سرعت و سرنشیبی زیاد است، چنان‌که از منبع خود تا ساحت اوبه متجاوز از ۲۵۰۰ متر از ارتفاع خود می‌کاهد و در اوبه ارتفاع آن به ۱۲۶۸ متر می‌رسد. در وادی هرات و دشتهای غوریان سرعت آن بسیار کم شده و خم و پیچها و جزیره‌های کوچکی در مسیر آن تشکیل می‌شود و زمانی که از شمال غوریان می‌گذرد خط سیر این رود به سوی شمال‌غرب امتداد یافته و در میان دشتهای ریگی و سنگچلزار غوریان جریان می‌یابد. هریرود در منطقهٔ کهسان از سطح بحر در حدود ۷۴۰ متر ارتفاع دارد. دره‌ای که رود، بستر و یا آخرین مسیر خود را در آن ساخته است، چند کیلومتر عرض دارد و این عرض همچنان در منطقهٔ زنده‌جان نیز زیاد است.

خط سیر هریرود از شمال غوریان تا اسلام‌قلعه در مربوطات کهسان به جانب

شمال‌غرب است، لیکن پس از آن یکبارگی جانب شمال را گرفته و به سوی اراضی پست و ریگی ترکمنستان سرازیر می‌شود. در قریهٔ دهنه ذوالفقار از مربوطات حاکم‌نشین گلران هرات که ارتفاع رود از سطح بحر ۵۰۰ متر است، مسیر رود مزبور خط سرحدی و مرز سیاسی بین افغانستان و ایران را تشکیل می‌دهد. در ساحه تقریباً ۱۵۰ الی ۱۷۰ کیلومتر که از منطقهٔ کهسان تا دهنهٔ ذوالفقار را در برمی‌گیرد مجرای رود از نگاه توپوگرافی و طبقات‌الارضی در اراضی بسیار مختلف و متنوع به وجود آمده است.

درّهٔ هریرود عبارت از تنگه‌های عمیقی است که در احجار آهکی عهد دوم و سوم طبقات‌الارض حفر شده و هنگامی ترتیب یافته است که دریا به داخل موادی که در قعر جهیل‌های اوایل عهد چهارم طبقات‌الارضی تەنشین شده است. در حقیقت درهٔ هریرود در بین کهسان و دهنهٔ ذوالفقار و حتی بعد از آن هم عبارت از چندین تنگنا و حوزه است.

در حصهٔ پیش‌برآمدگی شعبات سیاه‌بوبک، قره‌باغ و بکتال‌کوه درهٔ مذکور شکل تنگنا به خود گرفته و بعد از آن فراخ و پهناور شده است. همچنین در این ارتباط می‌توان از حوزهٔ بنیاد خان، حوزهٔ جم، حوزهٔ زورآباد، تنگنای کمان بهشت، تنگنای ذوالفقار و غیره یادآوری کرد.

پس از دهنهٔ ذوالفقار که در گوشهٔ شمال غربی خاک افغانستان واقع است، راه عبور هریرود به جانب شمال باز شده و این رود به نام «تجن» یاد می‌شود. در این امتداد، رود مزبور خط مرزی بین ایران و ترکمنستان را تشکیل داده و از پل خاتون می‌گذرد و در ساحت سرخس ترکمنستان و ایران جریان می‌یابد تا بالاخره در منطقهٔ دلتای امروزهٔ خود، به شمال تجن در ریگزارهای ترکمنستان ناپدید می‌شود.[1]

در ***جغرافیهٔ طبیعی افغانستان***، جلد اول ***دایرةالمعارف آریانا*** و ***اطلس عمومی افغانستان*** در مورد هریرود معلوماتی ارائه شده است که نگارش آن خالی از لطف نخواهد بود.

حوزهٔ آبگیر هریرود ۳۹۳۰۰ کیلومتر مربع برآورد شده است و مقدار آب آن در

---

۱. دایرةالمعارف آریانا، جلد سوم، ص ۲۷۴.

حصص مختلف فرق می‌کند. به طور مثال مقدار آب در حصهٔ اوبه به طور متوسط ۹۸۵ متر مکعب در ثانیه بوده و لیکن در منطقهٔ غوریان خیلی کاهش پیدا می‌کند. در ناحیه هزارسم مقدار آب ۲۵۰ متر مکعب درثانیه، در سلما ۳۵۰، در ماروا ۴۵۰، در تنگی ازاب ۶۰ و در تنگی شاه ۱۲۰ تخمین شده است. حد اصغر مقدار آب در تابستان در ماروا به ۱۲ متر مکعب در ثانیه، در تنگی شاه ۳ متر مکعب در ثانیه و در سلما به ۹ متر مکعب در ثانیه کاهش می یابد.

مقدار مواد رسوبی که هریرود در هنگام آبخیزی بهاری با خود انتقال می‌دهد به سبب ارتفاع و سراشیبی بستر رود زیاد است و گاهی به هشت الی ده کیلوگرم مواد در یک متر مکعب آب می‌رسد که از ریگهای میده و ذرات خاک تشکیل شده و همراه با آب انتقال داده می‌شود.

طول هریرود ۸۵۰ کیلومتر سنجش شده که در حدود ۵۰۰ کیلومتر میدانهای زراعتی هرات را آبیاری می‌کند. این رود در واقع از جمله رودهای بزرگ حوزهٔ آمو محسوب شده که در بین سفیدکوه و سیاه‌کوه از شرق به غرب جریان دارد، به طوری که از منبع الی کهسان هری تقریباً ۵۶۰ کیلومتر فاصله را موازی با سفیدکوه و سیاه‌کوه می‌پیماید و از منطقهٔ کهسان به بعد رود مذکور استقامت شمال را گرفته و در حدود ۹۵ کیلومتر فاصله را تا دهنهٔ ذوالفقار طی می‌کند.

هریرود از نگاه اقتصادی و زراعتی دارای اهمیت فراوان است. یکی از خصوصیات خوب این رود این است که هر دو طرف خود را آب می‌دهد و در وادی هرات در دو سوی این رود، جویهای زیادی برای آبیاری زمینهای زراعتی کشیده شده است.

در درازنای تاریخ، از آب هریرود که در جوی‌های متعدد جاری بوده‌است برای به حرکت انداختن آسیاهای آبی و شالیخانه‌های آبی استفاده می‌شده است. در حال حاضر از هریرود می توان برای تولید برق نیز استفاده مؤثر کرد و در مسیر آن بخصوص در قسمت علیا آن که سرعت آب زیاد است، بندهای آب و برق احداث کرد؛ چنان‌که کار احداث بند آب و برق سلما در دورهٔ داوودخان آغاز شده بود ولیکن در جریان جنگ، کار پروژهٔ یاد شده تعطیل شد و تجهیزات بند به غارت رفت.

هریرود علاوه بر ارزش اقتصادی، دارای ارزش سیاسی نیز است، زیرا در حصصی مرز سیاسی بین افغانستان و ایران، و ایران و ترکمنستان را تشکیل می‌دهد.

موقع آبخیزی و سیلابهای تند هریرود در فصل بهار است، زیرا برفهای کوه بـابا و منبع رود آب شده و آب بسیاری در بستر رود به جریان می‌افتد. در این موقع امواج تند و شتابان رود مقدار زیادی از خاک و میده‌ریگ را برداشته و به خارج کشور سرازیر می‌سازد و به این ترتیب ورقهٔ مفید اراضی را تخریب می‌کند.

هریرود در موسم آبخیزی همه‌ساله دو سوی مسیر خود را تخریب می‌کند و از این ناحیه به زمینهای زراعتی دِه‌های دو لب رود خسارات زیـادی وارد مـی‌شود. بـرای جلوگیری از آن لازم است تا اراضی دو کنار رود در حصص هموار توسط درخت‌کاری و یا طرق فنی دیگر تثبیت شود. همچنان با احداث بندها، ذخـیره‌گـاهها و سـدهای آبگردان هم می‌توان جریان آب را مهار کرد و از ضایع شدن آبهای بهاری تا حـدود ممکن جلوگیری کرده و میزان بهره‌برداری از آب هریرود را برای کشت و زراعت بـه طور چشمگیر و قابل‌ملاحظه‌ای بالا برد.

رود ادرسکن

از حصص غربی سیاه‌کوه وارتفاعات ۳۰۰۰ متری در تولک و فرسی سرچشمه گرفته و دارای دو شاخهٔ عمده است که یک شاخهٔ آن از درهٔ هنوت و شاخهٔ دیگر از دوزخ درهٔ فرسی آب می‌گیرد. اهالی محل به شاخهٔ اول رود اولنگ‌ویش و به شاخهٔ دوم رود گز می‌گویند. این دو شاخه در حصهٔ دو رود ادرسکن با هم یکجا می‌شوند.[1]

رود متذکره از سمت شرق به جانب غرب جریان داشته و پس از عبور از خـاک ادرسکن وارد قلمرو اسفزار (شیندند) می‌شود. در محدودهٔ اسفزار مسیر رود تغییر کرده و از غرب و جنوب‌غرب اسفزار گذشته و در ساحهٔ فراه با دریاچهٔ کـوچک انـار دره یکجا می‌شود و در شمال هامون صابری می‌ریزد. «حوزهٔ آبگیر ادرسکن ۲۲۰۰ کیلومتر مربع بوده و طول آن از منبع الی مصب تقریباً ۴۰۰ کیلومتر است.»[2]

از رود یاد شده در اراضی ادرسکن، بـه خـصوص در سـاحهٔ اسـفزار جـوی‌های متعددی جدا شده که کشتزاران مربوطه را مشروب می‌سازند. همچنین امکان احداث بند آبی بالای رود مذکور نیز وجود دارد.

---

۱. رود ادرسکن به نام «آزوهاروت» نیز یاد شده است.

۲. جغرافیای طبیعی افغانستان، ص ۶۵.

رود کروخ

یک شاخهٔ این رود از کوه دیواندر از حصهٔ بند یخک و شاخهٔ دیگر از سلسلهٔ کوه بند بابا منبع گرفته و این دو پس از طی چند میل مسیر به صورت جداگانه، یکی می‌شود و وادی زیبای کروخ را آبیاری می‌کند. «طول رود کروخ ۹۵ کیلومتر و حوزهٔ آبگیر آن ۱۷۲۰ کیلومتر مربع سنجش شده است.»[1]

رود مذکور در ساحهٔ انجیل یعنی سمت شمال شرقی مرکز شهر هرات به شعبات تقسیم شده و به نامهای نهر سلطانی و جوی نو یاد می‌شود. پایین‌آب رود نامبرده در پاشتان و پلپیری به سوی جنوب جریان پیدا کرده و در منطقهٔ گلوشتر بـه رود هـری وصل می‌شود.

رود کبکان (کوگان)

آب آن از ارتفاعات سیاه‌کوه در فرسی، تولک، تگاب اشنان، شهرک، بقند، هفت گله و لرک تأمین شده و از سمت جنوب شرقی وارد شافلان می‌شود. در کتب از آن به نام رود تگاب یاد شده است. کبکان در موسوم بهار آب فراوان دارد که آب آن در حصهٔ دو آب شافلان به هریرود می‌ریزد. درازنای این رود ۲۰ الی ۲۶۰ کیلومتر برآورد شده و حوزهٔ آب‌گیر آن ۷۸۲۰ کیلومتر مربع است. از رود کبکان جوهای متعددی جـدا شـده کـه زمینهای زراعتی سمت جنوبی شافلان را سیراب می‌کند. در اواخر سلطنت محمد ظاهر در قسمت تنگهٔ گلواز آب رود کبکان مطالعات و تحقیقاتی جهت احداث بند بزرگ آب و برق انجام شده بود، که پلان مذکور عملی نشد.

رود کُشک (کوشک)

از درهٔ جبال و گله‌چغر سرازیر شده و در مسیر راه رود رباط‌سنگی و رود یکه‌درخت به آن یکجا می‌شود و پس از مشروب‌کردن بعضی مناطق کوشک به خاک تـرکمنستان می‌پیوندد.

---

۱. جغرافیای طبیعی افغانستان، ص ۵۳.

رودهای کوچک بهار آب

رودهای کوچک گلران: در منطقهٔ گلران شیله آبهای بهاری بسیاری از رشته کوههای آن در موسم بهار به سوی دامنه‌ها و سطوح نسبتاً هموار سرازیر شده، رودهای کوچکی را تشکیل می‌دهند، مانند رود افضل که از سمت شرق به سوی غرب جـریان دارد؛ رود غشوری از جنوب به جانب شمال و رود قاشقی که به سمت شمال امتداد یافته و بـه خاک ترکمنستان می‌پیوندد. رودهـای بـهارآب سـرکوتل، کـاریزک، شـور، گـلران، غزل‌بولاغ و طوطچی نیز قابل گفتن است. رودهای افضل، قاشقی، قره‌باغ و گلران با هم یکجا شده و در حصهٔ سیاه خوال به خاک ترکمنستان سرازیر می‌شود.

کُشک: در منطقه کشک علاوه بر رود کشک تعدادی رود خرد و کوچک نیز وجود دارد، که بیشتر در موسم بهار آب دارند.

رود رباط‌سنگی: از چشمه‌زاران رباط‌سنگی و میر زارک حادث شده و پس آبیاری بعضی مناطق رباط‌سنگی در حصه چهل دختران به رود کشک می‌ریزد.

رود یکه درخت: از قره‌غیتو آغاز و بعد از مشروب کردن حصص یکـه‌درخت، در ساحت شهر خلیل به رود کشکی می‌پیوندد.

رود خواجه جیر: در جنوب شرقی رباط‌سنگی، میان کشک و کروخ قـرار گـرفته است.

رود چهار اولنگ: از شاخهٔ کوه بابا سرچشمه گرفته و از غرب آسیا بادک، کجکان و کشک مالکی‌ها عبور و در قسمت دهنهٔ نبی‌خان به رود خوش‌رباط می‌ریزد.

رود خواجه قاسم: از شاخه سفیدکوه منبع گرفته و پس از گذشتن از غرب خواجه گلبید، دشت چاه زادی و چاه شور در قسمت شمالی کشک جریان می‌یابد، که از آب آن استفادهٔ چندانی صورت گرفته نمی‌تواند.

کروخ: دارای چند رود است که عمده‌ترین آن رود کروخ است که دربارهٔ این رود در فوق توضیحات مفصلی ارائه شد.

رود درخت توت: در شمال‌غرب کروخ بین قریه‌های علی سـیروانـی، انـجیرک و ساخری جریان داشته که فصل آبخیزی آن در فصل بهار است.

رود معلومه: در جنوب شرقی کروخ جریان دارد، که در موسم بهار آب می‌کند.

رود سیاه‌آب: در بین ده مغل و شیرمست موقعیت دارد.

رود آبشیر: در حصص قریهٔ آبسیر (آبشیر) و کاریز یکه جاری است و بهار آب دارد.

شیندند (اسفزار): رود شاداب اسفزار همان رود ادرسکن است که اراضی ادرسکن و اسفزار را سیراب می‌سازد. در پهلوی رود متذکره تعدادی رودهای کوچک بهار آب نیز جریان دارند.

رود ری تولو: از کوه ری تولو واقع در جنوب‌شرق اسفزار سرچشمه گرفته و در بهار آب کافی دارد. آب تابستانی این رود از چشمه خیزهای اطراف رود حاصل شده و تعدادی از قریه‌های پیرامون خود را آبیاری می‌کند.

رود کوه‌باغ: از شاخهٔ کوه‌باغ منبع گرفته و در تابستان آب آن بسیار کم می‌شود. از آب این رود زیادتر مالداران کوچی استفاده می‌کنند. رودهای کوچک زئیچ، تخته ری، پوناوک، نظرک و کتاران نیز در خور یادآوری است.

ادرسکن: از کوه و دره‌های ادرسکن شیله آبهای زیادی به رود ادرسکن سرازیر می‌شود که در بعضی ناوه‌های (نواحی) منطقهٔ متذکره رودهای کوچک تری را تشکیل می‌دهند، مانند:

۱ ـ رود کروچه از درهٔ درغن و درّهٔ گذر آدم سرچشمه گرفته و پس از مشروب کردن ناحیتِ کروچه در حصهٔ تندبید به رود ادرسکن می‌ریزد.

۲ ـ رود گز از دوزخ‌دره و پای حصار فرسی سرچشمه گرفته، از سمت شرق به جانب غرب جریان می‌یابد و از ناحیهٔ رود گز عبور می‌کند و در قسمت مرکز حکومتی (بازار) ادرسکن به رود ادرسکن می‌ریزد.

رود قارن: در پوزه کوه سید عبدالله مختار در شمال‌غرب شهر هرات از مربوطات انجیل واقع است. در بهار و زمستان آب از رشته کوه‌های آن ناحیه به دهنهٔ دو برادران سرازیر شده و رود متذکره به وجود می‌آید، که پایین آب آن به کار بار (کارتبار سابق) می‌ریزد.

رود خوش‌رباط (سنجاو): از کوه اینبک در شمال‌غرب کشک، کوه کیتو، بند مارپیچ و بند آرداوهٔ کوه بابا در غوش‌رباط (خوش‌رباط) و بند خواجه قاسم سرچشمه گرفته و

از شرق قریهٔ سنجور و قلعه چغر به هریرود وصل می‌شود. قابل یادآوری است که در حصص جنوب‌غرب ده شیخ و پروانه، شیله آبهای متعددی با هم اجتماع کـرده و در منطقهٔ کمرکلاغ در تنگنای کوهی به نام پوزه‌باد برده قرار می‌گیرند و در آنـجا امکـان احداث بند آبی مناسب وجود دارد.

گویند که قبل از اسلام در منطقهٔ دو برادران بندآبی وجود داشته که به نام بند قارن مشهور بوده است. همچنین آبریزهای بهاری رود پهره، مـیرداود و رود پـیر سـرخ از جانب جنوب به هریرود می‌ریزند.

جویها (نهرها)

در خطهٔ وسیع هرات جویباران زیادی جریان دارد که کشتزاران آن را سیراب می‌کند. فن جوی‌کشی و نهرسازی در این ولایت باستانی سابقهٔ بس دراز دارد و اکثر جوی‌های بزرگ هرات تاریخ بسیار طولانی دارند؛ چنان‌که اسطخری در میانهٔ قرن چهارم ه. ق از نهر برخوی، نهر بارست، نهر آذریجان (آلنجان)، نهر سکوکان، نهر کمبراغ، نهر غوسمان، نهر کنک، نهر سبقر، و نهر انجیر یاد می‌کند[1] و ابن حوقل در **صورت‌الارض** می‌نگارد: «نهر یارست که روستای گواسان (گواشان)، سیاوشان، مالن، تیزان و... را سیراب می‌کند. نهر برخوی که روستای سنداسنگ (سبیداسند) را مـشروب مـی‌سازد. نهـر آذریجـان (آلنـجان) روستای سوسان، نهر شکوکان روستای مشغله، نهر کـراغ (کـمبراغ) روسـتای کـوکان، نهـر غوسجان روستای کوک، نهر کبک (کنک) روستای غوتان (غوبان)، کربکر و نهر سغر (سقر) که روستای سوخین (سوخیز) واقع بوشنج و نهر انجیر (انجیل) که شهر هرات و باغهای پیوسته بدان را که در راه سینان به اندازهٔ یک منزل واقع است آبیاری می‌کند.»[2]

دربارهٔ شبکهٔ آبیاری پارینه هرات، رضا مایل هروی در مقدمهٔ رسالهٔ **طریق قسمت آب قلب** می‌نویسد: «کتاب اول آب‌بخش را در هرات مولانا نظام‌الدین شهید به سال ۷۳۷ تدوین کرده است. همچنین گویند که در عهد تیموریان نیز اصلاحات خوبی در زمینهٔ سیستم

---

۱. مسالک و ممالک، ص ۲۱۰.
۲. صورت‌الارض، ۱۷۳.

آبیاری هری به میان آمده که در برخی آثار به حکمت و کاردانی مولانا عبدالرحمان جامی اشارت شده است.»

به هرحال رسالهٔ *طریق قسمت آب* از قاسم بن یوسف ابونصری هروی تألیف سدهٔ دهم هجری بهترین منبع موثق در حصهٔ شیوهٔ آبیاری و آب‌بخشی پیشین هرات است. در این رساله دربارهٔ گونهٔ تقسیم آب، شعری نگارش یافته که نقل آن در اینجا خالی از لطف نخواهد بود.

بستن قلب هژده خانه شناس — سه نفر کان بود ز روی حساب
چارخانه بود ز بالاجوی — شش میان است و هشت پایان آب
هشت در طول و عرض هر خانه — بند انگشت تو ز روی صواب
گیرد این بند اولی ز ابهام — پنج دانگ گره ز گز مر آب
لیکن از فوق جوی تا به میان — جو جو آمد زیاده تا شش باب
وز میان تا به هشت خانه بود — طسو طسو اضافه بر ابواب
بعد از توست آب پایان آب — که به نطره برند اولوالالباب
بر همین رفته‌اند استادان — تو همین نکته را نکو دریاب[1]

شایان یادآوری است که شبکهٔ آبیاری و سیستم کانال‌کشی هرات تا هنوز به همان شیوهٔ قدیمی بوده و طی قرون اخیر نه تنها در آن تغییر و تحول جدیدی پدید نیامده است، بلکه سیستم پارینه یاد شده نیز دچار فرسودگی و تخریب شده است. از اینها گذشته، خسارات و تخریبات جنگ اخیر بسیار سرسام‌آور است.

جویهای مشهور و تاریخی هرات بیشتر از هریرود کشیده و در بستر میدانهای زراعتی این ولایت جریان دارند. البته قابل یاددهانی است که جویهای دیگری نیز از رودهای ادرسکن، کروخ و غیره جدا شده است. همچنان جویهای بزرگ جدا شده از هریرود هر کدام به شعبات متعددی تقسیم شده‌اند.

جویهای جدا شده از هریرود و رودهای دیگر

اوبه: جوی فنجان، دهزیر، لارکه، اسفزار، غواجه، ارویج، کرغوز، جوی ناب، سنگر

---

۱. رسالهٔ طریق قسمت آب قلب، ص ۱۳.

بالا، قندران، بازار، سراپرده، مرغچه، سبیره، کرشک، میرزا، مغل [۱]، ماراباد و بوریاباف.

پشتون‌زرغون (شافلان): نهر نوا، ماروا، فوشکان، کمبراق (کمبراغ)، شافلان، آتشان، و غیره که از هریرود آب می‌گیرند. جویهای یحیی‌آباد، سرآسیا، قوپروا، کشمیران، شاینان، دشت نیزان، آبروی دختر، کبکان و گلوازآب که از رود کبکان که شاخهٔ هریرود است جدا شده و در اراضی سمت جنوب شافلان جریان دارند.

گذره: جوی معروف گذره، گلبافها، چهار کفترخان، مالان، جوی دادشان و تیزان [۲].

انجیل: جوی انجیل، آلنجان، کاربار (کارتبار)، جغرتان، تلاب، جوی‌نو، کبرزان، ساوه، هفت قلب، بازرگان، بوشران، و بعضی جویهای خرد و کوچک دیگر مانند جوی شغالیان، جوی جعفرآباد، صوفی‌آباد، ده ازبک، بیشه مختار، ارباب‌آباد و غیره. (← تصویر ۱ـ۸)



تصویر ۱ –۸. جوی انجیل در غوردرواز

---

۱. جوی میرزا و مغل در شمال اوبه موقعیت داشته و از تکاونیک، تکاویاری و جنگل باز منبع می‌گیرد.

۲. جوی دادشان از چشمه چهار حیات که در قریهٔ چهار حیات از مربوطات شافلان موقعیت دارد آب می‌گیرد.

زنده‌جان: جوی معروف و قدیمی زنده‌جان، جوی شکیبان و جوی شاده و اوغه.

غوریان: جوی مشهور غوریان که به نام جوی شهرآباد معروف است و به شاخه‌های متعدد تقسیم می‌شود.

کهسان: جوی قدیمی مرکز کهسان و جوی‌های خرد و کوچکی که در کـلاته‌ها از هریرود کشیده شده است.

کروخ: جویهای معروف کروخ از رود کروخ جدا شده‌اند، مانند جوی قلعهٔ شربت، قلعهٔ آخندزاده، کروخ، مدیس، دهنهٔ غار، مجغندک، ترینا، مـاش، اشکـنجه، مـردان، ملانور، پاشتان، علی اوغان، ده زیرک. جویهای متذکره نسبت بـه جـویهای مشـهور هرات که از هریرود کشیده شده، خردترند.

اسفزار (شیندند): جوی سنگ سیاه، فج، اوکل، کاه، مندیل، مزار دهزه، ملّا اسپنج، پشت شهر، نصرآباد، امارت، پرمکان، شیرزاد، ده‌غار، انبار قصه، کمادان، سور، کوهک، علی‌آباد، سنوغان، اوراین، کله‌شور، درواجی، درمـنک، بـرپاهه، هـجواری. بـرخـی جویهای خردتر که دارای یک بند و طول کمتراند: جوی خواجهٔ کروخی، مظفر، سنگبر، شیخ کمال، ده علی و باغچه. عموم جویهای فوق از رود ادرسکن کشیده شده است و همچنان در منطقهٔ ادرسکن نیز جویهای کوچک زیادی از رود متذکره آب می‌گیرند. اکثر جویهای ادرسکن و اسفزار نسبت به نـهرهای جـدا شـده از هـریرود خـردتر و کم‌آب ترند.

جدول ۱.۱ ـ طول جویهای بزرگ هرات و ساحه تحت آبیاری
بر اساس اسناد موجود در ریاست آبیاری و منابع آب هرات

اسم ولسوالی	نام جوی	طول جوی کیلومتر	ساحهٔ تحت آبیاری (هکتار)
ولسوالی انجیل	جوی انجیل	۴۴	۹۲۳۵
	جوی نو	۴۵	۸۲۴۵
	جوی سفید روان	۱۴	۶۷۱۰
	جوی النجان	۱۷	۵۹۶۰

	جوی جغرتان	۱۷	۷۴۲۰
	جوی تلاب	۲۰	۷۷۰۰
	جوی کاربار	۲۰	۴۵۶۰
	جوی هفت قلب	۹	۴۵۰۰
	جوی کبرزان	-	-
	جوی سلطانی	۲۰	۲۰۰۰
ولسوالی گذره	جوی گذره	۵۴	۱۰۵۰۰
	جوی مالان (ادوان)	۲۰	۷۱۵۰
	جوی تیزان	۱۸	۶۲۰۰
شیندند (اسفزار)	جوی اسفزار	۱۸	۷۰۰۰
ولسوالی کهسان	جوی کهسان	۳۵	۷۰۰۰
ولسوالی زنده‌جان	جوی قدوس‌آباد	-	۸۰۰۰
	جوی زنده‌جان	۱۳	-
	جوی شاده	۶	-
	جوی اوغه	-	-
	جوی ممیزک	۱۰	-
ولسوالی غوریان	جوی غوریان	۲۸	-
	جوی برناباد	۹	-
ولسوالی اوبه	جوی بند باپان	-	-
ولسوالی کروخ	جوی پاستان	-	-

آبهای زیرزمینی

آبهای زیرزمینی شامل چشمه‌ساران، کاریزها و چاهها می‌شود. در بعضی حصص ولایت هرات، تعداد کاریزها، چشمه‌ها و چاههای دستی چشمگیر است. در یکی از اسناد دولتی سابق در این باره آمده است: ۳۰۲ نهر (کانال)، ۱۵۳ چشمه، ۲۲۸ نخ کاریز

و ۴۵ حلقه چاه در ولایت هرات موجود است.[ژ] باید گفت که تعداد واقعی چاهها، چشمه‌ها و کاریزها بیشتر از ارقام متذکره است. در یک منبع دیگر آمده است که در هرات ۴۳۶ رشته کاریز وجود دارد.[۱]

در اکثر مراتع هرات، چاه دستی و در عموم دره‌ها و دامنه‌های این ولایت چشمه‌ساران زلال موجود است. هرگاه تمام جویهای خرد و بزرگ هرات را شمارش کنیم، باز هم رقم بزرگ‌تری نسبت به عدد فوق به حاصل آید، چنان‌که در صفحات پیش جویهای مشهور را نام گرفتیم. جویهای بزرگ هرات که از هریرود جدا شده‌اند، هر یک به جویهای فرعی زیادی تقسیم می‌شوند.

به هرحال در ولایت هرات امکان و زمینهٔ استفاده از آبهای زیرزمینی بسیار است و می‌توان در عمق نسبتاً کمی، از این آبها بهره‌برداری کرد. در اکثر نقاط هرات در عمق ۵ الی ۴۰ متری آب وجود دارد. حفر چاههای دستی در عموم مناطق جلگه‌ای، شهری و صحرایی هرات رواج داشته‌است. در دو دههٔ اخیر کندن چاههای دستی نیمه عمیق معمول شده است که از آب آن برای کشت و زراعت استفاده می‌شود و آب را به وسیلهٔ واترپمپ بالا می‌آورند.

کاریزهای هرات سابقهٔ بسیار تاریخی داشته و در عموم تواریخ از آن یاد شده است. کاریزهای مشهور هرات زیادتر در مناطق زابل اسفزار، ده شیخ و پروانه، زنده‌جان، غوریان و کروخ موقعیت دارند.

بند سلمه

کار اعمار بند سلمه در سال ۱۳۵۵ آغاز شد و مقدار زیادی از کار ساختمانی آن پیش‌رفته بود که جنگ افغانستان جلو آن را گرفت. اگر این بند ساخته می‌شد علاوه بر مقدار مجموعی تولید برق سالانه ۱۳۳۰۰۰ میگاوات، ۳۳۰۰۰ هکتار اراضی قابل آبیاری و ۴۰۰۰۰ هکتار اراضی قابل انکشاف را زیر آبیاری می‌گرفت و مقدار ۵۸۸ میلیون متر مکعب آب برای اراضی متذکره فراهم می‌شد. مقدار اعظمی برق توسط ۳

ژ. معلومات احصائیوی افغانستان، ادارهٔ مرکز احصائیه، سال ۱۳۵۶، ص ۷۷.

۱. رهنمای هرات، صفحهٔ ۱۵.

توربین ۴۰ میگاوات و مقدار متوسط ۱۴/۲ میگاوات تخمین شده است. قابل یادآوری است که کار اعمار سد آبگردان در سال ۱۳۸۷ خورشیدی جریان دارد. (← تصویر ۱ـ۹)



تصویر ۱ - ۹. تونل بند سلمه

بند کوگان (کبکان) و بند آبگردان ماروا

به اساس سروی مقدماتی، احداث یک تعداد بند بالای دریای هریرود امکان‌پذیر است که از آن جمله احداث بند کوگان و سربند ماروا را می‌توان نام گرفت. در مرحلهٔ اول نظر به ماهیت چند جانبهٔ آن آبیاری مؤثر ۱۰۰ هزار هکتار زمین و تولید ۳۵ هزار کیلو وات برق در نظر گرفته شده بود.

از جریان عادی آب هریرود و جریان منظم آب کوگان به وسیلهٔ بند کوگان زمینهٔ استفاده برای سیستم جدید آبیاری فراهم شده است. بعد از اتصال دو رود مذکور در حصهٔ ماروا از مربوطات شافلان بند آبگردانی اعمار و از این بند آب به ارتفاع و حجم معینه به کانال عمده جناح راست به منظور آبیاری اراضی ۶۰ هکتار زمین و به کانال

جناح چپ به غرض آبیاری ۴۰ هزار هکتار زمین به جریان می‌افتد.

با تطبیق این پروژه، مؤثریت آبیاری اراضی موجود از ۵۰ فی‌صد به ۱۰۰ فی‌صد ارتقا می‌یافت. طرح پروژهٔ آبیاری موصوف طی پلان ۱۳۴۶ ـ ۱۳۵۰ کشور ایجاد شد، اما کار عملی آن هرگز شروع نشد.[1]

فرش گیاهی

جنگل‌ها

جنگل برای محیط زیست فواید بسیار دارد؛ آب و هوا را معتدل کرده و فضای حیات طبیعی و محیط زیست را صاف و مطبوع می‌سازد. از شدت گرمای تابستان کاسته و جلو بادهای شدید، توفانهای زیان‌مند و گرد و غبار را می‌گیرد. اراضی را در مقابل سیلابها مستحکم می‌کند و جلو حرکات شن‌های روان و میده‌ریگهای بیابانی را بند می‌کند.

همچنین از حاصل درختان میوه‌دار و از چوب درختان بی‌میوهٔ جنگلها استفادهٔ بسیار صورت می‌گیرد و اهمیت اقتصادی و تجارتی دارد. آغوش پر عطوفت جنگلها بهترین پرورشگاه و مکان زیست برای حیوانات وحشی و پرندگان محسوب می‌شود. حراست و گسترش جنگل‌ها نه تنها برای محیط زیست محلی مفید است، بلکه از تغییر سریع آب و هوا و گرمایش روزافزون کرهٔ زمین جلوگیری می‌کند.

جنگل‌ها را عموماً به دو کتگوری تقسیم می‌کنند، جنگل‌های طبیعی و جنگل‌های مصنوعی. جنگلهای طبیعی به طور خودرو در کوهها، دشتها و دره‌ها دامن گسترده‌اند و جنگلهای مصنوعی محصول کار و کوشش انسان است. در هرات هر دو نوع جنگل وجود دارد. ساحهٔ جنگلهای هرات ۲۰۸۲۰۰ جریب[2] تخمین شده است.

از نقشهٔ فرش گیاهی افغانستان در بخش ولایت هرات برمی‌آید که در سمت شمال

---

۱. مسودهٔ سومین پلان پنجساله، ص ۷۳.

۲. معلومات احصائیوی افغانستان، سال ۱۳۵۶، ص ۷۵.

هرات استپهای بوته‌زار، از نوع دامنۀ جنوبی هندوکش و جنگل‌های کم و پراکنده در مسیر رودهای کوچک همراه با ساحات سرزمینهای آبیاری شده است و در حصص جنوب هم استپهای بوته‌زار از نوع استپهای دامنۀ جنوبی هندوکش وجود دارد. در مناطق مرکزی هرات که بیشتر در دو طرف هریرود قرار گرفته میدانهای آبیاری شده همراه با درختان و جنگلهای کوچک و پراکنده به چشم می‌خورد.[1]

قابل یادآوری است که قسمت وسیعی از جنگل‌های مصنوعی و فضای سبز اطراف شهر هرات در آتش جنگ سوخته و جنگل‌های طبیعی هرات به سبب عدم مراقبت و به علت جنگ طولانی، به طور نامطلوبی قطع شده و یا صدمۀ زیاد دیده است.

جنگل‌های طبیعی

در شاخه‌های سیاه‌کوه در جنوب‌شرق، جنوب و جنوب‌غرب هرات، در مناطق اوبه، چشت، شافلان (پشتون‌زرغون)، ادرسکن، اسفزار (شیندند) به صورت کمتری در کوههای زنده‌جان و غوریان و در شاخه‌های سفیدکوه، از آن جمله شاخۀ معروف دیواندر در شمال‌شرق، شمال و شمال‌غرب هرات یعنی در حصص شمال اوبه و چشت و شافلان، کوشک، کروخ و گلران گسترش یافته است. جنگل‌های سیاه‌چوب (شیرخشت) و خنجک ادرسکن در سمت جنوب هرات و جنگل‌های پسته و ارچه در سمت شمال بسیار مشهور و معروف هستند. جنگل‌ها متذکره عموماً در کوهپایه‌ها، تپه‌ها و دره‌ها روئیده است. تنوع درختان این جنگل‌ها از این قرار است:

درختهای غیر میوه‌دار: خنجک، سیاه‌چوب (شیرخشت)، تاخم، آهول (آول)، زلرگ، ارچه، کاسول (کاسور)، بید، پده، غوجه، بنوش، زیل، طاق، چنار، گز (در اطراف رودها) و غیره.

درختهای میوه‌دار: پسته[2]، انجیر کوهی، تاک کوهی، بادام، توت، سنجد، جوز، آلو، انار، امرود و امرودچۀ کوهی، خنجک میوه‌دار و غیره.

---

۱. اطلس عمومی افغانستان، ص ۱۷.

۲. در روزنامۀ اتفاق اسلام یک شنبه ۵ سرطان ۱۳۸۴ در زیر عنوان تاریخچۀ پسته می‌خوانیم: مساحت جنگلهای پستۀ افغانستان تا قبل از جنگ طولانی کشور حدود یک میلیون هکتار بوده است که طی جنگ ۵۰ تا ۷۵ فیصد آن تخریب شده است. این جنگلها در بادغیس و هرات دامن گسترده است.

جنگلهای مصنوعی

این جنگل‌ها شامل انواع درختهای میوه‌دار و بدون میوه می‌شود و در هرات، تاریخی بس طولانی دارد. گویند که خطهٔ هرات باستان در قرون قبل از میلاد سرسبزی فراوان داشته است. بی‌سبب نبوده است که زرتشت در کتاب اوستا از لطافت و سرسبزی این سرزمین یاد کرده است.

در قرون بعد از اسلام نیز هرات دارای کشتزارهای گسترده، باغهای میوه‌دار و بوستانهای زیبا بوده و مردم آن در فن نهال‌شانی و پرورش درختان تجربهٔ زیاد داشته‌اند؛ چنان که قاسم بن یوسف ابونصری هروی در *ارشادالزراعه* در قرن دهم هجری از درختان سرو، صنوبر، بید، چنار و سفیدار هرات یاد می‌کند و دربارهٔ کشت و زراعت دستورالعمهای مفصلی می‌دهد. کتاب وی از متون معتبر قرن دهم هجری شمسی محسوب می‌شود.

بسیار پیش از وی، خواجه علی موفق که قبر او در شمال‌شرق شهر هرات در اول سرک ولایت واقع است، کتاب *ارشادالزراعهٔ* خود را تألیف کرده بود که این خود دانش هرویان را در آن روزگاران در رشتهٔ زراعت و فلاحت نشان می‌دهد. در عموم قریه‌های هرات انواع اشجار مثمر و غیرمثمر فراوانی وجود دارد، که عمدهٔ آن قرار آتی است:

درختهای میوه‌دار: توت، زردآلو، انواع آلو، جوز، بادام، شفتالو، انجیر، سیب، بهی، انار، امرود، ناک، چینی، انواع و اقسام انگور، عناب، سنجد و غیره.

درختهای بدون میوه: سپیدار، کاج (ناژو)، پده، بنوش، بید، سرو، شمشاد، چنار، پشه‌خان و غیره.

جنگلهای مصنوعی هرات

۱ ـ جنگل زلمی‌کوت در شرق شهر هرات: ساحهٔ این جنگل ۱۱ هکتار بوده و دارای یک زوج حقابه است. در حدود ۶/۵ هکتار آن طی جنگ تخریب شده است. در سالیان پس از جنگ در بازسازی این جنگل کوشیده‌اند، لیکن زمانی که در سرطان ۱۳۸۴ از جوی سلطانی دیدن کردم، این منبع آبیاری باغ شیدایی، جنگل زلمی‌کوت، تخت صفر و سید عبدالله مختار را خشک و بی آب یافتم.

۲ ـ تپهٔ ارغوان: این تپهٔ زیبا در شمال شهر هرات موقعیت داشته و ۶ هکتار مساحت دارد و برای تفریح اهل هری جای مناسبی است؛ اما افسوس که در سالیان جنگ از غمخواری تربیه‌گران محروم مانده است. قابل گفتن است که در دورهٔ دوم نایب‌الحکومگی اسماعیل خان در احیا و بازسازی آن توجه شده است.

۳ ـ جنگل پل مالان: این جنگل در جنوب شهر واقع شده و ۱۱ هکتار مساحت دارد. حقابهٔ آن یک زوج است درختان آن از نوع پده و بید بوده که طی جنگ طولانی تخریب گردیده است. حالا جستهای کوچک آن دوباره بزرگ شده است.

۴ ـ جنگل روضه‌باغ: در حاکم‌نشین گذره واقع شده و به غرب سرک سمنت افتاده است. مساحت این جنگل ۱۱ هکتار تخمین شده است. البته درختان سابق در زیر آتش جنگ سوخته و به روی خاکستر آن درختان بادام، جوز و زردآلو غرس شده است.

۵ ـ جنگل رباط صدر گذره: این جنگل در غرب روضه‌باغ و در شرق پل اسفزار واقع شده است. مساحت این جنگل ۱۶ هکتار و حقابهٔ آن چهار زوج است. درختان سابق آن از نوع چنار، بید و توت بوده که در جریان جنگ به کلی تخریب شده است و ضرورت به احیای مجدد دارد.

۶ ـ جنگل تلاث در گذره: این جنگل ۳۰ هکتار مساحت داشته و در شمال رباط صدر واقع است و چهار زوج حقابه دارد. نوع درختان در سابق، چنار بنفش (بنوش) و توت بوده است. جنگل در آتش جنگ سوخته است، اما از دل خاکستر آن تازه نهالهایی سر برآورده است.

۷ ـ جنگل اردوباغ در گذره: این جنگل ۴۰ هکتار مساحت داشته و دارای ۷/۵ زوج حقابه است. درختان سابق آن چنار، بنفش و توت بوده که در جریان جنگ از بین رفته‌است و اکنون از بیخ درختان پیشین جستهایی سربرآورده است که امید است روزگاری بر سر اهل هری سایهٔ لطف اندازند.

۸ ـ جنگل هزار جریب در گذره: ساحهٔ این جنگل ۱۵ هکتار است و ۳ زوج حقابه دارد. درختان سابق از نوع پشه خان بوده که در طول سالیان جنگ از بین رفته و جستهایی هم از دل خاک سر برنیاورده است.

۹ ـ جنگل پل هری (پل پشتو): ساحهٔ مجموعی این جنگل ۳۰ هکتار تخمین شده و

درختهای سابق از نوع پده و چنار بوده است. افسوس که سرسبزی جنگل در کام اژدهای جنگ فرو رفته، اما در سالیان اخیر دوباره سبز شده است.

۱۰ ـ **جنگلچه در گذره**: این جنگل در بستر رود موقعیت داشته و دارای ۳۰ هکتار مساحت است، اما در جریان جنگ تخریب شده است.

۱۱ ـ در بستر رود ادرسکن در حاکم‌نشین اسفزار و ادرسکن نیز جنگلی به مساحت ۲۱ هکتار در اسفزار و ۸ هکتار در ادرسکن بوده است که طی سالیان جنگ تخریب شده و ضرورت به احیای مجدد دارد.

تخریب جنگلها

جنگلهای مصنوعی هرات آسیب زیادی دیده و بسیاری از درختهای کاج هرات نیز به شکل بی‌رحمانه‌ای قطع شده است.

در منطقهٔ وسیع غرب انجیل و در مناطق دیگر هرات تعداد زیادی از باغها و درختهای میان کشتزارها در اثر کم‌آبی، مهاجرت نفوس و عدم مراقبت لازم خشکیده و یا به سبب کمبود مواد نفتی و سوخت به صورت وسیعی قطع شده است. قابل یادآوری است که در دورهٔ نایب‌الحکومگی اسماعیل خان برخی از جنگل‌ها و فضای سبز هرات دوباره احیا و بازسازی شده است.[1]

علفچرها

هرات مراتع وسیع و مناسبی برای پرورش مواشی دارد که در عموم دشتها، پادامنها، کوهپایه‌ها و مناطق جلگه‌ای آن دامن گسترده است. علفچرهای عمدهٔ هرات زیادتر در غوریان، اسفزار (شیندند)، گلران، کوشک و کروخ واقع شده و به صورت عموم اکثر مناطق کوهی، دشتی و جلگه‌ای هرات برای تربیهٔ حیوانات اهلی مساعد است.

---

۱. آمریت عمومی جنگلها و علفچرهای ولایت هرات.

مساحت علفچرهای هری ۱۰۶۵۴۰۰ جریب تخمین شده است.[1] در مراتع این ولایت گیاهان فراوانی روییده که به نام محلی تعدادی از آن اشاره می‌شود: خستک، قراقشوری، تریخ، بوتی، لبک، توک، زیره دشتی، خارشتری، کنگر، غوزه خار، مخ، قیچ، دانه شور، کما، بزانداز، جودر، کندل، قیترن، سرداوه، خار دشتی، خار بزی، برگهای سبز گز، زیل، طاق و غیره.

پیداوار جلگه‌ای برای خوراک مواشی

سبست (رشقه)، شبدر (شفتل)، جو تروش، کاه گندم، کاه جو، پوخه و تهوار، کاه ماش، کاه باقلا، کاه عدس، کاه ارزن، کاه توگی، کاه قامو، لاش فالیزها، باغها، برگ درختان، و نباتاتی که در پلوشها، کنار جویها، و النگهای داخل قریه‌های جلگه می‌رویند.

قابل یادآوری است که کشت بی رویهٔ کرابیه در گلران، غوریان و سایر بلوکات هرات، مراتع این ولایت را به شدّت تخریب کرده است و این تهدیدی بزرگ برای مالداری و محیط زیست محسوب می‌شود.

پیداوار زراعتی

هرات در منطقهٔ استپ شمالی واقع شده و از نگاه زراعت و مالداری موقعیت مناسبی دارد. اراضی مزروعی این ولایت برای کشت انواع غلات، حبوبات و سبزیجات مساعد است که در اینجا به پیداوار مشهور آن اشاره می‌شود: گندم، جو، شالی (برنج)، ماش، نخود، لوبیا، ارزن، کنجد، پنبه (پخته)، رشقه (سبست)، شبدر (شفتل)، بادنجان رومی، بادنجان سیاه، خیار، خربوزه، هندوانه، پیاز، زردک، تنباکو و غیره.

---

۱. معلومات احصائیوی افغانستان، ۷۴.

میوه‌جات

هرات از دوران بسیار پیشین در باغداری مشهور بوده و تعریف انگور آن در اکثر کتب معتبر تاریخی آمده است. در حال حاضر میوه‌های مشهور هرات قرار آتی است: انگور در انواع گوناگون، توت، زردآلو، شفتالو، شلیل، آلوگُرجه، آلوبالو، سیب، انار، انجیر، بهی، بادام، جوز (چهار مغز)، امرُد (امرود)، سنجد، عناب، ناک، چینی و غیره.

تنوع انگور هرات

در درازنای تاریخ هماره انگور هرات شهرت فراوان داشته است و تاریخ‌نگاران همیشه از تنوع و نازکی انگور هری به نیکویی یاد کرده‌اند؛ به‌سانی که عروضی سمرقندی در این باب می‌نگارد: «در سواد هری صد و بیست لون انگور یافته شود، هر یک از دیگری لطیف‌تر»[1] و همچنین در نوروزنامه از صد نوع[2] انگور یادآوری شده است.

بر اساس مطالعه و پژوهش مؤلف در مورد تنوع انگور هرات روشن شد که تنوع مزبور در حال حاضر رو به زوال است، زیرا باغداری از دورهٔ اشرافیت فیودالی به جانب اقتصاد بازار روان است و باغداران، دیگر به تنوع و لطافت انگور نیندیشیده، بلکه برایشان از همه بیشتر میزان حاصل‌دهی و بازار فروش اهمیت دارد. اکنون باغداران عمدهٔ هری به پرورش انگور فخری، لعل و کشمشی علاقه نشان می‌دهند. با این همه می‌توان گفت که تنوع انگور هرات در حال حاضر نیز قابل توجه است. انواع عمدهٔ آن از این قرار است: روچه (سرخ، سفید و مشهدی)، خلیلی، فخری (فخری لکه، شصتی، قلمک و پشت گل)، لعل (سیاه، سرخ، سفید، ریزه دانه و کته یا درشت دانه)، کشمشی (سفید و سرخ)، حیطه (کس نداره)، مایه میش، حسینی، میراحمدی، خایه کبک، امیری، سنگینک، منقا، زرجومی، آبی، سرکه گی، لوقی، سینه کفتر، عسکری، مسکگی، صیّبی، پوشنگی، حبیبی، خایه غلامان و غیره.

---

۱. چهار مقالهٔ عروضی، ص ۵۲ ـ ۶۷.

۲. نوروزنامه، ص ۵۳ ـ ۷۰.

علفهای هرزه

در زمینهای زراعتی هرات انواع علفهای هرزه وجود دارد که نام محلی آنها از قول دهقانان کهنسال هروی در زیر یاد می‌شود: سناوک، بنوشک، جودر، گندمدر، ماشک، گل پالیز، سوزنک، مژه اسپی، گندمک، سبست دیوانه، پیچک، اجغک، خارپتک، لوخک، خارآبی، پنجه شیر، کرمک، قاشقک، مشکک، انگور توره، خار مغول، خُرفه، خار کلهٔ کافر، غوزه گک، چماغک، تروشک، کورمک آخوندک، بجندک، پاکلاغی (سبزی قزاقی)، سینه کفتری، نول چغک، شیر گاوی، شاتره، کاسنی، شین‌شینکگ، گل سرمه لکیکی، گل کاسه شکنک، جقشک، ریش بوزی، نیچه، چنگلک، فریز، سلمه، تلخک و سلام علیک. برای کسب معلومات بیشتر به جدول گیاهان هرزهٔ هرات در زیر مراجعه شود.

جدول ۱. ۲ ـ گیاهان هرزه در ولایت هرات[۱]

شماره	نام محلی	نام رسمی	نام علمی خارجی
۱	هزاربند	بندک گیاه	Polygonum.Ariculara
۲	شبیت قصاب	برومس سکالینوس	Bromus Secalinus
۳	نونک کلاغ	پنیرک	Malva rotundifolial
۴	تاج خراسان	تاج خروس وحشی	Amarnthus Reteroflexus
۵	گوش فیل	نوعی از خارها	Sirsium rugare siri Arisshaw
۶	خار مغولی	خار مغیلان	Tribus Terres Tris
۷	خار مغولی	چرمک	Heliotroium.SP
۸	خرفه	خرفه	Portulaca Oleracea
۹	خار کلهٔ کافر	خار روسی	Tenai Folia Var

۱. مبادی کنترول و شناسایی گیاهان هرزه ـ پوهنتون کابل ۱۳۶۸

Datura Stramonium L	غوزه گک	داتوره	۱۰
Cuscuta Campestris Yanck	زرد پیچک	عجغک	۱۱
Echinoclea Crusgalli	سماق	چماغک	۱۲
Lactuco Seriola	کاهو پرکلی	تروشک	۱۳
Setaria Vitidis	کال گاه‌ها	کورمک	۱۴
Capsella Bursa Pastoris	پای گنجشک	پای چغک	۱۵
Arena Fatua L	یولاف وحشی	بنوشک	۱۶
Hordeum Jubatam L	جو وحشی	جورد	۱۷
Canralvulus Arrensis	پیچک مزارع	پیچک	۱۸
Cricium Arrense L	خار کانادایی	خارپتک	۱۹
Plantago Lanceolata	زبانک بره	قاشقک	۲۰
Taraxacum Officinale	گل نوروزی	گل‌دختر (آخندک)	۲۱
Agropyron Repens L.B	کوک کراس	مژهٔ اسب	۲۲
Euphorbia SPP	گاو ترتانگ	مچهٔ اسب	۲۳
Cynodon doctylon. L. Pers	کبل	فرز	۲۴
Polygonum Conrolus	بکویت وحشی	ماشک	۲۵
Chonopodum.Album	شورک (سلمه)	سلمه	۲۶
Xanthium.Strunarium	کاکلبر	-	۲۷
Plantago.Najor	شنرو (زوف)	بارتنگ	۲۸
Acropilon.Repens	تلخک	تلخک	۲۹
Sorghum.Halepense	قیاق	-	۳۰
Cyprus.SPP	مستک	سلام‌علیک	۳۱
Sonchus.Asper	لته خار	خارلته	۳۲

گیاهان طبی و صنعتی

بر کوهها، دامنه‌ها، باغها، صحراها و عموم اراضی هرات گیاهان طبی و صنعتی فراوانی می‌روید که دربارهٔ انواع و اقسام آن تاکنون مطالعه و تحقیقات دقیق صورت نگرفته است. برای معلومات بیشتر خوانندگان، بر مبنای معلوماتی که از اشخاص محلی به دست آورده‌ام به نام تعدادی از این گیاهان اشاره می‌کنم: گل خطمی، گل گاوزبان، ترنجبین، داروگر کوهی، خبازی، انگور توره یا سک‌انگور، پت جواری، گل دختر، پنجه‌رواش، بادام، سورنجان، کاسنی، بوی‌مادران، پنیرک، بارهنگ، شاتره، کنوچه، کتیرا، بادیان، شبیت، زیرهٔ کوهی، زرشک، زلرک، شیرخشت[1]، مخ، خاکشیر، اجغان (جوانی)، عناب، گل بنفشه، رواشک، سپنج (اسپند)، سماروق، سماق، پیاز کوهی، (پیاز عنصل)، بابونه، ملنگان (بالنگان)، انغوزه، پودینه، ترخ کوهی، کلپوره، منجورک (عوض چای سبز مصرف می‌شود)، روند (عوض چای سیاه مصرف می‌شود). جغشک، تاتورم، قاوک، کچالوی زمینی، کندل، تنباکوی کوهی (تنباکوی هاشمی)، مندلاق (که از آن ساجق سازند)، تروشک، خرفه، گشنیز، خرغوله، نعنا، پر سیاوش، هندوانهٔ ابوجهل، کرابیه، سیج، کاکوتی، خرتوسه، خرسم، ردنگ، گل زوفا، کتان و کنوچه، خارخسک، بدره، چای سبز کوهی و غیره.

گیاهان صنعتی و تخم باب تجارتی

پنبه، کنجد، منداب، تخم گل آفتاب پرست، تخم هندوانه، تخم خربوزه، تخم سبست، تخم شفتل، تخم لبلبو، تخم شملید (شنبلیله).

---

۱. باید گفت که شیر خشت و زیرهٔ هرات بسیار مشهور و مرغوب است. در جلد سوم دایرة المعارف آریانا ص ۳۴۲ آمده است: «شیرخشت سفیدکوه بهتر و سفیدتر است، لیکن شیرخشت سیاه‌کوه، رنگ آن زرد و ضعیف است.»

برای فراهم‌آیی معلومات بیشتر دربارهٔ گیاهان طبی و صنعتی ولایت هرات به جریان مشاهدات عینی و تحقیقاتی اشاره می‌کنم که در برج حمل ۱۳۳۵ توسط نمایندهٔ شرکت سهامی نباتات طبی و صنعتی کشور در منطقهٔ مین کوه، از مربوطات بند باباکه در جانب شمال شرقی هرات واقع است، صورت گرفته است. مطالعات اصلی دربارهٔ بوتهٔ کتیرا انجام یافته بود و اما تعدادی از بوته‌های دیگر را نیز شناسایی کرده بودند که به نام آنها اشاره می‌کنم: «کتیرا، سیاه‌چوب یا بوتهٔ شیرخشت، کُما یا بونه‌هنگ، سرش کوهی، زرک یا زمرک و یا زرشک، گل بارکه، سبقون، بوی‌مادران، کاکوتی، پاشته، کلپوره، گل زوفا، گوشت آدم، درونه، گل خله»[1]. باید گفت که در این دره گیاهان زیادی وجود دارد که اگر به استحصال علمی آن کوشش شود ثروت خوبی از این منبع به دست خواهد آمد.

گلها

هرات گلشن گلهای رنگارنگ و پرورشگاه گیاهان قشنگ بوده و زیباییهای طبیعت را با طبع زیباپسندانهٔ انسانی آمیزش داده است. در پهنهٔ هرات گلهای متنوع می‌روید و کوهپایه‌ها، دامنه‌ها، دشتها، تفریحگاه‌ها و پارکها، باغات و باغچه‌های منازل این ولایت را طراوت می‌بخشد. خوب است که برای آگاهی خوانندگان نام گلهای مشهور به رشتهٔ نگارش آید: گل گلاب، نسترن، چنبلی، نرگس، داودی، شب‌بو، زنبق، سوسن و جعفری، بربینه، گلاب خوشه‌ای، صدبرگ، فیل‌گل، گل آتشی، تاج‌خروس، عباسی، نصرالدین‌شاهی، فرشی، عشقه‌پیچان، ریحان، پتونی، گل‌دختر، لاله، گل اسبی، نوروزی، گل عنتری، میخک، دهن‌اژدها، صورتی، گلبرگ، شمعدان، ارغوان، گل ابریشم، رعنا و زیبا، گل عکاسی، گل خار، همیشه‌بهار، آفتاب‌پرست، گل دنبه، قهره زهره و غیره.

هم‌چنین در هرات در فصل بهار گلهای وحشی بسیار متنوعی می‌روید که دربارهٔ آن تحقیقاتی صورت نگرفته است. خاک هرات توان و استعداد پرورش گلهای زیادی را

---

۱. مجلهٔ هرات، اسد ۱۳۳۵، ص ۲۴

دارد، ولی تاکنون در این زمینه تحقیقات علمی انجام نشده است. هرگاه در این زمینه کار شود، سطح تنوع گلهای هرات بسیار افزایش می‌یابد و می‌توان انواع و اقسام گلهایی که در هرات تطابق طبیعی داشته باشند از کشورهای مختلف به دست آورد و پرورش داد؛ طبق پروسه‌ای که در اکثر کشورهای جهان جریان دارد. همچنین می توان در زمینهٔ اهلی‌سازی گلهای وحشی نیز کار کرد و جریان تحقیقات را نه تنها در بخش گلها، بلکه در زمینهٔ تمام انواع اشجار و درختان گسترش بخشید و فرهنگ باغداری، گل‌کاری، درخت‌پروری و چمن‌سازی را در تمام منازل نشیمن و در عموم ساحات حیات انسانی و حیوانی توسعه داد و چهرهٔ خاک‌زده و گردآلود هرات را سبز، شاداب و پُرطراوت کرد.

جانداران

پرندگان

پرندگان، حیوانات فقاریهٔ خون گرم‌اند که استعداد و توانایی پرواز دارند. در حال حاضر در حدود ۹۰۰۰ نوع پرنده در روی کرهٔ زمین شناسایی شده که در تمام قاره‌ها و جزایر مختلف زیست می‌کنند.

شکل بنیانی حرکت اکثر پرندگان پرواز است. در اثر این توانایی پرندگان به آسانی می‌توانند از چنگال صیادان فرار کنند و همچنین به جاهای مختلف مهاجرت کنند. برخی از پرندگان به شکل دسته‌جمعی، بعضی به طور گروپی و تعدادی به صورت انفرادی پرواز می‌کنند.

پرندگان را می‌توان به پرندگان درختی؛ پرندگان زمینی که عمدتاً به وسیلهٔ دویدن و قدم زدن حرکت دارند مانند شترمرغ؛ پرندگان باتلاقی مثل لک‌لک و کلنگ؛ پرندگان شناکننده از قبیل مرغابی، غازها، قوها، مرغ سقا و غیره؛ پرندگان آبی و هوایی مانند مرغ طوفان و پرندگان هوایی و زمینی مثل پرستو تقسیم کرد.

پرندگان از قدرت و توانایی اعجاب انگیزی بهره‌وراند بعضی از آنها فاصلهٔ ۱۲۰۰۰ کیلومتر را در مدت ۲ تا ۳ ماه در موسم خزان و در ظرف یک ماه در فصل بهار

می‌پیمایند و می‌توانند ساعتها بدون استراحت پرواز کنند.

پرندگان از حیث اقتصادی دارای اهمیت فراوان‌اند. از گوشت آنها استفاده می‌شود؛ پرندگان انواع حشرات زیانمند را می‌خورند و در سالم‌سازی محیط کشت و زراعت یاری می‌رسانند. انسان از آواز پرندگان و تماشای آنان غرق در شادی و لذت می‌شود.

وادی شاداب هری از روزگاران پیشین مکان خوبی برای آشیان‌گزینی پرندگان زیبا و خوش‌اَلحان بوده است. جنگلهای خرم، جویهای جاری، باغها و کشتزارهای پهناور و دره‌های پر آب و علف هرات، پرنده‌های بسیاری را مأوا داده است. بر دامن گستردهٔ هریرود نیز مرغان آبی متنوعی فصل زمستان را به آخر می‌رسانند.

شناسایی و تفکیک پرندگان موجود در هرات به تحقیقات بیشتری نیاز دارد، لیکن جهت آگاهی خوانندگان نام تعدادی از آنها را یادآور می‌شوم: کبوتر (کفتر خانگی و صحرایی)، انواع گنجشک (چغک)، انواع بلبل، کبک[1]، عندلیب، جَل، مَیْنا، تیو، قمری (فاخته، کوکوستو)، یاکریم، پرستو (فرشتروک)، بودنه (کرّک)، کلاغ، عکه، سبزکرا، شانه سرک (هدهد)، سایره، سار، تیتاوک، سیاه‌سینه، ابابیل، عقاب، شاهین (شینک) کرگس، باشه، جغد (بوم)، کلنگهای نوروزی[2] و مرغان آبی مانند مرغابی، بط، انواع غاز، مرغ سفید آبی (میراب)، ماهی‌پال، لک‌لک، قو، قوتن، سوسلنگ، غشقه، کرک آبی که بیشتر در موسم زمستان اطراف هریرود را آذین می‌بندند.[3]

خزندگان[4]

خزندگان حیوانات فقاریه هستند که در گرداگرد این کرهٔ خاکی به گونهٔ وسیعی زیست می‌کنند و بیشترینهٔ آنها در کشورهای دارای اقلیم گرم پیدا می‌شوند. این حیوانات دهها میلیون سال پیش در روی زمین زندگی داشته و دارای انواع گوناگون در خشکه و آب بوده‌اند.

در محیط هرات از روزگاران بسیار کهن انواع خزندگان زیست می‌کرده‌اند که به

---

۱. قابل تذکر است که کبک زری هرات شهرت فراوان داشته است.

۲. کاروانهای قشنگ کلنگهای نوروزی در فصل بهار آسمان آبی هری را زینت افزون می‌بخشند.

۳. پرندگان اهلی مانند مرغ خانگی، فیل مرغ و بعضی مرغان آبی نیز در هرات پرورش می‌یابند.

4. Reptieia

طور فشرده می‌توان به گونه‌های عمدهٔ آن اشارت کرد: انـواع مـارها، آفـتاب‌پرست (بوقلمون)، بزچوش، سنگ‌پشت (کشف)، شلندرها (چلپاسه).

انواع مارها

برای پیدا کردن گونه‌های مار در هرات با تعدادی از مارگیران هراتی گفتگو کردم. از نظر آنان انواع ماران هرات به شرح آتی است.

مارهای تحت جلگه و شهر: مار سیاه در سه قسم، مار شتری زرد، مار وحشی، مار سیاه زنگی و سبز قریشی، مار تاجدار سیاه، مار چغکی ابلق، مار جعفری زرد با خط سرخ و جعفری نیلی.

مارهای دشتی و کوهی: قمچین‌مار با رنگ سفید خطدار، پـلنگ‌مار، مـار کـپچه دم‌شتری کوتاه، مار کپچه خرمایی، مار کپچه سفید پیچی با خطوط سیاه و سفید، کلتک مار، مار چرخی، مارگنس، مار مشکی، مارهای آبی، سگ‌مار که دارای دست و پای کوتاه و نیرومند است.

بندپایان[1]

فایلم بندپایان دارای انواع گوناگون بوده و در حدود ۸۰ فی‌صد نمایندگان عالم حیوانی در این فایلم شامل می‌شوند که می‌توان از حشرات بسیار متنوع، عنکبوتها، عـقربها، خرچنگها و غیره یاد کرد. در محیط هرات بندپایان مشهور عبارت‌اند از: خـرچـنگ (کنگاش)، عقرب (کژدم)، غندل، عنکبوت (کلاش)، کنه‌ها و غیره.

آبزیان هرات

انواع ماهیها، خرچنگ، قورباغه (مگل) و غیره که در آبهای هریرود و سایر رودهای هرات، جوبیاران و شالیزاران زیست می‌کنند. در اینجا جا دارد که از آبزیان آب ایستاده بادغیس که به آب پوده مشهور است یادآوری کرد. گویند که در قدیم در آن سگ آبی، اسب آبی و سایر آبزیان دیده شده است.

---

1. Phyelum Arthropoda

حشرات

حشرات خیلی پیش از بشر در روی زمین پیدا شده‌اند و تقریباً از سه صد میلیون سال به این سو حیات داشته و با محیط طبیعی توافقهای خاصی یافته‌اند. حشـرات دارای انواع بی‌شمار بوده و تاکنون در حدود ۰۰۰ ۷۰۰ نوع آن در دنیا توصیف شده است.[۱]

این حیوانات کوچک حاصلات را مورد هجوم قـرار داده و از حـیوانـات تـغذیه می‌کنند. خون انسانها را می‌مکند و سبب انتقال، انتشار و شیوع امراض گوناگـون در انسانها، حیوانات و نباتات می‌شوند. حشرات با وجود تخریبهای مختلفه و ضررهای فراوان در برخی موارد برای انسان و محیط طبیعی مفید هستند، زیرا بعضی از حشرات سبب از بین بردن برخی دیگر از حشرات شده و موجب تقلیل آفات می‌شوند. انسان از پیداوار برخی از حشرات مثل کرم ابریشم و زنبور عسل استفاده می‌کند و سهم حشرات در گرده‌افشانی نباتات و گلها دارای اهمیت فراوان است.

از آن جایی که هرات ولایت زراعتی و مالداری است، در محیط آن انواع و اقسام حشرات زیست می‌کنند. لیکن تا هنوز در این مورد مطالعات و تحقیقات علمی صورت نگرفته است. در اینجا به نام حشرات مشهوری که در ولایت هرات یافت می‌شود اشاره می‌شود:

جدول ۱. ۳ ـ نام برخی از حشرات مشهور هرات[۲]

نام فارسی	نام علمی	نام خارجی
ملخها، چرچرکها، گهواره جنبان و غیره	راست بالان	Orthoptera
موریانه	مساوی بالان	Isoptera
گوش خزکها	پوست بالان	Dermaptera
شپشکهای نباتی و غیره	یکسان بالان	Homoptera
قانغوزکها	کولیاپترا	Coleoptera
پروانه‌ها و شبپرکها	فلسدار بالان	Lepidoptera

۱ ـ حشره‌شناسی، ص ۵۷

۲. آفات مهم زراعتی در افغانستان، صفحهٔ ۵۸.

Diptera	دوبالان	مگسها و پشه‌ها
Siphonaptera	سایغوناپترا	کیکها
Hymenoptera	هایمناپترا	زنبورها، مورچه‌ها
Odonata	اودوناتا	بمبیرکها و سنجاقکها
Plecoptera	پلیکاپترا	مگسهای سگی
Psocoptera	سوکاپترا	شپش کتاب
Zoraptera	زوراپترا	شپشهای پوست درخت
Mallophga	ملافگا	شپشهای جونده
Anoplura	آناپلورا	شپشهای چوشنده
Thysanoptera	تایساناپترا	تریپس
Hemiptera	نیم بالان	خسکها

حیوانات اهلی و وحشی

دامن پرفیض هرات زیستگاه مناسبی برای حیوانات بوده و از زمانهای بسیار قدیم در جلگه‌ها، بیابانها و کوههای این خطه انواع و اقسام حیوانات اهلی و وحشی زنـدگی داشته‌اند که نام هر یک در زیر می‌آید.

حیوانات اهلی: گاو، گوسفند، بز، اشتر، اسب، قاطر و مرکب. همچنان سگ و گربه نیز از جملهٔ حیوانات اهلی محسوب می‌شوند.

از احصائیهٔ حیوانات اهلی در دو دههٔ اخیر کدام معلومات دقیقی در دست نیست، اما می‌توان گفت که تعداد این حیوانات در دههٔ ۱۳۵۰ افزایش چشمگیر یافته بـود و بر عکس در جریان جنگ اخیر میزان تلفات حیوانی افزایش زیادی یافته و تعداد آن کاهش سرسام‌آوری پیدا کرده است. برای مزید معلومات همان احصائیه دههٔ ۱۳۴۰ هرات را در اینجا دوباره یادآوری می‌کنم:

۱ ـ اسب، ۱۲۴۷۲ رأس.

۲ ـ گاو، ۱۵۶۰۰۸ فرد.

۳ـ اشتر، ۴۶۱۳۰ نفر
۴ـ گوسفند، ۲۴۵۰۶۶۳ رأس
۵ـ مرکب، ۷۷۴۵۱ رأس[1]

حیوانات وحشی: آهو، گوسفند و بز کوهی، خرگوش و روباه، گرگ، کفتار، شغال، جیره (سیخول)، خرس، خوک، سیاه گک، گربه کوهی و پلنگ.

قابل یادآوری است که به سبب نبود قوانین لازمه در مورد حمایت از حقوق حیوانات، حیات این حیوانات وحشی به علل شکار بی‌رویه در خطر جدی است و جریان نابودسازی حیات وحش و در مجموع حیوانات اهلی و وحشی در دورهٔ جنگ طولانی کشور به اوج خود رسیده بود. جهت حمایت از حقوق حیوانات و از جمله حیوانات وحشی ضرورت به یک سلسله قوانین مدنی است که حقوق آنها را تأمین کرده و از شکار حیوانات متذکره جلوگیری کند.

---

۱. رهنمای هرات، ص ۱۶. ناگفته نماند که احصائیهٔ مذکور از روی اوراق احصائیه ولایت نقل شده و فقط تعداد مواشی ثبت شده در دفاتر دولتی را شامل است. در حالی که تعداد قابل ملاحظه‌ای از مواشی در دفاتر درج نبوده است.

فصل دوم

جغرافیهٔ بشری

نفوس

نفوس هرات در روزگار پیشین

هرات از ولایات آبادان و پُرجمعیت افغانستان است و در طول تاریخ نفوس انبوهی را در آغوش گرم و شاداب خود جای داده و پرورانیده است. چنان‌که از روایات کتب تاریخی برمی‌آید، هرات قبل از هجوم تاراج‌گرانهٔ چنگیز جمعیت زیادی داشته و به قول حمدالله قزوینی، در آن ۴۴۸۰۰۰ خانهٔ مسکونی موجود بوده است.

هرگاه بخواهیم نفوس آن زمان هرات را بر مبنای معلومات فوق سنجش کنیم، باید تعداد متوسط نفوس ساکن در هر واحد مسکونی را دریابیم که عددی خواهد بود بین ۵ الی ۲۰ نفر، زیرا در ایام قدیم تراکم جمعیت در منازل و سرپناهها بسیار بوده است. رقم میان ۵ و ۲۰، عدد ۱۲.۵ می‌شود و اگر آن را بر تعداد منازل نشیمن متذکره ضرب زنیم، رقم ۵۶۰۰۰۰۰ نفر حاصل می‌شود و اگر عدد حداقل ۵ را معیار قرار دهیم رقم ۲۳۴۰۰۰۰ نفر به دست می‌آید.

از روی میزان تلفات انسانی ولایت هرات در هنگام تهاجم چنگیز نیز می‌توان به تعداد نسبی جمعیت آن زمان پی برد. به گفتهٔ قاضی جوزجانی: «در شهر هرات ششصد هزار نفر و در اطراف آن دو میلیون و چهار صد هزار نفر در جنگهای مغول کشته شدند.»[1]

---

۱. طبقات ناصری، تألیف منهاج سراج، ص ۱۲۱.

در دورهٔ پُر درخشش تیموریها نیز هرات نفوس بسیار داشته که کثرت جمعیت مذکور را می‌توان از روی تلفات مرض طاعون سال ۸۳۸ که در خطهٔ هرات شیوع یافته بود حدس زد. اسفزاری در چمن دوم از روضهٔ سیزدهم ***روضات‌الجنات*** می‌نگارد: «آنچه از محاسبان معلوم شده، عدد آنها که گور و کفن یافته‌اند در نفس بلده هرات شش‌صد هزار نفر است و در بیرونها تا آنجا که سواد بلده است چهارصد هزار، بی‌آنانی که در مغاکها انداخته‌اند و یا در خانه‌ها دفن کرده‌اند.» پدر اسفزاری نیز در این باره شعری دارد:

شش‌صد هزار در قلم آمد که رفته‌اند   زآنها که رفت گور و کفن مردم خیار
باقی ز بیکسی همه در خانه ماندند   خوردند جسمشان همه درخانه موروما ر[1]

علی‌اصغر حکمت یکی از محققین ایرانی در پیرامون مطالب فوق گوید: «عجب این است که بعد از این واقعه و هلاک این همه نفوس، ابداً دلایلی در دست نیست که آن شهر رونق و عظمت خود را از دست داده باشد و این حادثه اندک تزلزلی و یا انحطاطی در آن شهر ایجاد نموده باشد.»[2]

بعد از سقوط امپراتوری تیموریها، دورهٔ تجزیه و اغتشاش و قرون انحطاط و خانه‌جنگی‌ها آغاز گشت و هرات در متن این کشاکشهای جانکاه قرار گرفت. نفوس هرات در طول این قرون پُر تشنج نوسانهای زیاد و تغییرات فراوان داشته است. زمانی جمعیت این ولایت افزایش پیدا می‌کرده و هنگامی به پایین‌ترین حد خود می‌رسیده است. توضیح همه‌جانبهٔ نوسانات یاد شده در طول قرون متذکره کاری است دشوار، لیکن از قول سیاحان و محققین خارجی دربارهٔ جمعیت مرکز شهر هرات در جغرافیای شهری افغانستان معلومات خوبی جمع‌آوری شده که برای مزید معلومات خوانندگان در زیر نگارش می‌یابد: در سالهای ۱۸۳۷ و ۱۸۳۸ جمعیت شهر هرات بین ۴۵ تا ۶۰ هزار نفر بود. این نفوس شامل هندوها و یهودیان بازرگان هم می‌شد. فریر که در سال ۱۸۴۵ شهر هرات را دیده است، نفوس آن را بین ۲۰ تا ۲۲ هزار نفر تخمین زده است. طبق نظر گرودکف جمعیت شهر در سال ۱۸۷۸ نزدیک به ۵۰۰۰۰ نفر بوده است و اما هفت سال بعد که مردم شهر احتمال حملهٔ روسها را پیش‌بینی می‌کردند، نفوس شهر به ۱۰۰۰۰ نفر کاهش یافته بود. بعد از سپری شدن دورهٔ هشت‌ساله تعداد خانوارهای

---

۱. روضات‌الجنات، بخش دوم، ص ۹۴.
۲. مقدمهٔ دیوان جامی، به قلم هاشم رضی، ص ۱۹.

ساکن شهر به ۳۰۰۰ واحد و نفوس مجموعی شهر قریب ۲۰۰۰۰ نفر تخمین می‌شد.

نیدرمایر می‌نویسد که «در جنگ جهانی اول جمعیت شهر قریب ۲۰۰۰۰ نفر بوده است.»[1] همچنین قابل گفتن است که یکی از سیاحان خارجی به نام یت، نفوس شهر هرات را در سال ۱۸۹۳ «شش هزار خانوار» ذکر کرده است.

نفوس هرات در دوران معاصر

پیش از پرداختن به جمعیت هرات لازم است در مورد سرشماری کشور معلوماتی ارائه شود. در افغانستان به سال ۱۲۵۴ هـ. ش مطابق به هدایت امیرشیر علی خان برای نخستین بار نفوس کابل شمارش شد که در حدود ۱۴۰ هزار نفر تثبیت شد. بین سالهای ۱۲۷۹ الی ۱۲۹۷ نیز یک سلسله اقدامات برای تثبیت و تعیین اندازهٔ نفوس پایتخت صورت گرفت.

در سال ۱۳۰۵ شمسی برای نخستین بار فعالیت در قسمت ثبت و سجل و توزیع تذکره در کشور آغاز شد و قانونی با عنوان «نظامنامهٔ تذکرهٔ نفوس تابعیت» تدوین و به مرحلهٔ تطبیق قرار داده شد. در سال ۱۳۵۰ پروژهٔ سروی مطالعات دیموگرافی یک سلسله کارها را شروع کرد.

روی هم رفته تمام ارقامی که از منابع مختلف در مورد نفوس کشور تاکنون به دسترس است، به اساس روشهای گوناگون توسط منابع جداگانه تخمین شده است و همچنین رشد طبیعی سالیانه متکی بر فرضیه‌های احصائیوی پیش‌بینی و سنجش آن از یکسال برای سال مابعد صورت گرفته و به همین دلیل، تفاوت زیادی بین اعداد و ارقام ارائه شده موجود است.

اولین سرشماری کامل نفوس کشور به مفهوم علمی و به صورت جامع در تمام مملکت احتمالاً در ماه سپتامبر ۱۹۷۷ یا سنبله و میزان ۱۳۵۶ توسط ادارهٔ مرکزی احصائیه صدارت اعظمی اجرا می‌شد[2] که کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ جلو انجام موفقانهٔ طرح بالا را گرفت. لیکن به اساس معلومات منابع سال ۱۳۵۸ «نخستین سرشماری

---

۱. جغرافیای شهری، ص ۹۴.

۲. نتایج کامل نخستین سرشماری چاپ کابل، ۱۳۶۲، ص ۱۰.

نفوس کشور بر اساس روش دجور یعنی شمارش افراد به اساس محل اقامت آنها اجرا شده است، که بدین اساس در اواسط سال ۱۳۵۸ نفوس شهری و دهاتی مسکون افغانستان ۱۳،۰۵ میلیون نفر بوده که از مجموع نفوس مسکون ۵۱،۴۳٪ ذکور و ۴۸،۵۷٪ اناث بوده‌اند و تراکم نفوس در هر کیلومتر مربع به ۲۰ نفر بالغ می‌شد.»[۱]

هرگاه برای پیدایش نفوس هرات به منابع رسمی و غیررسمی مکتوب مراجعه کنیم، با اعداد و ارقام گوناگونی روبه‌رو می‌شویم. به اساس معلومات وزارت داخلهٔ افغانستان در سال ۱۳۳۶ ه.ش نفوس ولایت هرات ۳۹۳ ۱۸۵ نفر سنجش شده که اگر جمعیت حاکم‌نشین اسفزار (شیندند) به آن علاوه شود رقم ۵۸۱ ۲۰۹ نفر حاصل می‌شود. در یکی از منابع دیگر این دوره چنین آمده است: «به اساس دفتر احصائیهٔ ولایت هرات عدهٔ نفوس ذکور یازده ولسوالی مربوطه هرات به ۶۹۳ ۲۰۸ می‌رسد. در حالی که تعداد نفوس ذکور و اطفال شهر هرات از روی دفتر شاروالی حاوی ۵۰۰ ۸۷ نفر است که مجموع نفوس شهر و ولسوالیهای هرات به ۱۹۲ ۲۹۶ نفر بالغ می‌شود.»[۲]

همچنین در بخش تعلیقات *رهنمای هرات* می‌خوانیم کـه در سال ۱۳۴۳ نفوس ولایت هرات در حدود ۱۷۰ ۵۵۶ نفر بوده است. در منبع رسمی و دولتی دیگر نگارش یافته است: «نفوس ولایت هرات در سال ۱۳۵۴ ه.ش ۷۳۳ هزار نفر، در سال ۱۳۵۵ ه.ش ۷۵۱ هزار نفر، سال ۱۳۵۶ ه.ش ۷۶۷ هزار نفر، سال ۱۳۵۷ ه.ش ۷۸۶ هزار نفر، سال ۱۳۵۸ ه.ش ۸۰۴ هزار نفر، سال ۱۳۵۹ ه.ش ۸۲۳ هزار نفر، سال ۱۳۶۰ ه.ش ۸۴۲ هزار نفر و سال ۱۳۶۱ ه.ش ۸۶۱ هزار نفر تخمین شده است.»[۳] ارقام نبشته شده بر مبنای شاخصهای ازدیاد نفوس پیش‌بینی شده است. هرگاه به نشریهٔ نتایج مقدماتی نخستین سرشماری نفوس در سال ۱۳۵۸ مراجعه کنیم، به ارقام آتی روبه‌رو می‌شویم:

سال (ه.ش)	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷
جمعیت هرات	۸۴۹۴۰۷	۸۷۰۸۱۰	۱۹۲۷۷۵	۹۱۵۳۱۶	۹۳۸۴۵۰	۹۶۲۱۹۳[۴]

۱. معلومات احصائیوی افغانستان، چاپ سال ۱۳۵۵.

۲. رهنمای هرات، سال ۱۳۴۶، ص ۱۷.

۳. معلومات احصائیوی افغانستان، چاپ سال ۱۳۵۶.

۴. نتایج مقدماتی نخستین سرشماری، چاپ کابل ۱۳۵۹.

اگر بر مبنای رشد سالانهٔ ۲٫۶۰٪، نفوس هرات را در سال ۱۳۷۱ سنجش کنیم، رقم ۱۰۶۶۳۳۲ نفر به دست می‌آید. به دلیل عدم احصائیه‌گیری دقیق و تبعیض‌های موجود در کتمان نفوس اصلی برخی ولایات، تا سرشماری علمی و بی‌طرفانه هیچ کدام از ارقام فوق، نفوس واقعی هرات را نمی‌تواند بیان کند. و نگارش این تخمینها فقط از نگاه تاریخی مفید خواهد بود.

یکی از محققان خارجی به نام جولیان لیسلی در مورد نفوس شهر هرات چنین نگاشته است: بر مبنای احصائیهٔ نفوس سال ۱۹۷۹ میلادی مطابق ۱۳۵۸ هـ. ش نفوس شهر هرات ۱۴۰ ۰۰۰ نفر تخمین شده که هرگاه بر این، رقم ۳٪ رشد سالانه را بیفزاییم، جمعیت شهر هرات در سال ۱۳۶۸ به رقم ۱۸۰ ۰۰۰ نفر افزایش پیدا می‌کند. طبق مطالعات انجام شده، در حدود ۲۰ ۰۰۰ نفر از ساکنین قریه‌جات اطراف به شهر هرات سکنا گزیده‌اند و در حدود ۱۰۰ ۰۰۰ نفر شهر را ترک کرده و به دیار هجرت رهسپار شده‌اند. به این حساب نفوس نواحی بلدیهٔ شهر هرات در سال ۱۳۶۸ هـ. ش ۱۰۰ ۰۰۰ نفر تخمین می‌شود که از آن جمله نفوس شهر کهنه ۳۵ ۰۰۰ نفر برآورد می‌شود و تراکم نفوس در شهر کهنه ۳۵۰ نفر در فی هکتار و در قسمتهای شرقی شهر به ۲۰۰ الی ۲۵۰ نفر در هکتار می‌رسد.[1]

هرگاه بر اساس ارقام مندرجهٔ جولیان لیسلی نفوس شهر هرات را در سال ۱۳۷۴ سنجش کرده و تعداد نفوس عودت‌کنندگان را ۵۰ فی‌صد ۱۰۰ ۰۰۰ نفر مهاجر تخمین کنیم، عدد ۱۷۵ ۰۰۰ نفر به دست می‌آید که نمی‌تواند قناعت‌بخش باشد و آشکار است که جمعیت موجود مرکز شهر هرات بیشتر از آن است.

بر اساس احصائیه‌گیری مرکز ملل متحد برای اسکان بشر که در سال ۱۳۷۵ خورشیدی در ولایت هرات انجام یافته است، نفوس ساکن نواحی هشتگانهٔ شهر هرات ۳۱۲۶۲۱ نفر سنجش شده است که از آن جمله ۱۵۲۳۹۱ نفر مرد و ۱۶۰۲۳۰ نفر زن هستند.[2]

۱. نتایج وضع خانه‌های مسکونی، ص ۴۳.

۲. جدول توحید عمومی سروی نفوس نواحی هشتگانهٔ شاروالی هرات، ۱۹۹۶.

بر اساس ارقام ارائه شدهٔ تخمینی که در منابع متعدد آمده است، نفوس کنونی هرات بین ۰۰۰ ۰۰ ۱۷ الی ۰۰۰ ۰۰۰ ۲ نفر تخمین زده می‌شود که اگر تعداد مهاجرین داخلی و بیرون‌مرزی ساکن شده در هرات را به رقم بالا بیفزاییم، عدد بزرگ‌تری به دست می‌آید. البته رقم واقعی فقط پس از احصائیه گیری دقیق علمی معلوم خواهد شد.

قوای بشری

هرات از حیث داشتن نیروی انسانی غنی است، لیکن قوای بشری متخصص و فنی آن به مانند سایر ولایات کشور معدود است. برای رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی نیاز به آموزشهای فنی، مسلکی و تخصصی در رشته‌های متنوع است.

در بین قوای بشری افغانستان، من‌جمله ولایت هرات بیکاری مخفی و علنی وجود دارد و از نگاه اقتصادی از نیروهای انسانی مساعدبه کار، استفادهٔ مطلوب صورت نمی‌گیرد زیرا زمینه‌های کار مفید اقتصادی و فعالیتهای مثمر تولیدی محدود است. بهره‌برداری از منابع طبیعی و امکانات اقتصادی به طرز قدیمی و با ابزار و لوازم سادهٔ سنّتی تحقق می‌یابد و این امر نیروی جسمی و فکری قوای بشری را مفت و رایگان ضایع کرده و یا با حداکثر مصرف، حداقل فایده حاصل می‌شود.

برای پیدایش اشتغال مفید اقتصادی، ضرورت به تحولات بنیادی بر مبنای علم و تکنولوژی است. باید زراعت و مالداری رشد و انکشاف داده شود؛ صنایع ترقی یافته و منابع غیرفعال انسانی و طبیعی و اقتصادی به کار افتند. برای تحقق این مهم نیاز به پلان درازمدت، کار پیگیر و پخش دانش اقتصادی، فرهنگی، علمی و اجتماعی در بین اقشار مردم است، تا راه درست اندیشیدن و معقول عمل کردن را دریابند و اهمیت استفادهٔ مفید و اعظمی از لحظات گرانبهای زندگی و بهره‌جویی از زمان در اذهانشان. پرورش یابد که رسیدن به آن در بستر زندگی واقعی ممکن است. برای آشنایی بیشتر با ترکیب نفوس کشور، به ارقام و احصائیه مراجعه می‌کنیم.

جدول ۲ـ۱. مشخصات عمدهٔ نفوس کشور در سال ۱۳۵۴ هـ. ش[1]

مجموع نفوس به شمول کوچی‌ها	۱۶ ۶۶۵ ۰۰۰ نفر
مجموع نفوس مسکون	۱۴ ۲۶۰ ۰۰۰ نفر
نفوس کوچی‌ها	۲ ۴۰۵ ۰۰۰ نفر
نفوس دهاتی‌ها	۱۱ ۸۷۰ ۰۰۰ نفر
نفوس شهری‌ها	۲ ۳۹۰ ۰۰۰ نفر
مجموع نفوس ذکور	۸ ۶۶۶ ۰۰۰ نفر
مجموع نفوس اناث	۷ ۹۹۹ ۰۰۰ نفر

برای آگاهی دربارهٔ توزیع قوای بشری کشور به جدول ۳ ادارهٔ مرکز احصائیهٔ افغانستان، آمریت دیموگرافی ـ سرشماری قوای بشری در سال ۱۳۵۴ رجوع می‌کنیم:

اطفال غیرفعال (صفر الی ۱۵ سال): ۰۰۰ ۲۰۹ ۷ نفر. جوانان مستعد به کار (۱۵ الی ۶۰ سال): ۰۰۰ ۷۱۸ ۸ نفر. کلان‌سالان غیرفعال (از ۶۰ سال به بالا): ۰۰۰ ۷۳۸ نفر. مجموع تعداد قوای بشری: ۰۰۰ ۹۴۸ ۴ نفر. مصروفین: ۰۰۰ ۶۰۵ ۴ نفر.

الف: شاغلان در سکتورهای تولیدی، ۰۰۰ ۸۹۰ ۳ نفر؛ به این شرح: زراعت، مالداری و جنگل‌ها، ۰۰۰ ۳۳۰ ۳ نفر؛ صنایع، معادن و صنایع دستی، ۰۰۰ ۳۵۰ نفر؛ ساختمان و امور جیولوژی، ۰۰۰ ۱۳۰ نفر؛ ترانسپورت و مخابرات، ۰۰۰ ۸۰ نفر.

ب: در سکتور غیرتولیدی: ۷۱۵۰۰۰ نفر؛ به این شرح: در معارف و صحیه، ۰۰۰ ۵۰ نفر؛ در تجارت، ۰۰۰ ۲۰۰ نفر؛ مأمورین و اجیران دوائر رسمی، ۰۰۰ ۹۰ نفر و سایر خدمات غیرتولیدی، ۰۰۰ ۳۷۵ نفر.

ج: ذخیرهٔ قوای بشری در جستجوی کار، ۰۰۰ ۳۴۳ نفر.[2] خوب است که شاخصهای نفوس قوای بشری کشور در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۶۸ به طور مقایسه‌ای به رشتهٔ نگارش درآید:

---

۱. معلومات احصائیوی افغانستان، چاپ ۱۳۵۵، ص ۱۶.
۲. معلومات احصائیوی افغانستان، چاپ ۱۳۵۵، ص ۲۰

جدول ۲ ـ ۲. شاخصهای نفوس قوای بشری در ۱۳۵۷ و ۱۳۶۸

شاخص	۱۳۵۷	۱۳۶۸
مجموع نفوس ساکن	۱۲/۷۱ میلیون نفر	۱۵/۸۱ میلیون نفر
نفوس شهری	۱/۸۱ میلیون نفر	۲/۸۵ میلیون نفر
نفوس دهاتی	۱۰/۸۲ میلیون نفر	۱۲/۹۷ میلیون نفر
نفوس مستعد به کار (۱۵ ـ ۵۹) ساله	۶۱۲۵/۱۸ هزار نفر	۷۶۳۵/۵۵ هزار نفر
قوای بشری	۴۷۷۷/۶۴ هزار نفر	۶۰۰۴/۵۶ هزار نفر
سهم قوای بشری نظر به نفوس مستعد به کار	۷۸/۲۵ فی‌صد	۷۸/۶۴ فی‌صد
قوای بشری مصروف به کار	۴۵۸۶/۵۳ هزار نفر	۸۵۰۲/۲۱ هزار نفر
فعالیتهای تولیدی	۳۸۵۲/۶۸ هزار نفر	۴۹۲۵/۰۳ هزار نفر[۱]

سنجش قوای بشری، تفکیک و دسته‌بندی واقعی آن در کشورهای عقب‌نگهداشته‌شده و رو به انکشاف، من‌جمله افغانستان، عملی دشوار و مشکل است زیرا بـه اسـتثنای بعضی مؤسسات، سکتور دولتی و صنایع بزرگ بخش خصوصی که در دفاتر رسمی و دوایر دولتی ثبت است، سنجش شاغلان بخش صنایع دستی، حرفه‌های آزاد، تجارت و مبادله و غیره بسیار مشکل است و ضرورت به پلان علمی احصائیوی و وقت کافی دارد که به قسم واقعی و علمی تا کنون در کشور ما تحقق نیافته است.

در مورد قوای بشری ولایت هرات باید گفت که تقریباً ۸۰٪ جمعیت هرات مصروف زراعت و مالداری بوده و ۲۰٪ آن به امور دیگر شاغل‌اند. بر مبنای سروی دولتی در سال ۱۳۴۶ نفوس زراعتی هرات ۰۰۰ ۶۸۵ نفر سنجش شده است.[۲] هرگاه از زراعت و مالداری بگذریم، بخش صنایع دستی و قالین‌بافی بیشترین شاغلان را پذیرا شده و پس از آن اصناف عمده هستند. بر مبنای سروی ۱۳۵۴ ه. ش تعداد شـاغلان قـالین‌بافی ۲۳۸۷۶ نفر و تعدادشان در صنایع دستی عمدهٔ دیگر ۱۱۱۵۷ نفر تعیین شده است که از

---

۱. منبع: سالنامهٔ احصائیوی ۱۳۶۸، چاپ کابل، وزارت احصائیوی مرکزی.

۲. معلومات احصائیوی افغانستان، چاپ ۱۳۵۵، ص ۷۰.

این تعداد مجموعی ۲۴۹۳ نفر مرد و ۳۲۶۴۰ نفر زن بوده‌اند.[۱] همچنین تعداد شاغلان در اصناف عمده ۳۸۳۸ نفر سنجش شده است.[۲]

به هر حال تاکنون دربارهٔ قوای بشری هرات و تفکیک آن مطالعات لازم و تحقیقات علمی صورت نگرفته است و پی‌آمدهای کودتای ثور و جنگ طولانی، تخمین‌های قبلی و سنجشهای گذشته را بر هم زده است. در حال حاضر شیرازهٔ زندگی اقتصادی و اجتماعی اهالی هرات پاشان شده و مشغولیتهای کاذب جای اشتغال مفید اقتصادی را گرفته است.

قوای بشری جوان و مساعد به کار، در جریان جنگ طولانی اکثراً از سکتور زراعت و مالداری، از صنایع و در کل از جریان تولید داخلی جدا گشته و در مکانیزم جنگی مصروف شده‌اند و یا در کشورهای خارجی به خصوص کشور ایران مصروف کارند.

در جریان جنگ، محیط اقتصادی و اجتماعی ما دچار بحران کشنده و حالت غیرنرمال شده است و قوای بشری ما در امور غیر مولد و در شغلهای کاذب مصروف بوده و به طور بسیار پراکنده و ناهماهنگ عمل کرده‌اند.

در ادوار پس از سقوط حکومت دکتر نجیب، به سبب جنگ داخلی، تعویض حکومت‌ها و عدم امنیت و مصونیت‌های لازم اقتصادی و اجتماعی برای مشکل اشتغال قوای بشری پراکنده و غیرمولد، راه‌حل استراتژیک و اساسی پیدا نشده است و این مشکل تا هنوز در هرات به قوت خود باقی است.

ناامنی‌های اخیر در اثر ضعف دولت مرکزی، مداخلات پاکستان در حمایت از طالبان و فساد روزافزون در ادارات دولتی، حقوق شهروندان، مصونیتهای اجتماعی و اقتصادی و جریان تجارت و سرمایه گذاریهای داخلی و خارجی را در افغانستان مختل ساخته و بحران اقتصادی و بیکاری را تشدید کرده است.

---

۱. معلومات احصائیوی افغانستان، چاپ ۱۳۵۵، ص ۱۷۱

۲. معلومات احصائیوی افغانستان، چاپ ۱۳۵۵، ص ۱۸۲

زبان

اهالی هرات به لهجهٔ هروی که به اصطلاح زبان‌شناسی جدید گونه‌ای از دری است، گپ می‌زنند و زبان دری در کشور ما افغانستان، سابقه‌ای بس طولانی و تاریخی دارد. در این باره پوهاند عبدالحی حبیبی می‌نگارد: «زبان قدیم دری در تخارستان قبل از مهاجرت ساکه‌ها و کوشانیان هم موجود بود، ولی با تسلط یونانیان زبان یونانی بر آن تقدم جست. زبان دری در قرن اول و دوم میلادی با همان شکل قدیم در تخارستان و دربار کوشانی، زبان نوشته و دفتر بود.»[1]

محمد تقی بهار هم در این مورد ابراز نظر می‌کند: «انتشار زبان دری بار اول از جانب مشرق و نیمروز بوده، چه می‌دانیم که زبان عامهٔ مردم مغرب ایران پهلوی بوده است. به هر صورت در این‌که زبان دری از لهجه‌های شرق است، شکی نیست؛ خواه در اصل آن را تخاری و خواه منسوب به دربار بدانیم.»[2]

میر غلام‌محمد غبار نیز در حصهٔ زادگاه زبان دری چنین می‌گوید: «زبان دری اصلاً در مناطق دو طرف رود جیحون افغانستان و ماوراءالنهر به میان آمده و زبانهای قدیمی این دو کشور از قبیل اسکائی، تخاری، سغدی و هم پهلوی پارتی، در تشکیل آن مؤثر و قوی بوده است.»[3]

همچنین دکتور محمود افشار یزدی در این رابطه مطلب جالبی دارد: «زادگاه یا در هر حال پرورشگاه نخستین زبان دری، افغانستان کنونی یا خراسان بزرگ سابق است، به علاوه زبان رسمی و علمی و ادبی افغانستان همیشه دری بوده است.»[4]

هرات در پرورش و انکشاف زبان دری نقش خوبی داشته است. لهجهٔ هروی از دورانهای بسیار قبل معروف و مشهور بوده و بدان گپ زده می‌شده است، چنان‌که در

---

۱. تاریخ مختصر افغانستان، عبدالحی حبیبی، چاپ ۱۳۶۸، ص ۷۲

۲. سبک‌شناسی، محمد تقی بهار، جلد اول، چاپ ایران، ص ۲۱ - ۲۵.

۳. افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۹۵.

۴. افغان‌نامه، جلد اول، دکتر محمود افشار، چاپ ایران، ص ۱۷۲.

این باره در **تاریخ گردیزی** چنین سخن رفته است: «بهرام گور به هر زبانی سخن گفتی. به وقت چوگان‌زدن پهلوی گفتی و اندر حربگاه ترکی گفتی و اندر مجلس با عامه دری گفتی و با موبدان و اهل علم پارسی گفتی و با زنان هروی گفتی.»[1]

در دورهٔ حکومت طاهریانِ فوشنج بود که زبان دری با چهرهٔ جدید و رسم‌الخط نوینی در ساحت ادب تجلی کرد و در دورهٔ صفاریان، سامانیان و غزنویان توسعه و بالندگی افزون یافت. پس از بلای هستی‌سوز چنگیز نیز یک بار دیگر هرات در عهد تیموریها، پرورشگاه ادب، هنر، تهذیب و ثقافت شد و می‌رفت تا لگام‌دار واقعی فرهنگ و تمدن آریانای کهن و خراسان بزرگ شود که متلاشی شدن سیستم حکومتی به سبب خامی بافت سیاسی و دامن‌گستر شدن زد و خوردهای متواتر همسایگان یعنی دولتهای توظهور شیبانی (ازبکها)، صفوی ایران و بابریان هند، این فرصت طلایی را از خراسان آن زمان و افغانستان کنونی، خاصه پایتخت آن هرات باستان گرفت و این گهوارهٔ علم، تمدن و فرهنگ در زیر سم اسبان جنگ‌افروزان به کلوخستان وحشتناکی تبدیل شد و بعد هم بر ویرانه‌های حسرت‌ناک هرات کشاکشهای طوایف و جنگهای خانگی آغاز شد که اگر از معدود دهه‌های آرامش نسبی بگذریم، به نحوی از انحا تاکنون ادامه دارد.

هرات در گذرگاه تاریخ همواره مرکز تلاقی تمدنهای بزرگ و محل عبور کاروانهای تجارتی بوده است. این موقعیت جغرافیایی ترکیب متنوع قومی و آمیزشهای اجتماعی را در بستر زندگی طبیعی باعث شده و یورشهای جهان تازان و زورگویان این حالت را شدت داده است. خصوصیت نامبرده برای فرهنگ و زبان اهالی هرات نوعی تنوع، گستردگی و اختلاط بخشیده که اگر دورهٔ آرامش و مدنیت نوپای تیموریان ادامه پیدا می‌کرد، شیرازهٔ فرهنگی، زبانی و بافت اجتماعی این مرکز ادب و ثقافت استحکام بیشتری حاصل می‌کرد.

زورآزمایی‌ها، اغتشاشات و خانه‌جنگی‌های چندقرنه‌ای پس از سقوط امپراتوری تیموریها، بنیان فرهنگی و شیرازهٔ زبانی هرات را تا حدود زیادی پاشان کرد، هرچند هراتیان در اوقات مناسب و کوتاه دوره‌های آرامش در راه احیای فرهنگ تلاشهای

---

۱. ژتاریخ گردیزی، صفحهٔ ۷۷.

قابل قدری انجام دادند. از جانب دیگر فرهنگ ریشه‌دار هرات با تمام فشارهای مختلف این غنا و جاذبه را داشت که طوایف تازه‌اسکان را در آغوش گرفته و در خود جذب و حل کند. لیکن این قدرت و جاذبهٔ به انحطاط کشیده شده و رنگ‌باخته، به تنهایی کافی نیست. برای رشد فرهنگی و سره‌کردن واژگان اصیل دری هرات نیاز به تحقیقات دامنه‌دار و کار خستگی‌ناپذیر است و به راستی فرهنگ پرمایه و اما به انحطاط رفتهٔ افغانستان بدان نیازمند است.

زبان دری با لهجهٔ خاص هروی زبان عمومی و غالب مردم هرات است و تمام اقوام و طوایف ساکن هرات با واژگان دری این ولایت انس و الفت یافته‌اند. بیشترینهٔ پشتوزبانان سابق، زبان نام‌برده را به حیث زبان اصلی پذیرفته و به وسیلهٔ آن گپ می‌زنند، شعر می‌سرایند، نثر می‌نگارند و خلاصه اندیشه‌ها، عواطف و احساسات خود را به دیگران انتقال می‌دهند.

تا جایی که نگارنده مطالعه کردم، در سالیان جنگ و پایداری که بنیان زندگی پیشین تا حدود زیادی ویران شده و تعداد فزونی از اهالی هرات به کشور ایران پناهنده شدند، همان حصارهای محدود و تنگ طوایف کوچی نیز درهم شکسته و عملیهٔ جذب شدن آنها در فرهنگ قدامت‌دار هرات بسیار تند و شتابان شده است و با زبان فارسی دری آمیزش و پیوند بیشتری یافته‌اند.

در این زمان حساس که بنای زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ما ضربات وافری دیده و کشور ما افغانستان، از جمله ولایت هرات به بازسازی و احیای مجدد نیاز دارد، وظیفهٔ محققان، نویسندگان، شعرا، هنرمندان و فرهنگ‌دوستان افغانستان بالخاصه هراتیان بسیار سنگین شده است. همه نیاز داریم تا در زمینهٔ رشد و انکشاف فرهنگ زادگاهی خود اهتمام ورزیده و از میراث گرانبهای نیاکان، پاسداری و نگهبانی کنیم.

به‌سانی که در بالا اظهار شد، در طول قرون اقوام و طوایف متنوعی در ساحت هرات زندگی کرده‌اند و این امر سبب پیدایش لهجه‌ها و یا بهتر است بگوییم طرز تلفظ‌های گوناگون شده است. به خود زبان دری هرات نیز لفظ «لهجهٔ هروی» اطلاق می‌کنند.

در مورد لهجه‌ها در هرات می‌توان به لهجهٔ اهالی غوریان، زنده‌جان (به خصوص

مرویان شکیبان)، کهسان (که مردم بدان لهجهٔ سرحدی می‌گویند)، ادرسکن، اسفزار، اوبه و کوشک (که متأثر از غوراتی و بادغیسی است) و غیره اشاره کرد.

برای شیرازه‌بندی، استحکام و سامان یابی زبان در هرات نیاز به تحقیقات فرهنگی مداوم در جریان رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی و برقراری روابط وسیع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در میان اهالی مناطق دور و نزدیک این ولایت است که فقط در بستر زندگی طبیعی قوام واقعی می‌یابد و بالای فرهنگ عمومی کشور، به‌خصوص بالای اهالی بادغیس، غور، فراه و نیمروز تأثیر فراوان می‌گذارد.

اقوام و طوایف

ساحهٔ وسیع خراسان قدیم که قطعات عمدهٔ آن در افغانستان کنونی موقعیت دارد و در درازنای دوران باستان سکونت‌گاه نژاد آریایی و پرورشگاه فرهنگ و مدنیت این قوم بوده است، در مسیر تاریخ هماره میدان تاخت و تاز اقوام و قبایل مختلف مانند ترکان، اعراب، غُزها، مغولان، ازبکان، قبایل پشتون، ترکان ایران و ترکمان‌ها قرار گرفته است. هرات در گذرگاه تاریخ همیشه از این حرکات خشماگین و خونریز قبایلی صدمه دیده که بارزترین آن یورش هستی‌سوز سپاه چنگیز است.

در جریان این آمد و شدها هرات بافت قومی مختلط و ترکیب اجتماعی متنوع یافته که آمیزش طوایف پشتوزبان در چند قرن اخیر بر این تنوع افزوده است. به هر تقدیر، غنای فرهنگی، محیط مناسب طبیعی و جغرافیایی و امکانات و منابع خوب اقتصادی و زراعتی هرات از یک طرف و دین واحد و زبان یگانه از طرف دیگر همواره عامل اساسی در به‌هم‌بافی و به‌هم‌جوشی اجتماعی و فرهنگی بوده که آخرین نمونهٔ سست و کم‌جان شدهٔ آن را در قرون جاری دیده می‌توانیم. اگر پیامدهای جبری جنگ طولانی اخیر بافت تازه نسج گرفته متذکره را ضربه نمی‌زد، بنیان موصوف در اثر رشد و انکشاف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی استوارتر می‌شد.

دربارهٔ اقوام و طوایف هرات در کتابی جداگانه بحث بیشتری کرده‌ام که تکرار آن در اینجا لازم نیست، لیکن جهت آگاهی خوانندگان به نام اقوام طوایف و شاخه‌های متنوع

آن اشاره می‌شود: تاجیک، قائینی، ساخری (ساغری)، بلوچ، طاهری، عرب (عربها به کلی در فرهنگ هرات ذوب شده‌اند) حضرتها، میرها، اقه‌ها، خـواجـه‌ها، مـیرزاهـا، خوافی، فیروزکوهی، هزاره، بختیاری، زوری، تایمنی، جمشیدی، قیپچاق، مـغول‌ها، تیموری، درگزنی (تاجیک)، مروی، میش‌مست، بایلانی، میرزابایی، مـبادی، زیـنلی محمودی، کارت بلند، ذکنی، نائبها، ازبک، بایری، روندی، ترکمن، سرخکمان، مالکی و غیره.

تمام این اقوام و لایه‌های آن در مجموعهٔ عمومی تاجیکان جا گرفته و زبان دری و فرهنگ پرریشهٔ خراسانی، از آنان کتلهٔ واحد هراتی ساخته است.

طوایف اوغان (پشتو زبان): نورزایی، الکوزایی، مومند، کاکر، وردک، بارک‌زایی، اسحاق‌زایی، یوسف‌زایی، پوپل‌زایی، اچک‌زایی، بردرانی، علی‌زایی، ماکو، خوکیانی و مشوانی.

طوایف اوغان و یا پشتوزبانان سابق چنان با واژگان دری انس و الفت گرفته‌اند که زبان دری هروی به لسان اصلی‌شان تبدیل شده است. این پروسهٔ یـادگیری زبـان و جذبِ فرهنگ خراسانی هرات، طوایف مذکور را در فرهنگ عمومی هرات ذوب کرده و از آنان هراتیان بومی ساخته است.

لهجهٔ هراتی و به هم‌جوشی اقوام و طوایف

یکی از خصوصیات جالب طی سده‌های متمادی در هرات این است کـه اخـتلاط و امتزاجهای بیولوجیکی (جینتیکی)، اجتماعی و فرهنگی بسیار متنوعی در بین اقوام، قبایل و نژادهای گوناگون مانند مادها، آریایی‌ها، اعراب، طوایف مـتنوع تـرک‌نژاد و قبایل پشتون به وجود آمده است و طی این همه اختلاطها و آمیزشها شیرازهٔ فرهنگی و هویت ویژهٔ هراتی در هیئت لهجهٔ هروی متبارز و برجسته بوده و به مثابهٔ مهر هویتی بر جبین هرویان تجلی داشته است.

زبان دری با لهجهٔ هراتی در این خطه پیشینهٔ بسیار طولانی دارد. در عهد طاهریان به زبان دری توجه شد و در دورهٔ سامانیان این زبان رشد و انکشاف پیدا کرد و در عهد غزنویان، غوریان و تیموریان هم به رشد و بالندگی‌اش ادامه داد.

هرگاه به قفسه‌های گرد و غبار گرفتهٔ تاریخ نظر اندازیم، به آثار فراوانی در زبـان

دری هراتی که توسط هرویان به رشتهٔ نگارش آمده است روبه‌رو خواهیم شد. روی این دلیل است که طی قرون اغتشاش و خانه‌جنگی‌های بعد از سقوط تیموریها، باز جاذبه‌های فرهنگ هراتی و زبان دری هروی توانست اقوام و طوایف متنوعی را در قالب فرهنگ هراتی با تارهای ابریشیمین دری به مانند یک قالین رنگارنگ و اما هماهنگ و سازگار شده به همدیگر، بیافد و از آن یک کتلهٔ واحد و یکپارچهٔ هراتی بیافریند که ما در هرات کنونی به روشنی مشاهده می‌کنیم.

تعلیم و تربیه

هرات در مسیر تاریخ همواره گهوارهٔ علم و هنر، فرهنگ و معارف بوده است و در دامن این مرز و بوم معارف‌پرور، عالمان، دانشمندان، شاعران و هنروران نامداری پرورش یافته‌اند. آوازهٔ مکتب هنری هرات و مدرسهٔ گوهرشاد تاکنون در دل متون تاریخی و در مجامع علم و ادب خاور و باختر پیچان است.

در دورهٔ تیموریان (قرن نهم هجری) استادان و دانشوران شهیری در مدارس رسمی شهر هرات تدریس می‌کردند. در آن هنگام که چراغ مدنیت اروپا بسی کم‌فروغ می‌نمود در مدارس شهر هرات یازده هزار شاگرد سرگرم فراگیری تحصیل بودند و تعداد زیادی از کودکان خردسال نیز در مساجد خانگی سبق می‌خواندند.[1]

پس از فروپاشی حکومت تیموریان دوران تشتت و اغتشاش در هرات فرارسید و بعد از آن هم مرحلهٔ کشاکشهای قومی و قبیله‌ای و خانه‌جنگی‌های هستی‌سوز دامن گسترانید و هرات گرفتار انحطاط فرهنگی و فقر شدید معارف شد.

نخستین مکتب جدید در شهر هرات زیر نام مکتب رشدیه در دورهٔ امانی (۱۳۰۷ـ۱۲۹۸ ش) تأسیس شد. سپس مکتب جبلی در سال ۱۳۰۹ و مکتب موفق در سال ۱۳۱۰ به وجود آمد و معارف جدید به تدریج و بسیار آهستگی توسعه پیدا کرد.

در سال ۱۳۴۴ در شهر هرات فقط دو مکتب لیسهٔ پسرانه به نام لیسهٔ سلطان

---

۱. افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۲۷۷.

غیاث‌الدین و لیسهٔ جامی، یک لیسهٔ دخترانه به اسم لیسهٔ مهری، دو باب دارالمعلمین ۱۲ صنفی و دو باب مدرسهٔ دینی ۱۲ صنفی به نام فخرالمدارس و مدرسهٔ جامع موجود بوده است (← تصویر ۲ ـ ۱).



تصویر ۲ – ۱ . لیسهٔ سلطان غیاث‌الدین غوری

همچنان ۳۹ باب مکتب ابتدایی پسرانه، ۶ باب دخترانه و ۴۲ باب مکتب دهاتی پسرانه و ۶ باب دخترانه در شهر و اطراف هرات فعالیت داشته است. تعداد متعلمان پسر در تمام مکاتب لیسه و ابتدائیهٔ ولایت هرات ۱۵۰۰۵ نفر و تعداد دختران ۳۳۰۲ نفر بوده است و در مکاتب دهاتی هم ۲۵۰۱ نفر درس می‌خوانده‌اند.[1] معارف و تعلیم و تربیه در عهد جمهوری محمد داوود تا اندازای سیر انکشافی داشت. تعداد مکاتب لیسه و متوسطه زیاد شده بود و متعلمان بیشتری سرگرم فراگیری درس و تعلیم بودند. برای آگاهی افزون تر از وضعیت تعلیم و تربیهٔ آن دوره به جدول زیر

---

۱ . رهنمای هرات، ص ۳.

بنگرید:

جدول ۲ ـ ۳. تعداد معلمان، دانش‌آموزان و مکاتب ولایت هرات در ۱۳۵۳ ـ ۱۳۵۵[1]

سال	مکاتب پسرانه	مکاتب دخترانه	تعداد پسران	تعداد دختران	تعداد معلمان مرد	تعداد معلمان زن
۱۳۵۳	۱۷۰ باب	۲۶ باب	۳۲۹۵۲ نفر	۷۲۰۱ نفر	۱۱۱۵ نفر	۲۵۱ نفر
۱۳۵۴	۱۷۰ باب	۲۷ باب	۳۶۵۶۷ نفر	۷۸۸۳ نفر	۱۱۳۷ نفر	۲۱۳ نفر
۱۳۵۵	۱۶۰ باب	۲۸ باب	۳۹۳۲۲ نفر	۸۴۸۱ نفر	۱۱۸۷ نفر	۳۰۹ نفر

هرگاه به نفوس ولایت هرات نظر اندازیم، درخواهیم یافت که ارقام نگارش‌یافتهٔ بالا فی‌صدی کمی بوده و وضع تعلیم و تربیهٔ هرات به طور کلی و در مقایسه با نفوس این ولایت تعریف چندانی نداشته است. جهت فراهم‌سازی آگاهی بیشتر در حصهٔ نام و تاریخ تأسیس مکاتب هرات توجهٔ خوانندگان عزیز را به جدول زیر جلب می‌کنم.

جدول ۲ ـ ۴. نام، محل و تاریخ تأسیس مکاتب ولایت هرات[2]

نام	محل	تاریخ تأسیس
لیسهٔ سلطان غیاث‌الدین غوری	جادهٔ ولایت هرات	۱۳۲۵
ابتدایی گوهرشاد	شهر جدید	۱۳۴۰
ابتدایی ارزقی	ده‌نو گذاره	۱۳۲۶
لیسهٔ جامی	پهلوی مخابرات	۱۳۴۱
ابتدایی درب عراق	ناحیهٔ سوم شهر	۱۳۴۶
ابتدایی قلعهٔ یادگار	زنده‌جان	۱۳۴۶
لیسهٔ مهری	اول جاده کلاب، مرکز شهر	۱۳۲۴

---

۱. معلومات احصائیوی افغانستان، سال ۱۳۵۷، ص ۳۰۶ـ۳۰۸.
۲. بخش تعلیقات رهنمای هرات، ص ۳۱.

میرمنو تولنه	شهر جدید	۱۳۴۵
ابتدایی فوشنج	زنده‌جان	۱۳۱۶
متوسطه غوریان	مرکز غوریان	۱۳۱۴
حوض کرباس	از ده‌های انجیل	۱۳۴۱
ابتدایی ابومنصور	شکیبان مربوط زنده‌جان	۱۳۱۷
متوسطهٔ وزیر فتح خان	گذره	۱۳۴۶
ابتدایی غوریان	مرکز غوریان	۱۳۳۷
ابتدایی برنابود	غوریان	۱۳۲۵
دارالمعلمین	جاده باغ شاهی	۱۳۳۶
ابتدایی جمعیت سروستان	قریهٔ سروستان مربوط انجیل	۱۳۱۶
ابتدایی قلعهٔ جوهر	غوریان	۱۳۱۶
فخرالمدارس	کنار پارک بهزاد	۱۳۱۲
ابتدایی کاشفی	قریه سفیدروان	۱۳۱۶
ابتدایی شافلان	شافلان	۱۳۱۷
مدرسهٔ جامع	مسجد جامع	۱۳۱۹
ابتدایی ابوالولید	قریهٔ آزادان مربوط انجیل	۱۳۱۷
ابتدایی فشکان	شافلان	۱۳۴۶
دارالحفاظ	جاده ولایت	۱۳۰۸
ابتدایی امیرحسین	قریهٔ ملدان مربوط انجیل	۱۳۲۶
ابتدایی سیروان	اوبه	۱۳۱۷
ابتدایی جبلی	شهر نو	۱۳۰۹
ابتدایی صیف‌الدین	قریهٔ بدلو مربوط گذره	۱۳۲۶
ابتدایی اوبه	اوبه	۱۳۱۶
ابتدایی موفق	پارک شهر نو	۱۳۱۰
سرآسیاب	قریه سرآسیاب	۱۳۴۰
ابتدایی اسلام آباد	کروخ	۱۳۴۰
ابتدایی سیفی	شهرنو	۱۳۲۵

ابتدایی هاشمی	سرک هاشمی	۱۳۴۵
ابتدایی کروخ	کروخ	۱۳۱۷
ابتدایی انصاری	ناحیهٔ ۵، شهرنو	۱۳۱۷
ابتدایی شادی بره	قریه شادی بره مربوط انجیل	۱۳۴۶
ابتدایی چاردره	کوشک	۱۳۳۸
ابتدایی سلطان	شهر جدید	۱۳۴۶
ابتدایی زیارتگاه	گذره	۱۳۱۵
ابتدایی قوش آسیاب	کوشک	۱۳۴۵
ابتدایی جامی	دروازه خوش	۱۳۴۶
ابتدایی دادشان	گذره	۱۳۲۶
ابتدایی دوغیها	کوشک	۱۳۴۶
ابتدایی هاتفی	انجیل	۱۳۱۷
ابتدایی کورت	گذره	۱۳۲۶
ابتدایی گلران	گلران	۱۳۴۵
ابتدایی جلالی	ناحیهٔ اول شهر	۱۳۳۳
ابتدایی سیاوشان	سیاوشان مربوط گذره	۱۳۱۶
ابتدایی کهسان	کهسان	۱۳۳۸
ابتدایی سپین ادی	ناحیهٔ چهار شهر	۱۳۳۴
ابتدایی امیرشاهی	گذره	۱۳۴۲
ابتدایی ادرسکن	ادرسکن	۱۳۴۵
ابتدایی باغدشت	ناحیهٔ پنج شهر	۱۳۴۰
ابتدایی شمس‌الدین کرت	گذره	۱۳۲۶

شایان گفتن است که در دوران بازپسین سلطنت محمد ظاهر، خاصه در دورهٔ جمهوریت محمد داوود (۱۳۵۶ـ۱۳۵۲ ش) تعداد مکاتب ولایت هرات کمی بیشتر شد و تعدادی از مکاتب ابتدایی به متوسطه و لیسه ارتقا پیداکرد. پس ازکودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ و در جریان جنگ خانمان‌سوز، اکثر مکاتب اطراف ولایت هرات تخریب و

منهدم شد. در این دوره سویهٔ تعلیمی در مکاتب بسیار تنزیل کرد و سطح تحصیلی بسیار پایین آمد.

تعلیم و تربیهٔ هرات پس از سقوط دولت دکتور نجیب

پس از انتقال قدرت از دولت دکتور نجیب به مجاهدین در ۲۹ حمل ۱۳۷۱، دیوارهای آهنین بین مرکز شهر و مناطق اطراف هرات به هم پاشید و به مرور زمان آرامش و امنیت نسبی در این ولایت تأمین شد. کمکهای مؤسسات خیریهٔ بین‌المللی در بخش تعلیم و تربیه افزایش یافت و تعداد زیادی از معلمان و متعلمان مهاجر به هرات برگشتند. به این دلیل وضع بهتر شده و تعداد متعلمان زیاد شد، چنان که در این جدول می‌بینید.[۱]

جدول ۲ ـ ۵. تعلیمات عمومی در سال ۱۳۷۴

تعداد مکتبها		تعداد متعلمین		تعداد معلمین	
پسرانه	دخترانه	پسر	دختر	مرد	زن
۲۰۰	۱۳	۹۸۹۵۷	۲۲۶۰۳	۲۰۰۹	۸۹۳

از جمله مکتبهای فوق، ۲۱ باب پسرانه و ۹ باب دخترانه در مرکز شهر هرات و ۱۷۹ باب پسرانه (که ۱۳۰ باب آن مکتب ابتدایی است) و ۴ باب دخترانه در اطراف شهر واقع شده است. همچنین در مرکز شهر ۲۳ ۳۳۷ شاگرد پسر و ۲۱ ۶۶۳ شاگرد دختر و در اطراف شهر ۷۴ ۶۲۰ شاگرد پسر و ۱۹۴۰ شاگرد دختر مشغول فراگیری درس و تعلیم هستند. از روی ارقام ذکر شده معلوم می‌شود که بر کمیت شاگردان مکاتب افزوده شده است. لیکن بر مبنای مشاهدات عینی کدام تغییر کیفی در وضع تعلیم و تربیهٔ هرات به چشم نمی‌خورد و مواد درسی موجود و سیستم تعلیم و تربیه دارای نواقص و کمبودهای فراوانی است.

قابل یادآوری است که بعد از تصرف ولایت هرات توسط جنبش طلبه‌ها در سنبلهٔ

۱. مدیریت پلان ریاست عمومی تعلیم و تربیهٔ هرات.

۱۳۷۴ تمام مکاتب دخترانهٔ این ولایت به دستور طالبان تعطیل شد و عموم شاگردان و معلمان زن از تعلیم و تعلم محروم شدند. قابل یادآوری است که در سالیان ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ سطح علمی معارف و تعلیم و تربیه بسیار پایین آمد و فشارهای حکومت، اختناق و تبعیض طالبان چون کوه بر شانه‌های تحصیل‌کردگان و اهل فرهنگ سنگینی می‌کرد و فقر اقتصادی جان همه را به لب رسانیده بود.

جدول ۲ ـ ۶. تعلیمات عمومی در ولایت هرات[1]

سال	تعداد مکاتب		تعداد شاگردان		تعداد معلمان	
	پسرانه	دخترانه	پسر	دختر	مرد	زن
۱۳۶۰	۱۹۷	۳۳	۴۹۲۸۴	۱۲۹۲۷	۱۸۸۵	۳۷۲
۱۳۶۱	۲۰۷	۳۲	۵۲۵۳۶	۱۵۸۶۰		
۱۳۶۲			۲۴۲۶۳	۱۲۱۲۹	۷۳۰	۴۱۶
۱۳۶۵	۷۰	۱۲	۲۷۲۱۷	۱۱۱۳۶	۷۵۹	۴۸۳
۱۳۶۶	۸۱	۱۳	۳۳۶۵۲	۱۲۵۳۱	۷۵۹	۴۸۶
۱۳۶۷	۸۷	۱۷	۳۵۹۳۲	۱۳۱۲۵	۷۶۰	۴۸۸
۱۳۶۸	۸۷	۱۷	۳۴۳۴۳	۱۲۵۴۹	۴۴۶	۲۷۸

□

پس از سقوط حکومت طالبان، تعلیم و تربیه در هرات از نگاه کمّی توسعهٔ زیادی پیدا کرده است. در سرطان ۱۳۸۴ در «۵۴۵ باب مکتب به تعداد ۴۷۰۰۰۰ شاگرد»[2] مشغول فراگیری درس و تعلیم بوده‌اند، لیکن سطح آموزش و پرورش تا هنوز بسیار پایین‌تر از معیارهای بین‌المللی است. در اینجا به تعداد مکاتب، مدارس، شاگردان و معلمین ولایت هرات در سال ۱۳۸۷ توجه کنید:

---

۱. منبع: سالنامه‌های احصائیوی ۱۳۶۰ و ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ ادارهٔ مرکزی احصائیه چاپ کابل.
۲. اتفاق اسلام، ۱۶ سرطان ۱۳۸۴، ص ۲.

جدول ۲ ـ ۷ . تعداد مکاتب، مدارس، شاگردان و معلمان ولایت هرات در سال ۱۳۸۷[1]

لیسه‌های تعلیمات عمومی			متوسطه‌های تعلیمات عمومی			ابتدائیه‌های تعلیمات عمومی		
ذکور	اناث	مجموع	ذکور	اناث	مجموع	ذکور	اناث	مجموع
۶۹	۳۱	۱۰۰	۱۶۳	۳۰	۱۹۳	۳۰۸	۱۴	۳۲۲
مکاتب مسلکی			**تربیه معلم**			**دارالعلوم دینی**		
ذکور	اناث	مجموع	ذکور	اناث	مجموع	ذکور	اناث	مجموع
۳	-	۳	۱	-	۱	۳	-	۳
مدارس علوم دینی			**دارالحفاظها**			**مکاتب خصوصی**		
ذکور	اناث	مجموع	ذکور	اناث	مجموع	ذکور	اناث	مجموع
۱۸	-	۱۸	۱	-	۱	۱۵	-	۱۵
کل مدارس و مکاتب			**تعداد کل شاگردان در هرات**			**تعداد کل معلمان**		
ذکور	اناث	مجموع	ذکور	اناث	مجموع	ذکور	اناث	مجموع
۵۸۱	۷۵	۶۵۶	۳۴۲۷۶۹	۲۸۳۷۲۱	۶۲۶۴۹۰	۶۷۹۴	۴۵۰۷	۱۱۳۰۱

به قول غلام رسول، مدیر پلان ریاست عمومی معارف هرات، تعداد ۳۰۰ مکتب در شهر و اطراف به تعمیر ضرورت دارند. تعداد زیادی از شاگردان در مساجد، خانه‌های شخصی و هوای آزاد درس می‌خوانند. اگر امکانات باشد ظرفیت معارف و تعلیم و تربیه در هرات توسعهٔ بیشتر پیدا می‌کند و اگر معلمین آموزشهای کوتاه‌مدت داده شده و با وسایل جدید مانند کامپیوتر و استفاده از انترنت آشنا شوند، سطح تعلیمی ارتقا می‌یابد.

در هرات ضرورت به رشد و انکشاف مکاتب فنی و مسلکی است تا زمینه برای اشتغال مفید فارغان فراهم شود. تعلیمات فنی و مسلکی می‌تواند سطح کارآیی و نیروی کار را بالا برده و تکنولوجی جدید را ترویج و گسترش بخشد.

۱. منبع: ریاست عمومی معارف هرات، مدیریت پلان.

تحصیلات عالی

در سال ۱۳۶۷ خورشیدی نخستین گام در راه ایجاد تحصیلات عالی در ولایت هرات برداشته شد و فاکولتهٔ ادبیات و هنرهای زیبا تأسیس شد. به تعقیب آن در سال ۱۳۶۸ فاکولتهٔ زراعت، در سال ۱۳۶۹ فاکولتهٔ اقتصاد و در سال ۱۳۷۰ فاکولتهٔ طب افتتاح شد.

در سالیان یاد شده سویهٔ تحصیلی دانشکده‌های نامبرده به سبب کمبود استادان متخصص از یک طرف و نبود امکانات و مواد تحصیلاتی از جانب دیگر پایین بوده است. در سال ۱۳۷۰ تعداد محصلان این فاکولته‌ها قرار آتی بوده است:

فاکولته‌ها	ادبیات	هنرهای زیبا	زراعت	اقتصاد	طب
تعداد محصلان	۸۵ نفر	۶۱ نفر	۲۸ نفر	۳۰ نفر	۳۰ نفر

پس از انتقال قدرت از دولت دکتور نجیب به نیروهای مجاهدین در ۲۹ حمل سال ۱۳۷۱ در شیوهٔ کار فاکولته‌ها تغییر کیفی مثبت و قابل ملاحظه پدید نیامد و تنها به علت استقرار صلح و امنیت نسبی در این ولایت و سپری شدن فاصله زمانی بر تعداد محصلین افزوده شد. در سال ۱۳۷۲ فاکولتهٔ شرعیات، در سال ۱۳۷۴ فاکولتهٔ انجنیری، در سال ۱۳۸۱ فاکولتهٔ حقوق و علوم سیاسی، در سال ۱۳۸۳ فاکولتهٔ کامپیوتر ساینس و در سال ۱۳۸۴ فاکولتهٔ ساینس تأسیس شد.

جدول ۲ـ۸. تعداد محصلان فاکولته‌های هرات در سال ۱۳۷۴[1]

نام فاکولته	محصلان ذکور	محصلان اناث	مجموع
شرعیات	۵۱ نفر	۲۱ نفر	۷۲ نفر
ادبیات	۴۰ نفر	۶۱ نفر	۱۰۱ نفر
زراعت	۶۴ نفر	-	۶۴ نفر

۱. ریاست پوهنتون ولایت هرات.

اقتصاد	۶۶ نفر	۲۱ نفر	۸۷ نفر
هنرها	۶۰ نفر	۲۵ نفر	۸۵ نفر
انجنیری	۷۶ نفر	۱۱ نفر	۸۷ نفر
طب	۲۲۵ نفر	۱۰۶ نفر	۳۳۱ نفر
استادان	۲۸ نفر	۴ نفر	۳۲ نفر

دانشگاه (پوهنتون) هرات طی بیش از یک دهه، رشد و توسعه یافته و تا سال ۱۳۸۶ به تعداد ۳۲۵۸ نفر فارغ‌التحصیل داده است. در بیش از ۱۰۰ صنف درسی به تعداد ۲۳۴ استاد شامل کدر علمی مشغول تدریس و به تعداد ۴۶۹۹ محصل سرگرم فراگیری علم و ادب بوده‌اند.[1]

در ۲۹ اسد ۱۳۸۷ که از دانشگاه هرات دیدن کردم. بر مبنای ارقام و احصائیهٔ موجود، در ۱۱ فاکولتهٔ آن به تعداد ۲۱۰ استاد ذکور و ۳۷ استاد اناث به تدریس اشتغال داشته و ۳۵۶۲ محصل مرد و ۱۷۲۳ محصل زن، تحصیل علوم، فنون و ادب می‌کردند. همچنین این دانشگاه تفاهمنامه‌های همکاری با پرودو ایتالیا، فلورانس، پوتویه فرانسه، تخنیکم برلین، بخوم جرمنی، هارتفورد امریکا و دانشگاههای مذاهب اسلامی، فردوسی و شاهد ایران عقد کرده بود.[2]

در اواخر سال ۱۳۸۱ کار اعمار مجتمع دانشگاه جدید هرات آغاز شد. لیکن بعد از تبدیل اسماعیل خان از مقام ولایت هرات به حیث وزیر آب و برق در کابل کار احداث این مجموعهٔ تحصیلات عالی به کندی گرائید. طبق گفتهٔ مسئولان امور در اسد ۱۳۸۷ فاکولتهٔ هنرها، انجنیری و ریاست دانشگاه تکمیل شده و فاکولته‌های زراعت، اقتصاد، شرعیات، حقوق و ادبیات در حال ساختمان بودند. تا هنوز کار فضای سبز، خوابگاه، کانالازیسیون، میدانهای ورزشی، اسفالت جاده‌ها، پارکینگ و غیره شروع نشده بود. (← تصویر ۲ـ۲)

---

۱. دستاوردها و موفقیتهای پوهنتون هرات، سال ۱۳۸۶.

۲. تهیهٔ احصائیه و معلومات از دفتر معاونیت علمی دانشگاه.



تصویر ۲ - ۲. مجتمع جدید و بزرگ تحصیلات عالی در هرات

یادداشت

در سنبلهٔ ۱۳۷۴ به فرمان شورای طلبه‌ها محصلان و استادان زن از تحصیل و تدریس محروم شدند. در دورهٔ طالبان سطح تدریسی به سبب کمبود شدید امکانات، فقر و تنگدستی استادان، عدم تشویق و توجّهٔ مسئولان و حاکمان وقت سال به سال نزول کرد.

تعداد زیادی از محصلان و برخی از استادان ترک تحصیل و تدریس کرده و برای سیر کردن شکم خانواده به کارهای دیگر روی آوردند و آنهایی که توان مالی و امکانات لازم داشتند از افغانستان بیرون شده و در کشورهای خارجی پناه گزیدند.

پس از سقوط طالبان از حیث کمّی، در تعداد مکاتب و شاگردان معارف و تحصیلات عالی افزایش چشمگیری روی نمود و تعدادی مکاتب خصوصی و کورسهای شخصی تأسیس شد که اگر امنیت در هرات تأمین شود پروسهٔ مذکور رشد و توسعه خواهد یافت.

مدارس دینی

مدرسهٔ جامع غیاثیه

ریشه‌های اصلی این مدرسه را باید در اعماق تاریخ هرات باستانی جستجو کرد. چنان‌که از شواهد تاریخی پیداست، مسجد جامع هرات از قرن اول هجری درسگاهی داشته که در آن عالمان و عارفان بزرگی به تدریس واشاعهٔ علوم اسلامی می‌پرداختند. خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱ـ۳۹۶ هـ.ق) در جایگاه مخصوص این مسجد کرسی بزرگ درسی داشته است.

در دورهٔ سلطنت غیاث‌الدین محمد بن سام غوری (۵۹۹ـ۵۵۸ ق) امام فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر رازی (۶۰۶ـ۵۴۴ ق) در آن قسمت مسجد جامع بزرگ هری که برای تدریس امام تخصیص یافته بود، درس می‌داده است.

در عصر ملک غیاث‌الدین کرت (۷۲۹ـ۷۰۷ ق) به کمک مالی مردم هرات، مدرسهٔ غیاثیه در شمال مسجد جامع در محوطه‌ای جداگانه و متصل درسگاه قبلی مسجد مزبور بنا شد و اوقافی هم جهت تدویر مدرسه و تأمین معیشت مدرّسان و مقرّبان و طلّاب علوم ایجاد شد. این مدرسه از قرن هشتم به نام مدرسهٔ غیاثیه به شهرت آفاقی رسید و دانشجویان و دانش‌پژوهان علوم اسلامی از سراسر خراسان و جهان اسلام جهت تحصیل بدان روی می‌آوردند.

در سده‌های اخیر که دوران انحطاط و فتور فرهنگی کشور ماست، اوضاع مدرسه رو به خرابی نهاد. در سالیان ۱۳۲۵ و ۱۳۳۰ هـ.ق تا اندازه‌ای ویرانیهای این کانون درسی ترمیم شد. از سال ۱۳۳۰ هـ.ق بود که مدرسهٔ مزبور به نام مدرسهٔ جامع یاد شد. در سال ۱۳۵۹ هـ.ق مطابق ۱۳۱۹ هـ.ش امور اداری و نظارت مدرسهٔ جامع به وزارت معارف وقت تعلق گرفت و در سال ۱۳۲۲ اعطای شهادت نامه (کارنامه) برای فارغان صنف دوازدهم منظور شد. تا سال ۱۳۵۴ هـ.ش به تعداد ۵۱۳ نفر از این مدرسه فارغ شده و به وظایف معلمی، امامت، خَطابت، و اِفتا مشغول شدند.

در سال ۱۳۵۴ تعداد مدرسان ۱۸ نفر و تعداد محصلان ۱۳۵۳ نفر بوده است. شیوهٔ پذیرش چنان بود که فارغان صنف ششم ابتدایی مکاتب را به صنف هفتم مدرسه پذیرا

شده و پس از شش سال ادامهٔ موفقانه تحصیل شهادت نامه بکلوریا دریافت می‌کردند. بعداً درجهٔ تحصیل تا صنف چهاردهم یعنی معادل دارالمعلمین عالی ارتقاء پیدا کرد.[۱]

در حال حاضر ساختمان مدرسهٔ جامع در شمال‌شرق مسجد جامع هرات واقع بوده و درِ آن به داخل صحن پارک این مسجد گشوده می‌شود و در آن طلبه‌ها مشغول فراگیری تحصیل هستند (← تصویر ۲ـ۳). در سال ۱۳۷۵ تعداد شاگردان این مدرسه ۴۹۲ نفر و تعداد پرسنل تدریسی ۲۹ نفر بوده است.



تصویر ۲ - ۳. مدرسهٔ جامع غیاثیه

مدرسهٔ غیاثیه

چنان‌که یادآوری شد نام مدرسهٔ غیاثیه ریشه در عصر کرت‌ها دارد و در عهد ملک غیاث‌الدین کرت به شمال مسجد جامع هرات ساخته شده است. در جایگاه مدرسهٔ

---

۱. مجلهٔ هرات باستان ـ سال سوم ـ میزان و قوس ۱۳۶۱، شمارهٔ چهارم نمبر مسلسل ۱۲ ص ۱۸

غیاثیهٔ کنونی زمانی مسجد قاضی‌القضات بوده که در سال ۱۳۲۱ خورشیدی به مدرسه تبدیل شد و به نام ملّامیر یکی از استادان وقت مشهور شد.

در ابتدای کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ شمسی مدرسهٔ مزبور از رونق افتاد و در سال ۱۳۶۸ شمسی در دورهٔ ولایت فضل‌الحق خالقیار تیموری دوباره بدان توجه شد و عمارت خامهٔ سابقه ویران و به جایش کار ساختمان پختهٔ جدید آغاز شد. در سال ۱۳۷۱ کار ساختمان این کانون به پایان رسید و آنجا به اسم مدرسهٔ غیاثیه یاد شد.

این مدرسه دارای بخش دارالعلوم است کـه ۱۵۰ نـفر طـلبه دارد و دارای بـخش دارالحفاظ که در آن ۴۵ نفر مشغول فراگیری دروس هستند. ظرفیت لیلیهٔ این کانون در حدود ۶۰ نفر است که مکانش در زیرزمین مدرسه واقع است. مدرسه از صنف هفتم تا چهاردهم دارد.[1] در سال ۱۳۸۷ مدرسه به منطقهٔ شیدایی انتقال یافته است.

فخرالمدارس

این مدرسه در زمان ولایت نائب‌سالار عبدالرحیم خان تأسیس شـد در اول بـه نـام «دارالعلوم عربیه» یاد می‌شد. نخست در دل خیابان کهنسال به کنار بـاغ بـهزاد قـرار داشت. در دورهٔ ولایت عبدالله خان بود که مدرسهٔ مزبور به وزارت معارف مربوط شد.

در سال ۱۳۵۹ ش تعمیر اصلی مدرسه به اثر جنگ ویران شد و کار تدریس تعطیل شد. از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۹ مدرسه به جادّهٔ غوردرواز انتقال پیدا کرد و مدتی هم در ساختمان مدرسهٔ جامع تدریس صورت می‌گرفت. از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ ش مدرسه در صحن مسجد قدیمی عیدگاه قرار داشته است.

در سال ۱۳۷۴ خورشیدی تعداد طلاب این مدرسه از صنف اول تا صنف چهاردهم ۵۶۶ نفر و تعداد مدرسان ۳۰ نفر بوده است و مضامین دورهٔ ثانوی قـرار آتـی است: تفسیر شریف، حدیث، عقاید، فقه، منطق، بلاغت، صرف و نحو، زبـان عـربی، دری، پشتو، روان‌شناسی، میراث، فلسفهٔ اسلامی، تاریخ و تشریح، اصول حدیث و اصـول تدریس.[2]

---

۱. کسب معلومات از دفتر مدرسهٔ غیاثیه.

۲. دفتر رسیاست فخرالمدارس، استفاده از اسناد مکتوب و مصاحبه با مسئولان.

کتابخانه

در حقیقت کتابخانهٔ فخرالمدارس به سال ۱۳۱۲ تأسیس شده است. در سال ۱۳۷۴ تعداد کتب موجود در الماریهای این کتابخانه به ۱۰ هزار جلد می‌رسید که در زمینه‌های تفسیر، حدیث، فقه، فلسفهٔ اسلامی، ادبیات، تاریخ، روان‌شناسی، ساینس و غیره بود. در این باره گفتگویی داشتم با مولوی محمد حسن فیروز در کتابخانهٔ مذکور.

دارالحفّاظ

دارالحفاظ در شهر هری پیشینهٔ دراز دارد. بنای اصلی آن به همت امیر علی‌شیر نوایی در ساحت خیابان بنیاد نهاده شد، ولیکن پس از سقوط امپراتوری تیموریان، در طول قرون متمادی وضع این کانون درسی دگرگون شده و محل آن تغییر کرده است.

در قرن جاری به سال ۱۳۰۸ دارالحفاظ به وزارت معارف مربوط شد. ابتدا درسگاه این کانون در چهارباغ هرات بود؛ سپس به کوچهٔ چهارشنبه‌بازار انتقال پیدا کرد و مدتی مکان دارالحفاظ در تعمیر خواجه علی موفق و مسجد بابا علی‌مست در پای‌حصار واقع بود و از سال ۱۳۷۱ خورشیدی در مسجد عیدگاه قرار دارد.

تعداد مدرسین این کانون در سال ۱۳۷۴ در حدود ۱۹ نفر و تعداد طلاب از صنف اول تا صنف دوازدهم ۵۱۱ نفر بوده است و مضامین دورهٔ ثانوی از این قرار است: حفظ قرآن کریم، تفسیر شریف، دری، فقه، حدیث، عقاید، صرف و نحو، اصول فقه، میراث، منطق، تاریخ اسلام و تربیهٔ بدنی.[۱]

مدرسهٔ صادقیه

در سال ۱۳۴۱ خورشیدی یکی از ساکنان کوچهٔ دودالان بازار زرگرهای شهر کهنه هری حاضر شد که در پهلوی حوض پهلوان در کوچهٔ یاد شده یک باب منزل متروکه را به قیمت ۲۳ هزار روپیه خریداری و وقف مدرسه کند.

یک تن از علمای وقت به نام حاجی شیخ طاهر به تأسیس حوزهٔ علمی دست یازید

---

۱. گفتگو با مدیر مدرسه، مولوی شمس‌الدین و استفاده از دفاتر حاضری این کانون.

و به کمک مالی تاجران و دکانداران اهل تشیع مانند جعفر جان مختارزاده، حاجی فضل‌الدین اعتماد، حاجی عبدالله قندهاری، حاجی عطاءالله ارباب‌زاده، شاه‌محمد جان قالین‌فروش و حاجی غلام‌نبی خان رضائی، کار ساختمان مدرسه در سال ۱۳۴۱ آغاز و به تاریخ ۱۳۴۶ خاتمه پذیرفت.

مبالغی از پول را برای خریداری کتاب و تأسیس کتابخانه اختصاص دادند و کتب علمی را از ایران، پاکستان، دهلی و مصر خریداری کردند. حاجی شیخ طاهر کتابهای شخصی خود را نیز به کتابخانهٔ مدرسه انتقال داد و در راه رونق یابی آن زحمت فراوان کشید.

استادان سابق مدرسهٔ صادقیه حاجی شیخ طاهر، حاجی شیخ عبدالله وثیقی، حاجی شیخ محمدمحسن اخلاقی، حاجی شیخ محمدموسی فراهی و حاجی شیخ غلام‌حسین طالب بوده‌اند. در حال حاضر برای مدرسهٔ صادقیه ساختمان جدید بزرگی در همان مکان سابقه اعمار شده است که گنجایش زیادی دارد. (← تصویر ۲ ـ ۴)



تصویر ۲ - ۴ . مدرسهٔ صادقیه در بازار زرگرها

مدرسهٔ جعفریه

این مدرسه در اواخر سلطنت محمد ظاهر به کمک مالی حاجی سید محمد خان قناد مشهور به حاجی سید محمد حسینی در کوچهٔ شیره‌پزی، محلهٔ برج خاکستر که در غرب سرک چهارسوق دروازهٔ قندهار واقع است، تأسیس شد. نخست به نام مدرسهٔ حسینی مشهور بود و اما در سال ۱۳۷۱ نام مؤسس آن را برداشته و به اسم مدرسهٔ جعفریه مسمی کردند.

مدرسه بعد از کودتای ثور ۱۳۵۷ مدتی تعطیل بود و در سال ۱۳۷۱ خورشیدی دوباره شروع به فعالیت کرد. تعداد طلاب علوم دینی تا دلو ۱۳۷۴ در حدود ۴۵ نفر و تعداد شاگردان معارف ۵۰۰ نفر بوده است.

از جمله مدارس اهل تشیع در هرات، مدرسهٔ محمدیه است که در ۱۶ دلو ۱۳۵۶ خورشیدی تأسیس شده است. مکان آن در اول جادهٔ بهزاد واقع است و ساختمان جدید آن در غوردرواز است. (← تصویر ۲ـ۵)



تصویر ۲ – ۵ . مدرسهٔ جعفریه

مکاتب مسلکی هرات

لیسهٔ زراعت

این لیسهٔ مسلکی در سال ۱۳۵۵ خورشیدی در چوکات وزارت تحصیلات عالی و ریاست تعلیمات تخنیکی و مسلکی در ولایت هرات تأسیس شد. تعمیر آن در سرک ولایت به غرب ساختمان لیسهٔ سلطان غیاث‌الدین غوری واقع است. (← تصویر ۲ـ۶)

لیسهٔ مذکور دارای صنف دهم تا دوازدهم است و در آن علوم حیوانی و مالداری و علوم نباتی (زراعتی) تدریس می‌شود. پس از فراغت از صنف دوازدهم برای شاگردان شهادتنامه داده می‌شود. از سال ۱۳۵۵ الی ۱۳۷۰ تعداد فارغان این کانون فنی ـ مسلکی ۳۲۴ نفر بوده است.[1]



تصویر ۲ ـ ۶. لیسهٔ زراعت

---

۱. با اتکا به اسناد موجود در دفتر لیسهٔ زراعت.

مکاتب فنی و مسلکی در تربیهٔ نیروی فنی نقش بارزی دارند و نیروی کار را مطابق به نیازهای اقتصادی جامعه آموزش می‌دهند. سکتور زراعت تا هنوز سهم عمده در اقتصاد هرات دارد و لیسهٔ زراعت می‌تواند در تربیه و آموزش نیروهای فنی و مسلکی مورد ضرورت زراعت نقش مهمی داشته باشد.

لیسهٔ استاد کمال‌الدین بهزاد

این لیسه در سال ۱۳۵۶ خورشیدی زیر عنوان «لیسهٔ صنایع» تأسیس شد و در سال ۱۳۶۵ خورشیدی به «لیسهٔ هنری بهزاد» تغییر نام پیداکرد. لیسهٔ یاد شده در بهار ۱۳۷۳ دارای دو صنف دهم، دو صنف یازدهم و دو صنف دوازدهم بوده است و در آن در حدود ۶۰ نفر شاگرد مشغول فراگیری دروس بوده‌اند. در این کانون هنری دو بخش آرت و سرامیک فعال است و فارغان صنف دوازدهم پس از سپری کردن کانکور مسلکی وارد رشتهٔ هنرهای زیبای دانشگاه هرات می‌شوند.[1]

لیسهٔ تخنیکی

این لیسه در سال ۱۳۸۴ تأسیس شد. در سال نخست ۶۴ شاگرد (۲۳ دختر و ۴۱ پسر) در رشتهٔ برق آموزش می‌دیدند و صنوف دختران و پسران از هم جدا بوده است. در اوایل سال ۱۳۸۵ لیسه به دو بخش برق و رادیو تلویزیون تقسیم شد.

در اواسط سال ۱۳۸۵ رشتهٔ ساختمان و تعمیرات از لیسهٔ بهزاد به لیسهٔ تخنیکی انتقال پیداکرد و لیسهٔ مزبور دارای سه رشتهٔ برق، تلویزیون و ساختمان (تعمیرات) شد. در اخیر سال ۱۳۸۶ منظوری انستیتوت از کابل گرفته شد و در دو صنف سیزدهم ساختمان و برق به تعداد ۱۰۰ شاگرد (۶۰ پسر و ۴۰ دختر) به طور مختلط مشغول فراگیری درس و تعلیم بودند. در سال ۱۳۸۷ تعداد شاگردان به ۴۲۰ رسید. انستیوت مزبور دارای صنف چهاردهم است.

رشته‌های مذکور در حال و آینده مورد ضرورت جامعه است. آموزش نیروهای فنی

---

۱. معلومات از مسئولان لیسهٔ بهزاد.

و مسلکی نه تنها سطح دانش قوای کـار را در اسـتفاده از تکـنولوجی جـدید ارتـقا می‌بخشد، بلکه سطح مولدّیت اقتصادی را در جامعه بـالا مـی‌برد و مکـاتب فـنی و مسلکی در این عرصه گاه نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کنند.

کانونهای نشراتی، فرهنگی و هنری

روزنامهٔ اتفاق اسلام

نخستین شمارهٔ اتفاق اسلام به تاریخ اول سنبله ۱۲۹۹ به مدیریت مرحوم عبدالله خان قانع در شهر هرات نشر شد. یک مرتبه نام این نشریه را «فریاد» گذاشتند و در زمـان مدیریت سرور خان جویا دوباره به «اتفاق اسلام» مبدل شد و تاکنون نام یاد شده حفظ شده است.[۱]

مدیران روزنامهٔ اتفاق اسلام از ۱۲۹۹ تا ۱۳۷۴ شمسی این اشخاص بوده‌اند: عبدالله قانع، صلاح‌الدین سلجوقی، محمد کریم صدیقی، عبدالکریم احـراری، سـرور گـویا (جویا)، عبدالمنان دردمند، محمد هاشم مـیوندوال، مـیرامـین‌الدیـن انـصاری، مـیر غلام‌محمد حسینی، محمد علم غواص، حاجی عبدالواحد نافذ، حبیب‌الرحمن جدید، محمد کریم مجاهد، سید عزیزالله، عبدالفتاح نیوند، درمحمد وفاکـیش، مـحمدامـین کیوان، عبدالواحد طاقت، محمدشاه رفعت، فضل‌الحـق مـوج، غـلام سـرور صـیاد، محمدکاظم ناصری، نعمت‌الله سروری، ولی‌شاه بهره، سید پادشاه رایق و غلام حضرت جهید[۲]

انجمن ادبی هرات

در سال ۱۳۱۰ تعدادی از هنرمندان و فرهنگیان هراتی به تشکیل انجمن ادبی هـرات مبادرت ورزیدند. نام مؤسسان و گردانندگان آن در بدو تأسیس از ایـن قـرار است: آخوندزاده ملّا محمدصدیق، منشی عبدالکریم احراری، سرور جـویا، مـیر عبدالعـلی

---

۱. سالنامهٔ کابل، سال ۱۳۱۱، ص ۱۵۳.
۲. اتفاق اسلام، ۲ سنبلهٔ ۱۳۷۴.

شایق هروی، عبدالواحد بهره، مولوی فخرالدین سلجوقی، ذبیح‌الله رسا، محمد حسن شیرین‌سخن، شیر علی قانون، عبدالحسین منجم‌باشی، محمد ابراهیم رجایی، محمدهاشم امیدوار، غلام‌رسول نیکزاد، میر غلام‌حیدر، سعدالدین فیض و فکری سلجوقی.[1]

نخستین نشریهٔ انجمن ادبی که به نام **مجلهٔ هرات** یاد می‌شد، در سنهٔ ۱۵ حمل ۱۳۱۱ انتشار یافت و تا ۱۳۲۲ خورشیدی ادامه پیدا کرد. در این دوره، نخست کسی که در ابتدا در صدد برآمد تا در این دیار تاریخی مجله‌ای تأسیس شود و ادبا را به دور خود جمع‌آوری کرد، عبدالکریم خان احراری بود. در آن زمان ریاست افتخاری مجله را آخوندزاده ملّا محمدصدیق خان قاضی مرافعهٔ هرات و مدیریت آن را از اواخر سال اول شایق هروی به عهده داشت. مدتی عبدالعزیز خان حیرت ریاست آن را عهده‌دار بود و در سنهٔ ۱۳۱۶ شایق هروی به سمت ریاست و محمد ابراهیم خان رجایی به مدیریت آن برگزیده شد. عبدالرئوف خان فکری نیز مدتی سمَت معاونیت مجله را به عهده داشته است.

در دورهٔ دوم که محمد ابراهیم خان رجایی در تأسیس انجمن ادبی هرات همت گماشت، مدیر مجله محمدابراهیم خان و معاونین آن عبدالرئوف خان فکری و محمد علم خان غواص بودند.[2] به مدت چند سال کار انجمن تعطیل شد. در سال ۱۳۲۷ به جای انجمن ادبی هرات، کلوب ادبی هرات در تعمیر پارک بهزاد افتتاح شد و مجلهٔ هرات در اسد ۱۳۲۷ بار دوم به نشر درآمد و تا آخر سال ۱۳۴۱ به کمک مالی کلوب ادبی هرات نشر می‌شد. در همین سال کلوپ ادبی هرات به کلوپ انصاری تغییر نام داد و ریاست آن به دوش فکری سلجوقی بود. در این سالها «مجلهٔ هرات از طرف مؤسسهٔ نشراتی اتفاق اسلام در ۳۰ صفحه دو ستونه چاپ و نشر می‌شد.»[3]

در سال ۱۳۶۰ اتحادیهٔ نویسندگان هرات ـ که در چوکات حزب خلق قرار داشت ـ تأسیس شد و مجلهٔ هرات با اسم **هرات باستان** به مدیریت مسعود رجایی و امتیاز ریاست کوشانی و پروژهٔ بین‌المللی آبدات تاریخی هرات، من حیث نشریهٔ سه ماهه در

---

۱. اتفاق اسلام، ۱۹ میزان ۱۳۷۲.

۲. مجلهٔ هرات، اسد ۱۳۲۷ ص ۴

۳. سالنامهٔ افغانستان، سال ۱۳۴۶ ـ ۱۳۴۷.

مطبعهٔ دولتی کابل نشر می‌شد.[۱]

در برج سنبلهٔ ۱۳۷۲ به کوشش جمعی از شعرا و فرهنگیان هرات، دوباره انجمن ادبی هرات شکل گرفت، ولیکن برخلاف اساسنامهٔ تدوین‌شدهٔ آن، اسماعیل خان حکمران هرات (یک تن از قوماندانان حزب جمعیت اسلامی به رهبری برهان‌الدین ربانی) توسط ریاست اطلاعات و فرهنگ به حیث رئیس فرمایشی انجمن نامزد شد و این عمل سبب رنجش عده‌ای از شاعران و فرهنگیان شد. به تاریخ برج عقرب ۱۳۷۳ نخستین شمارهٔ مجلهٔ **هفت قلم** (که در خارج کشور چاپ می‌شد) به امتیاز ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات زیر نظر گروه نویسندگان انتشار پیدا کرد و تا اول سنبلهٔ ۱۳۷۴ ادامه داشت.[۲]

انجمن دوستداران سخن

در برج سنبلهٔ ۱۳۵۲ این انجمن به ریاست استاد برات علی فدایی در شهر هرات تأسیس شد. اعضای آن عبارت بودند از محمدناصر کفاش، نورالله وثوق، محمدظاهر رستمی، شیخ غلام‌محمد روحانی، آقای ناهض، حاجی شیخ حسن وثیقی، محمدنعیم کریم‌زاد هومند، ناصر فرخاد، علی‌احمد زرگرپور، سید حیدر محمودی، عبدالخالق همایی، عبدالله شفیقی، عبدالرحیم مطهری، محمدآقا ایماء، حبیب‌الله رحیق، فریبا صابری و غیره.

در این کانون ادبی و هنری جلسات درس و شعرخوانی دایر می‌شد. جوانان زیادی در دامن پربرکت انجمن پرورش یافتند. پس از کودتای ثور ۱۳۵۷ و دامن گسترشدن جنگ، فعالیتهای انجمن متوقف شد و بیشتر اعضای آن مجبور به ترک وطن و مهاجرت به کشور ایران شدند.

در سال ۱۳۶۵ خورشیدی انجمن دوستداران سخن زیر نام «انجمن اسلامی شعرای مهاجر افغانستان» با ریاست استاد براتعلی فدایی در شهر مشهد شروع به کار کرد و اعضای آن به شرح آتی بودند: محمدظاهر رستمی، نظام‌الدین شکوهی، عبدالغفور آرزو، فضل‌الله زرکوب، رسول پویان، نورالله وثوق، محمدکاظم کاظمی، عبدالله آرزو،

---

۱. مجلهٔ هرات باستان، میزان و حوت ۱۳۶۰.
۲. مجلهٔ هفت قلم هرات، عقرب ۱۳۷۳.

محمدآقا ابراهیم‌زاده ایما، علی‌احمد زرگرپور، محمد زرگرپور، سیداحمدشاه هاشمی، علی‌شاه حکیمی، سیدابوطالب مظفری، محمدآصف رحمانی، حبیب‌الله ذبیحی، غلام‌حیدر اسیر، کریم وحدت، عبدالجلیل نهیک فلاح، فریدون نقاش‌زاده، عبدالحسین مشفق، محمدظاهر عظیمی، شرف‌الدین شرف، حمیدالله حیدریان، حیات‌الله حیدریان، حسن حسین‌زاده (روشن)، محمدحسن کفاش، عبدالواسع حیدرزاده، غلام‌رسول نقاش‌زاده، سیدنادر احمدی، فریدون وارسته، فریدون رحیمی، غلام‌نبی اشراقی، آقای یگانه، محمدرفیع رحمانی، محمد عارف رحمانی، آقای ذلیق، خلیل توانا، فریبا صابری، شمیم جوادی، زهرا رسولی و غیره.

در سال ۱۳۷۲ انجمن شعرای مهاجر به شهر هرات انتقال پیدا کرد و جلسات درس، نقد و شعرخوانی در منزل استاد فدایی دایر می‌شد. پس از سقوط طالبان انجمن ناظم هروی به ریاست استاد براتعلی فدایی بنیان‌گذاری شد و توانست در مدت کوتاه جوانان پرکاری را در دامن پرفیضش پرورش دهد. در این دوره می‌توان از اعضای آن چنین نام برد: ناصر کفاش، محمدظاهر رستمی، نظام‌الدین شکوهی، محمدآصف رحمانی، محمدناصر ناهض، محمدرفیع رحمانی، روح‌الامین امینی، علی‌شاه حکیمی، غلام‌حیدر اسیر، محمد یعقوبی، سید عبداللطیف رازی، حنیفی دشتی، جلیل‌احمد نهیک فلاح، اسدالله یوسفی، محمدحسین یوسفی، مرتضی قناویزی، امید سلمان، عبدالواسع حیدرزاده، فریبا فروغ، الهام رسولی، خانم حیدریان و غیره.

انجمن ادبی و انجمن ناظم هروی نقش مهمی در تشویق، آموزش، تبلیغ و ترویج فرهنگ، ادب و هنر هرات ایفا کرده‌اند و اگر به طور منظم و پیگیر فعالیتهای خود را دنبال کنند، پل اساسی در بین نسل دیروز، امروز و فردا اعمار خواهند کرد و این نقش اساسی در ساختار فرهنگ ملی و معیاری افغانستانِ فردا مشخص و متبارز خواهد بود.

مجلهٔ مهری

این مجله در سال ۱۳۳۴ و یا به قولی در سنهٔ ۱۳۳۷ به سردبیری رئوفه احراری از طریق مکتب دخترانهٔ مهری انتشار یافت و تا سال ۱۳۴۵ من حیث مجلهٔ سه ماهه تحت مدیریت راحمه احمدی به نشر خود ادامه داد.

توسعهٔ نشرات بعد از سقوط طالبان

پس از فروپاشی حکومت استبدادی طالبان و تحقق آزادی بیان و قلم در جامعهٔ جنگ‌زدهٔ افغانستان، موج وسیع نشراتی در هرات به راه افتاد و تعداد زیادی روزنامه، مجله، هفته‌نامه، ماهنامه و گاهنامه به وجود آمد. در این مرحله اگرچه از حیث محتوا و مضمون، تخنیک و کیفیت سطح نشرات پایین بوده و تعدادی از آنها به نشر و پخش ادامه داده نتوانستند، این جریان جوان به عنوان پیش‌درآمدی بر جامعهٔ فرهنگی، نشراتی و پژوهشی هرات قابل ستایش است و اگر ادامه یابد به پختگی و پرمایگی می‌رسد.

در اینجا به ذکر نام برخی از نشرات می‌پردازم: روزنامهٔ ***سیاست روز***، روزنامهٔ ***پگاه***، روزنامهٔ ***خبر***، ***اخبار روز***، مجلهٔ ***تباشیر***، مجلهٔ ***دوربین***، مجلهٔ ***اورنگ هشتم*** (از جانب انجمن ادبی هرات نشر می‌شود و در سال ۱۳۷۸ تأسیس شده است)، مجلهٔ ***ارج***، ماهنامهٔ ***صبح امید***، جریدهٔ ***همبستگی***، مجلهٔ ***تخصص***، مجلهٔ ***پیام صادق***، هفته‌نامهٔ ***پوهنتون***، گاهنامهٔ ***تا ساغری باقی است***، مجلهٔ ***کودک***، گاهنامهٔ ***پالان***، ماهنامهٔ ***کار***، ماهنامهٔ ***همصنفی‌ها***، هفته‌نامهٔ ***صدای هریوا*** و غیره.

مطبعهٔ هرات

مطبعهٔ هرات در ابتدا به همان طرز قدیمی چاپ سنگی بوده است، با نام «مطبعهٔ فخریهٔ سلجوقی» که بعضی کتب در دورهٔ نادر شاه و در اوائل سلطنت محمدظاهر شاه در آن به چاپ رسیده است، از جمله ***آثار هرات*** تألیف مرحوم استاد خلیل‌الله خلیلی. این مطبعه در پهلوی چهارباغ هرات موقعیت داشت.

مطبعهٔ جدید هرات به کمک دوست‌محمد خان ایماق در سال ۱۳۱۳ تأسیس شد و چاپ حروفی به وجود آمد. در مطبعهٔ کهنه و استهلاک‌شدهٔ هرات فقط دو پایه ماشین کهنه و اوراقی امریکایی که توسط پا به حرکت می‌افتد، یک پایه ماشین هیدلبرگ آلمانی که طبع حروف دارد و تقریباً ۴۰ سال قبل خریداری شده و تا هنوز روزنامهٔ اتفاق اسلام ذریعهٔ آن چاپ می‌شود، موجود است.

در دورهٔ حکومت کودتا یک پایه ماشین روسی و یک پایه ماشین برش نیز وارد شد و شعبهٔ زینکوگرافی مطبعه تأسیس شد. تعداد کارکنان مطبعه در سال ۱۳۷۲ در حدود

۵۰ نفر فنی و اداری سنجش شده و سطح کیفی و تخنیکی کار چاپ بسیار پایین بوده است.

از آنجایی که مؤسسهٔ نشراتی و طباعتی دیگری در هرات وجود ندارد، علاوه بر چاپ روزنامهٔ ***اتفاق اسلام***، چاپ انواع کارت، اسناد، مکتوبهای اداری و غیره نیز در این مطبعه صورت می‌گیرد. بازسازی و نوسازی مطبعهٔ هرات یکی از نیازهای مبرم کنونی محسوب می‌شود.[1]

قابل یادآوری است که در سال ۱۳۷۵ یک ماشین کمپیوتری به کار انداخته شد که چاپ روزنامهٔ اتفاق اسلام توسط آن انجام می‌شد. در سالیان پس از سقوط حکومت طالبان ظرفیت مطبعهٔ دولتی هرات انکشاف کرده است. طبق گفتهٔ آقای فهمی رئیس مطبعه در سنبلهٔ ۱۳۸۲ جراید آتی در این مطبعه به چاپ رسیده است: روزنامهٔ ***اتفاق اسلام*** در حدود ۲۰۰۰ نسخه، هفته‌نامهٔ ***همبستگی*** به تیراژ ۳۰۰۰، هفته‌نامهٔ ***آوای‌نو*** به تعداد ۲۰۰۰، مجلهٔ ***پیام‌جوان*** به تیراژ ۱۵۰۰، ماهنامهٔ ***تخصص*** به تعداد ۱۰۰۰ شماره، ماهنامهٔ ***اوقاف*** به تیراژ ۱۰۰۰ و در حدود ۲۰۰۰۰ جلد کتاب سوادآموزی. همچنین اگر وسایل مورد ضرورت مطبعهٔ مذکور تهیه شود، ظرفیت آن تا چاپ ده میلیون کتاب در سال ارتقا خواهد یافت.[2]

بعد از سقوط طالبان تعدادی چاپخانهٔ خصوصی جدید مانند چاپخانهٔ اسلمی، انوری، مهر حبیب، حقانی، فرهنگ، سهیل، صنعتی، شفیقی، توانا و غیره در هرات تأسیس شده است، لیکن به سبب کمبود نیروی فنی و مسلکی کیفیت و مرغوبیت چاپ و نشر پایین است.

کتابخانهٔ عامه

این کتابخانه در سال ۱۳۴۶ خورشیدی تأسیس شده و ساختمان کنونی آن در پهلوی تیاتر هرات در مقابل حوض سینما واقع است.

در برج عقرب ۱۳۷۲ از کتابخانهٔ مزبور دیدن کرده و بخشهای آتی را مشاهده کردم:

---

۱. ریاست مطبعهٔ هرات، گفتگو با محترم میهن یار رئیس مطبعهٔ هرات در سال ۱۳۷۲.

۲. روزنامهٔ اتفاق اسلام، ۳۰ سنبلهٔ ۱۳۸۲، ص ۳.

سالون مطالعه به گنجایش ۱۰۰ نفر؛ بخش توزیع کتاب که بر اساس فورم مخصوص و کارت اشتراک انجام می‌شود؛ بـخش آرشـیف کـه در آن مـجلات هـرات، اخـبار (روزنامه‌ها)، بعضی کتب قلمی و غیره نگهداری می‌شود و بخش آموزشی.

کتابخانه در حدود ۵۰۰ نفر عضو دارد. علاقهٔ مطالعه گران بیشتر به کتابهای داستانی و بعد از آن ادبیات، تاریخ و سیاست است و کتب چاپ شوروی سابق از دسترس عموم دور شده است. در سال ۱۳۷۴ سالون جدید کتابخانهٔ عامهٔ هرات در کنار سـاختمان سابقه اعمار شده است.

ساختمان جدید کتابخانهٔ عامه که در همان محل پارینه اعمار شده است بسی زیبا جلوه گری می‌کند و امکانات آن نسبت به گذشته افزایش یافته است (← تصویر ۲ـ۷). در هرات علاوه بر کـتابخانهٔ عـامه یک تـعداد کـتابخانه‌های دیگـر مـثل کـتابخانهٔ فخرالمدارس، مدرسهٔ جامع، لیسهٔ سلطان غیاث‌الدین غوری، دانشگـاه (پـوهنتون)، فاکولته اقتصاد، فاکولتهٔ طب، حقوق، انجنیری، ادبیات، ساینس، شرعیات، هـنرهای زیبا، کمپیوتر ساینس، مدرسهٔ صادقیه و غیره نیز وجود دارد.



تصویر ۲ – ۷. کتابخانهٔ عامهٔ هرات

موزیم هرات

موزیم هری در سنهٔ ۱۳۰۲ خورشیدی تأسیس شد و نخست در حصهٔ شمالی چهارباغ یعنی محل دوایر دولتی آن زمان که در ناحیهٔ اول شهر قدیمهٔ هرات واقع بود و در سالون بزرگ و زرنگار مکان داشت.

در این موزیم آثار دورهٔ کوشانیها، بوداییها، غوریها، کرتها و تیموریها جمع‌آوری شده بود و قیمت تکت دخولی فی نفر دو پول بود. پس از ویرانی چهارباغ، آثار موزیم به ساختمان بالایی هوتل پارک انتقال یافت و زیر نظارت بلدیهٔ هرات قرار گرفت.

در سال ۱۳۴۵ خورشیدی موزیم مزبور زیر اداره و نظارت مدیریت عمومی اطلاعات و کلتور واقع شد و اشیای مربوطه در سالون عمارت مدیریت قلم مخصوص انبار شد و تا قبل از سقوط دولت داکتر نجیب در همان محل بود و حالا به قلعهٔ اختیارالدین انتقال یافته است.[۱]

موزیم شخصی سلطانی

موزیم مزبور در خزان ۱۳۸۶ به سرمایهٔ شخصی احمدشاه سلطانی مقیم لندن در تالار مولانا در شهر هرات افتتاح شد. در این موزیم بیش از سیزده هزار اثر عتیقه و باستانی که شصت اثر آن زرّین بوده است، در معرض نمایش گذاشته شده بود (← تصویر ۲ـ۸). از قول مسئولان گفته شده که ارزش این آثار در حدود ۵۵۰ میلیون افغانی سنجش شده است و قدامت تاریخی برخی از آن به شش هزار سال می‌رسد.

محترم سلطانی موزیم شخصی خود را به مردم هرات تقدیم کرد، لیکن نیروهای امنیتی و پلیس در حفظ و حراست آن غفلت کرده و آثار نفیس و ارزشمند آن در تابستان ۱۳۸۷ دزدی و غارت شد. مردم هرات نیروهای امنیتی و پلیس را مقصر می‌دانند[۲].

به هر حال، ناامنیهای اخیر نه تنها زندگی را برای مردم تلخ و پُراضطراب کرده است،

---

۱. روزنامهٔ اتفاق اسلام، سه شنبه ۲۸ ثور ۱۳۷۳.

۲. البته برخی به این نظرند که شخص سلطانی نیز در این سرقت با نیروهای امنیتی و مافیای قدرت همدست بوده است و کلّ این جریان موزیم، با یک نقشهٔ پیچیده و دسیسه‌مندانه اجرا شده است.

بلکه آثار باستانی و میراثهای فرهنگی و تاریخی ما را در معرض تاراج و غارت قرار داده است. فرهنگیان، هنرمندان و مردم خبیر هرات با قلب اندوهگین و خون‌پالا به ناآرامیهای خودبه‌خودی و پلان‌شدهٔ جاری می‌نگرند و کار مؤثری هم از دستشان برنمی‌آید.



تصویر ۲ – ۸. موزیم سلطانی، پیش از غارت

کانونهای هنری هرات

صحنهٔ تمثیل (تیاتر)

قبل از به وجود آمدن تیاتر جدید در ولایت هرات، سیل‌های میدانی ذریعهٔ هنرمندان محلی که به آنان «اُستا» می‌گفتند اجرا می‌شد. از چهره‌های معروف می‌توان از استاد رمضان (کل) و استاد سخی‌داد غیزانی یادآوری کرد.

در سالیان ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ هـ. ش هنر تیاتر در ولایت هرات به روی صحنه آمد. در

سال ۱۳۱۶ فعالیتهای تیاتر انسجام و تداوم بهتری پیدا کرد. تا سال ۱۳۴۲ هرات ننداری (صحنۀ تمثیل) زیر ادارۀ بلدیه قرار داشت و از آن پس تحت ادارۀ اطلاعات و کلتور درآمد.[1] (← تصویر ۲ـ۹)



تصویر ۲ - ۹ . ساختمان سابق تیاتر هرات

از چهره‌های مشهور تیاتر هرات می‌توان از مرحوم سرخوش، الفت، فرحت و عسکرزاده یاد کرد. همچنین در دورۀ اخیر پادشاهی ظاهرخان و در عهد جمهوری داوودخان و جمهوری دیموکراتیک خلق معدود زنان هراتی نیز در تیاتر سهم داشتند که از این میان می‌توان از نفیسه و ستاره یاد کرد.

سینما

در تمام ولایت هرات یک سینما وجود داشت که در سنۀ ۱۳۲۹ خورشیدی تأسیس شده و در اول سرک ولایت واقع بود. ظرفیت این سینما ۴۳۹ پایه چوکی بود که در دو

---

۱ . رهنمای هرات، ۴.

طبقهٔ آن جا داشت. (← تصویر ۲ـ۱۰)



تصویر ۲ - ۱۰ . سینمای سابق هرات

مردم هرات زیادتر به فیلمهای هندی و ایرانی علاقه داشتند و از صحنه‌های جنگ و رقص و آواز لذت بیشتری می‌بردند. پس از فروپاشی دولت دکتر نجیب سینمای هرات به کلی تعطیل شد، زیرا تماشای فیلمهای سینمایی در عهد مجاهدین و طالبان ممنوع شد.

همچنین در دورهٔ طالبان به دستور دولت، سینما به کلی منهدم شد. بعد از سقوط طالبان در جوزای ۱۳۸۷ یک سینمای خصوصی در سالون مولانا در شهر هرات افتتاح شد. سالون سینمای مذکور گنجایش هشتصد نفر را دارد. فرهنگیان و هنرمندان هرات از تأسیس این سینمای جدید استقبال کردند، اما مولوی خداداد رئیس شورای علمای هرات با آن به مخالفت برخاست.

رادیو و تلویزیون

به اساس پلانهای انکشافی مشترک کمیتهٔ دولتی رادیو تلویزیون و سینماتوگرافی

وزارت مخابرات، نشـرات تـلویزیونی شـهر هـرات روز ۴ قـوس ۱۳۶۳ آغـاز شـد. تلویزیون هرات در کانال یازده بـه سـیستم سـیکم، روزانـه دو سـاعت بـه نشـرات می‌پرداخت. یک ساعت این برنامه از نشرات تلویزیون مرکزی بـه وسـیلهٔ دسـتگاه شمشاد و قمر مصنوعی که از جانب شوروی سابق به اختیار تلویزیون افغانستان نهاده شده بود، از ساعت ۶ تا ۷ صبح به هرات ریلی می‌گردید. یک ساعت دیگر برنامه از آرشیف نشراتی کوچک تلویزیونی که در شـهر هـرات تأسـیس شـده بـود صـورت می‌گرفت. مواد این آرشیف نشراتی قبلاً از مواد آرشیف تلویزیون مرکزی کاپی شده و به هرات فرستاده می‌شد.[۱]

بعد از سقوط دولت کابل در اوایل ۱۳۷۱ و آغـاز جـنگ قـدرت بـین نـیروهای مجاهدان در پایتخت کشور، در کار رادیو تلویزیون مرکز اختلال پدید آمد. روی این منظور رادیو تلویزیون هرات تا برج سنبلهٔ ۱۳۷۴ با استفاده از همان امکانات محدود ولایتی به پخش برنامه‌های خود ادامه می‌داد، تا این‌که به تاریخ فوق تلویزیون مذکور به دستور شورای عالی طلبه‌های هرات به کلی تعطیل شد.

بعد از سقوط طالبان رادیو تلویزیون هرات دوباره به فعالیت آغاز کرد و تـعدادی رادیو تلویزیون خصوصی مثل «ساقی» و «هری» نیز در هرات تأسیس شد. از نگـاه قانونی زمینه برای کار و حضور زنان در فعالیتهای فنی و هنری رادیو و تلویزیون فراهم شد و نطاقان و آوازخوانان زن شروع به فعالیت کردند.

کانونهای مذهبی

مساجد

آریاییهای ساکن هرات نخست آیین زردشـتی داشـته و بـه آتش و روشـنایی مـهر می‌ورزیدند و با آتشکده‌ها که در واقع عبادتگاههای آنـان بـود، پـیوستگی دیـرینه داشتند. پس از انتشار دین اسلام در خطهٔ پهناور خراسان، آتشکده‌های هری به مساجد

---

۱ ـ مجلهٔ آواز، ۳۰ قوس ۱۳۶۹، ص ۳.

تبدیل و بر روی خاکستر مقدس، محراب عبادت ساخته شد و باز اهل هریوا با مسجد و محراب انس و الفت یافتند.

مساجد، محل عبادت، مرکز گردهمایی، جایگاه پیوند و اتحاد، مکانی برای درس و سبق و تجلیگاه هنر معماری و هنرهای تزئینی قرار گرفت که مثال بارز آن مسجد جامع بزرگ هرات و دیگر مساجد تاریخی این ولایت است. در هر کوی و برزن و در هر قریه و قشلاق هرات، مسجدی وجود دارد که بیان همهٔ، سخن را به درازا خواهد کشاند. برای آگاهی مطالعه گران محترم، فقط به نام مساجد مشهور هرات اشاره می‌شود: مسجد جامع بزرگ هرات، مسجد پای‌حصار، مسجد جامع خرقهٔ شریف، مسجد بابا علی‌مست در شمال خرقهٔ شریف، مسجد سعدیه (قودال یا گودال) در مقابل جادهٔ غربی مسجد جامع، مسجد سلطان سیداحمد کبیر در پهلوی گدام سابقه، مسجد خواجه نور در محلهٔ قطبیچاق، مسجد خواجه رخبند در محلهٔ چرختابان، مسجد عیدگاه در شهر نو، مسجد شهزاده‌ها در مصرخ، مسجد جامع خواجه طاقی در بادمرغان، مسجد جامع پل رنگینه، مسجد آقای شریعت در محلهٔ خواجه عبدالله مصری، مسجد تفنگ‌سازی در بازار عراق، مسجد سکندر جان و مسجد جوزا در محلهٔ خواجه عبدالله مصری، مسجد نقاشی در کوچهٔ حوض وزیر، مسجد شهزاده مظفر در محلهٔ خواجه عبدالله مصری، مسجد حنظل سبزپوش در جادهٔ مخابرات، مسجد جامع زیارتگاه، مسجد غلوار، مسجد حوض کرباس، مسجد جامع تلاب، مسجد جامع کبرزان، مسجد تریاک و مسجد خانقاه تریاک، مسجد جامع ساوه (سفید روان)، مسجد جامع سیاوشان، مسجد جامع نو بادام، مسجد جامع غوریان، مسجد جامع خوله‌بلند در برناباد، مسجد جامع و حوض صوفی اسلام در کرخ، مسجد جامع اوبه و مسجد جامع بند بنوش در اوبه.

تکایا

به‌سانی که تاریخ پُر درازنای خراسان اسلامی و از جمله تاریخ هرات باستان می‌نمایاند، از زمانه‌های بسیار قدیم مِهر خاندان حضرت پیامبر و حضرت علی در دل مردمان این مرز و بوم فروزندگی داشته و قیامهای استقلال‌طلبانهٔ مردم خراسان‌زمین با قیامهای آزادیخواهان دودمان حضرت علی پیوند داشته است، چنان‌که دولت اموی به همت همین مردم خراسان و به سرداری ابومسلم خراسانی درهم شکست و قدرت

دولتی در بلاد مسلمین به عباسیان انتقال پیدا کرد.

مردم هرات از باستان زمانه‌ها به خاندان حضرت علی عشق و علاقه داشته‌اند و مزار شهزاده عبدالله، شهزاده قاسم و میر عبدالواحد شهید زیارتگاه هراتیان بوده است. بدین حساب می‌توان گفت که مراسم تعزیه‌داری اولاد علی نیز در هرات پیشینهٔ دراز دارد و باز پیوند می‌یابد با دورهٔ اوج‌گیری و توسعهٔ مراسم عزاداری و روضه‌خوانی در عهد صفویان ایران.

به هرحال در جریان تاریخ پر فراز و نشیب هرات گاهی زمینه برای اجرای مراسم عزاداری مساعد بوده و زمانی عرصه برای بیان مصیبت تنگ می‌شده است؛ چنان‌که این هر دو حالت را در دورهٔ پادشاهی مستبدانه امیر عبدالرحمان خان به خوبی مشاهده کرده می‌توانیم و محمد یوسف ریاضی در این باب می‌نگارد: «در سال ۱۳۰۳ هجری، مطابق ۱۸۸۶ مسیحی تعزیه‌داری ماه محرم را اهالی تشیع افغانستان در هرات و کابل به منتهی درجه اجرا کردند و در شهر هرات چهل و یک تکیه روضه‌خوانی دایر بوده سوای قرا و به قرار تفصیل: تکیهٔ جناب آقای سید حسن بیرجندی، تکیه حاجی ملّا محمدصادق و تکیهٔ مسگران، تکیهٔ یوسف‌علی خباز، تکیهٔ سادات معروف به سید عرب، تکیهٔ ملّا یعقوب، تکیهٔ شیخ قنداق‌ساز، تکیهٔ مسجد تفنگ‌سازی، تکیهٔ نقیب شایق، تکیهٔ غلام‌رضای آقا عبدالله، تکیهٔ کشمیریها، تکیهٔ منبر گلی، تکیهٔ عطاران معروف به مسجد ملّا علی‌کرم، تکیهٔ حاجی محمدرضا، تکیهٔ حاجی شیخ رمضانعلی، تکیهٔ میرزا خان معروف، تکیهٔ حاجی شیخ عبدالحسین، تکیهٔ ملّا محمدتق، تکیهٔ هادی ـ مهدی، تکیهٔ قربانعلی، تکیهٔ میرشکور، تکیهٔ میرزا محمد تاجر، تکیهٔ آقا محمد عصار، تکیهٔ حاجی غلام حسین، تکیهٔ میرزا عبدالمجید، تکیهٔ ملّا محمدعلی پسر ملّا احمد، سرای حاجی رسول، تکیهٔ میر محمد نقیب، تکیهٔ ملّا حسین حداد، تکیهٔ ملّا محمدعلی کرک، تکیهٔ زرگران معروف به یوسف‌علی حداد، تکیهٔ آقا علی مرحوم، تکیهٔ آخوندزاده ملّا محمدصادق، تکیهٔ صباغان، تکیهٔ چرخ‌تابان، تکیهٔ آقا سید مرتضی، تکیهٔ شعربافان، تکیهٔ محمدحسن رزّاز، تکیهٔ ملّا ابوالحسن‌شاه رحمتی، تکیهٔ آقا زینل و تکیهٔ ملّا ابوالحسن سیاه‌چه.»[1]

امیر عبدالرحمان در سال ۱۳۱۰ هجری مطابق ۱۸۹۳ میلادی مراسم تعزیه‌داری حسین ابن علی را موقوف کرد و شیعیان را تحت فشار قرار داد. هرگاه از دوره‌های

---

۱. عین الوقایع، ص ۱۷۶.

متنوع بعد از مرگ امیر عبدالرحمان خان بگذریم در ربع اخیر پادشاهی محمد ظاهر و دورهٔ جمهوریت محمد داوود، مراسم عزاداری، روضه‌خوانی و نوحه‌سرایی در ولایت هرات آزاد صورت می‌گرفت، که کودتای ثور به وقوع پیوست و دوران جنگ و بمباران در کشور آغاز شد. در این عهد هم عزاداری آزاد صورت می‌گرفت. به هر صورت پیش از جنگ اخیر در ولایت هرات تکایای آتی دایر بود:

۱ ـ تکیهٔ عمومی ابوالفضل معروف به تکیهٔ میرزا خان واقع در کوچهٔ زال‌خان محلهٔ خواجه عبدالله مصری. (← تصویر ۲ـ۱۱)

۲ ـ تکیهٔ هادی واقع در کوچهٔ چوب خانهٔ شهر کهنه.

۳ ـ تکیهٔ صفارها (مسگران) واقع در محلهٔ چرختابان به غرب بازار قندهار.

۴ ـ تکیهٔ آخوندزاده محمد علی در پشت تکیهٔ عمومی میرزاخان و گذر مسجد سکندرخان.

۵ ـ تکیهٔ سید تقی به نزدیک تکیهٔ مسگرها.



تصویر ۲ - ۱۱. تکیهٔ میرزا خان

۶ ـ تکیهٔ برجندی (بیرجندیها) واقع در محلهٔ برج خاکستر.

۷ ـ تکیهٔ حاجی حیدر قلعی‌گر واقع در ضلع شمالی چهارسوق به کوچهٔ چهارشنبه بازار.

۸ ـ تکیهٔ عباس علی (ملّا عباس) واقع در کوچهٔ شیخ سرور در جنوب بازار مسگرها.

۹ ـ تکیهٔ حاجی میرآقا در گذر مسجد آقای شریعت واقع در محلهٔ خواجه عبدالله مصری.

۱۰ ـ تکیهٔ آخوند ملّا محمد فراهی واقع در گذر حوض ذوالفقار خان در محلهٔ خواجه عبدالله مصری.

۱۱ ـ تکیهٔ محمد جعفر قلعه نوی واقع در کوچهٔ زیارت شاهسوار.

۱۲ ـ تکیهٔ حاجی محمد امین خطیب واقع در کوچهٔ تکیهٔ میرزا خان.

۱۳ ـ تکیهٔ حاجی آقا سراچگی واقع در گذر حمام جعفر خان مربوط محلهٔ خواجه عبدالله مصری.

۱۴ ـ تکیهٔ عبدالرزاق مقابل سرای مختارزاده واقع در بازار عراق.

۱۵ ـ تکیهٔ حبیبیه واقع در گذر خندق زینه‌دار بازار عراق.

۱۶ ـ تکیهٔ حاجی نظر واقع در دروازهٔ عراق.

۱۷ ـ تکیهٔ قلبه (کلبه) زرگران واقع در بازار زرگرها.

۱۸ ـ تکیهٔ مسجد حاجی محمدکاظم در مقابل کاروانسرای حاجی محمدهاشم واقع در باد مرغان.

۱۹ ـ تکیهٔ بزرگ محلهٔ نو، بالاتر از فلکهٔ دروازهٔ کندهار.

۲۰ ـ تکیهٔ چهارسونک.

۲۱ ـ تکیهٔ رضائیه واقع در غوردرواز.

۲۲ ـ تکیهٔ اکبریه واقع در کُلاب.

۲۳ ـ تکیهٔ اصغریه واقع در کُلاب.

۲۴ ـ تکیهٔ سید کفتان در کُلاب.

۲۵ ـ تکیهٔ بکرآباد.

۲۶ ـ تکیهٔ بزرگ کارته بالا و تکیهٔ بزرگ کارته پایین.

۲۷ ـ تکیهٔ سید یوسف شاه در گوالیان.
۲۸ ـ تکیهٔ محمداسماعیل در گوالیان.
۲۹ ـ تکیهٔ مسجد محسنی واقع در گذر سلطان‌شاه زنده در باد مرغان.
۳۰ ـ تکیهٔ حاجی غلام نبی در غیزان چشمه.
۳۱ ـ تکیه حاجی غلام حیدر در دولتخانه.
۳۲ ـ تکیهٔ شیخها در فیروزآباد.
۳۳ ـ تکیهٔ منطقهٔ پایین آب.
۳۴ ـ تکیهٔ سید قاسم واقع بازار خوش، مقابل کوچهٔ حمام دلاکها.
۳۵ ـ تکیهٔ ملّاقمبر واقع در دروازهٔ قندهار.

همچنین تعدادی تکیه‌خانه در ده‌های شیعه‌نشین هرات مانند جبرئیل، حوض سلطان، باغ زبیده، مرغز، آسیاکلوخی، شاعنه (شادمانه)، رباط حاجی آقا خان و غیره وجود داشته که اهالی ده‌نشین در آن به عزاداری می‌پرداختند و به روضه‌خوانی و ذکر مصیبت گوش فرا می‌دادند.

طب و طبابت

طبابت در هرات پیشینه‌ای بس دراز دارد و طبیبان نامداری در دامن پر فیض هریوای باستان در طول تاریخ قد برافراشته‌اند. در قرن نهم هجری هرات یکی از مراکز عمدهٔ طب و طبابت در قلمرو بزرگ خراسان بود و استادان مشهوری به تدریس علم طب اشتغال داشتند.

در قرن چهارم یکی از طبیبان شهیر هراتی کتاب معروفی در علم داروشناسی به رشتهٔ نگارش آورد که در قلمرو طب مشهور است. دکتر ذبیح‌الله صفا به خاطر ارزش ادبی این کتاب از آن یادآوری می‌کند: «کتاب ***الابنیه عن حقایق الادویه*** از ابومنصور موفق هروی در داروشناسی که نسخه‌ای از آن به خط اسدی طوسی شاعر، موجود است.»[1]

---

۱. مختصری در تاریخ نظم و نثر پارسی، ص ۲۳.

همچنین عروضی سمرقندی دربارهٔ معالجهٔ بیماری که در اثر سکتهٔ قلبی غسـل و کفن شده و آمادهٔ خاک‌سپاری بود چنین می‌نگارد: «در عهد ملک‌شاه و بعضی در عهد سنجر فیلسوفی بوده به هرات و او را ادیب اسماعیل گفتندی و معاش او از دخل طبیبی بودی. وی وقتی به بازار کشتاران برمی‌گذشت. قصابی گوسفندی را سلخ می‌کرد و گاه گاه دست در شکم گوسفند کردی و پیه بیرون کردی و همی‌خورد. خواجه اسماعیل در برابر او بقالی را گفت که اگر وقتی این قصاب بمرد، پیش از آن‌که او را به گور کنند مرا خبر کن. ماهی پـنج شش برآمد و قصاب بمرد و بقال خواجه اسماعیل را خبر کرد. وی عصا برگرفت و بدان سرا شد و چادر از روی مرده برداشت و سپس علاج سکته آغاز کرد و روز سوم مـرده بـرخـاست و اگرچه مفلوج شد، سالها بزیست.»[1]

در ادوار متمادی، هرات در طب و طبابت شهرت بسزا داشته و وقایع نادری در این عرصه رخ می‌داده است که در اینجا به دو واقعه اشارت می‌شود: «در بیرون باغ زاغان امیرخلیل با یتیمان (کاکه‌ها) خود هجوم نموده مفرد را در میانه گرفتند و هژده زخـم کـارد و خنجر بر وی رسانیدند. خبر به میرزا رسید. حکم فرمود که میرخلیل را هر کـجا بـبینند بـه تیر زنند مفرد را میرزا پیش خود طلبید و جراحان را جمع ساختند. جراحان گفتند همه عـلاج دارد اما رودهٔ او پاره شده علاج آن متعذر است، زیرا آن را با سوزن نمی‌توان دوخت. میرزا فرمود که استاد شیخ حسین جراح کجاست؟ گفتند: شاها وی مریض است. میرزا فـرمود کـه تخت روانی بردند او را آوردند. میرزا گفت: ای استاد اگر این شخص را علاج کنی آنچه مراد و مقصود تو ست حاصل گردانم دو زخم معده را به این نوع دوخت و در شکم کرده و زخم شکم را نیز دوخت و تربیت را رعایت کرده و در عرض چهل روز مفرد بر سر قدم آمـد و صحت یافت.»[2]

نگارش داستان شکستن پای میرخلیل در جنگ مفرد و معالجهٔ آن نیز خالی از لطف نیست. «میرزا فرمود که استاد زین‌العابدین شکسته‌بند را آورند و به او پادشاه فرمود که این سیدزاده بی عقلی کرده و به این قلندر جنگ ساخته، پای خود را ضایع ساخت. او را عـلاج می‌باید کرد. استاد فرمود که گچ آوردند و آن را دوغاب سـاخته، بـه دست خـود از بـالای شتالنگ استخوانهای او را پهلوی هم ترتیب داد و مقدار دو انگشت زر دوغاب گچ در آن

---

۱. چهار مقالهٔ عروضی، ص ۱۲۵.
۲. بدایع الوقایع، ص ۴۸۶.

مغاکی ریخت، تا به آنجا که استخوانها ترتیب کرده بود. بعد از آن مقدار دو انگشت دیگر را راست آورد و باز دوغاب ریخت. همچنین تا به پیش زانوی وی در میان گچ محکم شد. تا چهل روز رعایت کرد. بعد از آن پای وی را به صحت تمام از میان گچ بیرون آورد.»[۱]

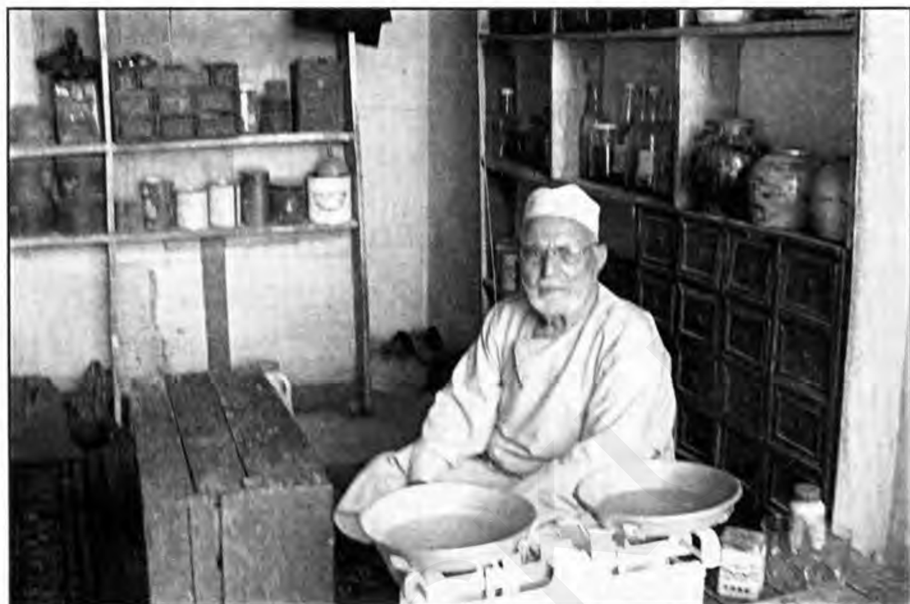
همچنین از طبیبان مشهور عهد شاهرخ تیموری می‌توان از مولانا شمس‌الدین و مولانا نظام‌الدین یاد کرد. یکی از طبیبان هروی به نام یوسفی در سنهٔ ۹۱۳ هـ.ق در رشتهٔ طب، کتاب ***فوایدالاخیار*** و کتاب ***جامع‌الفواید*** شرح علاج‌الامراض را تألیف کرد. از جانب دیگر در زمان سلطان حسین بایقرا در بیمارستان شفائیهٔ امیر علی‌شیر نوایی، برای شاگردان به طور منظم علم طبابت تدریس می‌شد و دانشکدهٔ طب هرات در آن دوره معروف بود.

پیش از مروج شدن طب جدید در کشور در میان مردم همان طب سنتی ـ که در خطهٔ هرات سابقهٔ بس دراز دارد ـ معمول بود. در قرن جاری نیز طبیبان سنتی هرات که به آنها طبیب یونانی و یا حکیم‌جی می‌گفتند مشهور و معروف بوده‌اند. دکانهایشان مملو از گیاهان طبی و ادویه‌های سنتی بوده و بیماران را با دساتیر حکیمانه و داروهای محلی مداوا می‌کردند.

برای آگاهی زیادتر، نام برخی از حکیمان هراتی که در قرن جاری زندگی داشتند تذکر می‌یابد: سعادت قلی، حکیم‌جی سرور، مولوی ملّا جلال طبیب، حکیم‌جی محمدطاهر، حکیم‌جی عبدالرحمان حوض کرباس، حکیم‌جی ملّاعبدالرحیم، میرزا کاظم شاه، میرزا محمد رضا، میرمحمد اکبر، محمد نعیم سعادت، سید محسن و میرمحمد علی شاه طبیبی و غلام سرور.

در دورهٔ اخیر هم تعدادی حکیم‌جی به کار طبابت سنتی مشغول‌اند که می‌توان به سید کمال طبیبی، محمد حسین و غیره اشاره کرد (← تصویر ۲ـ۱۲). به اینها باید افزود تعدادی طبیب هندوستانی (سیک) را که در شهر هرات فعالیت می‌کنند. همچنین لازم است از عزیزالله خان سروری یاد کرد که در مورد گیاهان هرات مطالعاتی دارد و کتبی به نام ***اساسنامهٔ گیاهان دارویی*** و ***تأثیر فضای سبز بالای لایهٔ اوزون*** تألیف و نشر کرده است.

۱ـ بدایع الوقایع، ص ۴۸۸.



تصویر ۲ - ۱۲ . سید کمال طبیبی

برای نخستین بار در سال ۱۳۰۷ خورشیدی مرکز جدیدی در هرات به سرپرستی داکتر یم هندوستانی تأسیس شد. حاجی عبدالرحمان جراح هراتی و داکتر غلام‌حیدر خان (که از پاکستان به هرات مهاجرت کرده بود) نیز با داکتر هندی یاد شده همکاری می‌کردند. در ابتدا ساختمان این مرکز در جنوب قلعهٔ اختیارالدین (ارگ هرات) به کنار خرقهٔ مبارک موقعیت داشت، لیکن پس از احداث شهر جدید به اول جادهٔ بادمرغان انتقال یافت و سپس در پهلوی زیارت خواجه علی موفق برای آن جایی اختصاص داده شد که تاکنون در آن محل است.

شفاخانهٔ ملکی

این شفاخانه در دورهٔ جمهوری محمد داوود دارای ۱۱۰ بستر بود و در آن بخشهای داخله، جراحی، توبرکلوز، لابراتوار، اکسریز، حفظ‌الصحهٔ محیطی، دواخانه و دیپو،

بخش عاجل، پانسمان، مجادله با ملاریا، نسایی و ولادی، حمایه طفل و مادر، واکسیناسیون و پولی‌کلینیک فعال بودند. (← تصویر ۲ـ۱۳)



تصویر ۲ - ۱۳ . شفاخانهٔ ملکی

بخش اکسریس برای نخستین بار در سال ۱۳۱۶ در بیمارستان ملکی هرات افتتاح شد و دستگاه آن فقط توان عکسبرداریهای معمولی را داشت. ساختمان جدید مرکز اکسریس از جانب مرکز صحی در سال ۱۳۵۴ به مصارف ۲۸۰۰۰۰۰ افغانی اعمار شد و دارای ۱۲ اتاق است.

شفاخانهٔ زنانه (زایشگاه)

این بیمارستان در سال ۱۳۱۶ افتتاح شد. نخست به نام مستورات یاد می‌شد. ابتدا در اول جادهٔ غوردرواز موقعیت داشت، اما در سال ۱۳۴۸ به جوار شفاخانهٔ ملکی تغییر مکان داد. در شفاخانهٔ مزبور بخشهای نسایی و ولادی و جراحی موجود بوده است. در حال حاضر تعمیر جدید شفاخانه مستورات در جوار شفاخانهٔ دو صد بستر قرار دارد.

شفاخانهٔ معارف

در سال ۱۳۴۳ در چوکات وزارت معارف از طریق وزارت صحت عامه منظور و تأسیس شد که در آن امور معالجوی شاگردان مکاتب انجام می‌یافت. تعمیر شفاخانه در جوار زیارت خواجه علی موفق موقعیت داشت.

شفاخانهٔ نور

در ابتدا بخش تداوی چشم در شفاخانهٔ ملکی قرار داشت، اما در اواخر سلطنت ظاهر شاه پلان تأسیس شفاخانهٔ نور به کمک ایالات متحدهٔ آمریکا به میان آمد و کار آن در اول دههٔ ۱۳۵۰ آغاز شد. در دورهٔ جمهوری داوودخان (۱۳۵۶ـ۱۳۵۲) فعالیتهای بیمارستان گسترش بیشتر پیداکرد. در این هنگام تعدادی از داکتران خارجی در پهلوی داکتران داخلی به کار مشغول بودند. بعد از کودتای ثور ۱۳۵۷ امور شفاخانه به داکتران داخلی واگذار شد و اما پس از پیروزی مجاهدین (۱۳۷۱) همکاری داکتران خارجی دوباره از سر گرفته شد.

شفاخانهٔ دو صد بستر

سنگ تهداب این بیمارستان در دورهٔ جمهوری داوود خان گذاشته شد و کار اعمار آن پس از کودتای ثور نیز ادامه پیداکرد، تا این‌که در سال ۱۳۶۷ به طور رسمی افتتاح شد. مصارف مالی آن را آلمان شرق به دوش گرفته بود.

این بیمارستان دارای دو صد بستر است و از حیث استانداردهای مروج فنی، تمام تجهیزات صحی می‌تواند در ساختمان آن گنجانیده شود (← تصویر ۲ـ۱۴). قابل یادآوری است که به سبب جنگ درازدامن هستی‌سوز و پی‌آمدهای آن از یک جانب و سطح پایین علمی و مسلکی از سوی دیگر از امکانات موجود استفادهٔ لازم صورت نگرفته است.

به قول داکتر عبدالرئوف نامور یکی از متخصصان سابقه‌دار این شفاخانه در سال ۱۳۶۷، در بیمارستان ملکی و دو صد بستر که در یک ساحت وسیع موقعیت دارند ۴۰ نفر داکتر دارای مدرک تحصیلی فاکولتهٔ طب کابل مشغول کار بوده‌اند. پس از تأسیس

دانشکدهٔ طب هرات در سال ۱۳۷۰ و بعد از اولین دورهٔ فراغت، از نگاه کمّی سال به سال بر تعداد داکتران افزوده شده است. لیکن از حیث درجهٔ علمی سطح تحصیلی پایین آمده است و کدام رشد و انکشاف کیفی در امور طب و طبابت ولایت هرات دیده نمی‌شود. به این دلیل آنانی که توان مالی دارند جهت تداوی به کشورهای ایران، هندوستان و پاکستان می‌روند.



تصویر ۲ – ۱۴ . شفاخانهٔ دوصد بستر

بانک مرکزی خون

این بانک در سال ۱۳۵۰ شروع به کار کرد. ساختمان جدید آن که دارای ۱۰ اتاق و ۱۴۰۰ متر مکعب حجم است به مصارف ۰۰۰ ۲۶۰ ۱ افغانی در سال ۱۳۵۴ به پایهٔ اکمال رسید. بانک مذکور در محل مستورات سابق به اول جادهٔ غوردرواز موقعیت دارد.

دیپوی ادویه

در عهد جمهوری داوودخان جهت تهیهٔ دارو برای شفاخانه‌ها و دواخانه‌ها و نگهداری دوا، دیپویی در شمال پارک سینمای هرات از طرف وزارت صحت عامه زیر پوشش ریاست دیپوی عمومی کابل فعال شد.

مراکز صحی در اطراف هرات

در اواسط دههٔ ۱۳۵۰ مراکز صحی در حاکم‌نشینان هرات رو به گسترش بود. در ولسوالی غوریان و شیندند (اسفزار) شفاخانه‌های ۱۰ بستره وجود داشت. در مراکز گذره، اوبه، شافلان، کروخ، زنده‌جان (فوشنج)، کهسان، ادرسکن و گلران کلینیکهای طبی دارای بخش داخلی، پانسمان، حفظ‌الصحه، طب وقایوی و واکسیناسیون فعال بود که در هر کدام از این مراکز یک نفر داکتر، دو نفر واکسیناتور و دو نفر بهداشت‌یار کار می‌کردند.

پس از کودتای ثور ۱۳۵۷ در اثر جنگ طولانی، مراکز صحی اطراف هرات تخریب و منهدم شد. در مناطق زیر کنترول مجاهدین برخی مراکز صحی موقت به کمک مؤسسات خیریهٔ بین‌المللی در جریان جنگ فعال شدند که بیشتر به مداوای مجروحین جنگی می‌پرداختند. بعد از پیروزی مجاهدین وضع مراکز مذکور بهتر شد. در حال حاضر در اطراف هرات دوباره مراکز صحی فعال شده است.

مراکز آموزشی طبّی

در سال ۱۳۵۰ مکتب نرسنگ در چوکات ریاست صحت عامه تأسیس شد. سویهٔ تحصیلی آن در ابتدا معادل بکلوریا بود و بعد به بکلوریا ارتقا یافت. در سال ۱۳۶۰ انستیتوت تربیهٔ فلچر (معاون داکتر) در ارتباط با صحت عامه به فعالیت آغاز کرد. دورهٔ آن دو سال بوده و به سویهٔ بکلوریا فارغ‌التحصیل می‌دهد. در سال ۱۳۷۰ فاکولتهٔ طب هرات تأسیس شد.

بیماریهای شایع در ولایت هرات

به اساس معلوماتی که از بیمارستانهای هرات به دست آمده و آن را عبدالرئوف نامور داکتر متخصص و صالح محمد باهر لابراتوارست در هرات نیز تأیید کرده‌اند در این ولایت امراض عمدهٔ زیر شیوع دارد: تبرکلوز، امراض پارازیتی مثل ملاریا، لشمانیا، سال‌دانه، انگلهای روده‌ای، اسهالها و پیچشها و امراض مکروبی و ویروسی مانند سیاه‌سرفه، سرخکان، فلج اطفال، توبرکلوز اطفال، تیتانوس، دیفتری، چیچک که ریشه‌کن شده (آب چیچک تا هنوز وجود دارد)، سرماخوردگیهای مختلف، بیماری جگر، کَلی، لکه‌پیسی و غیره. باید یادآور شد که امراض روانی به سبب جنگ طولانی در جامعه شیوع روزافزون پیدا کرده است و بیماریهای قلبی، قند و سرطان نیز افزایش یافته است.

نگاهی به ارقام و احصائیه

به اساس معلومات احصائیوی افغانستان[1]، تعداد کارمندان صحی و امکانات طبی ولایت هرات در سال ۱۳۵۵ قرار آتی بوده است: داکتر طب، ۲۳ نفر؛ داکتر دندان، ۳ نفر؛ نرس، ۲۱ نفر؛ معاون نرس، ۷ نفر؛ نرس قابله، ۴ نفر؛ دواساز، ۲ نفر؛ کمپودر، ۲ نفر؛ بهداشت‌یار (روغتیاوال)، ۱۳ نفر؛ واکسیناتور، ۲۱ نفر؛ تکنیشین اکسریز، ۲ نفر؛ تکنیشین لابراتوار، ۵ نفر؛ معاون تکنیشین، ۵ نفر؛ شفاخانه، ۲ باب؛ بستر، ۸۰ تخت؛ دستگاه اکسریز، ۳ پایه؛ لابراتور رسمی، ۳ محل و شخصی، ۲ محل، دواخانهٔ شخصی، ۳۷ دربند و مراکز صحی، ۹ باب. به جدول تسهیلات صحت عامه ولایت هرات در زیر توجه فرمایید.

---

۱. سال ۱۳۵۶، صفحهٔ ۲۹۹ ـ ۳۰۰.

جدول ۲ ـ ۹. تسهیلات صحت عامهٔ ولایت هرات در دورهٔ جنگ[1]

سال	تعداد شفاخانه	تعداد بستر	تعداد داکتران	پرسونل متوسطه طبی
۱۳۵۸	۴ باب	۱۶۰ تخت	۴۴ نفر	۱۰۱ نفر
۱۳۵۹	۴ باب	۱۶۰ تخت	۲۷ نفر	۹۱ نفر
۱۳۶۰	۴ باب	۱۶۰ تخت	۳۲ نفر	۹۱ نفر
۱۳۶۴	۴ باب	۲۶۰ تخت	۴۹ نفر	۱۱۰ نفر
۱۳۶۵	۴ باب	۲۶۰ تخت	۶۱ نفر	۱۵۹ نفر
۱۳۶۶	۴ باب	۳۰۰ تخت	۵۲ نفر	۱۸۶ نفر
۱۳۶۷	۳ باب	۳۰۰ تخت	۶۱ نفر	۳۲۱ نفر
۱۳۶۸	۴ باب	۳۰۰ تخت	۷۵ نفر	۲۱۰ نفر

۱. سالنامه‌های احصائیوی ۱۳۵۸ ـ ۱۳۶۸ ادارهٔ مرکزی احصائیه، چاپ کابل

فصل سوم

سیاست و اداره در هرات

نظام اداری هرات

نگاهی کوتاه به گذشته

هرات به مثابهٔ یکی از باستانی‌ترین شهرهای متمدن خاور از باستان زمانه‌ها دارای بافت اداری و نظام حکومتی بر مبنای قوانین عرفی و مدنی بوده که پیشینهٔ آن به قرنهای قبل از میلاد می‌رسد. پس از ظهور دین اسلام و انتشار آن در سرزمین پهناور خراسان، هرات به عنوان یکی از شهرهای محوری مدنیت اسلامی تبارز چشمگیر داشته و هراتیان و بلخیان در نظم‌دهی و شیرازه‌بندی تمدن اسلامی نقش اساسی ایفا کرده‌اند و دانش اداری از سرزمین خراسان وارد خلافت اسلامی شده است.

در ساحت خراسان اسلامی در طول تاریخ، امپراتوریهای نیرومندی بر مبنای نظامهای سیاسی و اداری قرون میانه شرقی پدید آمده است که می‌توان از دولتهای طاهری، صفاری، سامانی، غزنوی، غوری و تیموری نام گرفت. هرات در تمام این دورانها یکی از شهرهای مشهور خراسان بوده است، چنان‌که در عهد تیموریان به مثابهٔ تختگاه امپراتوری تیموری به مرکز بزرگ فرهنگ، سیاست و تمدن تبدیل شد.

تیمور قلمرو بسیار فراخی به اولاد خود باقی گذاشت و بعد از مرگ وی هرات به مثابهٔ قلب تپندهٔ خراسان اهمیت محوری یافت. در اینجا به حدود امپراتوری تیمور لنگ توجه کنید. (← تصویر ۳ـ۱)



تصویر ۳ - ۱ . نقشهٔ امپراتوری امیر تیمور گورکانی

نظامهای سیاسی و اداری فوق بر مبنای قدرت مطلقهٔ سلطان بود که بیانگر استبداد شرقی بر محور حکومت خانوادگی است. بنیان سیاسی و اداری این نظامها استحکام چندانی نداشت و به طور معمول بعد از درگذشت سلطان مقتدر، در اثر حملات بیرونی و یا نزاع خانوادگی فرو می‌پاشید و تا ظهور پادشاه نیرومندی دیگر، اغتشاش، ناامنی و خانه‌جنگی ادامه می‌یافت.

هرگاه به آخرین امپراتوری مشترک خراسان یعنی امپراتوری تیموریان نظر اندازیم درمی‌یابیم که در این دوره طرز حکومت همان نظام مطلقهٔ سلطنتی بود و قدرت به طور استبدادی در دست سلطان قرار داشت. دستگاه سلطنت همچنین دارای مجمع شهزادگان بود که به نام «قوریلتای» یاد می‌شد. پس از سلطان، امرا، بیگ‌ها و شاهزادگان قرار داشتند و بعد از آن مشاورین شاه، امرای لشکر، وزرا، صدور و قضات به ترتیب مقامهایی اشغال کرده بودند. بیان رسمی سلطنت پس از تصویب مجمع

شهزادگان، خواندن خطبه و ضرب سکه بود. فرامین رسمی تنها با «ت.غا» یا مهر رمزی ویژه دارای اعتبار می‌شد که در مواقع گوناگون بنا بر اهمیت فرمان با مرکّب طلایی، سرخ و یا سیاه مزین می‌شد. نشان رسمی امپراتوری شیر و خورشید و سه دایره به عنوان سه ربع مسکون زمین محسوب می‌شد.

بلوکات و ولایات هرات در عهد تیموریان

بلوک گذره، بلوک انجیل، بلوک آلنجان، بلوف حیابان، بلوک توران و تونیان، بلوک سبقر، بلوک غوروان و پاشتان، بلوک پروانه و هوادشتک، بلوک کمبراق و بلوک ادوان و تیزان.

ولایت کروخ، ولایت هرات رود، ولایت بادغیس، ولایت مرغاب، ولایت غور و غرجستان و ساخر و تولک، ولایت اسفزار، ولایت فوشنج، ولایت کوسویه، ولایت شافلان و ازاب، ولایت باخرز، ولایت خواف، ولایت زاوه، ولایت جام و ولایت قهستان و جنابد، ناحیت بیرجند، ناحیت زیرکوه، ناحیت بجستان، تون، طبس گیلکی ورقه و بهادران، ناحیت موسی‌آباد، ناحیت دشت بیاض، شاخین، ترشیز، قاین، طبس، میسا و خوسف.[1]

هرات پس از سقوط تیموریان

با این‌که هرات بعد از فروپاشی امپراتوری تیموری در زیر فشارهای گوناگون همسایگان و تاخت و تاز نیروهای تازه دم قبایلی، خرد و خمیر شده و طی سده‌های متوالی از نظم و انسجام قوی و نظام اداری پایدار محروم شد، همچنین وسعت و قلمرو فراخ داشت؛ چنان‌که در ***تاریخ مختصر افغانستان*** می‌خوانیم: «در زمان حکمرانی ابدالیان اوبه، شافلان، کوسویه، غوریان، بوران، جم، لنگر، خواف، باخرز تا حدود مشهد و جنوباً سواحل هلمند تا میوند و فراه و سیستان و شمالاً بادغیس و آب‌مرغاب تحت حکومت هرات بود.»[2]

بعد از تشکیل حکومت مقتدر افغانستان توسط احمدشاه درانی تا شروع جنگهای

---

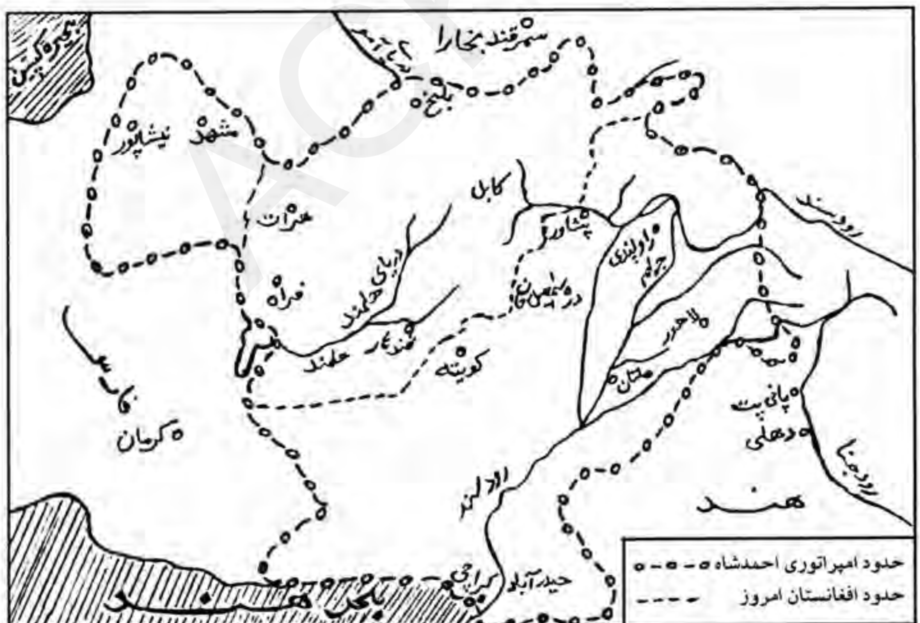
۱. جغرافیای حافظ ابرو، ص ۵ تا ۸.

۲. تاریخ مختصر افغانستان، ص ۲۳۹.

خونین نواسگان وی نیز قلمرو وسیع هرات حفظ شد. در این باب در تاریخ ***روضة‌الصفا*** آمده است: «در ملک خراسان از بلوک هرات ۲۲ شهر و هجده قصبه و پانزده قلعه به شمار آورده‌اند: اسفراین، بیهق، جوین، جاجرم، خبوشان، طوس، نیشابور، کلات، اسفزار، بوشنج، باخرز، بادغیس و جام، چشت، خواف، زواره، غور، غرجستان، بامیان، خلم، ختلان، طالقان، فاریاب، ابیورد، نسا، خاوران، سرخس و شبرغان از بلاد آنجاست و جندق، طبس گیلکی، ترشیز، قاین، تون، طبس میسا، دشت بیاض و گناباد از بلاد قهستان و جمیع بلاد خراسان از اقلیم چهارم است.»[1]

نظم دولت احمدشاه ابدالی (۱۷۴۷ ـ ۱۷۷۳)

در دورهٔ حکومت مقتدر مرکزی احمدشاه ابدالی (← تصویر ۳ ـ ۲)، نظم اداری و نظام حکومتی هیچ‌گونه ترقی و پیشرفتی نکرد، بلکه مخلوطی از طرز ادارهٔ قدیمی خراسان



تصویر ۳ – ۲ . نقشهٔ امپراتوری احمد شاه درانی

۱ . روضة الصفا، ص ۲۷۶.

با ساختار عقب‌ماندهٔ فیودالی و قبایلی پدید آمد که در واقع گامی به عقب محسوب می‌شد. در رأس ادارهٔ دولتی تعدادی از خوانین و سران قبایل درانی به‌خصوص پوپلزایی‌ها قرار داشتند. در این باره گریگوریان، مؤلف کتاب ***پیدایش افغانستان معاصر*** می‌نگارد: «دولت جدید افغان هر چند از حیث شکل معجونی از طرز ادارهٔ مغولی و ایرانی بود، اما در عمل در تحت سلطهٔ نظام اقتصادی و اجتماعی جامعهٔ قبیله‌ای و فیودالی افغان قرار داشت.» برای آگاهی بیشتر اینک به ساختار اداری دولت ابدالی در عهد احمد شاه درانی توجه کنید: «اول، وزیر اعظم؛ دوم، امیر لشکر؛ سوم، دیوان‌بیگی؛ چهارم، ایشیک‌آقاسی؛ پنجم، خواجه‌سراباشی؛ ششم، قاضی‌القضات؛ هفتم، منشی‌باشی؛ هشتم، عرض‌بیگی‌باشی؛ نهم، جهرچی‌باشی؛ دهم، میرآخورباشی؛ یازدهم، مختار کل تعمیرات؛ دوازدهم، نسقچی‌باشی؛ سیزدهم، هرکاره‌باشی و یا داروغه دفتر اخبار؛ چهاردهم، ضبط بیگی‌باشی؛ پانزدهم، مستوفی؛ شانزدهم، ملّاباشی.»[۱]

قابل یادآوری است که نظم ولایتی و ادارهٔ محلی نیز بنیاد قبیله‌ای و فیودالی داشت. در رأس ولایات عمده، پسران شاه نصب می‌شدند و سرداران عشیره‌ای به عنوان مشاور و گاهی نائب، آنان را یاری می‌کردند؛ چنان‌که در هرات، تیمور شاه پسر احمد شاه ابدالی از خردسالی نایب‌الحکومه بود. بعد از مرگ تیمور شاه خاصه پس از سقوط حکومتِ زمان شاه پسر تیمور، همان نظام عقب‌ماندهٔ فیودالی و قبایلی نیز پاشان شد و افغانستان عملاً گرفتار بحران و انحطاط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اداری شد که پیامدهای آن تاکنون گریبان‌گیر این مملکت عقب نگهداشته شده است.

آغاز اصلاحات اداری

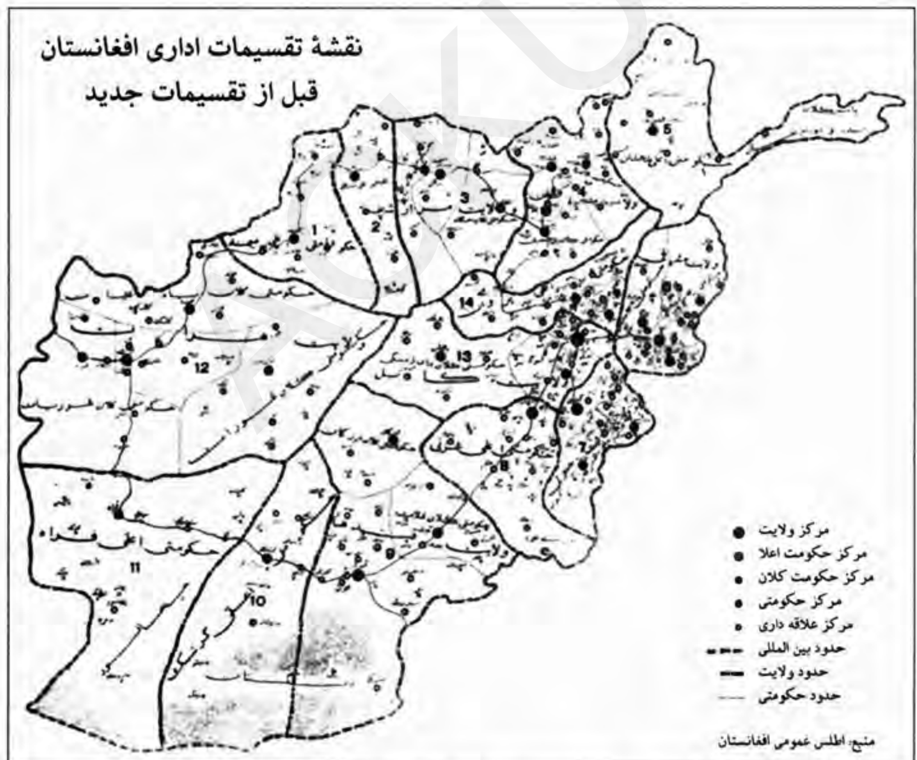
در دورهٔ امیر شیر علی خان (۱۲۹۶-۱۲۷۹) بود که در افغانستان بعضی اصلاحات اداری بسیار ابتدایی روی دست گرفته شد، لیکن امیر عبدالرحمان خان یکی از پادشاهان مستبد تاریخ وطن که پس از شیر علی خان بر اریکهٔ قدرت تکیه زد، دربارهٔ نظم اداری کشور در خاطراتش می‌نگارد: «قبل از جلوس من به تخت سلطنت، دوایر دولتی طوری به همدیگر مخلوط بود که شخص مشکل می‌توانست بفهمد آیا دوایر هم وجود دارد یا

---

۱. افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد اول، ص ۱۳۷.

خیر. به طور مثال یک نفر مستوفی که او را وزیر اعظم یا وزیر لشکر یا مستوفی‌الممالک یا هرچه خواسته باشند بگویند موجود بود. این شخص تقریباً ده هزار نفر اجزاء داشت و امورات حکومتی تمام مملکت را در اطاق خوابگاه خود دایر می‌نمود. دفترخانهٔ دولتی ابداً وجود نداشت.»[۱]

اصلاحات جدید اداری در افغانستان، در زمان شاه امان‌الله جوان به وجود آمد. نخستین قانون اساسی کشور در سنهٔ ۱۳۰۲ به تصویب رسید و برای اولین بار در تاریخ میهن، قدرت شاهی ذریعهٔ قانون و ارگانهای سیاسی مثل هیئت وزرا، شورای دولت و محاکم محدود شد. در دورهٔ نادر شاه نیز از نظام اداری دوران امانی پیروی شد، لیکن



تصویر ۳ - ۳. نقشهٔ تقسیمات اداری افغانستان قبل از تقسیمات جدید

---

۱. تاج التواریخ، جلد دوم، ص ۳۷.

آزادیهای سیاسی و اجتماعی ممنوع شد و قدرت بدون چون و چرا در قبضهٔ خاندان شاهی درآمد. در این باره محمدصدیق فرهنگ یکی از تاریخ‌نگاران کشور می‌نگارد: «اولین کار محمد نادر شاه پس از احراز تخت و تاج، تشکیل کابینهٔ دولت یا هیئت وزرا بود، که برادرش محمد هاشم خان صدراعظم و شاه‌محمود خان وزیر حربیه بود. نظام جدید با وجود تشکیل کابینه و هیئت وزراء ماهیت خانوادگی داشت.»[1]

در این دوره تقسیمات اداری و حکومتی قرار آتی بود: «از نقطه نظر اداره، افغانستان منقسم است به پنج ولایت والی‌نشین و چهار حکومت اعلی که در رقبه از ایالت چیزی کمتر است و هم پنج حکومت کلان که از حکومت اعلی چیزی خردتر است به این تفصیل: ولایت کابل، ولایت هرات، قندهار، مزارشریف و خان‌آباد. حکومت‌های اعلی: میمنه، فراه، جنوبی و مشرق. حکومت‌های کلان: شمالی، غزنی، پشت رود، هزاره‌جات و اسمار.»[2] (← تصویر ۳ـ۳)

تقسیمات اداری و حکومتی ولایت هرات

در دورهٔ تقسیمات جدید، ولایت هرات شامل دو حکومت اعلا، سه حکومت کلان و حکومت‌های محلی متعدد بوده است که به ترتیب نگارش می‌یابد:

حکومت اعلای فراه: لاش جوین، چخانسور، نادعلی، چاربرجک، بکوا و خاشرود و دل آرام.

حکومت اعلای میمنه: خان چارباغ، اندخوی، شیرین تگاب، افغان کوت، قیصار، گرزیوان و مرکز میمنه.

حکومت کلان غوریان: شامل حکومت محلی سبزوار (اسفزار)، ادرسکن، زنده‌جان (فوشنج)، کهسان و مرکز غوریان.

حکومت کلان بادغیس: شامل مرکز قلعه نو، حکومت محلی قادس، جوند، بالا مرغاب و علاقه‌داریهای غورماچ و کشک کهنه.

حکومت کلان غورات: شامل حکومت محلی تولک، پرچمن، غور، پساوند، چخچران، علاقه‌داریهای فرسی و ساغر و مرکز حکومتی به نام شهرک.

---

۱. افغانستان در پنج قرن اخیر، ص ۴۰۶.   ۲. سالنامهٔ کابل، سال ۱۳۱۱، ص ۴۴.

مرکز ولایت هرات: شامل حاکم‌نشین‌های انجیل، گذره، شافلان، اوبه و علاقه‌داری چشت است.

حکومت‌های اعلا، حکومتهای کلان، حکومتهای محلی و علاقه‌داریها تحت صلاحیت حاکمان اعلا، حاکمان کلان، حاکمان محلی و علاقه‌دارها اداره می‌شد که تمام آنها باز زیر ادارهٔ حکومت مرکزی و شخص نائب‌الحکومه قرار داشتند.

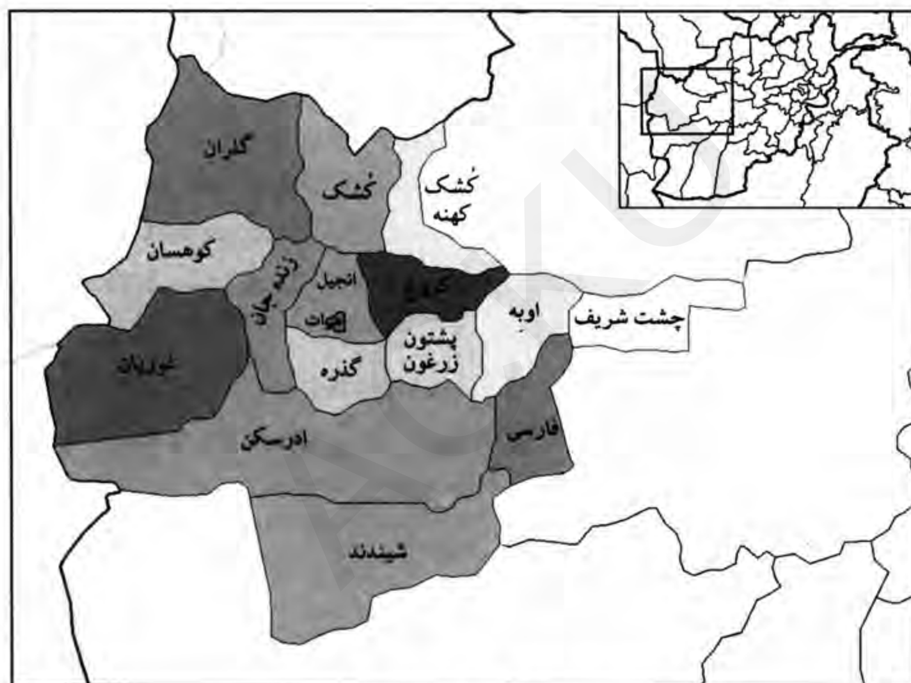
در زمان پادشاهی محمد نادر تشکیلات اداری هرات شامل دفتر نائب‌الحکومه، مستوفیت، محکمهٔ مرافعه و ابتدائیه، قومانداني، مدیریت گمرک، معارف، خزانه، زراعت و مخابرات، انتظام تلگراف و بیسیم، مأموریت معابر و طبّیه بود. همچنین تشکیلات اداری حکومت‌های اعلا عبارت بود از: حاکم اعلا، وکیل قومانداني عسکری، سررشته‌دار، محکمه مرافعه و ابتدائیه، قومانداني کوتوالی، مأموریت گمرک، معارف، خزانه، زراعت، مخابرات، معابر و طبّیه.

در اوایل پادشاهی محمد ظاهر فرزند نادرشاه کدام تغییری در طرز ادارهٔ کشور پدید نیامد. به مانند سابق در رأس کابینهٔ فرمایشی، هاشم خان کاکای پادشاه نوجوان قرار داشت و تمام قدرت و صلاحیت در دست او بود. در دورهٔ صدراعظمی شاه‌محمود خان برادر هاشم خان (۱۳۳۱ ـ ۱۳۲۴) برخی اصلاحات سطحی روی کار آمد. به تاریخ ۲۶ قوس ۱۳۲۶ اصولنامهٔ تشکیل دوایر بلدیه تقنین و نشر شد و انتخاب رئیسان بلدیه ذریعهٔ شهروندان رواج پیدا کرد.

در دههٔ ۱۳۴۳ پادشاهی ظاهر خان نظام سیاسی و حکومتی بر مبنای قانون اساسی جدید ثبات و مشروعیت قانونی بیشتری پیدا کرد و برای قویهٔ قضائیه، مقننه و اجرائیه فرصت تبارز اصولی میسر شد. در سال ۱۳۴۳ تقسیمات اداری جدیدی پدید آمد و افغانستان به ۲۸ ولایت تقسیم شد. در این تقسیم‌بندی از مربوطات هرات، حکومت اعلای فراه و میمنه و حکومت کلان بادغیس و غور به ولایات جداگانه تبدیل شدند و نامگذاریهای جدیدی در راستای همان سیاست تبعیض لسانی دورهٔ هاشم خان به میان آمد و واژگان پشتو جایگزین کلمات تاریخی رایج شدند. به طور نمونه به جای «حکومت کلان» و «حکومت محلی»، واژه‌های «لوی ولسوالی» و «ولسوالی»، عوض کلمهٔ «حاکم»، واژهٔ «ولسوال» و به جای اصطلاح «رئیس بلدیه» واژهٔ «شاروال» جایگزین شد.

نام حاکم‌نشین‌ها (ولسوالیها)ی هرات در حال حاضر

انجیل، گذره، شافلان (پشتون‌زرغون)، غوریان، زنده‌جان (فوشنج)[۱]، کهسان (کوسویه)، کرخ (کروخ)، اوبه، کشک (کوشک)، کشک کهنه، گلران، اسفزار (سبزوار، شیندند)، ادرسکن، چشت و فرسی.[۲] (← تصویر ۳ـ۴)



تصویر ۳ – ۴ . نقشهٔ حاکم نشینان هرات در حال حاضر

---

۱ . زنده‌جان یکی از ده‌های فوشنج بود که حالا به جای آن به‌کار برده می‌شود.

۲ . در سال ۱۳۲۰ نام تاریخی حاکم‌نشین شافلان و در سال ۱۳۲۳ نام پارینهٔ اسفزار توسط دولت وقت عوض شد و به جای شافلان واژهٔ «پشتون‌زرغون» و عوض اسفزار کلمهٔ «شیندند» جایگزین شد. اسفزار در درازنای تاریخ همواره از مربوطات هرات بوده است و اما در سالیان اخیر گاهی جزء هرات و زمانی مربوط به فراه قلمداد شده است. حالا مربوط هرات است.

ادارهٔ بلدیهٔ هرات

با تأسیس این اداره در سال ۱۳۰۴ خورشیدی نخستین گام در راه عـرضهٔ خـدمات شهرداری برداشته شد، لیکن در آن هنگام شهر هرات محدود به هـمان شـهر کـهنه و محلات قدیمی بود و امور شهرداری به شیوهٔ پارینه انجام مـی‌شد. در عـهد سـلطنت ظاهرشاه (۱۳۵۲ ـ ۱۳۱۲) فعالیتهای بلدیه تا حدودی در ولایت هرات گسترش پیدا کرد و دامنهٔ آن به طور ابتدایی در اطراف مرکز شهر نیز توسعه یافت.

در سال ۱۳۱۸ ادارهٔ بلدیه حاکم‌نشین غوریان تأسیس شد که در ساحهٔ آن ۵۸۱۳ نفر جمعیت، ۱۱۴۵ باب منزل مسکونی، ۷ تعمیر دولتی، ۳۶۷ دربند دکان، یک بـاب مکتب ابتدائیه و یک باب مکتب لیسه شامل بود.

به سال ۱۳۲۳ خورشیدی ادارهٔ بلدیه اوبه ایجاد شد که تحت ادارهٔ آن ۱۳۴۰ نفر نفوس، ۳۶۴ باب منزل نشیمن، ۲۶۱ دربند دکان، یک باب مکتب ابتدائیه پسرانه و یک باب دخترانه موجود بود.

در حاکم‌نشین کروخ ادارهٔ بلدیه به سال ۱۳۵۰ افتتاح شد که در چوکات آن ۶۰۰۰ نفوس، ۵۰۰ باب منزل مسکونی، ۱۱۰ دوکان، یک باب مکتب ابتدائیه پسرانه و یک باب دخترانه شامل بود.

بافت سیاسی و تقسیمات اداری در جمهوری داوودخان (۱۳۵۷ ـ ۱۳۵۲)

تقسیمات اداری و حکومتی در این دوره در واقع ادامهٔ همان دورهٔ ظاهرشاهی بـوده است، به اضافهٔ این‌که در این زمان نظام شاهی به جمهوری تـبدیل شـد و در قـانون اساسی تغییراتی به وجود آمد. تشکیلات اداری ولایات شامل بخش ملکی و نظامی می‌شد.

بخش ملکی: دفتر ولایت که در رأس آن شخص والی قرار داشت شامل مستوفیت، ریاست بلدیه (شاروالی)، مـدیریت عـمومی مـعارف، اطـلاعات و کـلتور، زراعت، مخابرات، ترانسپورت و استخبارات، سارنوالی، ریاست محاکم، مـحکمهٔ ابـتدائـیه و مرافعه، ریاست محکمهٔ تجارتی، مدیریت معدن و صنایع، آب‌رسانی، قلم مخصوص،

فواند عامه، احصائیه، صحت عامه، انکشاف دهات و غله، مدیریتهای بانکها، ریاست برق، گمرک، اتاق تجارت و انکشاف و مالداری می‌شد.

بخش نظامی و پولیس: فرقه هفده هرات (قوای مسلح)، قوماندانی امنیه (آمریت امنیت عامه و مأموریتهای پولیس) و لوای سرحدی (ژاندارم و پولیس).

نظام اداری و دولتی بعد از کودتای ثور ۱۳۵۷

پس از سقوط جمهوری محمد داوود در اثر کودتای ثور ۱۳۵۷، جمهوری افغانستان به «جمهوری دیموکراتیک افغانستان» تغییر نام یافت. احزاب خلق و پرچم زمام دولت را به دست گرفته و با تقلید از الگوی روسیه شوروی نظام حکومتی مبتنی بر دیکتاتوری حزبی را پی‌ریزی کردند. حزب به مرور زمان هسته‌های قدرت و نفوذ خود را بر تمام زوایای جامعه و دولت گسترش داد و رهبری دولت، حکومت و جامعه را به دست گرفت.

در اخیر دورهٔ حفیظ‌الله امین و در اوایل دورهٔ ببرک کارمل که همراه بود با اشغال نظامی مملکت توسط قوای نظامی روسیهٔ شوروی، سارنوالی خاد، سارنوالی نظامی، محکمهٔ خاد و محکمهٔ قوای مسلح پا به عرصهٔ وجود نهاده و به کمک استبداد حزبی شالودهٔ سیاسی، حقوقی و قضایی نظام استبدادی و ایدئولوژیکی دوران جنگ را بنیاد نهادند.

در دورهٔ ببرک کارمل افغانستان به چند زون تقسیم شد، به طوری کـه مـرکز زون مرکزی در کابل، مرکز زون شمال‌غرب در هرات، مرکز زون جنوب در قندهار و مرکز زون شمال در شهر مزار واقع بود و همچنین زون شرقی و جنوبی به ولایات شرقی و بعضی جنوبی کشور تعلق داشت. در سال ۱۳۶۵ تشکیلات اداری ولایتها در سطح زون ارتقا پیدا کرد، یعنی مأموریتها به مدیریت و مدیریتها به ریاست تبدیل شدند و حجم تشکیلات اداری توسعه یافت. والی ولایات در مقام رئیس کمیتهٔ اجرائیه قرار گرفت و رئیس زون از قدرت و صلاحیت بیشتری برخوردار شد.

در این دوره اوضاع سیاسی، اداری و حقوقی کشور زیر تأثیر بحران عمومی جنگ قرار داشت و مردم نمی‌توانستند به شکل طبیعی از حقوق خود در مراجع ذی‌ربط دولتی

دفاع کنند. قابل یادآوری است که این اوضاع بعد از فروپاشی دولت دوکتور نجیب نیز سال به سال خراب تر شد و دامنهٔ رشوه‌ستانی، فساد اداری و بی عدالتی افزایش پیدا کرد و نقش تحصیل و تخصص، مدیریت و کاردانی و معیارهای عصری و پیشرفته، روز به روز کم‌رنگ تر و بی‌فروغ تر شد؛ تا جایی که در عهد طالبان ارزش خود را به کلی از دست داد و جای آن را روابط قومی، قبیله‌ای و خویشاوندی گرفت.

هرگاه به تاریخ نظام اداری کلاسیک و معاصر افغانستان از جمله ولایت هرات نظر افکنیم، به روشنی پیداست که چه در دوران اغتشاشات، خانه‌جنگی‌ها و حکومت‌های قبیله‌ای و خاندانی و چه در زمان جمهوریتها و حکومت‌های مجاهدین و طالبان و چه در حال حاضر، بوروکراسی، رشوه و فساد اداری، خویش‌خوری و قوم‌پرستی، وسیله و واسطه، روابط سمتی و منطقه‌ای، اعمال نفوذ و قانون‌شکنی و کندی و روزگذرانی جزء لاینفک سیستم اداری ما بوده است. این وضعیت و حالت به یک نوع فرهنگ و رفتار اجتماعی تبدیل شده و برای مردم جامعه هم قابل تحمل و پذیرش است. البته ریشه‌های اصلی آن را می‌بایست در فقر و عقب‌ماندگی اقتصادی و فرهنگی، عدم اعتماد به آینده در اثر بی‌ثباتی سیاسی، حقوقی و قضایی، ناامنی مزمن، سطح پایین معاش و تنخواه، عدم نظام ثابت و قابل اعتماد بیمه‌های اجتماعی و تقاعد و یا به طور مختصر نبود نظام سیاسی، اقتصادی، حقوقی و قضایی واجتماعی پایدار و موردا عتماد مردم جستجو کرد.

دفاتر و ادارات مملکت در سال ۱۳۶۶

دفتر ریاست جمهوری، ریاست اداری شورای وزیران، کمیتهٔ دولتی پلان‌گذاری، وزارت امور خارجه، امور داخله، مالیه، عدلیه، امور سرحدات و قبایل، ترانسپورت، آبیاری و منابع آب، انرژی و برق، معادن و صنایع، صنایع خفیفه و مواد غذایی، تحصیلات عالی و مسلکی، امور ساختمانی، زراعت و اصلاحات ارضی، صحت عامه، تجارت، تعلیم و تربیه، مخابرات، شئون اسلامی و اوقاف، دفاع، هوانوردی ملکی، امور ملیتها، تعلیمات تخنیکی و حرفوی، کمیتهٔ دولتی رادیو تلویزیون و سینماتوگرافی، کمیتهٔ دولتی کلتور، طبع و نشر، کار و تأمینات اجتماعی، تربیت بدنی و سپورت،

ریاست عمومی جیودیزی و کارتوگرافی، ریاست عمومی اکادمی علوم افغانستان، ادارهٔ مرکزی احصائیه، کمیتهٔ دولتی آژانس اطلاعاتی باختر، ستره محکمه ـ محکمه اختصاصی انقلابی ادارهٔ لوی سارنوالی، ادارهٔ امور ارگانهای محلی شورای وزیران، بانکها، کمیتهٔ اجرائیه جرگهٔ نمایندگان مردم شهر کابل، جمعیت عالی افغان سره میاشت، اتحادیهٔ کوپراتیفهای دهقانان، ریاست عمومی پرورشگاه وطن، ریاست عالی علما و روحانیون، کمیتهٔ دولتی عودت مهاجرین و شورای مرکزی اتحادیهٔ پیشه‌وران.[1]

تعداد کارمندان در ولایت هرات

جدول ۳.۱ـ تعداد کارمندان ولایت هرات[2]

سال	مأموران		اجیران	
	مرد	زن	مرد	زن
۱۳۶۱	۲۰۹۶	۶۰۷	۲۸۷۱	۱۰۱
۱۳۶۵	۲۲۰۰	۷۳۵	۲۳۱۴	۱۰۲
۱۳۶۶	۲۰۶۵	۷۱۸	۲۷۰۸	۱۱۴
۱۳۶۷	۱۹۳۶	۷۰۷	۲۲۱۰	۱۲۰
۱۳۶۸	۱۹۵۰	۷۲۵	۲۱۲۴	۱۲۵

از مشاهدهٔ جدول فوق چنین نتیجه گیری می‌شود که تعداد مأمورین و اجیران در ولایت هرات به تناسب نفوس این ولایت بسیار کم بوده است. لیکن مطلب جالب توجه در اینجا شمار قابل ملاحظهٔ کارمندان زن در مقایسه با مأمورین مرد است که این خود نقش و موقعیت زن را در آن سالیان در ادارات دولتی نشان می‌دهد.

۱. سالنامهٔ احصائیوی سال ۱۳۶۶، ص ۹۵.

۲. سالنامه‌های ۱۳۶۱ ـ ۱۳۶۸ ادارهٔ مرکزی احصائیه، چاپ کابل

پس از سقوط دولت دوکتور نجیب، نقش زنان در ادارات مربوطه کمتر شد، تا آن‌که در دورهٔ طالبان زنان به کلی از حق تحصیل و کار در بیرون منزل محروم شدند و این به راستی تاریک‌ترین و پرجفاترین ایام برای زنان کشور در قرن جاری محسوب می‌شود.

فصل چهارم

جغرافیۀ شهری و تاریخی

عمران و آبادانی

هرات از ولایات کهن افغانستان است و فرهنگ و تمدنی پردرازنا دارد. عمران و آبادانی در این ولایت سابقهٔ بس طولانی داشته و به ادوار قبل از میلاد برمی‌گردد. هری از باستان زمانه‌ها دارای گونه‌های زندگی ده‌نشینی و شهرگزینی کلاسیک به سبک شرقی بوده است که از نگاه معیارهای قدیمی از پیشرفته‌ترین آن محسوب می‌شود.

در مدنیت هخامنشیان و ساسانیان، هرات مرکز اشراف‌نشین زردشتیان آریایی بوده است. در جغرافیهٔ مینگ، یکی از منابع باستان، هرات این‌گونه توصیف شده است: «شهر هرات ده لی محیط دارد. بنای خانه‌های آن از سنگ و خیلی عالی است و شهر عبارت از دهها محله و کوچه‌هاست، که دروازه‌ها و کلکینهای آن خیلی زیبا و جالب است، که به طلا و سنگهای سیمین مرصع می‌باشد.»[1]

سبک معماری باستان در شیوهٔ معماری خراسان اسلامی تأثیر چشمگیری داشته و بناسازی هرات خواهی نخواهی از آن تأثیر پذیرفته است. آریاییهای باستان خاصه در عهد ساسانیان در ساختن طاقهای نیم‌استوانه‌ای مهارت کافی داشتند و اعمار طاقهای گنبدی بزرگ را خوب می‌دانستند. آنها بر فراز آتشکده‌های خود گنبدهای بزرگی می‌ساختند و در این فن حتی از رومی‌ها نیز ماهرتر بوده‌اند. به همین سبب محققان

۱ـ جغرافیهٔ تاریخی افغانستان، بخش تعلیقات، ص ۲۸.

شرق‌شناس عقیده دارند که «فن معماری ساسانی در ابنیه اسلامی تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است.»[۱]

پس از انتشار دین اسلام در حوزهٔ سیاسی و جغرافیایی افغانستان، ایران و حصصی از آسیای میانهٔ کنونی، فرهنگ و تمدن خراسان اسلامی شکل گرفت و به قول تاریخ‌نگاران، هرات قلب پرتپش این فرهنگ و مدنیت بوده و از نگاه عمران و آبادانی شهرت بسزا داشته است؛ چنان‌که پیش از هجوم ویرانگرانهٔ سپاه چنگیز، حمدالله مستوفی در این باره می‌گوید: «در عهد ملکان غور در ساحت هرات دوازده هزار دکان آباد بوده و شش هزار حمام و کاروانسرا و طاحونه و سیصد و پنجاه نه و مدرسه و خانقاه و آتشخانه و چهار صد و چهل هزار خانهٔ مردم‌نشین بوده است.»[۲]

همچنین اسفزاری در قرن نهم در بخش یکم چمن دوم روضهٔ دوم تاریخش در باب هرات می‌نگارد: «حالا وسعت شهر به مراتب زیاد شده، چراکه در عرض از درهٔ دوبرادران تا پل مالان که دو فرسنگ مسافت دارد تأسیس بقاع و ترخیص عمارات و ارباع است، بلکه از درهٔ مذکور تاکوه اسکلچه و کلبرخان که چهار فرسخ است و از اوبه تاکوسویه که سی فرسخ است عمارات و باغات و قراء و بلوکات هرات است که به یکدیگر اتصال دارد.»[۳]

از آثار باستانی پیش از اسلام چیزی در هرات به یادگار نمانده است. از ابنیهٔ تاریخی بعد از اسلام تنها نمونه‌هایی از عهد غوری و تیموری باقی مانده که مثال بارز معماری دورهٔ غوریان، مسجد جامع بزرگ هرات و آبدات چشت شریف است. مشخصهٔ اصلی این سبک معماری که در حقیقت ادامهٔ دورهٔ غزنویان است، ارتفاع زیاد عمارات بوده که در آن تناسب و هماهنگی ساختمان به شکل زیبایی حفظ شده است و در آن تزئینات سه بعدی نیمه‌برجسته و برجستهٔ رویکارها و استفاده از کاشی فیروزه‌ای اهمیت بارزی دارد. آجر یا خشت پخته در معماری عهد غوری نقش عمده‌ای داشته و خط ثلث و نسخ برای نخستین بار در تزئین بناها به کار رفته است.

در زمان تیموریان، به خصوص در دورهٔ سلطان حسین بایقرا (۹۱۲ـ۸۷۳ق) معماری هرات به اوج ترقی خود رسید. دورهٔ تیموری در واقع اوج معماری و بناسازی

---

۱. تاریخ صنایع ایران، ص ۴۲.
۲. نزهت القلوب، ص ۴۳۵.
۳. روضات الجنات، ص ۸۲.

خراسان قرون وسطی اسلامی محسوب می‌شود. در این روزگار در هرات بناهای زیادی ساخته شد، مانند مدارس، خانقاه‌ها، مساجد، مقبره‌ها، سرای‌ها، طربخانه‌ها، قصرها، گنبدهای عالی، شفاخانه‌ها، باغ‌ها و تفرجگاه‌ها، رباط‌ها، حوض‌ها، پل‌ها، حمام‌ها، دژها و قلعه‌ها، نقب‌ها، شبکه‌های فاضلاب، جوی‌ها و آب‌بخش‌ها.

هنر تزئین و کاشی در معماری عهد تیموری بسی هنرمندانه و استادانه جلوه‌گری می‌کند و آبدات این دوره دورنما و منظرهٔ بیرونی بسیار دلکش و گیرایی دارند. تزئینات رویکارها، تو گویی به تابلوهای پرکار نقاشی و مینیاتوری می‌مانند که در حقیقت جلوه‌هایی از مکتب هنری هرات را به نمایش می‌گذارند. استعمال کاشی رنگارنگ، خاصه کشف رنگهای لاجوردی و آبی، انقلابی در هنر تزئین آن دوره پدید آورد. گنبدهای دو پوششی و سه پوششی با کلاههای درویشی این عهد از استحکام، قشنگی و برجستگی ویژه‌ای برخوردارند که نمونهٔ بازر آن گنبد گوهرشاد بیگم مشهور به گنبد سبز تاکنون بر ویرانه‌های خیابان قدیم هرات و در آغوش باغ بهزاد می‌درخشد.

به راستی زمانی که آدم در لابه‌لای تاریخ، هرات را آن‌گونه زیبا و با شکوه پیدا می‌کند و باز بر چهرهٔ غبارآگین، پیکر پاره پاره و به هم شاریده و سرنوشت مصیبت‌بار آن در دوران جنگهای تعصب‌آلود صفویان و شیبانیان و سده‌های اغتشاش و جنگهای خونین و تمدن‌سوز قبیله‌ای و طایفه‌ای می‌نگرد، دل انسان آب شده و بی‌اختیار از چشمهٔ چشمان فرو می‌ریزد.

در قرون اخیر نه تنها در هرات پیشرفت و انکشافی به وجود نیامد، بلکه زیرساخت عمرانی پارینه و آثار تاریخی آن نیز در زیر بار گران جنگ، اغتشاش و خانه‌جنگی‌ها و انحطاط فرهنگی و مدنی دچار فتور، فرسودگی و انهدام شد. طوری که تاریخ گواهی می‌دهد، بعد از سقوط امپراتوری تیموریان علاوه بر این‌که از آثار باستانی و ارزشهای تمدنی هرات حراست و نگهداری نشد، در مواردی برای انهدام عمدی آن دست کین از آستین بیرون آمد.

در قرن جاری، به خصوص در ربع اخیر سلطنت محمد ظاهر و دورهٔ کودتا و جمهوری داوود خان شیوهٔ جدید بناسازی آرام آرام پا به عرصهٔ وجود نهاد و یک سلسله تأسیسات و امکانات زیربنایی در ولایت هرات پدید آمد و در زمینهٔ بازسازی و نوسازی این ولایت فعالیت‌های معدودی روی دست گرفته شد. در دورهٔ طولانی

پادشاهی محمد ظاهر شهر نو وسعت پیدا کرد. شهر جدید و بعضی مناطق مسکونی تازه ایجاد شد. بازارها تا حدودی اصلاح و مرمت شده و تعدادی جاده‌های نو احداث شد. کار مرمت و بازسازی مسجد جامع مشهور هرات، مزار امام فخر رازی، مقبرهٔ مولانا عبدالرحمان جامی، مزار مولانا حسین واعظ کاشفی، مقبرهٔ امیر علی‌شیر نوایی، مزار سلطان مودود چشتی در علاقه‌داری چشت و مقبرهٔ سلطان غیاث‌الدین غوری آغاز یافت که بیشتر آن به پایان رسید. کار ترمیم زیارت خواجه عبدالله انصاری و گنبد گوهر شاد بیگم شروع شد. دنبالهٔ کارهای متذکره در دورهٔ جمهوری محمد داوود پیگیری شد و بازسازی و مرمت قلعهٔ اختیارالدین (ارگ هرات) به آن افزوده شد.

در دههٔ پیش از کودتای ثور ۱۳۵۷ کارهای عمرانی و ساختمانی در ولایت هرات روی‌هم‌رفته رونق بیشتر می‌یافت و صنایع معماری، حجاری، کاشی‌کاری و خطاطی در حال رشد و انکشاف بود. شهر کم‌کم توسعه و گسترش پیدا می‌کرد و زندگی شهرنشینی رو به افزایش بود. اینک در مورد تأسیسات و امکانات عمرانی هرات به تفصیل توضیح داده می‌شود.

تاریخ بنای هرات

چنان‌که از وضعیت طبیعی، موقعیت جغرافیایی و وضعیت جیوپولیتیکی هرات برمی‌آید، این سرزمین از روزگاران بسیار قدیم سکونت‌گاه آدمیزادگان بوده و در آن تمدن و آبادانی وجود داشته است. لیکن در مورد اصل و مبدأ تاریخ بنای هرات کدام سند معتبر و روشن تاریخی در دست نیست و داستان بنای هری، رنگ افسانوی به خود گرفته است و با تخیل قوی قوم آریایی گره خورده است.

تا جایی که تاریخ نشان می‌دهد، بنای هرات به مانند نام این دیار، ریشه در تاریخ و مدنیت اوستایی دارد.

هراسب نهاده است هری را بنیاد — گشتاسب در او بنای دیگر بنهاد
بهمن پس از او عمارت دیگر کرد — اسکندر رومیش همه داد به باد[1]

---

۱. مطلع سعدین، مجمع بحرین، جلد دوم، ص ۸.

قصهٔ تاریخ بنای هرات را اسفزاری تاریخ‌نگار سدهٔ دهم هجری هرات از قول عبدالرحمان فامی یکی از تاریخ‌نویسان قدیمی نقل کرده است که با علم ترتیب تاریخ[1] مطابقت ندارد. چون حکایت مزبور در کتب تاریخ این سرزمین نگارش یافته است، در اینجا از آن یادآوری می‌شود: «شیخ مرحوم ثقةالدین عبدالرحمان فامی که تاریخ قدیم هرات را نوشته، اسباب بنای بلدهٔ هرات را بر هشت وجه بیان کرده:

وجه اول آن‌که بنای هرات در عهد طهمورث بن هوشنگ ابن فرسب بن کیومرث بوده.

وجه دوم: نقل است که موضع شهر هرات و قهندز در ابتدای گذر آبی بود و ممر آینده و رونده و مقر صادر و وارد و اطراف و ارباع و اصقاع آن چراگاه وحوش و سباع. به اجازت همای‌چهر دختر بهمن بن اسفندیار که او را شمیران می‌خواندند و تختگاه او بلخ بود، حصار شمیران را بساختند و دوازده سال در عمارت او به‌سر بردند و بعد از قهندز به چند سال دارا بن دارا بنای هرات نهاد و هنوز بارهٔ او تمام نشده بود که دارا بر دست سکندر کشته شد و ملک و کشور، سکندر را مسلم و مسخر گشت و عمارت هرات او به اتمام رسانید و بعد از آن اشک بن دارا که از ملوک طوایف بود، و هرات مسکن و دروازهٔ خوش مخیم او، و برجها را که سکندر ساخته بود بپوشانید و بر روی هر برجی برج دیگر مدور بساخت.

وجه سوم آن‌که بعد از طوفان نوح علیه‌السلام اول بقعه که در خراسان ساختند قلعهٔ شمیران است و هرات نام دختر ضحاک است و شهر هرات او بنا کرده است و اول قصبهٔ اوبه را ساخته، بعد از آن شهر هرات را.

وجه چهارم و پنجم: گویند که سکندر با مادر خود جهت بنای هرات مشورت کرد و در آن وقت غیر از قهندز آبادان نبود و او عمارت هرات را به پایان رسانید.

وجه ششم آن است که هرات را آن ذوالقرنین ساخته که ذکر او در کلام مجید آمده.

وجه هفتم و هشتم آن‌که بارهٔ هرات را سه کس ساخته، سیاوش بن کیکاوس دیوار اندرون برکشید، و اسکندر دیوار بیرون ساخته و دارا بن دارا برجها را مدور ساخته و چیزی در دیوار باره افزوده و خندق را عمیق‌تر ساخته.»[2]

از داستان بالا سیفی هروی مورخ شهیر هرات نیز پیش از اسفزاری در کتابش چنین

---

1. Chronology

۲. روضات الجنات، روضهٔ اول، صص ۵۵ ـ ۷۵.

یادآوری کرده که به طور نمونه به گوشه‌ای از آن اشارت می‌شود: «خرنوش از فرزندان سهم نریمان در عهد موسی عمران علیه صلوات‌الرحمان بود که به اجازت بهمن بن اسفندیار بن گشتاسب، شهر قندز را بنا نهاد.»[1]

پس از انتشار اسلام در خطهٔ پهناور خراسان بیشتر جغرافیه‌نویسان و تاریخ‌نگاران عرب، اسکندر مقدونی را بانی هرات معرفی کرده‌اند. در این باره بارتولد مستشرق روسی می‌نویسد: «مسلمانان اسکندر کبیر را بانی هرات می‌دانستند. روایات مورخان یونان راجع به بنای شهر مذکور در روایات آریامویه از داستانهایی است که بطلیموس جغرافیادان یونانی تحت عنوان Ariametrpolio نام می‌برد.»[2]

آشکار و مبرهن است که پیش از هجوم اسکندر هرات معمور و آبادان بوده است و در آن مردمانی با فرهنگ و تمدن زندگی می‌کردند و اسکندر هم اندک آبادی در آن کرد که به «اسکندریهٔ هری» مشهور شد.

شهر کهنه

شهر کهنهٔ هرات، تاریخی بس دراز دارد و در درازنای تاریخ بارها ویران شده و باز آباد شده است. این شهر کهن در واقع حصار و یا قلعهٔ مربع‌شکل مستحکم و دارای دیوارهای بلند و پهن و برجهای متعدد بوده که پهنای دیوارهای آن پنجاه متر و ارتفاع دیوارها از سطح زمین به سی و پنج متر می‌رسیده است.

هرگاه به متون قدیمی مراجعه کنیم، دربارهٔ برج، بارو و حصار مستحکم شهر کهنهٔ هری مطالب زیادی به دست می‌آید که در اینجا به نقل چند مطلب کوتاه اکتفا می‌شود. در حدودالعالم مؤلفهٔ ۳۷۲ هجری قمری دربارهٔ این شهر چنین آمده است: «هری شهر بزرگ است و شهرستان وی سخت استوار است و او را قهندز است و ربض است.»[3]

دربارهٔ دروازه‌های حصار هرات، اصطخری در قرن چهارم هجری قمری می‌نگارد: «شارستان را چهار دروازه است: دروازه‌ای که راه بلخ است و یکی دروازهٔ نیشابور است، آن را زیادی خوانند و یکی دروازهٔ سیستان که آن را پیروزآباد خوانند و یکی دروازهٔ غور که

---

۱. تاریخ نامهٔ هرات، ص ۳۱.
۲. تذکرهٔ جغرافیای تاریخی ایران، ص ۸.
۳. حدودالعالم، ص ۹۱.



تصویر ۴ - ۱ . برج خاکستر پیش از ویرانی. (عکس از نیدر مایر)



تصویر ۴ - ۲ . شهر هرات پیش از نقشهٔ جدید (عکس از نیدر مایر)

آن را درخشک گویند و دروازهٔها همه از چوب است، مگر دروازهٔ بلخ که آهنین است.»[1]

هرات در اثر هجوم تمدن‌سوز چنگیز به خاک تیره یکسان شد و سالها در آن جمعیتی زیست نداشت. در زمان ملوکان کرت بود که هرات خوش‌خوشک رو به آبادی نهاد و در عهد تیموریان بار دیگر مرکز فرهنگ، مدنیت و بناسازی شد. در دورهٔ پادشاهی شاهرخ تیموری حافظ ابرو یکی از تاریخ‌نگاران هروی در مورد برجهای شهر قدیمی هری چنین نوشته است: «مابین دروازه تا گوشهٔ شهر بر روی دیوار، برجها نهاده‌اند و چهار برج بزرگ در چهار ارکان دارد که بر دیوار شرق است. آن‌که به جانب شمال است برج علی اسد گویند و آن‌که به جانب جنوب است برج حریق و دو برج که بر دیوار غربی است، آن‌که به جانب شمال است برج خاکستر خوانند و آن‌که به جانب جنوب است برج شهائیان گویند.»[2] (← تصویر ۴ـ۱ و تصویر ۴ـ۲)

معین‌الدین اسفزاری در قرن نهم هجری، در بخش یکم، روضهٔ دوم و چمن اول کتاب ***روضات‌الجنات*** خود در باب حصار هرات معلومات روشنی ارائه داده است: «شهربندی که اکنون معمور است در جانب جنوبی شمیران و قهندز افتاده، چنانچه قهندز و شمیران در طرف شمال از بیرون شهربندند و شهربندی است که ملک مغفور معزّالدین حسین کرت ساخته بوده و حالا ویران است و قلعهٔ اختیارالدین داخل شهربند درونی است، متصل بارهٔ شمالی، و این شهر بند مشتمل بر پنج دروازه است: اول، دروازهٔ ملک از طرف شمال؛ دوم، دروازهٔ عراق از سوی مغرب؛ سوم، درب فیروزآباد از جانب جنوب؛ چهارم، درب خوش از حد شرق؛ پنجم، دروازهٔ قیچاق از جهت شمال نزدیک به طرف شرق. و بر سر هر دروازه سه در درنشانده‌اند، الّا درب ملک که دو باب دارد و قلعهٔ اختیارالدین را نیز دو در است: یکی از سوی شمال که بازار است و یکی از جانب جنوب که شورست و در اندرون شهربند چهار بازار است که از هر درِ آن تا به چهارسو یک بازار است که به نام همان دروازه منسوب است، الّا دروازهٔ قیچاق که تا به چهارسو رسته بازار ندارد و بازار ملک را از پای حصار تا چهارسو به خشت پخته ساخته‌اند و چندین تیمها دارد که هر یک موازی یک بازار دیگر است و از بیرون هر دروازه نیز بازاری است که تا انتهای سواد شهر می‌کشد که قریب به یک فرسنگ است و در سر هر کوی و محله بازارچهٔ دیگر است مشتمل بر انواع دکاکین، و مشتمل

---

۱. مسالک و ممالک، ص ۲۰۹.

۲. جغرافیای حافظ ابرو، ص ۱۳.



تصویر ۴ - ۳. شهر قدیم هرات (عکس از نیدرمایر)



تصویر ۴ - ۴. دروازهٔ قندهار سابق (۱۹۳۳ میلادی)

است این شهربند بر دو فصیل میان هر دو ده گز فرجه. مقدار بروج و اقطار و دور شهربند: بروج صد و چهل و نه است و دور شهربند هفت هزار و سیصد قدم، بروج صد و چهل و نه و قطر شهر از درب ملک تا فیروزآباد و از درب خوش تا درب عراق هزار و نهصد در هزار و نهصد قدم پیموده‌اند و خندق گرد شهربند بیست گز عرض دارد و مسجد جامع در مابین دروازهٔ خوش و قیچاق است.»[1]

طرح و سیمای کلی شهربند و یا حصار قدیمی هرات که اسفزاری در بالا از آن یاد کرده است، تا اصلاحات قرن جاری تغییر چندانی نکرده بود و تنها در زیر شلاق باد و باران، جنگها و حملات نظامی دامنه‌دار و بحرانهای پیاپی که همواره دامنگیر شهر پُردیدنی و مردم ستمدیدهٔ هرات بوده و هست، رو به فرسودگی و ویرانی نهاده و از آن هرات پر شکوه فقط کهنه شهری به یادگار مانده بود؛ چنان‌که در سال ۱۲۷۲ خورشیدی یکی از جهانگردان خارجی به نام «یت» شهر کهنهٔ هرات را این‌گونه توصیف می‌کند: «شهر محاط به خاکریز مرتفعی است که بارویی در آن ساخته‌اند. دو خیابان شهر یکی از شرق به غرب و دیگری از شمال به جنوب با هم تقاطع می‌کند در محل تقاطع خیابانها چهار سوق واقع شده است. سقف چهار سو را از آجر ساخته‌اند. عمارت حکمران (چهارباغ) که در جنب مسجد جامع واقع شده به هیچ وجه جالب توجه نیست. بیشتر ابنیهٔ شهر گلی و عمارات خشتی کمیاب است.»[2] (← تصویر ۴ـ۳ و تصویر ۴ـ۴)

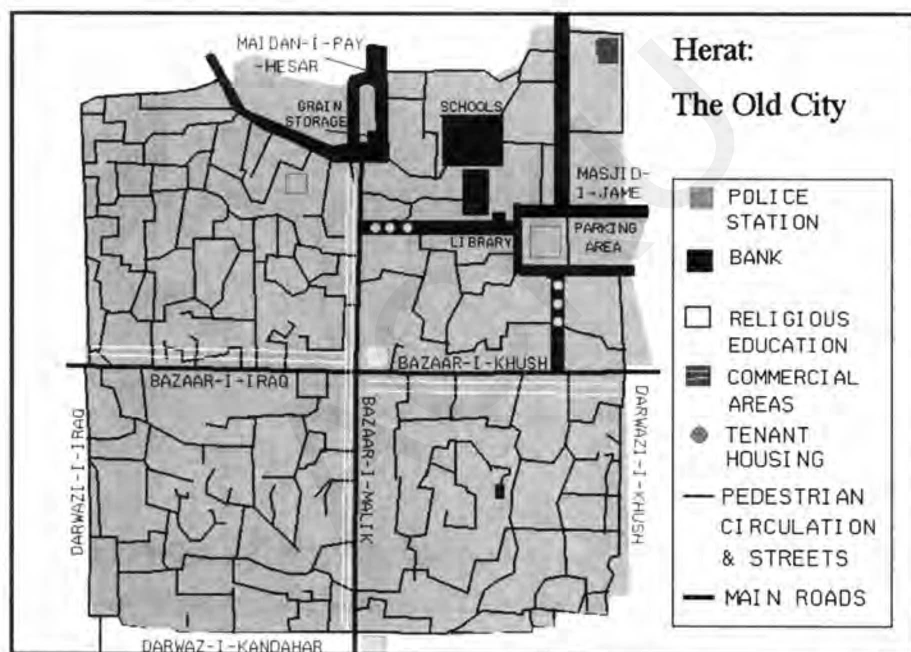
تا اوایل قرن جاری برجها و باره‌های شهر کهنه با خندقهای آن موجود بود و شهر چهار دروازه داشت. شبها دروازه‌های شهر را مسدود می‌ساختند. گنبد ۲۵ متری چهارسوق هنوز از روزگاران دور خبر می‌داد و روی بازارهای شهر پوشیده بود. سطح بازارهای چهارگانه بسیار تنگ و یک عراده موتر از آن به دشواری عبور کرده می‌توانست. چهار بازاری که از چهار سوق به چهار سمت امتداد داشت به همان نامهای قدیمی یاد می‌شدند و تنها بازار فیروزآباد را که از چهارسوق به جانب جنوب ممتد می‌شد بازار قندهار می‌گفتند. در چهار زاویهٔ شهر کهنهٔ فعلی که در میان چهار ضلع بازارهای چهارگانه یعنی بازار ملک در شمال، بازار قندهار (فیروزآباد) در جنوب، بازار عراق در غرب و بازار خوش در شرق موقعیت دارند، محله‌های شهر کهنه قرار

---

۱. روضات الجنات، صص ۷۷ ـ ۷۹.

۲. مجلهٔ دانشگاه تهران، ص ۲۴۹.

گرفته‌اند؛ به قسمی که در گوشهٔ شمال غربی محلهٔ شوره‌خانه[1]، در کنج شمال شرقی محلهٔ قبچاق[2]، در زاویهٔ جنوب شرقی محلهٔ خواجه عبدالله‌مصری و در گوشهٔ جنوب غربی محلهٔ برج خاکستر[3] واقع شده است که هر کدام باز دارای گذرها و کوچه‌های فرعی با نامهای جداگانه‌اند (← تصویر ۴ـ۵ و تصویر ۴ـ۶). شهر کهنهٔ هرات اگرچه طی دهه‌های اخیر دگرگون شده، لیکن سیمای باستانی آن تا هنوز محفوظ است و حوضهای پارینه در گوشه و کنار آن به چشم می‌خورد.



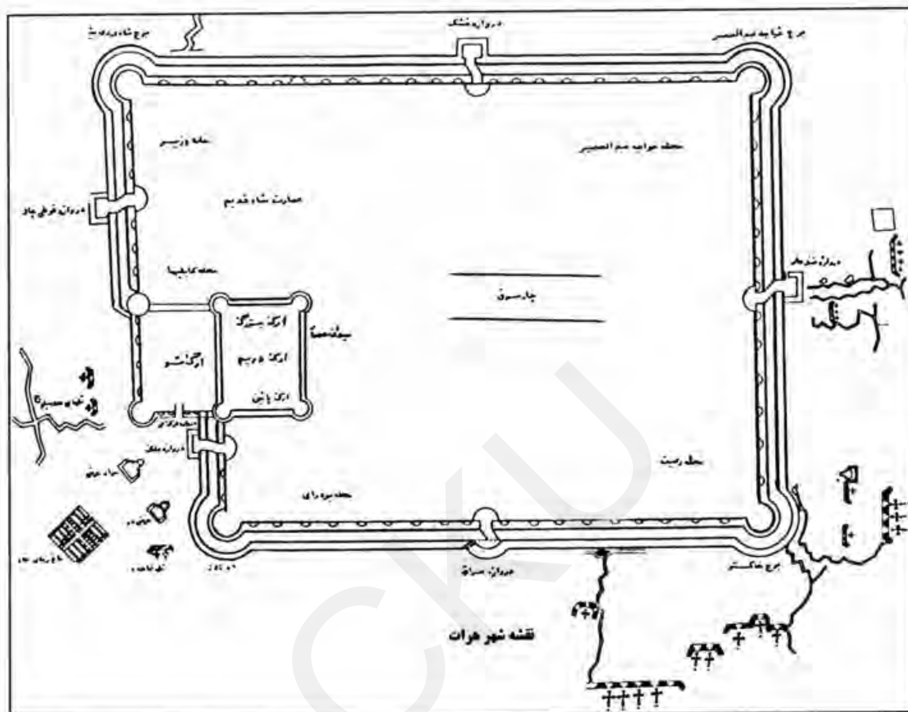
تصویر ۴ ـ ۵. نقشهٔ شهر کهنهٔ هرات

---

۱. محلهٔ شوره‌خانه را در قدیم محل قضات می‌گفتند و همچنین اسفزاری طرف جنوب ارگ هرات را «شورست» گفته است.

۲. محلهٔ قبچاق را در سابق به نام پهنهٔقزان یاد می‌کردند که حالا آن را قبطیچاق گویند و اسفزاری آن را «قیچاق» نبشته است.

۳. حافظ ابرو از برج خاکستر یاد کرده است. محل برج خاکستر به اسم محل «کیجکی و سیلانی» هم مشهور بوده است. در دوران اخیر یکی از گذرهای آن که نشیمن‌گاه قوم مهمند بوده، به نام محلهٔ مهمندها یاد می‌شده است.



تصویر ۴ - ۶ . نقشهٔ شهر کهنهٔ هرات

اصلاح و بازسازی بازارهای شهر کهنه

در دورهٔ عبدالرحیم خان نائب‌الحکومهٔ هرات بود که بازارهای شهر کهنه تجدید بنا شد، چنان‌که شرح آن در مجلهٔ هرات سال ۱۳۱۳ چنین نگارش یافته است: «بازارهای شهر هرات قبلاً ضیق و کج و پیچ بوده و موتر و بگی (تانکه یا گادی) در بین بازار با هم تصادف می‌کرد. سقف بازارها از چوب جنگل پوشیده بود. وسعت بازار خوش و عراق به سه الی چهار و نیم متر و بازار ملک به سه و نیم الی چهار متر و ارتفاع آن به سه و نیم الی چهار متر می‌رسید. قابل ذکر است که مواد ذیل اصلاح و صورت عمران پذیرفته است:

۱ ـ بازار خوش و عراق ۱۲ متر و بازار ملک ۱۵ و نیم متر شده است.

۲ ـ دکاکین راسته بازارهای مذکور عموماً به خشت پخته اعمار شده است و دارای دروازه‌های جدید پنجره‌دارند.

۳ ـ ارتفاع دکان از صحن بازار الی قرنز روی دکان پنج متر است و هر بازار دو پیاده‌رو و دو جوی پخته‌کاری دارد.

۴ ـ تعداد دکانهای آباد شده بازار عراق ۳۰۰ دربند، بازار خوش ۳۵۰ دربند و بازار ملک ۱۲۰ دربند است و در بازار ملک یک فلکهٔ کلانی تحت تعمیر است. در شهر نو و دهنهٔ دروازه ملک دو دربند گاراژ و صد در بند دکان به اصول مرغوب تعمیر و تکمیل شده است.

۵ ـ کوچه‌های محلهٔ خواجه عبدالله مصری پخته و نقبهای پایان آب که از شهر خارج می‌شود تکمیل شده است. از خندقهای داخل شهر چند خندق کوچکی باق مانده که آن هم به زودی پر خواهد شد. تا به حال ۴۲ خندق پر و پایین آب آن داخل نقبها شده است.

۶ ـ دروازه‌های شهر با قطع حصار راست و مستقیم شده و بر روی خندقهای مقابل دروازه‌ها پلهای پخته ساخته شده است.

۷ ـ باره‌های بیرونی شهر که مخروبه و عقب آن خندق بوده برای آبادی حصهٔ بیرونی شهر تعیین شده است، که هر حصه ۹۲ در ۵۰ متر است و من جمله ۱۲ متر تحت دکاکین دو طرفه خارج شهر و ۲۴ متر تحت سرک دورادور شهر و ۵۶ متر برای حویلی بیرونی و اندرونی تعیین شده است.

۸ ـ بیرون دروازه به شمال شرق شهر، کوتی باغ عمومی که محل تفرج اهالی است به صورت موزون تعمیر شده است.»[۱] (← تصویر ۴ ـ ۷ و تصویر ۴ ـ ۸))

محله‌های شهر کهنه

چنان‌که تاریخ گواهی می‌دهد، هرات همواره دارای آبادانی بوده و محلات آن شهرت فراوان داشته است. تا اوایل قرن جاری شهر هرات سیمای باستانی خود را نگه‌داشته بود و استاد خلیلی در سنهٔ ۱۳۰۹ شمسی دربارهٔ این شهر و محله‌های آن می‌نویسد: «شهر هرات ساحهٔ سطحیهٔ آن به یک کیلومترمربع بالغ می‌شود. شهر به شکل مربع نهاده شده و به ۱۴۵ برج و دو شیرازه و یک خندق بزرگ محاط است و به چهار حصه مستقیم تقسیم می‌شود:

---

۱. مجلهٔ ادبی هرات، سال ۱۳۱۳، شمارهٔ سوم، ص ۱۸۰.



تصویر ۴ – ۷. بازار سرپوشیدهٔ شهرکهنهٔ هرات. (۱۹۳۳ میلادی)



تصویر ۴ – ۸. چهارسوق کنونی

اول: محلهٔ قبطیچاق که از طرف شمال و دروازهٔ ملک شروع و به چهار سوق منتهی می‌شود. در این محله ۳۰ محراب مسجد خرد و کلان، سه کاروانسرا، سه حمام، ۱۵ حوض عمومی، ۱۰۰ حوض خصوصی، ۶۷۶ حویلی (منزل نشیمن)، ۴۵۵ دکان و ۳۲ برج واقع است.

دوم: محلهٔ خواجه عبدالله مصری که بازار خوش در آن حصه واقع بوده و این بازار از طرف مشرق شهر شروع و به چهار سوق انجام می‌یابد که در آن ۱۲ مسجد، ۲ تیمچه، ۲ حمام، ۲ حوض کلان، ۴۰۰ حوض خرد، ۷۵۰ حویلی، ۳۰۰ دکان و ۴۲ برج واقع است.

سوم: محلهٔ بردرانی‌ها[1] و بازار عراق که از طرف غرب آغاز و به چار سوق وصل می‌شود. در این محله ۲۰ مسجد، ۲ کاروان سرا، یک تیمچه، ۴ حمام، ۱۱ حوض کلان، ۱۰۰ حوض خرد، ۷۰۷ حویلی، ۳۶۷ دکان و ۲۸ برج واقع است.

چهارم: محلهٔ برج خاکستر که بازار قندهار در آن واقع بوده و از طرف جنوبی شهر شروع شده و به چهار سوق می‌رسد. در این محله ۲۰ مسجد، ۱۰ کاروانسرا، ۶ تیمچه، ۶ حمام، ۱۰۳ حوض عمومی و خصوصی، ۶۶۲ حویلی و ۳۳۸ دکان موجود است.»[2]

در نیمهٔ اول قرن جاری شهر کهنه وسعت بیشتر یافته و دامنهٔ مناطق مسکونی به اطراف شهر توسعه پیداکرد. در حصهٔ جنوب شرقی دروازهٔ قندهار محلهٔ نو ایجاد شده و در امتداد جنوبی دروازهٔ مذکور به محلهٔ ساربانها و سه‌پلکها وصل شد. در سمت غربی دروازهٔ عراق منطقه نشیمن شالبافان و در غرب درب ملک محدودهٔ مسکونیِ برامان گسترش یافت. به جانب شرقی دروازهٔ خوش ناحیهٔ مسکونی بادمرغان قرار داشت که دامنهٔ آن به بکرآباد وصل می‌شود. با همهٔ این دگرگونیها محلات نام برده تاکنون ارزش باستانی خود را حفظ نموده و آدم را به یاد قرون میانهٔ اسلامی می‌اندازند. در اینجا به نامهای کنونی محله‌های و گذرها و کوچه‌های مهم آن اشاره می‌شود.

۱ ـ محلهٔ برج خاکستر: گذر حمام موسویها، گذر مرغ‌فروشی، کوچهٔ زینه‌دار، کوچهٔ خراطی، گذر خندق گنج، کوچه چونی، کوچهٔ عبیدالله جان و مسجد نقاشی، کوچهٔ پیله‌کشی، کوچهٔ سبزواریها، کوچهٔ پالان‌دوزی، کوچهٔ تاجو، کوچهٔ حاجی مختار، کوچهٔ حوض وزیر، کوچهٔ نخریسی و کوچهٔ پیازفروشی.

---

۱. کلمهٔ «بردرانیها» که نام یکی از تیره‌های طوایف پشتون (بردرانی) است تازه بر آن محله نهاده شده است. اسم تاریخی آن شاید همان محلهٔ شوره‌خانه و یا قضات و یا به قول اسفزاری شورست باشد.

۲. آثار هرات، جلد اول، ص ۲۵ ـ ۲۶.

۲ ـ کوچه‌های محلهٔ خواجه عبدالله مصری: کوچهٔ زال‌خان، کوچهٔ مسگری، کوچهٔ شیخ سرور، کوچهٔ شهزاده مظفر، کوچهٔ مسجد آقای شریعت، کوچهٔ چوب‌خانه، کوچهٔ چشمه، کوچهٔ کاروانسرای زرد، گذر دباغها، کوچهٔ مسجد سکندرجان، کوچهٔ تکیهٔ میرزاخان، کوچهٔ بابا دلبر و کوچهٔ حافظچی.

۳ ـ گذرهای محلهٔ شوره‌خانه: گذر یارمحمد، حوض بردرانی‌ها، پیر پرنده، مزار کاسه‌لیس‌ها، حوض‌اسماعیل غازی، حمام چختاوان (چرختابان)، مسجد شاه حسین، حوض ملک، تکیه عبدالرزاق، حمام امام، کوچهٔ خرقهٔ شریف، مسجد رخبند، چهارشنبه‌بازار و دو دالان. (← تصویر ۴ ـ ۹ و تصویر ۴ ـ ۱۰)

۴ ـ کوچه‌های محلهٔ قبطیچاق: کوچهٔ گدام، گذر سلطان سید احمد کبیر، کوچهٔ مدرسهٔ غیاثیه، کوچهٔ آبخش، کوچهٔ صاحب‌زاده و کوچهٔ قندهاریها.



تصویر ۴ - ۹. یکی از کوچه‌های محلهٔ شوره‌خانه



تصویر ۴- ۱۰ . دالانی در بازار زرگرها

شهر نو

بنای شهر نو در سال ۱۳۰۴ خورشیدی به شمال شهر کهنه هرات بر ساحت گشادی که به نام «تل بنگیان» یاد می‌شد، پی‌ریزی شد. جهت اتصال شهر نو به شهر کهنه قسمتی از دیوار پهن و مستحکم شمالی شهر کهنه ویران و دروازهٔ جدیدی گشوده شد. سه رسته بازار به عرض ۲۶ متر در سمت شمال، شرق و غرب امتداد یافت؛ به قسمی که بازار شمالی به تپهٔ توپ چاشت و بازارهای غربی و شرقی به دیوار محدوده میدان عیدگاه و تعلیم‌گاه نظامی منتهی می‌شد.

در ابتدا اراضی یاد شده از قرار فی جریب یک روپیهٔ کابلی به ثروتمندان آن وقت توزیع شد و تعدادی از کاسبان صنوف گوناگون در دکانهای تازه‌ساز انتقال پیدا کردند. شهر نو در جریان اغتشاشات هرات از سکنه خالی شد. در سال ۱۳۱۴ به زمان غلام‌فاروق خان عثمان، والی وقت، شهر نو دوباره رونق گرفت ولیکن در دورهٔ طولانی محمدظاهر شاه (۱۳۵۲ ـ ۱۳۱۲) توسعهٔ افزون یافت.

دکانهای شهر نو هر یک به پهنای پنج متر با رویکار پخته‌ا عمار شد. در بازار شمالی

۱۸۱ دکان، چهار کاروانسرا، سه جادهٔ فرعی دارای ساختمانهای شخصی، یک باب مکتب و یک پارک اعمار شد. در بازار شرقی ۱۶۵ دکان، ۷ کاروانسرا، سه جادهٔ فرعی به سمت شمال و ساختمان اقامتگاه شخصی والی ـ که سپس به شفاخانه مستورات اختصاص داده شد ـ اعمار شد. در بازار غربی ۱۴۶ دکان، چهار کاروانسرا، ساختمان بلدیه، جادهٔ فرعی به جانب شمال با دکانها و دو حمام مردانه و زنانه پدید آمد.

به مرور زمان در شمال شهر نو مناطق مسکونی کلاب، غوردرواز و باغچهٔ مهتر گسترش پیدا کرد. در سمت شرق شهر جدید و در جانب غرب مناطق خواجه کله، برامان و چهارسونک توسعه یافت.[1]

شهر جدید

شهر جدید در سال ۱۳۱۶ خورشیدی به جانب شرقی شهر نو و شمال‌شرقی شهر کهنه بنیان‌گذاری شد. در مرکز شهر جدید پارک بزرگی و در میان پارک ورزشگاه مدوری که آن را استدیوم نامند احداث شد. (← تصویر ۴ـ۱۱)

صحن پارک پر از درختان کاج (ناژو) است و ساحت پارک را یک سرک حلقوی در آغوش گرفته که در دو جانب شرقی و غربی آن منازل نشیمن اعمار شده است. بلوار زیبایی که از شمال به جنوب امتداد دارد پارک را به دو حصه تقسیم کرده است. در گستره ساحت عمومی شهر جدید جاده‌های فرعی متعددی کشیده شده است که در دو سوی آن منازل مسکونی جلب نظر می‌کند. پارک مذکور پس از احداث، هماره بهترین مکان برای برگزاری جشنهای استقلال وطن بوده است.

در شمال پارک شهر جدید، ساختمان بزرگ ولایت واقع است. ساختمان سابق دارالحکومه و دوایر مستوفیت در سال ۱۳۱۶ بنا شده است. در سال ۱۳۲۲ خورشیدی طرح تهداب مجموعهٔ وسیعی برای دوایر دولتی هرات در ساحهٔ جنوبی باغ ولایت (دارالحکومه) روی دست گرفته شد که دارای ۱۸۰ اتاق و سالون بود. کار این مجموعهٔ ساختمانی تا اواخر پادشاهی محمدظاهر و حتی دوره‌های بعد ادامه یافت. در این

---

۱. سرک شهر نو در سال ۱۳۷۳ به کوشش شورای عالی اقتصادی حوزهٔ جنوب‌غرب و همکاری ریاست بلدیه و ریاست پما طبق ماستر پلان شهر هرات به عرض ۶۰ متر بزرگ شد. در دو سوی این بلوار اکنون مارکتهای جدید و دکانهای عصری ساخته شده که چهرهٔ شهر نو پارینه را به کلی دگرگون کرده است.



تصویر ۴ - ۱۱ . استدیوم شهر جدید

ساحه دوایر زیادی از جمله دفتر ولایت، مدیریت مأمورین، ریاست محاکم، سارنوالی، مدیریت فواید عامه و مدیریت املاک و اسکان و مدیریت احصائیه و سره میاشت جا گرفته بود. در قسمت شرقی باغ ولایت دوایر مستوفیت و در سمت غربی آن تعمیر مطابع دولتی، مدیریت معارف و قلم مخصوص قرار داشت.[1]

در دو جانب بلوار قشنگ ولایت که به شهر نو می‌پیوندد، یک تعداد منازل نشیمن شخصی، دفاتر خصوصی و ساختمانهای دولتی مثل لیسهٔ سلطان غیاث‌الدین غوری، مدیریت عمومی زراعت و آبیاری، شفاخانهٔ ملکی، دو صد بستر و معارف، ریاست اطلاعات و فرهنگ، ساختمان مخابرات و قونسولگری ایران موقعیت دارد. در دو طرف پارک سینما به ادامهٔ بلوار مذکور مکتب موفق (لیسهٔ انقلاب)، تیاتر، کتابخانهٔ عامه، بانک ملی، هوتل موفق، پروژهٔ آب آشامیدنی هرات، بانک مرکزی و تعمیر سینمای

---

۱ . پس از سقوط طالبان در دورهٔ دوم ولایت اسماعیل خان یک سلسله تعمیرات جدید دولتی به کمک مؤسسات خارجی در شمال غربی باغ بزرگ ولایت ساخته شده است. بلدیهٔ هرات نیز بازسازی و نوسازی شده است.

هرات (بعد از تخریب سینما توسط طالبان عمارت ترانسپورت خصوصی به جای آن آباد شد) قرار دارد.

از ساختمانهای دولتی دیگر که در عهد ظاهر شاه آباد شده است می توان از تعمیر قومانداني امنیه و گمرک سابق که در سرک قوماندانی به جنوب چوک سینما واقع است، ساختمان بلدیه در شمال سرک غربی شهر نو، تعمیر دارالمعلمین سابق (دانشگاه کنونی) در اخیر باغچه مهتر، هوتل هرات واقع در کنار شاهراه هرات ـ قندهار (که در سال ۱۳۴۰ اعمار شده است) و هوتل غیزان در جنوب شرقی پارک استدیوم یادآوری کرد.

ماستر پلان شهر هرات

این پلان عمرانی شهر هرات در سال ۱۳۴۶ خورشیدی توسط متخصصان آلمانی (ژورم) ملل متحد در ۳۱ قسمت تکمیل شد. طول این نقشه بر ساحت ارضی از شمال به جنوب ۶ کیلومتر یعنی از حصهٔ جوی نو تا آخر کارته‌ها و عرض آن از شرق به غرب یعنی از قسمت غربی شهر تا شرق جکان ۵،۵ کیلومتر در نظر گرفته شده است. مساحت عمومی پلان ۱۶۵۵،۷۵ هکتار است که از آن جمله ۱۷۷ هکتار به سرکها، ۱۰ هکتار به مراکز اداری و کلتوری، ۲۳ هکتار به مراکز تجارتی، ۱۹۲ هکتار به مناطق سبز، میدانهای ورزشی و مابقی به ساحات مسکونی اختصاص دارد.

در این پلان که یک پروژهٔ درازمدت ۲۰ ساله است، برای ۲۰۰ هزار نفر ساحه رهایشی در نظر گرفته شده که در فی هکتار ۱۲۲ نفر بود و باش خواهند کرد. تمام آبدات تاریخی حفظ و حراست شده و گورستانها به بیرون شهر انتقال می‌یابند. در گرداگرد این ساحه یک سرک منظم حلقوی کشیده می‌شود. همچنین در تشریحات ماسترپلان آمده است: تا زمانی که معلومات کافی و راه حل مؤثر دربارهٔ شهر قدیم هرات به دست نیاید این قسمت باید از هرگونه تغییر و تخریب مصون باشد.

شهر آیندهٔ هرات باید بیشتر خصوصیت یک شهر سبز و باغی را دارا باشد. ساحات سبز داخل شهر و کمربند سبز شمال و غرب برای تصفیهٔ هوای شهر و جلوگیری از شمال‌های موسمی و گرد و خاک بسیار ضروری است. در این ساحه‌های سبز میدانها و باغهای بازی اطفال و ورزشگاهها پیش‌بینی شده و مکاتب نیز بیشتر در این ساحات

اعمار خواهند شد.

قسمت شمال‌شرق شهر پس از تأمین آب برای خانه‌های ییلاقی و تفریحگاه‌ها پیش‌بینی شده است و پارک مرکزی شهر با خطوط سبز، ارتباط با کمربند سبز بیرون شهر پیدا می‌کند.

سرک ولایت که از فرقهٔ نظامی در شرق تا پل رواشان در غرب شهر ادامه دارد و با تعمیرات مجلل مرکز اداری و مرکز تجارتی شهر را به هم وصل کرده است، می‌بایست مرکز عمدهٔ اجتماع و فعالیتهای فرهنگی شهر باشد. سرکی که از پای مناره‌ها تا پل گازرگاه در شرق امتداد دارد و جاده‌ای که از جنوب‌غرب تا جنوب‌شرق شهر در سمت جنوبی کاربار ادامه می‌یابد و سه ناحیهٔ بزرگ شهر را به هم وصل می‌کند، برای آپارتمانها، مغازه‌ها و عمارات مهم در نظر گرفته شده است. مناره‌های باستانی هرات در بین یک باغ سبز و قشنگ واقع شده است. ساحهٔ صنعتی به طرف جنوب‌شرق شهر به فاصلهٔ ۴ کیلومتری قرار دارد.[۱]

پلان انکشافی شهر هرات به سمت جنوب که در واقع ضمیمهٔ ماسترپلان است در سال ۱۳۴۸ ترتیب شد و ساحهٔ عمومی آن ۷۲۶٫۸۱ هکتار است که بدین ترتیب مساحت کلی ماسترپلان شهر هرات به همراه پلان انکشافی ضمیمه ۲۳۸۲٫۵۶ هکتار می‌شود. مساحت شهر هرات پس از پیاده شدن طرح یاد شده به ۲۷۸۴ هکتار[۲] خواهد رسید که چهار برابر وسعت شهر در سال ۱۳۵۲ است.[۳]

ماسترپلان شهر هرات یکی از اساسی‌ترین طرحهای بزرگ عمرانی است که در آن تا حدود ممکن نقاط ریز و درشت شهرسازی مطابق معیارهای جهانی و نیازهای محیطی هرات رعایت شده، و لیکن طی سالیان دراز هرگز فرصت عملی‌شدن پیدا نکرده است. سبب آن را باید در غفلت دولتهای وقت و بی علاقگی مردم هرات به آبادی و سرسبزی شهرشان جستجو کرد. قابل یادآوری است که در دورهٔ اول و دوم ولایت

---

۱. نقشهٔ ماستر پلان و پلان انکشافی آن، آمریت پما در ولایت هرات.

۲. جغرافیای شهری، ص ۱۶۱.

۳. بخشی از ماسترپلان شهر هری که شامل سرک فرقه، بلوار ولایت، سرک شهر نو و سرک خواجه‌کله و برامان می‌شود در دورهٔ نخست ولایت اسماعیل خان به کوشش شورای عالی اقتصادی حوزهٔ جنوب‌غرب و همکاری بلدیه و ریاست پما تطبیق شد.

اسماعیل خان قسمتی از این ماستر پلان تطبیق شد.

کهندژ

کهندژ در لغت به معنی قلعهٔ کهنه است. این واژه به صورت قهندز نیز آمده که در واقع نام شهر مصرخ و یا مسرخ است. تاریخ‌نگاران بر این باورند نخستین شهری که در ساحت هرات کنونی ساخته شد، قلعهٔ شمیران است و دومین آن همین شهر مصرخ یا کهندژ بوده است.

چنین می‌نگارند که روزگاری قلعهٔ شمیران در داخل حصار کهندژ قرار داشته و دژ مستحکم شهر مصرخ به شمار می‌آمده است. در اثر افزایش نفوس و تنگی محل رهایشی، بنای شهر هری را پی افکندند. شهر مصرخ تا یورش هستی‌سوز سپاه چنگیز آبادان بود و رکن رکین شهر هرات محسوب می‌شد، اما در زیر سم ستوران لشکر چنگیزی ویران شد و باز آباد شد. در هنگام هجوم ویرانگرانهٔ سپاه تیمور لنگ، باز شهر



تصویر ۴ - ۱۲ . دو گنبد تاریخی در مصرخ

قهندز به خاک یکسان شد و این بار هرگز دوباره آباد نشد.

منزل پدر خواجه عبدالله انصاری، جناب ابومنصور محمد انصاری در قهندز بوده و پیر هرات در این منطقه به دنیا آمده است. در ساحت مصرخ مزار سه تن از سادات بزرگوار واقع است که بر بالای آن دو گنبد بزرگ بنا یافته است. مزار شهزاده قاسم، مزار سید عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر طیار و مزار حضرت ابوالقاسم بن امام جعفر صادق.

هنگامی که آدم در ساحت پر نشیب و فراز کهندژ به گشت و گذار می‌پردازد فکر می‌کند که در دل ویرانه‌هایی حسرت‌ناک گرفتار آمده و به جز گورستانی کهنه و دو گنبد زخمین و رنجور چیز دیگری مشاهده نمی‌کند (← تصویر ۴ـ۱۲). دیگر از آن شهر افسانوی و کهنسال خبری نیست. انسان می‌بایست گاهگاهی در لابه‌لای متون سالخوردهٔ تاریخی خاطرات پارینه را زنده و از آثار گرانقدر مدنیت پیشین یادی کند.

میدان عیدگاه و تعلیم‌گاه نظامی

این میدان در زمان امیرحبیب‌الله خان (۱۲۹۷ـ۱۲۷۹) دارای دیوارهای پهن و بلند بود و اهالی شهر و اطراف هرات، نماز عید را در این جایگاه اداکرده و عساکر دولتی در آن به مشق و تمرین نظامی می‌پرداختند. این میدان از طریق دروازه قبطیچاق و دروازهٔ ارگ نو به حصار شهر قدیم هرات راه می‌یافت.

ارگ نو دژ مربع‌شکلی بود که در شمال قلعهٔ معروف اختیارالدین قرار داشت. در سه سوی آن اتاقهای نشیمن عساکر جلب نظر می‌کرد و سمت جنوبی آن به قلعهٔ متذکره می‌انجامید. شایان گفتن است که میدان عیدگاه و تعلیم‌گاه نظامی یاد شده در سدهٔ جاری به تفریح‌گاه مردم هری تبدیل شد. در هنگام اعمار شهر نو هرات، مسجد جامع عیدگاه به همت تعدادی از ثروتمندان هری بنا شد، به طوری که محراب آن به جای محراب عیدگاه پارینه قرار گرفت. اکنون بر ساحت میدان یاد شده علاوه بر مسجد مذکور تعدادی تأسیسات تعلیمی، تجارتی و منازل رهایشی ساخته شده است.

حوضها (آب انبارها)

حوضهای آب در هرات سابقهٔ دیرینه داشته و اکنون جزء ابنیهٔ تاریخی به حساب می‌آیند. در درازنای تاریخ حوضهای زیادی در هرات اعمار شده و باز ویران شده است. حوضهای نامبرده به سبک معماری پارینه ساخته شده که دارای پایه‌های خشتی مستحکم، سقف گنبدی بلند و چند متر عمق هستند. خشتهای محل ذخیرهٔ آب با ماده‌ای به نام ساروج که در قدیم به جای سمنت از آن استفاده می‌شد کار شده است.

حوضهای سرپوشیده در سابق اهمیت زیادی داشتند که به برخی از آن اشاره می‌شود: در مناطق خشک و کم آب بهترین ذخیره گاه آب آشامیدنی در تابستان بودند. آب را سرد نگهداشته و از گرد و خاک جلوگیری می‌کردند. در وقت سیلابها آب را زلال و قابل شرب می‌ساختند. در هنگام محاصرهٔ شهر توسط مهاجمین آب آشامیدنی اهالی را تأمین کرده و در مسیر راه کاروانهای تجارتی و رباطها نیز دارای اهمیت فراوان بوده‌اند.

در شهر هرات تا همین دهه‌های اخیر به سبب نبود آب آشامیدنی تصفیه شده، از آب این حوضها استفاده می‌شد و سقّاها با مشکهای خود آب مورد احتیاج ساکنین محلات شهر کهنه هری را به منازلشان می‌رسانیدند. در اطراف هرات تاکنون از آب این حوضها استفاده می‌شود. بر اساس معیارهای جدید آب این حوضها غیر صحی بوده و باید استفاده از آن منع شود.

در شهر کهنهٔ هرات تاکنون این حوضهای تاریخی آباد است که به‌نام برخی از آن اشاره می‌شود. معلومات لازمه توسط مشاهدات مستقیم مؤلف و استفاده از منابع پروژهٔ آبدات تاریخی هرات واقع در مسجد جامع بزرگ هری تهیه شده است.

حوض چهار سوق

این حوض در دورهٔ حکمفرمائی حسن خان شاملو که شاعر و خطاط مشهور هم بود به سال ۱۰۴۵ هجری قمری اعمار شد. برکهٔ مذکور دارای دو مدخل و دو ایوان بزرگ از طرف بازار قندهار و بازار خوش است (← تصویر ۴-۱۳). در حواشی ایوان نخست،

شعر ناظم هروی به خط نستعلیق عالی حسن شاملو، روی قطعات سنگ مـرمر حک شده و مادهٔ تاریخ آن قرار آتی است:

ناظم کـه بـود تشـنهٔ تـاریخ او نـوشت «رنگین بنای ملک هری برکهٔ حسـن»

مخزن آب این حوض، ۱۹ متر طول و ۱۹ متر عرض دارد. عمق آب حوض ۵,۵ متر و ارتفاع گنبد از سطح زمین پخته حوض ۱۶,۵ متر است. از سطح بالایی حوض تا کف عمق ۱۵ پله زینه وجود دارد. ساحهٔ تعمیر حوض با پایه‌ها، ۲۵ متر طول و ۲۵ مـتر عرض داشته و مجموعاً ۶۲۵ متر مربع می‌شود. در ساختمان حوض از خشت پخته، چونه، ساروج و گچ استفاده شده است.



تصویر ۴ - ۱۳ . حوض چهارسوق

حوض گدام

این آبگیر تاریخی در سال ۱۰۴۵ هجری قمری در زمان حکمفرمایی حسن خان شاملو بنا شده است. در حواشی مدخل حوض شعر ناظم هروی به خط نستعلیق شاملو بـر

قطعات سنگ مرمر نگاشته شده است.

به دور شهنشاه ایران صفی / که در علم شاهی است جمشید فن
حسن، آن که بر درگه بندگیش / قدیمی پر است از سپهر کهن
بنا کرد این کوثر فیض را / کز او تازه‌رو شد بهشت زمن
به یاد زلالش که صاف بقاست / ز آب روان دست شوید بدن
شود زنده تصویر شیرین اگر / خورد آب از او تیشهٔ کوهکن
هوس داشت ناظم که تاریخ او / کند نقش بر پیش تاق سخن
خردمندی از روی تحقیق گفت / «یکی از بناهای خیر حسن»

بر فراز حصهٔ میانی حوض در عهدامیر عبدالرحمان خان کتیبهٔ شعری نصب است که سال ترمیم را نشان می‌دهد. حوض در کوچهٔ گدام به پهلوی زیارت سلطان سید احمد کبیر در ناحیهٔ اول شهر موقعیت دارد.

حوض وزیر

در مقابل کاروانسرای زرد در بازار قندهار واقع است. تاریخ بنای آن ۱۰۶۴ هجری قمری است. بر کتیبهٔ ورودی حوض، شعر مقبولی بر قطعات سنگ نبشته شده است. سقف حوض به طرز قشنگی با معماری استادانه پوشیده شده است. این برکه دارای هشت دهانه است که درِ شرقی و غربی آن برای برداشتن آب اختصاص یافته است. ساحهٔ تعمیر حوض ۱۷ متر طول و ۱۴ متر عرض دارد.

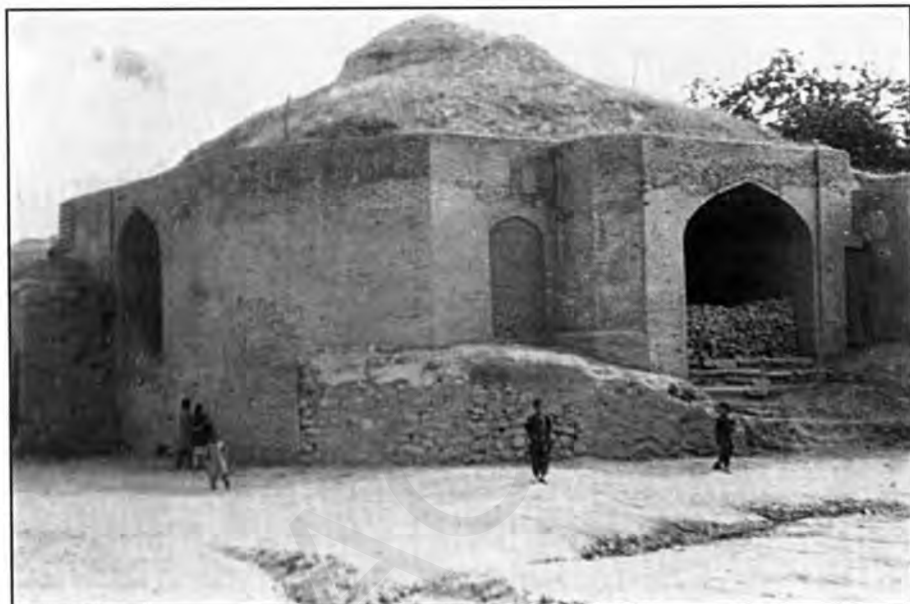
حوض نقاشی

این حوض یکی از برکه‌های قدیمی هری محسوب می‌شود و در محلهٔ برج خاکستر مربوط ناحیهٔ چهارم شهری هرات موقعیت دارد. ساحت عمومی حوض ۲۴۰ متر مربع و محیط داخل آن ۶۴ متر مربع است. عمق آب ۴ متر و ظرفیت آب ۲۵۶ متر مکعب است. ارتفاع گنبد از تحت حوض ۱۰ متر و از سطح آب ۶ متر است.

حوض ملک

در گوشهٔ جنوب غربی قلعهٔ اختیارالدین واقع بوده و با ارگ هرات فاصلهٔ بسیار کمی

دارد. قدامت این حوض به ۴۰۰ سال می‌رسد و در نوع ساختمان و طرز معماری کم‌نظیر است. این حوض بر خلاف برکه‌های دیگر از سطح زمین بالاتر قرار گرفته است. (← تصویر ۴ـ۱۴)



تصویر ۴ - ۱۴ . حوض ملک در مقابل ارگ هرات

حوض چهارباغ

این حوض در نزدیک مسجد جامع بزرگ هرات و چهارباغ سابق موقعیت داشته که تاریخ بنای آن باا عمار چهارباغ در زمان وزیر یار محمد خان حکمران هرات ۱۲۴۵ ـ ۱۲۶۷ هجری ـ قمری همزمان بوده است. لیکن در حال حاضر اثری از آن باقی نمانده است.

حوض امیر علی‌شیر نوایی

این برکهٔ تاریخی در کنار جوی انجیل به شرق سرک ۶۴ متره به نزدیک پل غوردرواز

در مسیر راه باغدشت واقع شده است. از نام آن برمی‌آید که تاریخی پـردرازنـا دارد. جالب است که در جلو آن چاه آب جدیدی حفر شـده و اهـالی از آن آب مـی‌برند. (← تصویر ۴ـ۱۵)



تصویر ۴ – ۱۵ . حوض علی‌شیر نوایی

حوض محمد ابدال

این حوض در محلهٔ قبطیچاق به جانب شمالی مسجد جامع شریف در شرق گدام سابقه واقع شده است. تاریخ بنای آن را سال ۱۲۲۲ هجری قمری نگاشته‌اند.

حوض اسماعیل غازی

این حوض در جوار مسجد خواجه رُخ‌بند در گذر بردرانیهای سابق به ناحیهٔ سوم شهر هرات موقعیت دارد. حوض مذکور در سال ۱۰۷۷ توسط حاجی حسـن عـطارباشی ترمیم یافته است.

حوض میر صالح ملّا

این برکه در دروازۀ عراق به ناحیۀ سوم بلدیه موقعیت دارد و تاریخ اعمار آن سال ۱۲۴۶ هجری قمری است.

حوض زمزم

این برکۀ پارینه یادگاری از عهد تیموریهاست و به طرز استادانه و مستحکم ساخته شده و در صحن گازرگاه شریف موقعیت دارد (← تصویر ۴ـ۱۶). آب آن از چشمه‌ساران ارتفاعات گازرگاه تأمین می‌شود. حالا درِ حوض را بسته‌اند و از آب آن استفاده نمی‌کنند. در کتیبۀ درِ ورودی آن چند فرد شعر به خط خوش حک شده که به طور مثال یک فرد آن در اینجا نگارش می‌یابد:

بهر تعظیم مزار خواجۀ انصار کرد   خان عادل شاهرخ چون وضع بنیاد جمیل



تصویر ۴ - ۱۶ . حوض زمزم

حوضهای اطراف هرات

بیرون از شهر هرات یعنی در اطراف شهر و حاکم‌نشینان نیز حوضهای‌سرپوشیدهٔ زیادی وجود داشته که بعضی از آن تا هنوز هم وجود دارد. در اینجا به نام آنها اشارت می‌شود:

حوضهای پیرامون شهر که در بیرون از محدودهٔ شهر کهنه قرار دارند: حوض شالبافان، حوض پل باغ زبیده، حوض شیخ داشگر، حوض سلطان، حوض ملاسیان، حوض غلوار، حوض باغ‌دشت و حوض امیر علی‌شیر نوایی.

حوضهای خشتی انجیل: حوض کرباس، حوض آزادان، حوض سینان، حوض ابوالولید، حوض شادی‌بره، حوض خشکرود، حوض سرانو، حوض دشت واقع در نزدیک قریهٔ ساق‌سلمان (اسحاق سلیمان)، حوض لته در محل عربها، حوض کارشک در دیوانچه، حوض قلبچه، حوض صوفیان، حوض کبرزان، حوض چونگر، حوض امام شش‌نور، حوضهای تریاک، حوض نوبادام، حوض باغماسان، حوض سروستان، حوض نوین، حوض طبق در نوین، حوض جغاره، حوض شادمنه (تخریب شده است)، حوضهای خشتی زیارتجاه، حوض خان و حوض عبدالقادر در محلهٔ باباحاجی، حوض اکبر در قلعهٔ سرپرست محلهٔ باباحاجی، حوض رئیس در قلعهٔ مأمور و حوض محراب‌الدین در شمال‌غرب پای منارها.[1]

حمامهای هرات (گرمابه‌ها)

حمامهای هرات از قدیم مشهور و معروف بوده‌اند. به قول حمدالله مستوفی، در عهد غوریها شش هزار حمام، کاروانسرا و طاحوخانه در این ولایت وجود داشته است. در سده‌های اخیر به سبب جنگ و اغتشاشات دامنه‌دار و عدم علاقهٔ قبایل مسلط به حمامهای طرز خراسانی، از تعداد گرمابه‌های هرات کاسته شد. در دهه‌های اخیر برخی

---

۱. در حاکم‌نشینهای دیگر هرات خاصه در غوریان، پوشنج و گذره نیز حوضهای قدیمی وجود دارد که در رساله‌ای جداگانه دربارهٔ آنها توضیح داده‌ام.

حمامهای عصری نیز در هرات بنا شده است. در دهۀ ۱۳۴۰ به تعداد ۲۱ خزینۀ حمام در شهر هرات موجود بود.[۱]

شیوۀ ساختمانی حمامهای قدیمی هرات به همان سبک کلاسیک است. هر حمام دارای خانۀ دم که به درآوردن لباس و بستن لنگ اختصاص دارد و خانۀ دوم که در آن خزینۀ آب گرم و نمره‌های غسل واقع شده است است. مردم بر کف داغ حمام می‌نشینند و عرق‌ریزان خود را می‌شویند. هوای گرم حمام برای کندن چرک از پوست و کاستن وزن بسیار مساعد است. لیکن مطابق استانداردهای پیشرفتۀ امروزی از حیث صحی این حمامهای عمومی قابل تأیید نیستند.

هر حمام دارای داش و یا آتشخانه (گلخن) است. برای گرم کردن حمامها از گیاهان خشکیده و مواد فاضلۀ حیوانات استفاده می‌شود، در بعضی از حمامهای جدید از نفت سیاه نیز کار گرفته می‌شود.

در اطراف و حاکم‌نشینهای هرات نیز حمامهای قدیمی وجود دارد که فقط در زمستانها فعال‌اند، چون مردم در موسم گرما برای غسل و جان‌شویی از جویها، کاریزها، چشمه‌ها و رودخانه استفاده می‌کنند.

نام حمامهای کنونی هرات: حمام جعفر خان، کیمخت‌گران و حافظجی در محلۀ خواجه عبدالله مصری، حمام دلاکها در کوچۀ چهارباغ، حمام قند و نبات، سوزنگران (ویران شده است)، موسویها و اکبر در محلۀ خواجه عبدالله مصری، حمام نمره در کوچۀ چهارشنبه بازار (که ویران شده است و به جای آن حمام عزیزی اعمار شده است)، حمام امام در کوچۀ دو دالان (ویران شده است)، حمام مختار در شمال مسجد جامع شریف (ویران شده است)، حمام عزیزی در کوچۀ دو دالان، حمام سلطان خان در دروازۀ خوش، حمام خواجه امینی در دروازۀ ملک، حمام مجیدی و غیره. (← تصویر ۴_۱۷)

در سال ۱۳۸۷ که از هرات دیدن کردم، بر تعداد حمامها افزوده شده است که نام برخی از آنها به شرح آتی است: حمام ارسلی، ارغوان، نوری، پاکیزه، فیروزه، آزادانی، شیرزی، بی‌نظیر، آفتاب، مهتاب و غیره.

---

۱. رهنمای هرات، ص ۳.



تصویر ۴ – ۱۷ . حمام عمومی کیمختگران

اماکن تجارتی

کاروانسراها

هرات در درازنای تاریخ هماره مرکز عمدهٔ اقتصادی و محل عبور کاروانهای تجارتی بوده است. به این سبب در شهر هرات و اطراف آن رباطهای فراوان، کاروانسراهای زیاد و بازارهای پر جنب و جوش وجود داشته است.

در سده‌های اخیر به سبب از رونق افتادن راه ابریشم و دور ماندن هرات از سیر پیشرفتهای عصر حاضر از یکسو و عدم رشد و ترقی خطوط مواصلاتی و امکانات ترانسپورتی از سوی دیگر، از اهمیت سوق‌الجیشی و تجارتی هرات تا حدودی کاسته شد؛ لیکن در دورهٔ جنگ درازدامن اخیر به همان دلیلِ موقعیت استراتژیکش دوباره مرکز عمدهٔ اقتصادی و تجارتی افغانستان شد. در دههٔ ۱۳۴۰ سلطنت ظاهر خان در

ولایت هرات ۹۰ کاروانسرا، ۱۷ تیمچه و ۳۸۳۸ دکان موجود بوده است. در دهۀ ۱۳۵۰ تعداد دکانها افزایش یافت و به طور تخمین به مرز ۸۰۰۰ دکان رسید. در اطراف و حاکم‌نشینهای هرات نیز دکانهای زیادی بود که تعداد آن را می‌توان به ۲۵۰۰ دربند تخمین زد. کاروانسراها، تیمچه‌ها و بازارهای هرات قبل از سقوط جمهوری داوود خان در سال ۱۳۵۷ خورشیدی چنین بوده است: کاروانسرای باقر، درخت توت، هندوها، زغالی، پیله‌کش‌ها، کهندل، نمک، پهلوان، گچ، حاجی رسول، بانک، مختارزاده، نو، ملوک جان، زرد، حاجی هاشم و قومندان. برخی از این کاروانسراها تخریب شده و یا به کلی متروک شده‌اند، لیکن تعدادی از آن به سبب شیوۀ معماری دارای ارزش تاریخی بوده و شایستۀ حفظ و نگهداری هستند.

سرای مختارزاده: این سرای تجارتی در اواخر دهۀ ۳۰ قرن سیزدهم ه. ش توسط غلام‌حیدر خان جوجه به معماری حاجی اسماعیل خان مهندس بنا شده و در حدود یک و نیم قرن قدامت دارد. (← تصویر ۴ـ۱۸)



تصویر ۴ - ۱۸ . سرای مختارزاده

سپس کاروانسرای مذکور را حاجی مختار خریداری کـرد و بـه اولاد او بـه ارث رسید. به این سبب به سرای مختارزاده مشهور است.

این سرا در سمت راست اول بازار عراق به نزدیک چهارسوق کهنه موقعیت دارد. سرای یاد شده زیرزمینی، طبقهٔ اول و دوم، در بزرگ ورودی، سرای دَم کوچک و سرای بزرگ پیشان دارد. در چوبی بزرگ ورودی، اُرسیهای چوبین طبقهٔ دوم مدخل ورودی، در چوبی دکانها، طرز خشت‌کاری روکارها و پوشش سقف اتاق دفتر که در کنج شمال غربی منزل دوم سرای پیشان واقع است، می‌تواند مَثَلِ معماری و نجاری هرات در اوایل قرن جاری باشد.

کاروانسرای نو: این سرای تجارتی در دورهٔ ظـاهرشـاه در سـمت راست سـرک چهارسوق و دروازهٔ قندهار اعمار شده و دارای روکار خشتی قشـنگ و بـرنده‌های خوش‌نما است که به طور کل با سرای مختارزاده شـباهتهایی دارد. در حـال حـاضر کاروانسرای نو از رونق افتاده و به حیث بارانداز از آن استفاده می‌شود.

تیمچه‌ها

این مراکز قدیمی تجارتی که عموماً در عـهد سـلطنت ظـاهرشـاه در چـهار جـانب چهارسوق شهر کهنهٔ هری ساخته شده‌اند به سبب شیوهٔ معماری قدیمی دارای ارزش تاریخی هستند و به بازارهای شهر کهنه سیمای سنتی داده‌اند. از آن جـمله مـی‌توان از تـیمچهٔ حـاجی مـوسی، تـیمچهٔ مـختارزاده، تـیمچهٔ کـلاهدوزها، تـیمچهٔ نـمره، تیمچهٔ حاجی حبیب‌الله، تیمچهٔ حاجی شهاب‌الدین و تـیمچهٔ خـیاطان نـام گـرفت. (← تصویر ۴ـ ۱۹)

مارکت‌ها

در دههٔ ۱۳۵۰ خورشیدی مراکز تجارتی و جاذبه‌های شهری در هرات رو به گسترش بود. تعدادی مارکت جدید در شهر هرات اعمار شد که می‌توان از زلمی مارکت در بازار قندهار، احراری، امید و شهابی مارکت در شهر نو نام برد.



تصویر ۴ - ۱۹ . تیمچه‌ای در بازار قندهار

بازارهای چهارگانهٔ قدیم

شکل و ترکیب بازارهای شهر تا پیش از دهۀ پنجاه بدین‌قرار بوده است:

۱ - **بازار ملک**: این بازار از پای‌حصار شروع و به چهار سوق ختم می‌شود. در آن زرگری‌ها (طلافروشی‌ها)، کفش‌فروشی‌ها (خفافی‌ها)، لباس‌فروشی‌ها، عطاری‌ها، کتابفروشی‌ها، نخودبریزی‌ها، مندوی، دواخانه، میوه‌فروشی‌ها و سبزی‌فروشی‌ها (که به کُت‌فروشی‌های پای حصار مشهور است) و برخی شغلهای دیگر قرار داشتند. در بازار ارگ به ادامهٔ بازار ملک تا شهر نو چینی‌فروشی‌ها، رادیوسازی‌ها و دکانهای فروش لوازم صوتی جابه‌جا شده بودند.

۲ - **بازار قندهار**: از چهار سوق تا دروازۀ قندهار ادامه می‌یابد. در آن بزازی‌ها (تکه‌فروشی‌ها)، سراهای تجارتی، بایسکل‌فروشی‌ها، بنجاره‌فروشی‌ها، عطاری‌ها،

دواخانه، قنادی‌ها، دستمال‌فروشی‌ها، علاقه‌بندی‌ها، چپات‌دوزی‌ها، تیش‌فروشی، مندوی‌های مواد خوراکه و غیره واقع بودند.

۳ ـ **بازار خوش**: از چهارسوق تا دروازهٔ خوش امتداد دارد. در آن مسگری‌ها، سرّاجی‌ها، آهنگری‌ها، بکس‌سازی‌ها، قنادی‌ها، خرازی‌ها، دواخانه، بزازی‌ها و غیره جا داشتند.

۴ ـ **بازار عراق**: از چهارسوق شروع و به دروازهٔ عراق ختم می‌شود و در آن شیشه‌بری‌ها، نجاری‌ها، خرّاطی‌ها، تفنگ‌سازی‌ها (حالا وجود ندارد)، دواخانه، مرغ‌فروشی‌ها، بقالی و برخی حرفه‌های کوچک دیگر مکان گرفته بودند.

□

اما از دههٔ ۱۳۵۰ خورشیدی مراکز تجارتی و جاذبه‌های شهری هرات رو به گسترش نهاد. شهر نو، دروازه خوش و دروازه قندهار نسبت به چهاربازار شهر کهنه رونق بیشتری پیدا کردند.



تصویر ۴ - ۲۰ . جادهٔ غربی مسجد جامع در سال ۱۳۵۳

جاده‌های مسجد جامع شریف

۱ ـ جادهٔ غربی: بیشتر به لیلامی‌فروشی‌ها (پوشاک دست دوم) و بزازی‌ها اختصاص داده شده بود. (← تصویر ۴ ـ ۲۰)

۲ ـ جادهٔ جنوبی: لیلامی‌فروشی‌ها، شَعربافی‌ها و جلّابی‌ها.

۳ ـ جادهٔ شمالی: کفش‌دوزی‌ها، خیاطی‌ها، انتیک‌فروشی‌ها، حجاری‌ها (سنگتراشی‌ها) و شَعربافی‌ها.

بازار شهر نو

در بازار شهر نو پرزه‌فروشی‌ها، لوازم برق، دواخانه‌ها، لباس‌فروشی‌ها، عکاسی‌ها، هتل‌ها و رستوران‌ها مکان داشتند. در دروازهٔ ملک، پای‌حصار، دروازهٔ خوش، سرک بادمرغان، دروازهٔ قندهار و سرک قوماندانی نیز دکانداری و خرید و فروش رونق داشت. قابل یادآوری است که در تمام بازارها نانوایی، قصابی و خوراکه‌فروشی موجود بود. این شکل و ترکیب سابقهٔ بازارها و جابه‌جایی شغلها و حرفه‌ها تا حدودی در حال حاضر (هنگام چاپ کتاب) هم به چشم می‌خورد و اما مراکز تجارتی، بازارها، مارکتها و دکانها به شکل سرسام‌آوری افزایش یافته‌اند.

ترافیک و شبکهٔ مواصلاتی

شهر هرات یکی از شهرهای مشهور و تاریخی جهان بوده و در پهلوی شهرهای باستانی‌ای چون دهلی، اصفهان، لاهور و دمشق تا هنوز وجود دارد. اما گرد و غبار ایام بر چهرهٔ آن نشیمن گرفته و نیاز به زدودن دارد. هرات به مثابهٔ قلب خراسان و یکی از مراکز عمدهٔ راه ابریشم در مسیر تاریخ همواره دارای خطوط ارتباطی فعال و راههای مال‌رو قدیمی مشهور بوده است. هرات در سده‌های اخیر هرچند به سبب جنگها،

تاخت و تازها و بحرانهای مختلفه در زیر فشار زیاد بوده است، ارزش بندری، تجارتی و مواصلاتی آن به عنوان دروازهٔ آسیای میانه تا هنوز حفظ شده است.

به همین سبب، هرات به مثابهٔ بندر و مرکز عمدهٔ اقتصادی در مقاطع بازر تاریخی هماره شبکهٔ ترافیکی و سیستم ترانسپورتی فعال قدیمی داشته و راههای مال‌رو، کاروانسراها و رباطهای آن مشهور و معروف بوده است؛ چنان‌که بقایای سالخورده و به‌هم‌شاریدهٔ آن تاکنون در این ولایت دیده می‌شود و نیروی فیزیکی انسان و چهارپایان در شبکهٔ حمل و نقل تا هنوز نقش چشم‌گیری دارند.

اما شبکهٔ جدید ترافیکی هرات عمر زیادی ندارد و آن در واقع مخلوطی از شیوهٔ قدیم و جدید است. این مطلب در کلّ سطح افغانستان صدق می‌کند، چنان‌که در سال ۱۲۹۴ ش. مطابق ۱۹۱۵ م. در سر تاسر این کشور فقط یک موتر موجود بود که آن هم به شخص امیر اختصاص داشت. وضع شبکهٔ مواصلاتی هرات در دههٔ ۱۳۴۰ پس از احداث شاهراه هرات ـ قندهار، هرات ـ اسلام‌قلعه، هرات ـ تورغندی و مرمت و احداث بعضی جاده‌های خاکی تا حدودی رونق پذیرفت.[1]

در سال ۱۳۴۶ تعداد عراده‌جات هرات از این قرار بود: موتر لاری، ۱۰۰ عراده؛ موتر تیزرفتار شخصی، ۳۵۰ و کرایی ۶۰ عراده؛ موتر بس (مسافربری)، ۴۸ عراده؛ موترسیکل، ۲۰۰ عراده؛ گادی کرایی ۱۵۰ عراده؛ گادی شخصی، ۵۰ عراده؛ کراچی، ۱۰۰ عراده و بایسکل ۵۰۰۰ عراده.[2]

در دههٔ ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ بر تعداد عراده‌جات افزوده شده بود و در پهلوی حمل و نقل ماشینی در ترانسپورت شهری گادیها، کراچیها و حمالها نقش عمده داشتند و شبکهٔ مذکور سیمای سنتی خود را حفظ کرده بود. پس از کودتای ثور ۱۳۵۷ و دامنه‌دار شدن جنگ، در اثر ناامنی راهها وضع شبکهٔ ترانسپورتی خراب شد. در اینجا به جدول تعداد وسایل نقلیهٔ دولتی و شخصی هرات در سالیان ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸ توجه کنید[3]:

---

۱. در سنهٔ ۱۳۲۳ خورشیدی تعداد موترهای تمام افغانستان ۳۰۰۰ عراده و طول معابر و راهها در حدود ۱۳ هزار کیلومتر سنجش شده بود. قاموس جغرافیای افغانستان، ص ۱۳۳.

۲. رهنمای هرات، ص ۳۵.

۳. سالنامه‌های ۱۳۶۱، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۸، ادارهٔ مرکزی احصائیه کابل.

جدول ۴. ۱ ـ تعداد وسایل نقلیهٔ هرات در سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸

سال	وسایل نقلیهٔ دولتی			وسایل نقلیهٔ شخصی		
	لاری	بس	تیز رفتار	لاری	بس	تیز رفتار
۱۳۶۱	۱۹۴	۱۵	۹۵	۹۸۷	۶۵۵	۱۳۴۲
۱۳۶۵	۳۵	۹	۴۹	۷۲۲	۳۷۴	۸۳۱
۱۳۶۷	۲۰۶	۲۴	۷۰	۸۷۴	۴۳۵	۸۶۵
۱۳۶۸	۱۶۵	۲۴	۷۰	۱۰۶۳	۴۴۲	۹۰۳

پس از انتقال قدرت به مجاهدین در سال ۱۳۷۱ امنیت راههای بین شهر و اطراف هرات بیشتر شد و سال به سال بر تعداد وسایل نقلیه افزوده شده، امّا شبکهٔ ترافیکی هرات از نگاه کیفی رشد و انکشاف قابل ملاحظه‌ای نکرد و تنها بیر و بار و کثافات ترافیکی در ساحهٔ محدود شهر زیاد شد که محیط زیست را سخت آلوده کرده است. (← تصویر ۴ـ۲۱)

با نگاه گذرا به تعداد وسائط نقلیهٔ نمبرپلیت شده در برج سرطان ۱۳۸۴ و تعداد وسائط نقلیه‌ای که از ولایات دیگر در هرات عبور و مرور دارند می‌توان به حجم سنگین ترافیک در جاده‌های محدود شهر هرات پی برد: موتر لاری، ۲۲۱۲۲ نمبرپلیت؛ موتر شخصی (سواری)، ۳۶۲۲۴ نمبرپلیت؛ بس، ۵۲۱۵ نمبرپلیت؛ موتر تاکسی، ۵۹۴۶ نمبرپلیت؛ موترسیکل ۲۴۷۴۹ نمبرپلیت. تعداد وسائط نقلیه‌ای که از ولایات دیگر در هرات عبور و مرور دارند به اندازهٔ ۴۰ فی‌صد وسائط نقلیهٔ خود هرات تخمین شده می‌تواند.[۱]

شایان گفتن است که با این‌که در میزان وسائط نقلیه افزایش زیادی به وجود آمده است، شبکهٔ ترافیکی هرات کدام نظم و انسجام قانونمند پیدا نکرده است. در بیشتر جاده‌ها و سرکهای هرات تا هنوز موترها، موترسایکلها، رِکشاهها، بایسکلها، گادیها، کراچیهای اسبی، خری و دستی، گاریهای دستی و پیاده‌روان با هم رفت و آمد دارند و

۱ . آمریت جوازسیر مدیریت ترافیک هرات، مصاحبه با محمد اکرم مهمند آمران.

تصویر ۴ – ۲۱. نقشهٔ راههای ولایت هرات

در میان ازدحام فراوان هر کدام تلاش می‌ورزند تا به زور و مهارت راه خود را باز کنند.

در سال ۱۳۸۷ که از هرات دیدن کردم. ترمینال موترهای کلان و بسهای مسافربری به شمال شهر در جوار شاهراه هرات ـ تورغندی منتقل شده بود که اقدامی است مفید.

راههای داخل شهر

شهر هرات در حال حاضر فراخنای زیادی ندارد و جاده‌های داخل شهر محدود و کوتاه‌اند. چهار بازار شهر کهنه از روزگاران کهن حکایت دارند و جاده‌های اطراف مسجد جامع این کانون تاریخی را در آغوش گرفته‌اند. بلوار ولایت و شهر نو به مثابهٔ ستون فقرات شهر نقش اساسی در شبکهٔ مواصلات درون شهری ایفا می‌کند.

بر اساس سروی شورای بازسازی هرات در سال ۱۳۷۲ خورشیدی طول سرکهای اصلی و فرعی شهر هرات ۶۵ کیلومتر و مساحت کلی آن ۷۷۳ ۲۸۵ متر مربع سنجش شده است.

به تاریخ ۱۱ ثور ۱۳۷۳ ذریعه تعدادی از انجینران هراتی، نظرات اصلاحی بر مبنای ماسترپلان عمومی شهر در مورد جاده‌های عمدهٔ شهر ارائه شده که به طور فشرده به آن اشارت می‌شود:

جادهٔ ولایت: این جاده باید به عنوان منطقهٔ شعبات دولتی از چوک سینما تا حصهٔ ولایت حفظ شود و تعمیرات جدید می‌بایست ۱۵ متر از جنوب و شمال عقب‌نشینی کند و ارتفاع عمارات هفت متر در نظر گرفته شده است.

جادهٔ شهرنو (از شهرنو الی دروازهٔ ملک): طرف شمال سرک ساختمانهای جدید باید ۱۵ متر عقب‌نشینی کنند و ارتفاع ساختمانها حداکثر سه طبقه یعنی ده متر در نظر است. در سوی جنوب این سرک به سبب وجود آبدات تاریخی تنها تعمیرات قدیمی اجازهٔ ترمیم دارند و اعمار ساختمانهای جدید منع است. از قسمت درب ملک الی شرق حوض کرباس که امتداد سرک ولایت است در سمت شمال و جنوب ۱۵ متر عقب‌نشینی اجرا می‌شود و منازل به ارتفاع ۴ متر به طور یک‌منزله در نظر گرفته شده است.

خیابان سابقه (جادهٔ مولانا جامی): این سرک از درب ملک الی امام فخر رازی ادامه دارد و باید به عنوان منطقهٔ تاریخی حفظ شود. برای حفاظت از مناره‌ها و دیگر آثار تاریخی باید از عبور و مرور عراده‌جات ثقیل از این ساحه جداً جلوگیری شود و پلان تفصیلی دو طرف سرک تحت غور و بررسی قرار گیرد.[۱]

شهر کهنه: این ساحهٔ قدیمی باید به عنوان میراث فرهنگی حفظ شود و عمارات موجود آن ترمیم شود. مناطق میان سرکهای شهر کهنه به شمول باره‌های شهر دارای ارزش تاریخی بوده و بایست به مثابهٔ ساحهٔ سبز و باستانی حفظ و نگهداری شوند.[۲]

---

۱. در دورهٔ دوم ولایت اسماعیل خان (پس از سقوط طالبان) ادامهٔ سرک مولانا جامی از بلند مناره‌ها تا شاهراه اسلام‌قلعه به شکل بلوار دو طرفه بزرگ و اسفالت شده است و بلوار ۶۴ متره به ادامهٔ جادهٔ غوردرواز از پای جوی انجیل الی شاهراه هرات ـ تورغندی احداث شده است.

۲. با افسوس باید گفت که در اثر عدم توجهٔ مقامات ذی‌ربط دولتی و آزمندی اهالی محل بیشترینه باره‌های

جادهٔ باغ شاهی: این جاده که مرکز شهر را به میله گاه مشهور و تاریخی تخت صفر وصل می‌کند لازم است تا به حیث جادهٔ سبز و با ترافیک یک‌طرفه حفظ شود و عمارات جدید باید ۲۰ متر عقب‌نشینی داشته باشند.

جادهٔ چهل متره: در این جاده تأسیسات خدماتی مانند پرچون‌فروشی، خدمات طبی و دفاتر تشبثات خصوصی در نظر گرفته شده است.

جاده‌های مسجد جامع: این جاده‌ها باید بر عراده‌جات ترافیکی مسدود شود تا احتزازات وارده موجب تخریب ساختمان و تزئینات این کانون باستانی نشود.

قابل یادآوری است که در دورهٔ دوم ولایت اسماعیل خان به ترمیم، بازسازی و احداث سرکهای درون شهری توجه شده و اکثر جاده‌های اصلی وفرعی هرات اسفالت شده است.

شاهراهها و جاده‌های بین هرات و ولایات

شاهراه هرات ـ قندهار

جادهٔ مزبور بخشی از شاهراه حلقوی کشور محسوب شده که حوزهٔ غرب را به جنوب وصل می‌سازد. کار احداث این شاهراه کانکریتی پُرمصرف توسط روسها در سال ۱۳۳۸ شروع و در سال ۱۳۴۴ به پایهٔ اکمال رسید. طول این شاهراه از بندر تورغندی (مرز ترکمنستان) تا مرکز هرات ۱۲۰ کیلومتر و از مرکز هرات تا قندهار ۵۶۰ کیلومتر است. عرض عمومی جاده ۱۰ الی ۱۲ متر و عرض پختهٔ موتررو آن ۷ متر بوده است. در مسیر جاده ۳۸ پل بزرگ و کوچک به طول مجموعی ۳۱۵۴ متر و ۱۶۹۹ معبر به طول مجموعی ۳۹ ۵۷۸ متر وجود داشته است. (← تصویر ۴ـ۲۲)

شاهراه مذکور برای روسها بیشتر اهمیت استراتژیک نظامی داشت که این مطلب پس از تجاوز نظامی‌شان به افغانستان در ۶ جدی ۱۳۵۸ واضح شد و جادهٔ نامبرده در زیر چین تانکهای غول‌پیکر نظامی و آتش جنگ تخریب شد.

تاریخی تخریب و جزء منازل شخصی شده است و اگر به آن توجه نشود، در آینده اثری از آن باقی نخواهد ماند.



تصویر ۴ - ۲۲. شاهراه هرات ـ قندهار، پیش از جنگ

کار اسفالت مجدد این شاهراه به شکل قیرریزی پس از سقوط طالبان به کمک مؤسسات خارجی آغاز شد و به پایان رسید.

شاهراه هرات ـ اسلام‌قلعه

از کنار شاهراه هرات ـ تورغندی در شرق گمرک جدید هری شروع و پس از اندکی امتداد به جنوب، به جانب غرب ادامه می‌یابد. طول این شاهراه از هرات تا بندر اسلام‌قلعه (سرحد ایران) ۱۲۴ کیلومتر است.

قیرریزی این جاده در سال ۱۳۴۲ شروع و در سال ۱۳۴۷ ختم شد. عرض خامه‌کاری سرک ۸ متر و عرض پختهٔ موتررو آن ۶/۲ متر بوده است. در مسیر جاده به طول ۳۷۷ متر پلهای خرد و بزرگ وجود داشته است.

این جاده در جریان جنگ تخریب شد و امّا کار آسفالت مجدد آن پس از سقوط طالبان ذریعهٔ جمهوری اسلامی ایران آغاز و در سال ۱۳۸۳ به اتمام رسید.

جادهٔ خامهٔ هرات ـ چخچران

از مرکز شهر تا شیدائی با جادهٔ هرات ـ قلعه‌نو یکی بوده و از آنجا به جانب اوبه تغییر مسیر می‌دهد. از مرکز هرات تا حاکم‌نشین اوبه ۱۰۲ کیلومتر فاصله است. پس از اوبه راه خامه مذکور مسیر کنار هریرود را تعقیب و به سوی شرق پیش می‌رود. در این حصص عرض وادی هرات تنگ شده می‌رود.

از مرکز اوبه تا حاکم‌نشین چشت ۶۲ کیلومتر است. از آنجا جاده به طرف پل شیرخاج امتداد می‌یابد که در تنگهٔ شیرخاج به روی هریرود از آهن و چوب ساخته شده و از چشت ۲۰ کیلومتر دورتر است. بعد از گذشتن از کوتل بزرگ شهرک و چشمه باغ و آهنگران به مرکز غور یعنی چخچران وصل می‌شود. از مرکز هرات تا چخچران ۴۴۶ کیلومتر فاصله است.

طرح سرک هرات ـ کابل

در اواخر پادشاهی محمدظاهر روی طرح احداث شاهراه هرات ـ کابل از نقاط مرکزی افغانستان یعنی هزاره‌جات و دولتیار توجه شد و سروی آن به مصرف ۱۱۴ میلیون دالر از طرف نمایندهٔ افغانستان به کمیتهٔ انسجام شاهراه بین‌المللی آسیا پیشنهاد و قبول شد؛ لیکن عملیه احداث آن آغاز نشد. طول این جاده از هرات تا کابل ۸۲۶ کیلومتر برآورد شده بود.

این راه مهم علاوه بر کوتاهی فاصله دارای ارزش اقتصادی و تجارتی، تأمین‌کنندهٔ ارتباطات وسیع ترانسپورتی، فرهنگی و اجتماعی است. به سبب ناامنی در حوزهٔ جنوب و اخلال در فعالیتهای ترانسپورتی و تجارتی بین حوزهٔ غرب، جنوب و کابل احداث شاهراه هرات ـ کابل از طریق مناطق مرکزی اهمیت اساسی دارد.

سرک هرات ـ قلعه نو

این جاده از جمله سرکهای حلقوی کشور محسوب شده که حوزهٔ غرب را به حوزهٔ

شمال پیوند می‌دهد. راه مذکور از شهر نو هرات به جانب شرق امتداد یافته و تا قسمت شیدائی و قریهٔ پلپیری با راه اوبه یکی است. از آنجا به سمت شمال‌شرق تغییر جهت داده و پس از گذشتن از رود پاشتان به کروخ می‌رسد.

از هرات تا کروخ ۳۲ کیلومتر است. پس از کروخ جاده به جانب مسجد چوبی و کوتل معروف سبزک ادامه پیدا کرده و به قلعه نو، مرکز بادغیس وصل می‌شود. از هرات تا قلعه نو ۱۴۸ کیلومتر مسافت است.

این سرک از قلعه نو به سوی میمنه به طول ۴۱۴ کیلومتر تداوم می‌یابد. کار اسفالت این جاده در حال حاضر ادامه دارد و تا سال ۱۳۸۴ تا حصهٔ کروخ قیرریزی آن تمام شده بود.

این شاهراه برای حوزهٔ غرب اهمیت اقتصادی، تجارتی، ترانسپورتی، فرهنگی و اجتماعی دارد. به سبب ناامنیهای گسترده در حوزهٔ جنوب و اخلال در فعالیتهای ترانسپورتی و تجارتی با تحریکات پاکستان، راه شمال در حقیقت حوزهٔ غرب را از وابستگی به راه جنوب نجات می‌دهد و روابط همه جانبهٔ حوزهٔ غرب، شمال و کابل را استحکام می‌بخشد.

سرکهای بین مرکز شهر و حاکم‌نشینهای هرات

سرک پروژه سمنت، زنده‌جان و غوریان: راه خامهٔ مذکور از دروازهٔ ملک در غرب شهر هرات آغاز و پس از عبور از کنار برخی قریه‌های انجیل به پروژهٔ سمنت می‌رسد. در حصهٔ قلعه صفرخان به زمان صدارت هاشم خان بر روی هریرود پل سمنتی ساخته شده است که تاکنون قابل استفاده است.

پس از عبور از پل هاشمی و دشتهای شرق پوشنج راه به مرکز زنده‌جان می‌رسد و از آنجا بعد از گذشتن از آیشهای زنده‌جان و غوریان به مرکز غوریان وصل می‌شود. از مرکز هرات تا مرکز زنده‌جان ۴۴ کیلومتر و تا مرکز غوریان ۶۴ کیلومتر برآورد شده است.

سرک موسی‌آباد: از مرکز غوریان آغاز شده و به سرحد افغانستان و ایران ختم می‌شود. این سرک در سال ۱۳۱۶ به طور خامه به طول ۶۵ کیلومتر احداث شده است.

به سبب شاهراه پختهٔ هرات ـ اسلام‌قلعه، سرک موسی آباد ارزش اقتصادی چندانی ندارد و یگانه ارزش اقتصادی آن در حال حاضر وجود معدن نمک در دشت غوریان است. راه یاد شده دارای سه شاخه است: شاخهٔ سنگ‌دختر، شاخهٔ دوبرادران و شاخهٔ نمکسار و کیشماران.

سرک خامهٔ رباط‌سنگی و گلران: از حصهٔ کشک رباط‌سنگی به طرف قره‌باغ مرکز حاکم‌نشین گلران به طول ۴۵ کیلومتر امتداد دارد. همچنین از کشک رباط‌سنگی راه خامهٔ دیگری به طول ۸۰ کیلومتر به سوی قلعه‌نو کشیده شده است.

سرک گذره و شافلان: این جادهٔ خاکی از کنار شاهراه هرات ـ قندهار در حصهٔ سرجنگل ـ گذره به جانب شرق امتداد می‌یابد و پس از عبور از جوار میدان هوایی هرات، قریهٔ سیاوشان، سلیمی، کلمیر و حصص جنوبی شافلان (پشتون‌زرغون) به کنار رود کبکان می‌رسد.

سرک ادرسکن و کروچه: این سرک خاکی و کوهستانی از مرکز ادرسکن شروع شده و پس از عبور از سراسرخک، رزک، علی‌آباد، جرف، رباط رخه، تذربید و کروچه به پای حصار فرسی ختم می‌شود.

سرک اسفزار و شهرک: از قسمت میدان هوایی اسفزار (شیندند) از شاهراه هرات ـ قندهار جدا شده و به جانب ناوهٔ باقی‌جان امتداد می‌یابد و پس از گذشتن از فرسی، شهرک و تولک به چخچران مرکز ولایت غور می‌پیوندد.

سرکهای عمدهٔ هرات و حاکم‌نشین انجیل: سرک تلاب در جنوب‌غرب شهر هرات، سرک کبرزان در غرب، سرک پل مالان در جنوب (این سرک را در دورهٔ اخیر گشادتر کرده‌اند و اسفالت هم شده است)، سرک جبرئیل و نقره در غرب و سرک امام شش‌نور در شرق شهر هرات. این سرکها به شکل خاکی بوده و در زمستان برای اهالی مشکلات زیادی به وجود می‌آورند.

امکانات رفاهی هرات

هرات قبل از جنگ دراز دامن اخیر از نگاه امکانات رفاهی و تسهیلات زندگی بیشتر به داشته‌های پارینهٔ خود اتکا داشت و پدیده‌های عصر جدید در این خطهٔ باستانی تا نیمهٔ قرن جاری راه چندانی نیافته بود. در دههٔ ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ تا حدودی زمینه برای ورود پدیده‌های نو و انکشافات جدید عمرانی و رفاهی آماده شده بود که جنگ جلو رشد و حرکت آرام و نورمال آن را گرفت.

آب آشامیدنی

از روزگاران قدیم، آب آشامیدنی مردم هرات از رودها، جویها، چشمه‌ساران، کاریزها، چاههای دست‌کن و حوضهای سرباز و سرپوشیده تأمین می‌شده است. برای نخستین بار در سال ۱۳۴۶ خورشیدی به زمان رئیس بلدیهٔ وقت، عطامحمد خان بود که سه حلقه چاه عمیق به ژرفای ۷۰ متر در سه منطقهٔ شهر هرات یعنی جادهٔ غربی مسجد جامع، سرک کلاب و قسمت فامیلهای شرکت مالداری حفر شد. مصارف این پروژه ذریعهٔ اهالی خیرخواه هرات تهیه شده بود و آب از طریق نلهای عمومی بازارهای شهر به مصرف عامه می‌رسید.

شبکهٔ جدید آب آشامیدنی شهر هری در سال ۱۳۵۱ به کمک دولت جاپان روی کار آمد و امور حفاری آن توسط نمایندگی ساختمانی بنائی انجام شد. در این طرح سه حلقه چاه به عمق ۵۵ متر در صحن دارالمعلمین، مکتب موفق و در مرکز پروژهٔ آب‌رسانی به مقابل حوض لب‌گردان شهر نو حفر شد. در این دوره علاوه بر نلهای عمومی بازارها، نل‌کشی منازل نیز آغاز شد. حجم مخزن آب شبکهٔ جدید ۲۰۰۰ متر مکعب بود که بر روی باره به ارتفاع ۲۴ متر قرار داشت.

بر اساس اطلاعاتی که از دفتر پروژهٔ آب‌رسانی به دست آوردم، ظرفیت ۶ حلقه چاه موجود در شهر هرات ۲۰۰ لیتر در ثانیه بوده است و اگر ماشینهای آبکشی در یک شبانه

روز ۱۰ ساعت کار می‌کردند و برای هر خانواده ۵۰۰ لیتر آب در نظر گرفته می‌شد، در حدود ۱۱۴۰۰ خانواده می توانستند از آب این پروژه استفاده کنند. لیکن هیچ وقت از ظرفیت اعظمی آن استفاده نشده است. یک تعداد مردم شهر یعنی به طور تخمین ۴۵۰۰۰ نفر به آب آشامیدنی صحی دسترسی داشتند و اهالی مناطق اطراف شهر از آن محروم بودند و تا هنوز هم از آب تصفیه‌شده محروم هستند.

روشنایی

در اوایل قرن جاری بیشترینه مردم هرات از چراغ‌موشکهای سفالین که روغن منداب در آن مصرف می‌شد استفاده می‌کردند. بعد فانوسهای نفتی، لمپا و چراغ گیس رواج پیدا کرد که در اول بیشتر عیان و ثروتمندان از آن کار می‌گرفتند.

در سال ۱۳۱۴ هـ. ش یک دستگاه ۹۰ کیلوواتی مولد برق توسط یکی از تاجران هراتی وارد و بر روی جوی آلنجان در قریهٔ جلوارچه نصب شد و برای نخستین بار چشم مردم هری به حاصل اختراع ادیسن آشنا شد.

در سال ۱۳۲۸ هـ. ش مؤسسهٔ برق دیزلی هرات تأسیس شد که ظرفیت آن کم بود. در سال ۱۳۴۶ در مؤسسهٔ مزبور ۶ پایه ماشین برق وجود داشت که از آن جمله دو دستگاه غیرفعال بود. ظرفیت مجموعی در این سال ۱۳۷۵ کیلووات[1] می‌شد که نیازهای شبانهٔ تقریباً یک چهارم نفوس شهر را رفع می توانست. در سال ۱۳۵۲ اگرچه ظرفیت برق هرات افزایش پیداکرد، برای مردم شهر کافی نبود، چه رسد به مردم محروم اطراف. در این سال از ۱۲ دستگاه مولد برق فقط ۷ دستگاه قابل استفاده بود که ظرفیت ۵ دستگاه فعال آن ۲۳۵۰ کیلووات تخمین می‌شد و تنها نیازهای ۴۰٪ منازل شهر هرات را در هنگام شب رفع می‌توانست.[2] در سال ۱۳۵۵ ظرفیت برق دیزلی هرات به ۴۷۰۵ کیلووات افزایش پیداکرد[3] و کارا عمار بند آب و برق سلمه در این ولایت ادامه داشت که جنگ خانمانسوز جلو آن را گرفت.

---

۱ . رهنمای هرات، ص ۱۳.
۲ . جغرافیای شهری، ص ۲.
۳ . معلومات احصائیوی افغانستان، چاپ ۱۳۵۶، ص ۱۵۳.

مواد سوخت

نیازهای محروقاتی منازل، کارگاه‌ها، داش‌ها و حمام‌های هرات بیشتر از چوب محروقاتی، اشجار خشکیده، مواد فاضلهٔ حیوانات و زغال چوب رفع می‌شد. فقط در بعضی موارد از زغال سنگ خود هرات و نفت وارداتی کار گرفته می‌شد.

پست و مخابرات

هرات به مثابهٔ پاره‌ای از پیکر تمدن باستان و امپراتوریهای عهد خراسان اسلامی همواره دارای سیستم پستی قدیمی بوده است. در سال ۱۳۱۶ هـ. ش در این ولایت لین تلفن آمد و برای امور مخابراتی ادارهٔ جداگانه‌ای تخصیص داده شد.

پلان سیستم جدید مخابرات هرات در سال ۱۳۳۸ توسط شرکت اوختیف آلمان غرب طرح شد و کارا عمار ساختمان جدید به سال ۱۳۴۶ به پایان رسید. نصب دستگاهها و شبکهٔ مخابراتی ذریعهٔ شرکت زیمنس آلمان انجام شد و ظرفیت دستگاههای خودکار شهری ۵۰۰۰ لین اتومات در نظر گرفته شده بود. توزیع تلفنها در سال ۱۳۴۸ شروع شد، ولی شبکهٔ تلفونی اطراف هرات به همان سیستم قدیمی لوکر بتری (هندلی) مجهز بود.

فعالیتهای پستی هرات هم در دههٔ ۱۳۵۰ هـ. ش در حال انکشاف بود. در سال ۱۳۵۶ تعداد مراکز محلی پست‌خانهٔ هرات به ۱۸ باب و تعداد تلفونهای دولتی به ۱۷۸ پایه و تلفونهای شخصی به ۱۲۷۹ پایه می‌رسید.

شبکهٔ فاضلاب و تنظیفات شهری

شهر هرات از باستان زمانه‌ها دارای شبکهٔ فاضلاب قدیمی بوده و فاضلاب منازل به خندقهای محله‌ها و آب باران و فاضلاب زمستانی از طریق نقبها و جویها به خندقهای بیرون شهر و کاربار می‌ریخته است. بدررفت‌ها (کناراب و یا بیت‌الخلاء) به شکل

سرباز بوده است و بار آنها را برزیگران و دهقانان با خاکروبهٔ منازل مخلوط کرده و به حیث کود و پارو بر پشت خرها به ده‌ها انتقال می‌دادند.

شبکهٔ فاضلاب و تنظیفات شهری در هرات طی سده‌های اخیر کدام رشد و انکشافی نکرد و شکل فرسودهٔ همان شبکهٔ قدیمی یاد شده در شهر کهنه وجود داشت و در مناطق جدید ساز نیز شبکهٔ منظمی دیده نمی‌شد.

در سطح شهر کهنه تا هنوز چند خندق قدیمی موجود بود که بـه نـام آن اشـارت می‌شود: خندق گنج، خندق زینه‌دار، خندق کوچهٔ تـفنگ‌سازی، خـندق پـای مـزار شاه‌حسین، خندق کوچهٔ تکیه عبدالرزاق، خندق موسوی‌ها، خندق حمام نمره، خندق کوچهٔ پیازفروشی، خندق کوچه کیمختگران و خندق کوچهٔ دباغها.

کار صفاکاری شهر توسط بلدیه به طور نامرتب و بسیار کند پیش می‌رفت و سیستم منظّمی برای جمع‌آوری خاکروبه‌ها و زباله‌ها به وجود نیامده بود. کوچه‌های شهرکهنه بسیار کثیف و غیر بهداشتی بود. محیط طبیعی ده‌های پرآب و علف بهتر از شهر به نظر می‌آمد.

منازل نشیمن

هراتیان در ساختن بناهای رهایشی سابقهٔ بسیار و تجارب فراوان دارند کـه آن را در بستر پردرازنای تاریخ فراگرفته‌اند. فن معماری و بناسازی در عهد تیموریان انکشاف بی‌نظیر یافته بود و در هیچ عصر و زمان تاریخ خراسان نظیر آن را به یاد ندارد. هرات به مثابهٔ قلب خراسان و تختگاه امپراتوری تیموری به مرکز هنر معماری و ساختمانهای مجلل تبدیل شده بود. متأسفانه طی سـده‌های اغـتشاش و خـانه‌جنگی‌های پس از سقوط تیموریان بیشتر این بناهای ارزشمند ویران شد.

شیوهٔ بناسازی هرات در قرن جاری نیز بیشتر تحت تأثیر همان سبک پارینه بوده، اما از مهارت و ظرافت هنری و فنی آن روز به روز کاسته شده است. پس از احداث شهر جدید در ۱۳۱۶، شیوهٔ جدید بناسازی به هرات راه یافت، لیکن به تعداد اندکی از منازل اعیان‌نشین محدود می‌شد. (← تصویر ۴ـ۲۳)



تصویر ۴ - ۲۳ . منزلی قدیمی در شهر کهنه

در منازل جدید بیشتر از خشت پخته، سمنت، آهن، سنگ تعمیراتی، گچ، چونه و چوب استفاده می‌شده است. در منازل قدیمی خاصه در شهر کهنه هرات بیشتر استفاده از خشت خام، کمی خشت پخته، ساروج، گــچ، چــوب و چــونه رواج داشــته است. هراتیان در استفاده از سنگهای تزئینی مانند سنگ مرمر و دیگر سنگهای تـعمیراتـی سابقهٔ دراز دارند که نمونهٔ بارز آن را می‌توان در سبک معماری عهد تیموری به خوبی مشاهده کرد.

در شهر کهنهٔ هرات منازل مسکونی در دو جانب کوچه‌های پر خم و پیچ محلات به طور چسبیده به هم و بسیار متراکم بنا یافته است. منازل به شکل یک طبقه و یا دو طبقه ساخته شده که منزل اول گنبدی‌پوش و دارای پـایه‌های قـطور و طـاقهای دور و یـا چوب‌انداز است و منزل دوم بیشتر چوب‌پوش بوده و دارای دهانه‌های فراخ، کلکینهای رو به شمال و بادگیرهای سنتی است. در موسم تموز بادگیرها به مثابهٔ بادپکهٔ طبیعی هوای زیادی را وارد اتاق می‌کنند و به حیث کولر طبیعی، هوای خانه را خنک و دلپذیر می‌سازند.

در زیر اتاقهای منزل زیرین، روباه‌قال‌هایی می‌ساختند تا از نفوذ رطوبت به کـف اتاق جلوگیری شود. منازل اعیان و ثروتمندان به دو بخش یعنی حرمسرا و مهمانسرا تقسیم شده بود، زیرا در فرهنگ افغانستان جامعهٔ مردانه و زنانه از هم جداست و در حرمسرا مهمانان نامحرم راه ندارند. در بیشتر این منازل چاه آب، حوض آب و تـنور نان‌پزی موجود بوده است.

در و پنجره‌های اتاقها توسط نجارهای هروی از چوب ساخته می‌شد که بر روی آن گاهی منبت‌کاریهای زیبایی انجام می‌دادند. اُرسیهای قدیمی هرات با ۶ تا ۸ قطعه چوب مربع‌شکل که باز هر یک آن از مربعات کوچک‌تر تشکیل می‌شد بسیار جـالب بـود. قطعات شش و یا هشت‌گانهٔ اُرسی که ذریعهٔ یک ستون میانی به دو حصه تقسیم می‌شد، در بین کشوهای چوبی کناری به راحتی حرکت می‌کردند و باز و بسته می‌شد. قسمت فوقانی دهانه را به شکل کمانهای نیم دایره‌ای و دور تیز و یا مربع می‌ساختند و ایـن قسمت اُرسی باز و بسته نمی‌شد. (← تصویر ۴ـ۲۴) درهای قدیمی را به شکل دو پله‌ای می‌ساختند که بر روی پاشنهٔ خود به آسانی می‌چرخید. (← تصویر ۴ـ۲۵)



تصویر ۴ - ۲۴ . اُرسی قدیمی



تصویر ۴ - ۲۵ . درِ یک منزل قدیمی

در مناطق اطراف و حاکم‌نشینهای هرات تا هنوز شیوهٔ قدیمی رواج داشته و منازل نشیمن و قلعه‌ها دارای دیوارهای بلند و صخیم هستند. در این بناها خشت خام، گل دای و چوب به کار رفته است. در بعضی از قلعه‌های زمین‌داران بزرگ حرمسرا، مهانسرا و محل زندگی برزگران و نگهداری مواشی از هم جدا است؛ امّا در کلبه‌های گلین و فقیرانهٔ دهقانان محل نگهداری مواشی و مکان رهایشی انسان، به سبب فقر اقتصادی و ناامنی، از هم تفکیک نشده است. معمولاً اتاقهای زیرین به طویلهٔ مواشی و اتاقهای بالا به محل بود و باش انسان اختصاص یافته است.

برخی ویژگیها در شیوهٔ معماری هرات

به‌سانی که از متون تاریخ و آثار باستانی برمی‌آید، خطهٔ هری هماره مورد تاخت و تاز گیتی‌گشایان و جنگ‌افروزان قرار داشته و در مسیر تاریخ بارها ویران شده و باز به

همت اهالی سخت‌کوش آن دوباره آباد شده است. به این دلیل هرات همیشه دارای برج و باروی مستحکم، قلعه‌های استوار، خندقهای پُرآب و دیگر استحکامات دفاعی لازمه بوده است. چنان‌که در فوق به آن اشاره شد، این شکل بناسازی تا همین دهه‌های اخیر در هرات رواج داشته که قلعه‌های گلی مستحکم غوریان، زنده‌جان، اوبه، اسفزار و کروخ مثال بارز آن بوده است و شیوهٔ ساختمانی شهر کهنه نمونهٔ دیگر آن محسوب می‌شود.

در منازل مسکونی شهر کهنه مسایل امنیتی و حفاظتی مورد توجّهٔ جدّی بوده و دیوارهای سراهای نشیمن بسیار بلند ساخته شده است. منازل به هم پیوسته بوده و کوچه‌ها به یکدیگر راه دارند. بیشتر دالانها و ساباطهای سرپوشیده که چندین درِ منزل را در بر می‌گرفته، دارای درهای بزرگ بوده است و به جهت امنیتی شبها درِ دالانها را بسته می‌کردند. (← تصویر ۴ـ۲۶)



تصویر ۴ - ۲۶ . دیوارهای بلند منازل در محلات شهر کهنه

در منازل مسکونی دولابهای مخفی در زیر نقیلهای بامها، در زیرخانه‌ها و در دیگر جاهای مناسب می‌ساختند تا در هنگام تجاوزها و چور و چپاولها، اسباب، اثاثیهٔ خانه و اشیای قیمتی خود را در آن پنهان سازند. همچنین زنان و دختران جوان را نیز در آن مخفی می‌کردند. قابل یاددهانی است که پس از کودتای ثور ۱۳۵۷ و دامنه‌دار شدن جنگ، یک بار دیگر این تأسیسات قدیمی در عصر جدید به کار آمد و مردم از مناطق ناامن جدیدساز بالاشهر به استحکامات شهر کهنه پناه آوردند و درهای دالانها را دوباره نصب کردند و شبها به رسم کهن درهای دالانها را می‌بستند تا شاید از ظلم افراد مسلح و شرور در امان باشند. در گذشته مردم طبقهٔ متوسط و فقیر درهای ورودی بسیار کوچک و کوتاه بر منازل خود نصب می‌کردند تا اسبان سربازان حکومتی، مأمورین دولت و یورشگران به داخل منازلشان آمده نتوانند.

از ویژگیهای دیگر، عوامل فرهنگی، اجتماعی و عنعنوی مردم است که در طرز ساختمان‌سازی تأثیر کرده است، مانند موضوع حجاب و قیودات بر زنان. این طرز بینش موضوع حرمسرا و مهمانسرا را به وجود آورده است تا زنان از تیر نظر افراد نامحرم مصون باشند و منازل توسط دیوارهای بلند از هم جدا شده‌اند تا مردان همسایه چشمشان به زنان نیفتد. منازل به شکل بسته ساخته می‌شوند که فقط ذریعه درِ ورودی به بیرون راه دارند. باغچه‌ها و فضای سبز بیشتر در صحن حیات قرار دارد.

آب و هوا و عوامل طبیعی نیز نقش اساسی در طرز بناسازی دارند. از آنجایی که هرات در منطقهٔ معتدله واقع است و میزان برودت تقریباً در حد اوسط بوده و چهار فصل آن مشخص است، اکثر منازل نشیمن گنبدی‌پوش است و سقف منزل دوم بیشتر چوب‌انداز است. البته در دهات به سبب ارزانی خشت خام سقف منزل دوم را نیز گنبدی و یا با چهار سورک می‌پوشیدند. پشت بامها کاهگلی بوده و آب باران ذریعه ناودانهای سفالین، چوبین و یا حلبی به داخل صحن حیاط و یا به جانب زمینهای بیرون و کوچه‌ها هدایت می‌شود.

سبک و شیوهٔ معماری قدیم در مسیر تاریخ پردرازنای هرات در اثر تجارب نسلهای انسانی مطابق فرهنگ حاکم، آب و هوا و دیگر عوامل فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی پدید آمده است و با زندگی مردم تطابق دارد. به طور مثال اتاقهای گلی و خشتی با پایه‌های قطور در تابستانها سرد و در زمستانها گرم و دلپذیر هستند و ضرورت چندانی

به وسایل مدرن و گران‌قیمت سردکننده و گرم‌کننده نیست. بادگیرها و خارخانه‌ها در تابستان جهت خنک‌سازی و کرسی ـ که بسیار ارزان و اقتصادی است ـ در زمستانها برای گرم کردن کافی است.

برای حفظ هویت تاریخی و فرهنگی هرات از یک طرف و استفاده از تجارب پربار معماری اجدادی که با عوامل فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی این ولایت تطابق دارد و از جانب دیگر توجه به معماری قدیم ضرور است. چه زیباست که از ارزشهای هنری و فنی معماری قدیم به مانند کاشی‌کاری، گچ‌بری، نقاری، منبت‌کاری، نقاشی، ضربی‌پوشی‌های استادانه و سنگ‌کاریهای هنرمندانه استفاده شود و تلفیقی از معماری قدیم و جدید در عصر علم و تکنولوجی به میان آید.

وضع عمرانی هرات طی سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰

در این دوره نه تنها زمینه برای عمران و آبادانی هرات آماده نشد، بلکه امکانات عمرانی موجود نیز تخریب شده و یا خسارات افزون برداشت. کودتای ثور ۱۳۵۷ دورهٔ آرامش قرن جاری کشور ما را برهم زد و جنگ هستی‌سوز دامنه‌داری بر زندگی مردم مستولی شد.

در سالیان پیش از جنگ زمینه برای رشد و انکشاف میهن فراهم شده و طرحهایی در ساحات اقتصادی، اجتماعی و عمرانی روی دست گرفته شده بود. ساختار اجتماعی و فرهنگی و بنیان سیاسی و اقتصادی به سوی نوعی استقرار و ثبات پیش می‌رفت. کشمکشهای قومی، اغتشاشات و خانه‌جنگی‌ها، جایش را به امنیت و همبستگی ملی می‌داد، که جنگ مسیر آن را عوض کرد.

پس از سقوط جمهوری محمد داوود در ثور ۱۳۵۷ و خاصه بعد از تجاوز نظامی روسها در ۶ جدی ۱۳۵۸ خیزشهای عمومی مردم علیه دولت کودتا و سلطهٔ نظامی روسها دامنهٔ وسیع پیدا کرد. اصلاحات ناسنجیده و عجولانهٔ دولت نوپا، قیامهای عمومی مردم و جنگ فراگیر، شیرازهٔ زندگی اقتصادی و اجتماعی جامعه را به هم شارانید و سبب ناامنی، بی‌ثباتی، عدم مصونیت، مهاجرتهای وسیع داخلی و

بیرون‌مرزی و بحران درازدامن شد. در این دوره به تأسیسات عمرانی و اقتصادی، آثار تاریخی، شبکهٔ آبیاری، فضای سبز و دیگر امکانات موجود هرات تخریبات و خسارات زیادی وارد آمد. (← تصویر ۴ـ۲۷)



تصویر ۴ ـ ۲۷. منار تاریخی قرن نهم هجری که در اثر جنگ ویران شده است

دولت برای دفاع از شهر در برابر حملات مجاهدین در حصص غربی و جنوبی شهر هری کمند امنیتی به عرض پنجصد متر و قرارگاه‌های نظامی ایجاد کرد. به سبب شدت جنگ، مناطق اطراف کمند یعنی چهارسونک، پای شهزاده‌ها، کوچهٔ شرکت، کوچه حوض شیخ داشگر، برامان، شالبافان، پایین‌آب، فیروزآباد، اولنگ سنگ سفید، دروازهٔ قندهار، محله نو، محله ساربانها، سه‌پُلک، بکر آباد، کارته، غیزان، قسمتهایی از محلهٔ برج خاکستر و خواجه عبدالله مصری تخریب شده و خالی از سکنه شد و از ویرانه‌های آن بوی مرگ، خون و باروت به مشام می‌رسید. همچنین در شمال شهر حصصی از کلاب و غوردرواز ویران شد. (← تصویر ۴ـ۲۸)



تصویر ۴ – ۲۸ . نمونه‌ای از ویرانیهای جنگ

بر اساس سروی یکی از محققین خارجی در سال ۱۳۶۸ میزان خرابیهای منازل مسکونی شهر هرات در اثر جنگ به شرح زیر بوده است: شمال جوی انجیل، ۷۹۰ منزل؛ ساحهٔ میان جوی انجیل و دروازهٔ ملک، ۱۲۵۰ منزل؛ منطقهٔ کلاب، ۴۳۰ منزل؛ چهارسونک، ۳۳۰ منزل؛ ساحات غرب شهر کهنه، ۱۰۹۰ منزل؛ مناطق سمت غرب شهر کهنه، ۹۴۰ منزل؛ بکرآباد، ۴۶۰ منزل؛ میان دروازهٔ قندهار و جوی کاربار، ۱۲۹۰ منزل؛ جنوب جوی کاربار، ۹۶۰ منزل و سایر ساحات ۸۸۰ منزل. به این حساب مجموع خانه‌های نشیمن تخریب شده در شهر هرات در حدود ۸۴۲۰ باب سنجش شده است.[۱] همچنین تعداد دکانهای تخریب شده را می‌توان در حدود ۵۰۰۰ دربند تخمین کرد. یکی از نکات گفتنی دیگر تخریب وسیع مکاتب و مراکز تعلیمی است که به طور عمدی ذریعه چریکان در شروع نبردها و یا در اثر جنگ به وقوع پیوست.[۲]

---

۱ . نتایج سروی وضع خانه‌های مسکونی، جولیان لیسلی، ص ۴۵.

۲ . در مورد ویرانیهای حاکم‌نشینان و دهات هرات در نوشتهٔ دیگرم معلومات بیشتری ارائه شده است.

در سالیان ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ که جنگ در غرب، جنوب و شمال‌غرب شدت زیادی داشت، دروازهٔ ملک، بازار عراق و بازار قندهار از رونق افتاد و مرکزیت تجارتی شهر به جانب دروازهٔ خوش، سرک بادمرغان، اطراف مسجد جامع شریف، منطقهٔ جکّان و شهر جدید و تا حدودی شهر نو پخش شد و آبادی شهر بیشتر به سمت شرق و شمال‌شرق توسعه پیدا کرد.

در این سالیان شهر هری عملاً در محاصرهٔ مجاهدین و ملیشه‌ها قرار گرفته بود که در قریه‌ها تسلط داشتند. روابط اقتصادی و ترانسپورتی با مناطق مجاهدین به سختی صورت می‌گرفت. تعداد بسیار زیادی از نفوس شهر و دهات خاصه مناطق تخریب‌شده به کشور ایران پناهنده شدند و یک تعداد اهالی دهات به شهر سرازیر شدند. در اثر این مهاجرتهای داخلی و بیرون‌مرزی، بافت اجتماعی، طبقاتی و رده‌بندیهای سابق اقتصادی و فرهنگی شهر به هم ریخت.

امکانات رفاهی شهر از قبیل آب آشامیدنی، روشنایی برق، پست و مخابرات، شبکهٔ تنظیفاتی شهر و ترانسپورت در زیر فشار جنگ محدود شد و به آن ضربات و خسارات وافری وارد آمد. شهر هرات اگرچه پیش از جنگ هم از حیث آب آشامیدنی صحی در مضیقه بود، لیکن در جریان جنگ به علل تخریب شبکهٔ نل‌کشی وضع آب آشامیدنی خراب‌تر شد، تا جایی که دولت در سطح شهر به حفر چاههای دستی اقدام ورزید.

در شبکهٔ برق هرات کدام پیشرفتی به وجود نیامد، بلکه دستگاههای برق دیزلیِ سابقه، بیشتر مستهلک شد و در شبکهٔ لین‌کشی نیز خسارات زیادی وارد شد. در این دوره استفاده از جنراتورهای کوچک برق جهت تماشای برنامه‌های تلویزیونی و فیلمهای ویدیوئی رواج پیدا کرد.

از حیث کمیت در شبکهٔ پست و مخابرات سابق پیشرفتی پدید نیامد. سیستم تلیفونهای هندلی سابق که روابط مخابراتی را در بین شهر و اطراف هرات برقرار می‌کرد، در اثر جنگ نابود شد و شبکهٔ پستی نیز در اثر نامنی در اطراف شهر فلج شد. در عوض به کمک دول خارجی در بین مجاهدین و در بین نیروهای دولتی سیستم مخابراتی رادیویی رواج پیدا کرد.

وضع شبکهٔ تراسپورتی بسیار تأسف‌آور بود و ساحه امن برای حرکت عراده‌جات مثل موتر، گادی، کراچی و موترسیکل بسیار محدود شده بود. در سطح شهر فقط یک مسیر برای حرکت سرویس مسافربری درون‌شهری وجود داشت که آن هم از شهر نو تا

فرقهٔ نظامی در شرق شهر بود.

از نگاه پاکی و نظافت شهری دیگر از آن هری افسانوی خبری نبود. وضع تنظیفاتی شهر بسیار خراب شده بود. به سببناامنی و قطع روابط عادی شهر با دهات، دهقانان و شوره‌کشان، خاکروبه و مواد فاضلهٔ انسانی و حیوانی را به حیث کود زراعتی به مزارع انتقال داده نمی‌توانستند و انبار مواد مذکور در سطح شهر به ناپاکی و بدبویی شهر می‌افزود. تخریب فضای سبز، انهدام منازل، تعمیرات و سرکها و استعمال سلاحهای مختلف‌النوع چهرهٔ شهر را به کلی خاک‌آلود، غبارآگین و پر از دود باروت و بوی مرگ ساخته بود.

با این‌که روز به روز بر شمار زخمیان و قربانیان جنگ افزوده می‌شد، امکانات صحی و ظرفیت شفاخانه‌ها در همان حد سابق مانده و یا در اثر جنگ کاهش یافته بود. تعداد زیادی از داکتران و متخصصان به کشورهای خارجی پناهنده شده بودند.

هرات در سالیان ۱۳۷۱ - ۱۳۷۴

پس از انتقال قدرت از دولت دکتور نجیب به مجاهدین به سنهٔ ۲۹ حمل ۱۳۷۱ در ولایت هرات دیوارهای مصنوعی در بین مرکز شهر و مناطق اطراف این ولایت فروپاشید و شوق برگشتن به میهن در دل مهاجرین غربت‌زده شعله‌ور شد. این فضای امیدواری دیری نپایید و با درگرفتن جنگ قدرت میان سران مجاهدین تمام آرزوهای مردم افغانستان، پیش از شکوفایی در آتش سوخت.

هرات در این دوره در متن جنگ قرار نداشت، ولی حاکمان آن چون از متحدین اصلی دولت برهان‌الدین ربانی (یکی از طرفهای عمدهٔ جنگ قدرت) بودند، این ولایت را به نحوی به سوی جنگ سوق دادند و از موقعیت مناسب تجاری و عواید فراوان اقتصادی آن در راه بازسازی و اعمار مجدد زیربنای ویران شده استفادهٔ لازم نشد.

ولی مردم در این دوره به صلح، امنیت و سازندگی اندیشیده و برای تداوم حیات به کارهای اقتصادی و بازسازی شالودهٔ زندگی خود مشغول شدند. در این عهد اگر کاری انجام یافت بیشتر توسط خود مردم و یا به کمک مؤسسات بین‌المللی صورت گرفت. نقش حکومت قوماندانها در این عرصه گاه بسیار ضعیف و کم‌فروغ بود.

امکانات رفاهی

اگر در رأس امکانات یاد شده روشنایی را قرار دهیم، تا هنوز نور ضعیف چراغهای تیل‌سوز، چشمان مردم هری را می‌آزرد و با خوانده شدن فاتحهٔ دستگاههای فرسودهٔ برق دیزلی پیشین، در اکثر منازل از برق عمومی خبری نبود. در سطح شهر شبکهٔ غیراستاندارد برق خصوصی جنراتوری توسعه پیداکرده بود.

آب تصفیه شدهٔ شهر هرات در سطح همان تأسیسات دههٔ ۱۳۵۰ قرار داشت، لیکن طبق معلومات پروژهٔ آب‌رسانی هرات، در سال ۱۳۷۳ به علل فرسودگی شبکه و تخریبات جنگ ظرفیت استفاده از تأسیسات متذکره نسبت به سال ۱۳۵۰ در حدود ۵۰٪ کاهش یافته بود و بیشترینهٔ خانواده‌های شهریِ دارای کارت انشعاب، از آب تصفیه‌شده محروم بودند.

امکانات پستی و تلگرافی سابق رشد و انکشافی نکرد و همان تلیفونهای فرسودهٔ سابق در دسترس عدهٔ معدودی بود و اکثریت مطلق جامعه از خدمات ابتدایی پست و مخابرات محروم بودند.

وضع فاضلاب شهر به سبب فرسایش و تخریب نقبهای قدیمی و عدم احداث کانالهای جدید مشکل‌آفرین شده بود. در شبکهٔ تنظیفاتی شهر هم تفاوتی نسبت به دورهٔ قبل پدید نیامد و مردم جنگ‌زده و خاک‌آلود هرات در تابستان از دست گرد و غبار و در زمستان از گل و لای کوچه‌ها و سرکها در عذاب بودند.

با این‌که به علت فشار جنگ‌های طولانی، تراکم نفوس در شهر، آلودگی محیط زیست، سوءتغذیه و غیراستاندارد بودن دارو و درمان امراض مختلفی در بین مردم شیوع پیداکرده بود، ظرفیت و امکانات شفاخانه‌ها در همان سطح سابق و یا کمتر از آن قرار داشت. تهیه و فروش دوا و یا دارو نظارت و کنترل فنی نمی‌شد و تجارت دارو و درمان در این ولایت بازار گرمی داشت. بر مبنای راپور رئیس صحت عامهٔ هرات به تاریخ ۱۳۷۳/۸/۱۴ در این ولایت ۳۶۰ دربند دواخانه و ۴۰۰ نفر دلال و فروشندهٔ دوا موجود بوده است.

ترافیک

از نگاه کیفی در شبکهٔ ترافیکی هرات کدام تغییر و تحولی پدید نیامد، بلکه به سبب باز شدن راه شهر و دهات و هرات و دیگر ولایات، برگشت مهاجرین و ازدیاد نفوس و توسعهٔ فعالیتهای تجارتی و ترانسپورتی، حجم عبور و مرور عرادهجات سواری و باربری در سرکهای محدود و معدود این ولایت افزایش یافت و برخی از شرکتهای ترانسپورتی شروع به فعالیت کردند.

شرکتهای مسافربری: هرات بس، جمیل، آریاپیما، حامد، قندهار، هری، سعادت، اعظمی، ولی، ایوبی، غزنی پیما، بابا ولی، فیضون، فیضزاده، المپیا، هرات کاروان، شرکت مربوط به تاکسیهای شهری و شرکت اتفاق (مخصوص موترهای مسافربری اطراف هرات).

شرکتهای باربری: شرکت باربری جامی، انصاری، هلمند، نریمان، زابل، قندهار، موفق، عاشق محمدی، بست، محمدی، ثمر و تصدی دولتی کاماز.

احیای فضای سبز و بازسازی تفریحگاهها

تخریب جنگلها و فضای سبز در طول جنگ به محیط زیست این ولایت صدمهٔ فراوان وارد کرد. در این دوره به سبب آرامش نسبی هرات فرصتی فراهم شد تا به بازسازی قسمتی از فضای سبز و تفریحگاههای هرات توجه شود. طبق سنجش گلابالدین آمر عمومی جنگلهای هرات طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ در حدود ۳۵ فیصد از جنگلهای آسیب دیده و تخریب شدهٔ این ولایت زیر پوشش بازسازی قرار گرفت. کار بازسازی تفریحگاه مشهور تخت صفر که در زمان فضلالحق خالقیار والی هرات در سال ۱۳۶۸ آغاز یافته بود در این دوره تداوم پیدا کرد و دو باب تعمیر جدید و زیبا در آن اعمار شد.

عمارت اول، ساختمان هشت ضلعی جدید است که کار بنای آن با زیربنای ۷۵۰ متر مربع به سرمایهٔ ۵۰۰ میلیون افغانی از بودجهٔ امارت و کمک مؤسسهٔ خیریهٔ آلمان بر ارتفاعات شمالی تخت صفر به هدایت اسماعیل خان والی هرات در ۲۶ سنبلهٔ ۱۳۷۲

آغاز و به تاریخ جدی ۱۳۷۴ به پایان رسید. شیوهٔ ساختمانی این بنای نفیس ترکیبی از معماری سنتی و جدید را به نمایش می‌گذارد (← تصویر ۴ ـ ۲۹). عمارت دیگر، در بلند حوض قدیمی این تفریحگاه ساخته شده است.



تصویر ۴ ـ ۲۹ . ساختمان زیبایی بر فراز تپهٔ بلند تخت صفر

کارهای عمرانی و ساختمانی

در دهۀ ۱۳۶۰ هـ.ش به سبب ناامنی در حصص غربی، شمال‌غربی، جنوب و جنوب‌غربی هرات، آبادی شهر به سمت شرق و شمال‌شرق گسترش یافته بود. لیکن پس از انتقال قدرت به مجاهدین و تأمین امنیت نسبی، کارهای بناسازی در چهار جانب شهر دامن گستراند و اهالی هری به بازسازی منازل تخریب‌شدهٔ خود و اعمار منازل جدید مشغول شدند.

در این دوره جریان خانه‌سازی، مارکت‌سازی و دیگر امور ساختمانی در شهر و اطراف آن به همت بخش خصوصی و مردم شتاب افزون یافت و در سطح شهر در حدود ۴۰ شرکت خصوصی ساختمانی به این امور سرگرم بودند. ساختمانها در سطح شهر

بیشتر به شکل پخته و عصری بنا شده و شیوهٔ معماری ایران در آن تأثیر داشته است.

مارکت‌سازی

صنعت مارکت‌سازی یکی از پردرآمدترین کارهای اقتصادی ـ ساختمانی در ولایت هرات محسوب می‌شد و به این دلیل مورد توجّهٔ سرمایه‌داران قـرار گـرفت. از سـال ۱۳۶۸ جریان مارکت‌سازی در این ولایت سیر صعودی پیداکرد که اوج آن بعد از سال ۱۳۷۱ بود. طی سالیان متمادی سرمایه‌های هنگفتی در این راه به مصرف رسید. تعداد این مارکتها بیش از نیاز واقعی هرات است.

علاوه بر آن از نگاه نورمهای پیشرفتهٔ معماری مارکتهای هرات نواقص زیادی دارد. در این مارکتها به امکانات آسایشی، فضای کافی سالم و صحی برای دکانها، بهداشت محیط، شبکهٔ درست فاضلاب، شستشو و بدررفت، پارکینگ وسایط نـقلیه و دیگـر امکانات لازم هیچ توجّهی نشده است و این به راستی ضربهٔ اساسی بر پیکر نقشهٔ شهری هرات محسوب می‌شود. در اینجا به نام مارکتهای ساخته شده اشارت می‌شود: مارکت خراسان، آریا، فضلی، شیردل، غزنوی، درویشی، شهزاده‌ها، کاکـر، حـاجی گـلاب، اتصاری، قمر، افغان، ناصری، بابا حاجی، نوروزی، شهابی، انوری، بـی‌نظیر، لطـیف، فاضلی، عزیزی، پاساژ طلا، بازارچهٔ طلا، سـرای مـروارید، فـواد، هـری، خـداداد، رحمانی، خواجه عبدالله مصری، تاکی، کاکه‌زاده، حاجی کریم، نظری، آزادانی و حبیبی. همچنین بیش از ۵۰ مارکت دیگر در این وقت در حال ساختن بود.

مرمت و بازسازی بناهای تاریخی

در این دوره به کمک برخی مؤسسات خارجی و اشخاص خیراندیش هراتی تعدادی از ابنیهٔ باستانی هرات ترمیم و اعمار مجدد شد که در اینجا به نام آنها اشاره می‌شود: گنبد زیارت شهزاده عبدالله در مصرخ، مسجد جامع زیارتگاه، مسجد جامع ابولولید، مسجد جامع محلهٔ عربها، گنبد گوهرشاد در کهسان، مسجد و حمام سلطان باباجی، مسـجد غلوار، گنبد گوهرشاد بیگم و پل مالان.

اسفالت جاده‌ها

کار اسفالت سرکهای اصلی هرات به تاریخ ۲۷ ثور ۱۳۷۴ آغاز شد و قبل از اتمام آن، هرات به دست طالبان سقوط کرد.[1]

نواحی هشتگانهٔ هرات

در سال ۱۳۷۵ مرکز ملل متحد برای اسکان بشر سروی عمومی در مورد نواحی هشتگانهٔ شهر هرات انجام داده است که نگارش خلاصهٔ آن و ارائهٔ جدول مزبور در اینجا مفید تشخیص می‌شود. به جدول معلومات عمومی در مورد نواحی هشتگانهٔ شهر هرات توجه فرمایید:

جدول ۴. ۲ ـ معلومات عمومی در مورد نواحی هشتگانهٔ شهر هرات ـ سال ۱۳۷۵[2]

نواحی	تعداد گذرها	تعداد منازل	تعداد خانواده‌ها	تعداد اعضای خانواده‌ها	تعداد مساجد	تعداد حمامها	مکاتب ذکور	شاگردان ذکور
ناحیهٔ اول	۴	۲۲۶۲	۳۷۹۶	۲۲۷۸۷	۲۴	۱	۵	۴۳۰۷
ناحیهٔ دوم	۲۷	۳۶۲۸	۶۹۶۹	۴۱۵۴۶	۷۸	۹	۴	۲۲۶۲
ناحیهٔ سوم	۷	۱۸۱۴	۳۰۶۳	۱۷۱۲۵	۲۴	۱	۲	۵۷۰۰
ناحیهٔ چهارم	۸	۲۰۷۶	۳۴۳۷	۱۹۵۹۲	۳۲	۳	۶	۵۷۲۰
ناحیهٔ پنجم	۱۶	۵۶۱۵	۹۸۹۴	۵۶۰۸۱	۸۹	۱	۱۰	۸۹۸۸
ناحیهٔ ششم	۱۰	۴۹۴۳	۱۰۴۵۳	۵۶۹۳۷	۶۴	۲	۳	۳۱۲۰
ناحیهٔ هفتم	۲۸	۵۴۶۹	۱۰۳۴۹	۵۹۸۹۶	۱۰۹	۱۰	۳	۲۷۶۰
ناحیهٔ هشتم	۱۳	۳۴۴۴	۶۸۸۴	۳۸۶۵۷	۴۸	۴	۶	۹۰۸۱

۱. هرات در سنبلهٔ ۱۳۷۴ به دست طالبان افتاد. در این دوره به سبب عدم اعتماد مردم هرات به رژیم طالبان و ترس از آیندهٔ مبهم از سرعت کارهای عمرانی و ساختمانی بخش خصوصی و مردمی کاسته شد و حکومت طالبان هم هیچ علاقه‌ای به کارهای عمرانی و امور بازسازی نداشت.

۲. دفتر مرکز ملل‌متحد برای اسکان بشر در هرات. (چون در دورهٔ‌طالبان زنان و دختران از حق‌کار و تحصیل محروم شده بودند به این سبب تعداد مکاتب دخترانه و تعداد شاگردان اناث در جدول فوق نیامده است.)

هرات بعد از سقوط حکومت طالبان (۱۳۷۹ ـ ۱۳۸۷)

بعد از سقوط حکومت طالبان فعالیتهای جامعهٔ جهانی و مؤسسات خیریهٔ دولتی و غیردولتی بین‌المللی در افغانستان و از جمله ولایت هرات گسترش پیدا کرد. قیودات رژیم طالبی درهم‌شکست. جامعهٔ افغانستان از طریق امکانات تکنولوجیکی جدید با جامعهٔ جهانی ارتباط بیشتری یافت و از حیث قانونی آزادیهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دامن‌گستر شد. با افزایش اعتماد مردم به آیندهٔ بهتر و مطمئن‌تر، کارهای عمرانی و ساختمانی، فعالیتهای بازسازی و نوسازی و امکانات رفاهی توسط بخش خصوصی و مردم و در اثر تلاش حکومت محلی این ولایت و در رأس آن اسماعیل خان توسعهٔ افزون پیدا کرد چنان‌که چهرهٔ ولایت هرات را دگرگون ساخت. (← تصویر ۴ ـ ۳۰)



تصویر ۴ - ۳۰. دروازهٔ ورودی هرات باستان

روشنایی (برق)

با ورود برق ترکمنستان و جمهوری اسلامی ایران وضع روشنایی ولایت هرات تحول بزرگی پیدا کرد و برق این ولایت شبانه‌روزی شد. به قول حاجی شیراحمد رئیس ریاست برق هرات، ظرفیت عمومی برق ترکمنستان و ایران ۱۳۶ مگاوات است که ۷۵ مگاوات از ترکمنستان و ۶۱ میگاوات از ایران است.

بر مبنای معلوماتی که در سال ۱۳۸۴ در مورد برق هرات به دست آوردم به سبب کندی در پروسهٔ تمدید شبکهٔ برق در شهر و ولسوالیهای هرات از ظرفیت اعظمی برق موجود استفاده نمی‌شود. از برق ترکمنستان در روز ۱۰ میگاوات و در شب به دلیل نیاز بیشتر به روشنایی ۱۵ میگاوات و از برق ایران ۵ میگاوات استفاده به عمل می‌آید. در شهر تا به این تاریخ به تعداد بیش از ۰۰۰ ۴۰ میتر (کنتور) برای ۰۰۰ ۴۰ خانه توزیع شده است. به این حساب با وجود ظرفیت بزرگ برق در حال حاضر اکثریت مردم هرات از نعمت روشنایی محروم‌اند. همچنین به علل کمبود نیروی متخصص و فنی و اشخاص پاک و دلسوز علاوه‌بر این‌که کارهای لین‌کشی و تمدید شبکهٔ برق به کندی صورت می‌گیرد در آن نواقص فنی و تخنیکی نیز وجود دارد. طبق مشاهدات مراجعین و برخی از کارمندان این مؤسسه فساد و استفاده‌جوییهای چند میلیون دالری در این بخش صورت گرفته است.

قابل یادآوری است که برق دیزلی و یا حرارتی هرات در حال حاضر به کلی از کار افتاده است و از ماشینهای قدیمی و استهلاک شدهٔ آن استفاده نمی‌شود.

در اسد ۱۳۸۷ طبق گفتهٔ انجینر دلاور مرادی در مدیریت پلان و انجنیری ریاست عمومی برق هرات، تاکنون به ۰۰۰ ۱۰۳ مشترک برق توزیع شده است و به تعداد چشمگیری در بلوکات انجیل، گذره، زنده‌جان، کهسان و غوریان برق توزیع شده است. در کشک (کوشک) رباط‌سنگی سب‌استیشن[1] یا مرکز فرعی توزیع برق نصب شده و جریان توزیع در آیندهٔ نزدیک آغاز خواهد شد و بلوکات چشت شریف، اوبه، شافلان و کروخ نیز از برق آبی بند سلما مستفید خواهند شد.

---

1. Sub station

آب آشامیدنی

با شروع کار پروژهٔ جدید آب‌رسانی در ۸ حمل ۱۳۸۴ به کمک مالی بانک انکشاف آلمان و همکاری یک شرکت ساختمانی فرانسوی با بودجهٔ ۵۰۶ میلیون یورو وضع آب آشامیدنی تصفیه شده در ولایت هرات بهبود می‌یابد. در مدت یکسال قرار است ۱۰ حلقه چاه در قریهٔ نوین به ظرفیت ۱۰ هزار متر مکعب آب حفر شده و توسط پیپ به طول ۳۰۰۰ متر به شهر انتقال داده شود. در عقب بانک مرکزی هرات به شرق پروژهٔ آب‌رسانی سابق، مخزن آبی به ظرفیت ۳۰۰۰ متر مکعب تحت ساختمان است که با ذخیره‌گاه ۲۰۰۰ متر مکعبی سابق که توسط جاپانی‌ها قبل از جنگ افغانستان ساخته شده بود، ظرفیت مجموعی به ۵۰۰۰ متر مکعب خواهد رسید. (← تصویر ۴ـ۳۱)

به قول انجنیر واسع کارمند فنی این دستگاه، پروژهٔ یاد شده بعد از تکمیل می‌تواند برای ۶۰۰ ۰۰۰ نفر آب آشامیدنی تهیه کند، در حالی که نفوس شهر هرات بیشتر از آن است. به هر حال با اتمام این پروژه وضع آب آشامیدنی هرات نسبت به گذشته انکشاف چشمگیری پیدا خواهد کرد.



تصویر ۴ - ۳۱. مخزن مرکزی پروژهٔ آب‌رسانی

مخابرات

امور مخابراتی و تکنولوجی ارتباطی در هرات نسبت به گذشته گسترش زیادی پیدا کرده است. بر مبنای معلومات انجنیر غلام‌محمد وفایی رئیس مخابرات هرات که در روزنامهٔ اتفاق اسلام سه شنبه ۲۸ سرطان ۱۳۸۴ به چاپ رسیده است، امور مخابراتی هرات اکنون به شرکتهای خصوصی تعلق دارد. تاجران ملی در زمینهٔ مخابرات سرمایه گذاری کرده و تلفون، موبایل و انترنت به ساکتان هرات توزیع کرده‌اند. ریاست مخابرات فقط وظیفهٔ نظارت را به عهده دارد. در حال حاضر کار توزیع ۲۳ هزار شماره تلفون دیجیتالی در جریان است که از آن جمله هفده هزار شمارهٔ آن تاکنون فعال شده است. پنجاه هزار پایه تلفون جدید نیز با یک شرکت خصوصی قرارداد شده که در آینده نصب خواهد شد.

تلفونهای دیجیتالی زمینه را برای گسترش شبکهٔ انترنت به مثابهٔ شبکهٔ وسیع معلوماتی بین‌المللی در هرات فراهم ساخته و کارهای صوتی، تصویری و فاکس را بسی سهل و آسان کرده است.

تکنولوجی موبایل در افغانستان و از جمله در ولایت هرات توسط شرکتهای خصوصی خارجی «روشن» و «افغان بیسیم» خیلی سریع پخش شده است. بیشتر مردم شهر و دهات برای خود گوشی موبایل خریده‌اند. داشتن گوشی موبایل در حال حاضر به مد روز تبدیل شده است.

قابل یادآوری است که تکنولوجی ارتباطی به خصوص موبایل‌فون، سریع‌تر از نیازهای واقعی و اقتصادی جامعه ذریعه شرکتهای خصوصی به خاطر کسب منفعت رشد و گسترش یافته است و بیشتر مردم از آن به شکل تفنّنی استفاده می‌کنند. به این ترتیب در کشوری که تا هنوز بیشتر مردم به نان خوردن خود احتیاج‌اند مبالغ دالری هنگفتی به خارج می‌رود.

در اسد ۱۳۸۷ به قول محمد اسحاق مدیر عمومی پست در ولایت هرات، فعالیتهای پستی در این ولایت در حال رشد و توسعه است. در مراکز بلوکات و حاکم‌نشین‌ها یک مرکز پستی در سطح مدیریت موجود است. پست بین‌المللی از ایران به کابل از طریق هرات صورت می‌گیرد و از کابل از طریق دوبی به سایر کشورها پخش می‌شود. حالا به تمام دنیا تبادلات پستی وجود دارد.

صحت و درمان

هرچند تعداد مراکز صحی و طبی و دواخانه در اطراف هرات بیشتر شده و فاکولتهٔ طب هرات چند دوره داکتر فارغ داده است، مطابق نورمهای بین‌المللی سطح طب و طبابت تا هنوز بسیار پایین است. پخش و فروش دارو نظارت نشده و در سطح شهر و اطراف دارو به مانند مواد غذایی به فروش می‌رسد.

تعداد شفاخانه‌های دولتی و تأسیسات صحی شهر به همان سطح سابق مانده و نفوس روز به روز افزایش یافته است. وضع نظافت در شفاخانه‌ها بسیار خراب است. کسانی که امکانات مالی دارند جهت درمان و معالجه به کشور ایران، پاکستان و هند می‌روند.

قابل یادآوری است که پس از سقوط حکومت طالبان تعدادی شفاخانه و کلنیک خصوصی نیز در هرات تأسیس شده است که در اینجا به نام برخی از آن اشارت می‌شود: شفاخانهٔ افغان آریا، شفاخانهٔ فارابی، شفاخانهٔ صبا، کلنیک افغان آپلو، ابو علی سینا، داکتر عبیدی، شفا، حسینی، امام حسین و غیره. (← تصویر ۴ ـ ۳۲)



تصویر ۴ - ۳۲ . شفاخانهٔ افغان آریا

نظافت شهر

با آسفالت سرکهای اصلی و فرعی شهر از شدت گرد و غبار کاسته شده است. برق سبب شده تا استفاده از یخچال در بین مردم رواج افزون یابد و این سطح بهداشت و نظافت عمومی را در بین خانواده‌ها بالا برده است. اعمار زباله‌دانی و خاکروبه‌دانی در سطح شهر از میزان پخش و پراکنده شدن زباله‌ها، خاکروبه و مواد زاید در کوچه و بازار تا حدودی جلوگیری کرده است.

احیای جنگل‌ها، اعمار و بازسازی پارکها و گردشگاهها و گسترش فضای سبز در مقایسه با دورهٔ جنگ در بهبود آب و هوا و نظافت محیط زیست کمک کرده است؛ لیکن در عوض افزایش سریع وسائط نقلیه در سطح شهر و پخش دود و کثافات آن محیط زیست را آلوده ساخته است.

ترافیک

در شبکهٔ ترافیکی هرات از نگاه نظم و قانون کدام پیشرفتی به وجود نیامده است و فقط بر تعداد وسائط نقلیه افزوده شده است. موترانی در شهر هرات به دلیل عدم رعایت نظم ترافیکی بسیار دشوار است.

طبق احصائیهٔ آمریت جواز سیر مدیریت ترافیک هرات و آمر آن محمد اکرم مهمند در این ولایت در برج سرطان ۱۳۸۴ به تعداد ۲۲۱۲۲ نمبرپلیت موتر لاری، ۳۶۲۲۴ نمبرپلیت موتر شخصی، ۵۲۱۵ نمبرپلیت بس، ۵۹۴۶ نمبرپلیت تاکسی و ۲۴۷۴۹ نمبرپلیت موترسیکل موجود بوده است که مجموع آن ۹۴۲۵۶ نمبرپلیت می‌شود. همچنین تعداد وسائط نقلیه‌ای که از سایر ولایات در هرات عبور و مرور دارند به اندازهٔ ۴۰٪ وسائط نقلیهٔ خود هرات تخمین شده است. افزوده بر آن تعدادی از هراتیان به سبب آسانی کار برای خود نمبرپلیت ولایات همجوار را تهیه می‌کنند. به این حساب تعداد اصلی وسائط نقلیهٔ هرات بیش از احصائیهٔ رسمی است.

کارهای عمرانی و ساختمانی

شهر هرات پس از انتقال قدرت به مجاهدین تا کنون در چهار سمت به گسترش خود

ادامه می‌دهد. در دورهٔ اخیر کار شهرک‌سازی در هرات رونق بسزایی داشته و هزاران جریب زمین توسط سرمایه‌داران و دلالهای زمین خریداری و پس از نمره‌بندی ساده و غیرفنّی با قیمت زیاد دوباره به مردم به فروش رسیده است. در غرب شهر هرات به اطراف شاهراه هرات ـ اسلام‌قلعه و در شرق شهر به جانب سرک شیدایی شهرکهای وسیعی نمره‌بندی شده است.

بلاکهای نشیمن صوفی قدوس در کنار شاهراه هرات ـ قندهار نارسیده به پارک هریرود (← تصویر ۴ ـ ۳۳)، آسمانخراشهای دوقلوی آن در آخر جاده ۶۴ متره غوردرواز و شهرک صنعتی در جوار شاهراه هرات ـ قندهار به مقابل میدان هوایی ملکی هری نمونه‌هایی از شیوه عصری شهرک‌سازی دورهٔ اخیر در هرات باستان محسوب می‌شوند.

طی سالهای اخیر در بخش شهرک‌سازی سرمایه‌های هنگفتی به کار افتاده و از این راه دلالهای زمین سودهای کلانی به جیب زده‌اند. ساحات زیادی از اراضی دولتی و زمینهای شخصی ذریعه این دلالها غصب و به شکل غیرقانونی تصرف شده است و



تصویر ۴ - ۳۳ . شهرک جدید در کنار شاهراه هرات ـ قندهار

دعاوی املاک و زمین، سطح رشوه و فساد را در محاکم و ادارات مربوط به املاک بسیار افزایش داده است. قابل یاددهانی است که کار شهرک‌سازی نیز به مانند مارکت‌سازی اخیراً از رونق افتاده است.

پس از سقوط مارکت‌سازی در شهر هرات کار تالارسازی رونق پیدا کرد و در گوشه و کنار این شهر سرمایه‌داران به اعمار تالارهای عروسی و مجالس سرگرم شدند (← تصویر ۴ـ۳۴). در اینجا به نام برخی از آنها اشارت می‌کنیم: تالار الماس، تالار خوشبختی و تالار آسایش در بلوار سپین ادی. تالار رفاه، نور و ملی در سرک مخابرات. تالار پیوند گلها، خاطره، ناز و محبت در سرک دروازهٔ قندهار. تالار حیدری در سرک قوماندانی، تالار نگین در جادهٔ شمالی، تالار شقایق در محلهٔ نو، تالار شیدایی در سرک بادمرغان، تالار قمر در اول سرک غوردرواز، تالار مهتاب در جادهٔ مهتاب، تالار تخت صفر بر فراز ارتفاعات گردشگاه زیبای تخت صفر و تالار هزار و یک شب (← تصویر ۴ـ۳۵)، شبهای پاریس، خیام، قصر هری، سینا، ستارهٔ شهر، تالار هوتل پنج ستاره بر دامنهٔ ارتفاعات شمال شهر هری و غیره.



تصویر ۴ - ۳۴ . تالار «رفاه» در شهر جدید



تصویر ۴ – ۳۵ . رستوران هزار و یک شب



تصویر ۴ – ۳۶ . نمونه‌ای از منازل جدید مسکونی در هرات

در دورهٔ اخیر اعمار کوتی‌های گران‌قیمت و قصرهای مجلل در شهر هـرات رواج پیداکرده است و این به یک رقابت داغ در بین سرمایه‌داران و حتی طبقهٔ متوسط تبدیل شده است. در این ساختمانها از مواد جدید مثل سمنت، آهن، سنگ، خشت پخته، گچ، کاشی و موزائیک استفاده شده و بیشتر وسایل و لوازم آن از خارج وارد شـده است (← تصویر ۴ ـ ۳۶). در پهلوی این قصرهای مجلل تعداد زیادی از مردم تـا هـنوز در محلات قدیمی شهر به شکل فقیرانه زندگی می‌کنند و شمار چشم گیری هم در خانه‌های کرایی گذاره می‌کنند.

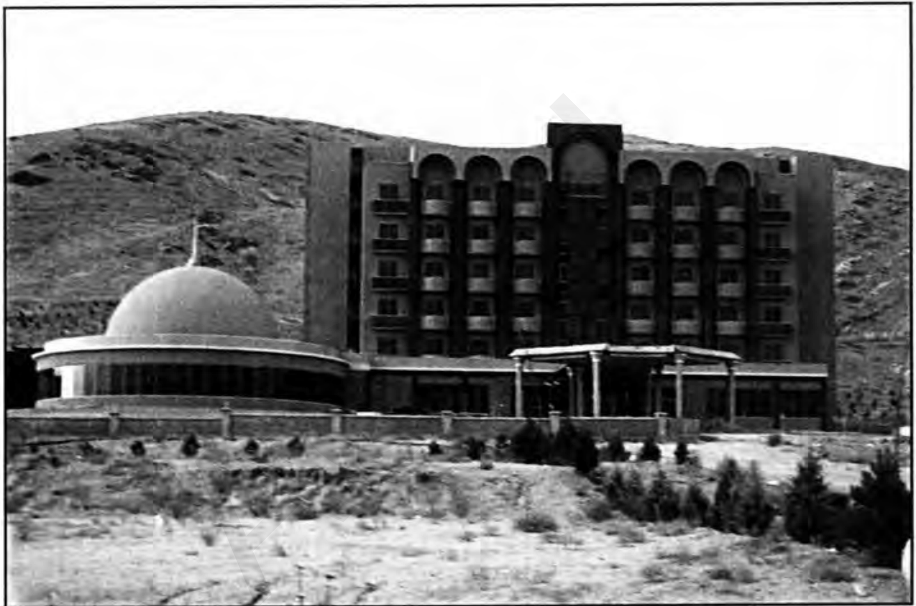
ساختمانهای جدید

وجود مارکتهای جدید، بلوارها، فلکه‌ها و تعمیرات عصری چهرهٔ کهنه و غـبارآگـین هری را دگرگون ساخته است. در شهر هرات بعضی تعمیرات جدید بنا شده که می توان



تصویر ۴ - ۳۷ . ساختمان جدید مرکز تجارت

به نام آن اشارت کرد: عمارت ۱۲ منزله بزنیزسنتر (مرکز تجارتی) واقع در اول جادهٔ غوردرواز (← تصویر ۴ـ۳۷)، خانه جهاد در بالای کوه تخت صفر، هتل پنج ستاره (← تصویر ۴ـ۳۸) و رستورانت هزار و یک شب در ارتفاعات شمال شهر هری و دوقلوهای صوفی قدوس در جادهٔ ۶۴متره به شمال شهر.



تصویر ۴ – ۳۸ . هوتل پنج‌ستاره

فصل پنجم

آثار تاریخی و تفریحگاه‌ها

ساحت باستانی هرات دارای موقعیت جغرافیایی مناسب، آبهای جاری و چشمه‌ساران گوارا، دره‌های زیبا، باغات و کشتزاران دل‌انگیز و تفرّج‌گاههای قشنگ است که برای زندگی و لذت، تفریح و گلگشت از باستان زمانه‌ها باب طبع مردم خوش‌سلیقه و باذوق بوده است. در عهد تیموریها هری باغهای بس زیبا و مشهوری داشته که به طور نمونه می‌توان از باغ زبیده، باغ سفید، باغ دلگشاه، باغ چمن‌آرا، باغ مختار، باغچهٔ تخت عزیزان، باغ نو، گازرگاه و تخت سوخته نام گرفت.

هرات تا هنوز طراوت و شادابی خود را از دست نداده، باغات، کشتزاران، ده‌ها، دره‌ها و تفریحگاه‌های آن برای تفریح و سرگرمی مساعد است. در جریان جنگ طولانی بیشتر این تفرّج‌گاه‌ها تخریب شده و یا به طور شدید خسارت دیدند؛ و لیکن پس از تأمین آرامش و امنیت نسبی دوباره بازسازی و احیای مجدد شدند. در اینجا دربارهٔ این تفریحگاه‌ها معلومات بیشتری ارائه می‌شود.

تخت صفر

این گردشگاه خوش منظر در چهار کیلومتری شمال شهر هرات در دامن ارتفاعات سنگی کوه دیواندر واقع شده و دارای سابقه و شهرت تاریخی فراوان است. مرحوم

فکری سلجوقی تاریخ‌نگار هراتی در این باب مطالبی دارد که نگارش آن خالی از لطف نخواهد بود: «این باغ باصفا را سلطان حسین بایقرا احداث کرده است. در این باغ قصری عالی بناکرده بودند که تا چند سال پیش آثار آن باقی و پایه‌های آن عمارت در نهایت متانت بر جای بود. از جوی سلطانی، این باغ شاداب می‌شد و فواره‌ای در نهایت نفاست از مرمر ساخته بودند که آب به ارتفاع چهار پنج متر جستن می‌کرد. عظیم برادرزادهٔ نظیری نشاپوری تخت صفر را چنین ستایش می‌کند.[1]

بر تخت سفر چو پا گذاری — پا بر خط استوا گذاری
چندان که پرد به سوی بالا — در دامن کوه اوست عنقا
تا سبزهٔ او ز سنگ رسته — یک گل به هزار رنگ رسته
فوراه‌اش از شتاب جستن — مضمون ندهد به دست بستن
بیند چو به زیر پا شتابش — گردد سر آسمان ز آبش

در زمان پادشاهی محمد ظاهر به دستور مرحوم شجاع‌الدوله وزیر امنیه، تخت صفر دوباره آباد شد و در آن درختان سرو و کاج نشاندند و ارغوانهای سرخ و زرد که ظاهراً از همان عصر سلطان حسین باقی مانده بود سیرآب و سرسبز شد. همان فوارهٔ تاریخی از زیر خاک بیرون آمد و دوباره آب آن جاری شد. در زمان مرحوم محمد قاسم خان نائب‌الحکومهٔ هرات، دو عمارت برای کافه و برای نشستن در آن اعمار شد. در دورهٔ عبدالله خان ملکیار والی هری دو حوض آب‌بازی ساخته شد؛ باغ آن وسیع تر و درختان بیشتری در آن غرس شد.

در جریان جنگ هستی‌سوز درازدامن، تخت صفر تخریب شد و درختان ناژو، ارغوانهای زیبا و دیگر اشجار آن خشکید. بازسازی مجدد این تفریح گاه در سال ۱۳۶۸ به کوشش فضل‌الحق خالقیار والی هرات به طور ابتدایی آغاز شد. در دورهٔ اول و دوم ولایت اسماعیل خان به طور جدی‌تری پیگیری شد و بر ساحت آن دو عمارت زیبا ساخته شد و برای سرک‌کشی و درخت‌شانی آن تلاش شد. (← تصویر ۵ـ۱)

تخت صفر دارای موقعیت طبیعی خوب و آب و هوای گواراست و اراضی موج‌دار و

---

۱ . تخته سفر (صفر) رابه «س» و «ص» نویسند. اگر از نام شخص گرفته شده باشد نوشتن آن به «ص» درست است و اگر به سیر و سفر مربوط باشد، باید به «س» نوشته شود.



تصویر ۵ - ۱ . منظرهٔ قشنگ تخت صفر



تصویر ۵ - ۲ . حوض لب‌گردان پارک سینما

طبقه‌دار به آن امتیاز ویژه‌ای داده است. از کنار و یا از پنجرهٔ تعمیر هشت ضلعی روی تپه مرتفع شمال این گردشگاه تمام شهر هری را می‌توان به تماشا نشست و در دیگرگاهان تنگ به تماشای شام و غروب هرات مشغول شد و به این‌سان زنگ غم و اندوه را از دل زدود. تخت صفر یک بار دیگر می‌خواهد سرسبزی و طراوت پیشین خود را به دست آورده و میله‌جا و تفرّج‌گاه هرویان شود.

باغ ملت

این باغ در دورهٔ دوم نائب‌الحکومگی اسماعیل خان در نزدیک تخت صفر بر دامن ارتفاعات کوه دیواندر احداث شده است. تعمیر روی تپه بلند شمالی با حوض قشنگ آب و فضای سبز موج‌دار آن و رستوران مملو از جمعیت در نمازدیگرهای جمعه، منظرهٔ جالبی را در شمال شهر هری به نمایش می‌گذارد. به راستی که از بالای تپه‌های بلند این باغ، منظرهٔ زیبای شام هرات و غروب آن دیدنی و دلپذیر است.

در پایین باغ، حوض آب و رستوران دیگری جلب نظر می‌کند که قایقهای داخل حوض آدم را به یاد پارک ملت تهران می‌اندازد. در کنار این پارک رستوران هزار و یک شب قرار دارد که در دیگرگاههای جمعه پر از مشتری است.

پارک سینما

این پارک پس از احداث شهر نو در سال ۱۳۰۴ تأسیس شده و در دههٔ ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به سبب نزدیکی به مرکز شهر، موقعیت بسیار خوبی داشته است. رسم و گذشت عسکری، آتش‌بازی، کنسرتهای سرباز و مسابقات گادی‌دوانی در آن انجام می‌شد. تعدادی از شوقیان و جوانان، نمازدیگرها در گرد حوض لب‌گردان آن، شورنخود نوش جان می‌کردند (← تصویر ۵ـ۲). با این‌که سینمای هرات توسط طالبان غیراسلامی تشخیص و ویران شده است، پارک سینما تا هنوز زنده و جاودان است.

باغ بهزاد (پارک زنانه)

این باغ در شمال شهر در خیابان تاریخی به کنار جوی انجیل واقع است. در صحن آن گنبد باستانی گوهرشاد بیگم و آرامگاه امیر علی شیرنوایی قرار دارد. پیش از جنگ ساحت آن مملو از کاجهای بلند بالا و اشجار دیگر بود، لیکن طی سالیان نبرد همه در آتش جنگ سوخت. در دورهٔ دوم اسماعیل خان والی هرات این باغ دوباره بازسازی شد و اما تاکنون درختان آن بزرگ نشده است. (← تصویر ۵ـ۳)



تصویر ۵ - ۳ . گنبد گوهرشاد در باغ بهزاد

پارک ترقی و منطقهٔ جشن

پارک مزبور در شرق شهر هرات در ساحت منطقهٔ جشن به جوار استدیوم واقع شده و صحن آن پر از درختان سرو و گل و گیاه است. عصرها تعداد زیادی از مردان به اینجا می‌آیند و شورنخود و میوه میل می‌کنند و بر روی چوکیها و سبزه‌ها به قصه و اختلاط

سرگرم شوند. (← تصویر ۵ـ۴)



تصویر ۵ - ۴ . پارک ترقی در شهر جدید

در ساحت وسیع اطراف استدیوم میدانهای ورزشی فوتبال و والیبال و کلپهای سپورتی مکان دارند. صحن این منطقهٔ فراخ پر از درختان بلند کاج است. ساحات دیگر این منطقه به مانند اراضی پارک ترقی سرسبز نیست. اگر به فضای سبز این ساحهٔ تفریحی و ورزشی توجه شود بی شک که به یکی از پرجنب و جوش‌ترین پارکهای شهری تبدیل خواهد شد.

گازرگاه

باغ گازرگاه و زیارت خواجه عبدالله انصاری در پادامن کوه دیواندر به شمال شهر هرات موقعیت دارد و از تخت صفر تا به آنجا فاصلهٔ کمی است. پیشینهٔ تاریخی گازرگاه به عهد غوریان، سلجوقیان و تیموریان می‌رسد. آثار کنونی آن، یادگار دورهٔ تیموریان در قرن نهم هـ. ش است. مساحت عمومی گازرگاه زیاد است و حصصی از آن

به گورستان اهل هری اختصاص دارد. چشمه آب، فضای سبز و شمال خنک آن از قدیم مشهور بوده است.

چله‌خانهٔ خواجه و آبشار کوچک تشت و آفتابه که در دل ارتفاعات کوه دیواندر واقع شده، به راستی تماشایی است و برای پیاده‌گردی و کوهنوردی بسیار مناسب است. هرویان برای زیارت، هواخوری و زدودن غم و غصهٔ دل، همواره به گازرگاه روند. روزهای جمعه صحن زیارت خواجه مملو از جمعیت است. صوفیان در شبهای جمعه در این محل به ذکر حق پردازند. (← تصویر ۵ـ۵)



تصویر ۵ - ۵. درِ ورودی صحن گازرگاه

سید عبدالله مختار

زیارت سید عبدالله مختار و باغ کوچک آن در شمال غربی شهر هری به نزدیک آرامگاه عبدالرحمان جامی و خواجه غلتان و به طرف شمال شاهراه هرات ـ اسلام‌قلعه واقع است. زیارت به روی یکی از تپه‌های بلند موقعیت دارد که رسیدن به آن مقداری انرژی

می‌خواهد. هرویان جهت نذر و مراد در آنجا به زیارت رفته و دعا خوانند. در پایین تپه باغ کوچکی با یک حوض آب وجود دارد. صوفیان بعضی از شبهای جمعه در این زیارت به ذکر پردازند و روز بیست و یکم محرّم روز شهادت حضرت علی زیارت مملو از خلایق می‌شود. (← تصویر ۵ـ۶)



تصویر ۵ - ۶. زیارت سید عبدالله مختار

درّهٔ خواجه ملاکوهی

این دره در ۱۲ کیلومتری شمال‌غرب شهر هرات به شمال شاهراه هرات ـ اسلام‌قلعه واقع است. در کمرگاه دره چشمهٔ آبی از دل سنگلاخ بیرون آید و فضای سبز دره را مشروب سازد. آرامگاه خواجه ملّاکوهی نیز در اینجا است (← تصویر ۵ـ۷). در تموز هوای دره نسبت به شهر خنک‌تر است و اگر به سرسبزی و طراوت آن توجه شود برای مردم زمینهٔ گلگشت و تفریح بیشتر فراهم خواهد شد.



تصویر ۵ - ۷. درهٔ خواجه ملاکوهی

رباط‌پی

درهٔ رباط‌پی در جنوب زنده‌جان در دل سیاه‌کوه واقع شده است. از شهر هرات تا به مرکز زنده‌جان ۴۴ کیلومتر راه است. در داخل دره، چشمهٔ آبی جریان دارد که درختان آن را سیراب می‌سازد. در ارتفاعات بلندتر دره، فسیل‌های ریز و گاهی درشتی پیدا شود که به مرغان رباط‌پی مشهور است. در آنجا اتاقی وجود دارد که آن را خدای‌خانه گویند و سابقهٔ بسیار تاریخی دارد. گویند که در باستان زمانه‌ها اینجا امان‌کوه فوشنج بوده و پادشاهان در این سنگرگاه مستحکم کوهی پناه می‌گرفته‌اند. همچنین در آنجا گنبد دیگری جلب نظر می‌کند که گویا در حدود سال ۷۵۶ بنا شده و مقبرهٔ امیر طغرل یکی از شاهان محلی در آن قرار گرفته است. مردم زنده‌جان و شهر هرات به این دره به میله و تفریح روند.

باغ شیدایی

در ۱۴ کیلومتری شمال‌شرق شهر هرات به کنار جادهٔ هرات ـ قلعه‌نو موقعیت دارد. این باغ دارای مساحت زیاد بوده و درختان میوه‌دار و بی‌میوه، به ویژه کاجهای آسمان‌سای آن از جوی سلطانی سیراب می‌شوند. در شمال تپه‌های سنگی، کوه دیـوانـدر دامـن گسترانیده که به این تفریح گاه موقعیت طبیعی جالبی داده است. در عـهد پـادشاهی ظاهرخان در این باغ یک تعمیر رستورانت، حوض بزرگ آب‌بازی و حوض کوچک زینتی احداث شد.

شهروندان هری در شبهای تابستان به این میله‌جا به گلگشت و تفرج می‌پرداختند، ولی در سالیان جنگ به سبب ناامنی نمی‌توانستند از زیباییهای طبیعی آن استفاده کنند. همچنین در دوران جنگ به دلیل عدم مراقبت به فضای سبز باغ خسارات زیادی وارد شد.

در اخیر بهار سال ۱۳۸۴ هـ. ش زمانی که از این باغ دیدن کردم حوض بـزرگ را بی‌آب و نیازمند بازسازی یافتم و جوی سلطانی که در ارتفاعات سنگی شـمال بـاغ موقعیت دارد، خشک و بی‌آب بود. اهالی شیدایی می‌گفتند که آب این جوی را از سربند گروخ بسته کرده‌اند. باغچه‌ها، خشک و بی‌گُل به نظر می‌آمدند و باغ واقعاً به بازسازی بیشتری نیازمند به نظر می‌رسید (← تصویر ۵ ـ ۸). با این همه تعداد زیادی از شهریان هرات در زیر درختان کاج به اختلاط و پَربازی مشغول بودند و این نشان می‌دهد که مردم هری بعد از سالیان دراز جنگ و استبداد طالبی تا هنوز نشاط و زنده‌دلی خود را از دست نداده‌اند.

پارک هریرود

این پارک که در سال ۱۳۴۳ احداث شده است، در ۱۰ کیلومتری جنوب شهر هرات به کنار هریرود موقعیت دارد و شاهراه هرات ـ قندهار از کنار شرقی آن می‌گذرد و جوی جغرتان از وسط آن عبور می‌کند. مساحت پارک در حدود ۱۰۰ جریب تخمین شده است.



تصویر ۵ - ۸. بلوار باغ شیدایی



تصویر ۵ - ۹. رستوران جدید پارک هریرود

پارک در جریان جنگ تخریب و به خارستان تبدیل شد، اما در دورۀ دوم ولایت اسماعیل خان دوباره بازسازی و بر ساحت آن چند اتاق برای مسافرین و عمارت قشنگی برای رستورانت بنا شد (← تصویر ۵-۹). پارک از موقعیت طبیعی و جغرافیایی مناسبی برخوردار است و شهریان هری دیگرگاهان خاصه بعد از ظهرهای روز جمعه جهت تبدیل هوا به آنجا روند.

باغ امام شش‌نور

به جانب شرق شهر هرات واقع بوده و از مرکز شهر دورتر افتاده است. در صحن باغ درختان مثمر و غیرمثمر زیادی وجود دارد و یک حوض آب نیز جلب توجه می‌کند. حضور زیارت شش‌نور به این مکان جنبۀ مذهبی و عرفانی بخشیده است. قبر خواجه چهل‌گزی نیز در ساحت باغ قرار دارد که دویدن به دور آن با یک نفس، سرگرمی جالبی برای جوانان و نوجوانان محسوب می‌شود. شهریان هری در سابق، شبْ‌ایستاد به این باغ می‌آمدند و به آشپزی، شب زنده‌داری و ساز و سرود می‌پرداختند و همچنین میله‌های امام شش‌نور هم از شهرت خاصی برخوردار بوده است.

باغ میرداوود

در روزگاران پیشین رباط میرداوود منزلگاه مسافرین و کاروانهای تجارتی بوده است. در عهد شاهی به زمان نائب‌الحکومۀ هرات ملکیار، کاریز میرداوود بازسازی و بر صحن آن رستوران مقبولی اعمار شد و بر اراضی آن اشجاری غرس شد. میرداوود در جریان جنگ ویران شد، ولیکن در سالیان اخیر این میله‌جا دوباره بازسازی و بر ساحت آن تعمیری زیبا و حوض آبی ساخته شده و همچنین در احیای فضای سبز آن بذل مساعی شده است (← تصویر ۵-۱۰). این تفریح‌گاه بالاتر از میدان هوایی ملکی در کنار شاهراه هرات-قندهار واقع است.



تصویر ۵ - ۱۰ . رستوران جدید میرداوود



تصویر ۵ - ۱۱ . مسجد باغ کروخ

درّهٔ شاهبید

شاهبید بالاتر از میرداوود به کنار همین شاهراه واقع شده است. چشمهٔ زلال و هوای خنک آن بسی دلپذیر است. لیکن به این منطقهٔ طبیعی هیچ توجّهی نشده است. اگر به سر و صورت آن دست لطفی کشیده شود، در صورت امنیت بی‌شک به یکی از میله‌جاهای خوب هرات تبدیل خواهد شد.

ملّا ناسپنج و چشمهٔ سفیدکوه

این دو میله‌جاه در سیاه‌کوه به جنوب و جنوب شرقی شهر هرات واقع بوده و هراتیان بعضی شبان تابستان را در آن به روز رسانند. اهالی هری باور دارند که آب چشمهٔ سفیدکوه شفابخش است.

باغ کروخ

این باغ در مرکز حاکم‌نشین کروخ به ۳۵ کیلومتری شمال‌شرق شهر هرات واقع شده و ۲۰۰ جریب مساحت دارد. ساحت باغ، پر از درختان کاج و دیگر اشجار مثمر و غیرمثمر است. هنگام ورود، چشم آدم به برنده و تخت تابستانی طویل مسجدی می‌افتد که ستونهای چوبی آن از پارینگی و ظرافت معماری آن روزگار حکایت می‌کنند (← تصویر ۵-۱۱). در داخل این باغ آرامگاه صوفی اسلام، خدایار خان (سلطان‌خوقند) و حاجی اسماعیل سیاه، شاعر طنزنویس هراتی قرار گرفته است.

غار کروخ

این غار در ۶ کیلومتری غرب کروخ در فراز دره‌ای تنگ موقعیت دارد. در ساحت

دره تعدادی درختان انجیر، خنجک، بید کوهی، توت و غیره سبز می‌زند. از گوشهٔ سقف سنگی غار، آبی می‌چکد که در داخل حوضچه‌ای جمع شود و از آنجا در اراضی موج‌دار پایین جاری شده و برخی درختان و اشجار را سیراب می‌سازد. در گوشهٔ غربی غار، مسجد کوچکی وجود دارد که قدامت آن به سال ۵۲۵ می‌رسد. یک مرتبه در عهد ملک معزالدین حسین کرت در سال ۷۶۷ و بار دیگر در عهد سلطان ابوسعید تیموری به قرن نهم هـ. ش ترمیم شده است. غار ازنگاه طبیعی منظرهٔ بسیار قشنگی را خلق کرده است که به راستی لایق تماشاست. شهریان هرات برای دیدن غار به کروخ رفته و در داخل و اطراف آن به نواختن موسیقی، پَربازی و تفریح می‌پردازند. (← تصویر ۵ـ ۱۲)



تصویر ۵ - ۱۲. غار زیبای کروخ

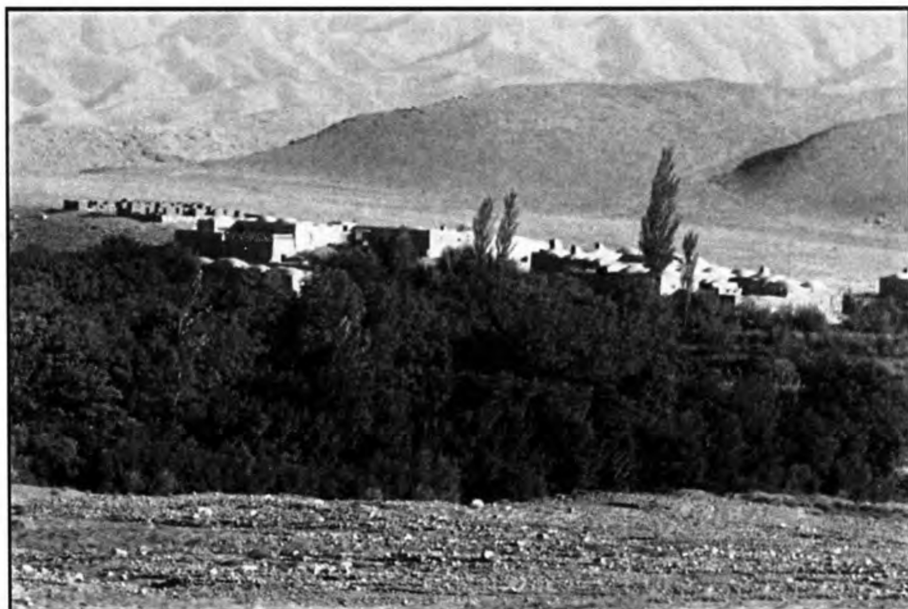
چشمهٔ اوبه

چشمهٔ آب گرم اوبه در ۱۰ کیلومتری مرکز حاکم‌نشین اوبه در داخل درّه‌ای سرسبز واقع شده است. مرکز اوبه از شهر هرات در حدود ۱۰۰ کیلومتر فاصله دارد. مردم باور

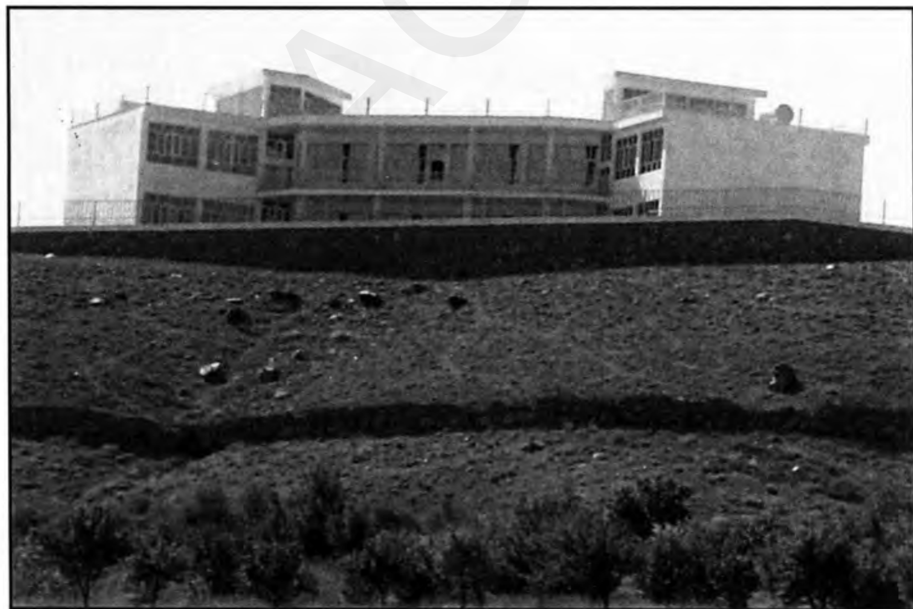
دارند که آب گرم این چشمه برای امراض جلدی مفید است. اهالی شهر هرات جهت تفریح و شفایابی، شبْ‌ایستاد به آنجا روند. در عهد شاهی، در این دره یک هتل و چند غسل‌خانه ساخته شده بود. در دورهٔ اخیر نیز هتل قشنگ دیگری در آن اعمار شده است. در داخل این درهٔ طولانی که در آغوش کوههای سنگی بلند آرمیده است، چشمهٔ آب سرد و شیرین نیز وجود دارد.

درّهٔ چشت شریف

این دره در ۱۶۰ کیلومتری شهر هرات در بین دو شاخهٔ کوه دیواندر در شمال و سیاه‌کوه در جنوب افتاده است و هریرود از میان دره عبور می‌کند. درختان جوز انبوه و آسمان‌سای این دره زیبایی خاصی به آن بخشیده است (← تصویر ۵ـ۱۳). زیارت سلطان مودود چشتی مرشد فرقهٔ چشتیه و آثار تاریخی عهد غوریان به این دیار مزیت عرفانی و تاریخی داده است. در دورهٔ اخیر بر فراز درهٔ چشت برای جلب مسافرین بیشتر، یک هوتل عصری ساخته‌اند (← تصویر ۵ـ۱۴). در مسیر راه اوبه و چشت و چشت و شیرخاج که هماره در میان دو پاره کوه نامبرده به کنار هریرود امتداد می‌یابد دره‌های بسیار سرسبز و شادابی وجود دارد که هر یک تابلو تازه‌ای از زیباییهای طبیعت را به تصویر می‌کشد. آب چشمه‌ساران این دره‌ها بسی گوارا و مطبوع است. ماهی‌گیری در آبهای هریرود یکی از سرگرمیهای دیگر اهالی هری در هنگام دیدار از چشت محسوب می‌شود.



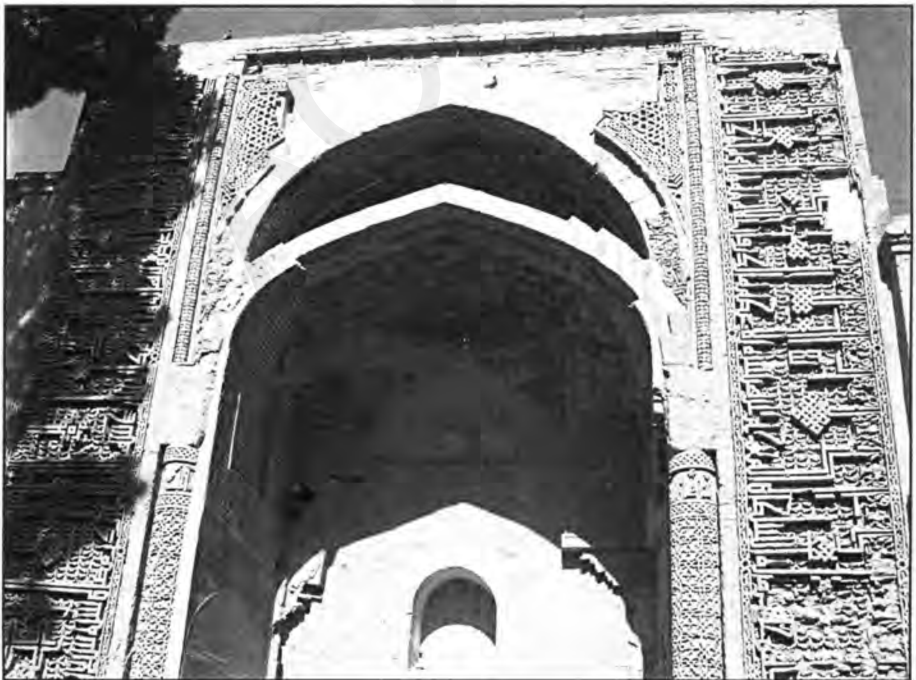
تصویر ۵ – ۱۳ . درهٔ چشت شریف



تصویر ۵ – ۱۴ . هوتل تازه‌ساخت درهٔ چشت

ابنیهٔ تاریخی هرات

هرات را به سبب ابنیهٔ تاریخی آن، هرات باستان گویند. این ولایت روزگاری گنجوارهٔ عمارات نفیس و آبدات قشنگ بوده که توسط معماران ماهر در کمال استادی و چیره‌دستی خلق شده بودند. دوران اوج آن، دورهٔ تیموریان است. طی سده‌های اخیر نه تنها اثر ارزشمندی پدید نیامد، بلکه ابنیهٔ پیشین نیز حفظ و حراست نشد. با این هم در گوشه و کنار هرات تا هنوز آثار باستانی باد و باران خورده و جنگ‌دیدهٔ این ولا، حکایت از تمدّن کهن و فرهنگ ریشه‌دار این خطه دارند (← تصویر ۵ـ۱۵). در اینجا برخی از این آثار معرفی می‌شوند.



تصویر ۵ - ۱۵ . یادگار عهد غوریان و تیموریان

مسجد جامع بزرگ هرات

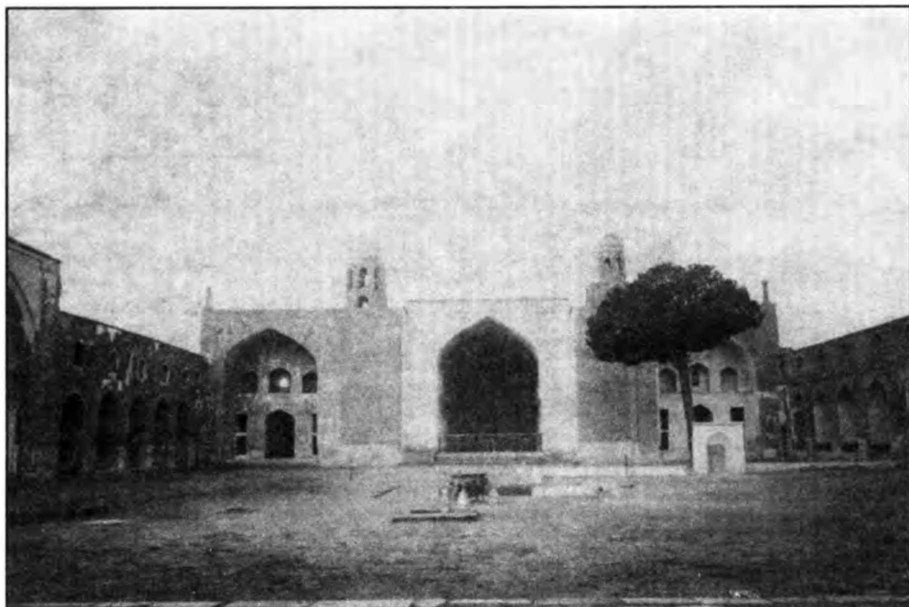
چنین نقل شده است که در زمانه‌های کهن و در روزگار پیش از انتشار دین اسلام، این مکان پاک معبد بزرگ آریاییها و خانهٔ اهورامزدا بوده و لیکن پس از فتح هرات به دست لشکر اسلام، بر روی خاکستر مقدس این عبادتگاه، محراب نماز مسلمانان بنا شد و به نمازگاه و مسجد جامع مشهور شد. می‌نگارند که اصل بنای مسجد چوبین بوده و یک بار هم آتش گرفته است.

تهداب اساسی این مسجد در دورهٔ غوریها نهاده شد. در عهد سلطان غیاث‌الدین محمد بن سام غوری به سال ۵۹۷ کارا عمار مسجد جامع به خشت پخته و گچ آغاز شد، اما در زمان حیات وی به اتمام نرسید. در دورهٔ پادشاهی غیاث‌الدین محمود پسر سلطان غیاث‌الدین بود که کار بنای این گنجینهٔ هنر به پایان رسید. تزئینات آن دوره، منبت‌کاری و نقاری روی خشت پخته و آجر بدون لعاب بود.

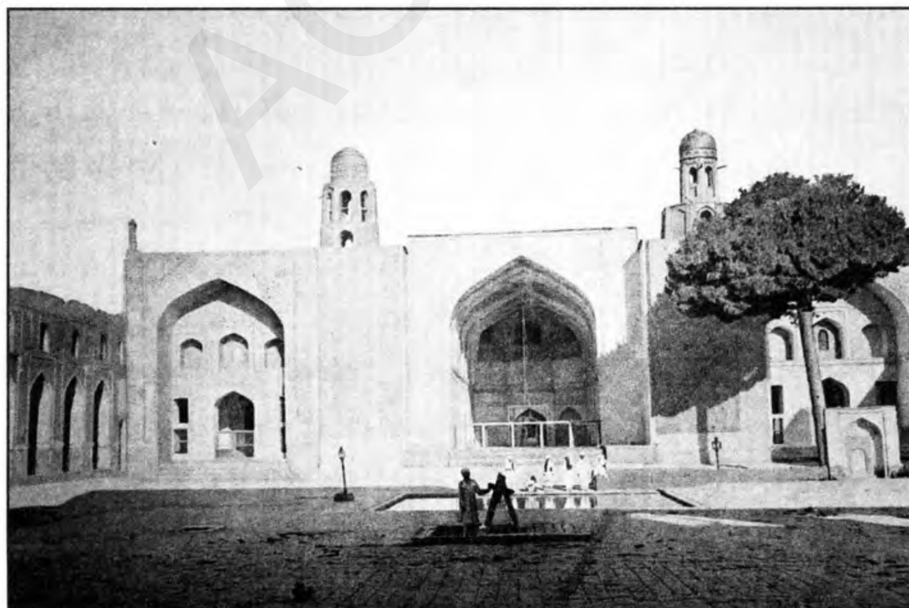
مسجد جامع هری از آتش خشم و کین سپاه چنگیزی در امان نماند و در سالیان تنهایی که شهر هرات به دستور پسر چنگیز خالی از سکنه شده بود، رو به ویرانی نهاد. در زمان ملک غیاث‌الدین کرت بار دیگر ترمیم یافت و در سمت شمال آن مدرسه‌ای عالی‌اعمار شد که به مدرسهٔ غیاثیه معروف شد. در عصر غیاث‌الدین کرت، کاشی لعابی به روی کار آمد و در و دیوار مسجد به کاشی فیروزه‌ای مزین شد.

در عهد پادشاهی شاهرخ میرزا باز دست لطفی بر سر و صورت این مسجد کشیده شد. در سال ۹۰۴ بود که امیر علی شیر نوایی وزیر سلطان حسین بایقرا مسجد جامع را تعمیر اساسی کرد و در و دیوار و سقف و جدار آن به کاشی معرق رنگارنگ زینت یافت. امور کتیبه‌نگاری و خطاطی آن به خوشنویس مشهور دورهٔ تیموری سید روح‌الله میرک هروی سپرده شد. درخور یادآوری است که نمونهٔ تزئینات ادوار غوری، کرت و تیموری تا هنوز بر پیشانی ایوان، سر در سابقهٔ این مسجد واقع در سراچهٔ جنوب شرقی آن می‌درخشد.

در دوران جنگها، اغتشاشات و ناآرامیهای پس از سقوط امپراتوری تیموری باز مسجد جامع هری تنهای تنها ماند و رو به ویرانی نهاد. حسن خان شاملو حکمران عهد



تصویر ۵ - ۱۶ . مسجد جامع بزرگ، پیش از ترمیم جدید



تصویر ۵ - ۱۷ . مسجد جامع هرات قبل از بازسازی. (عکس از نیدر مایر)

صفوی به ترمیم آن همت گمارید. در زمان وزیر یارمحمد خان ایوان مقصوره که فروغلتیده بود دوباره پوشیده شد. در عهد امیر حبیب‌الله خان مسجد متذکره ترمیمات بیشتری یافت، ولیکن سراهای نشیمن اطراف، منظرهٔ بیرونی مسجد را نازیبا ساخته بود. در زمان محمد قاسم خان نائب‌الحکومهٔ هرات، منازل یاد شده خریداری و اطراف مسجد جامع شریف فراخ تر شد. (← تصویر ۵ـ ۱۶ و تصویر ۵ـ ۱۷)

در عهد سلطنت ظاهر شاه به دورهٔ عبدالله ملکیار والی هرات (۱۳۲۲ هـ. ش) کار ترمیم و بازسازی مسجد جامع روی دست گرفته شد. حاجی محمداسماعیل مهندس و غلام‌حیدر مهندس در امور تعمیر و ترمیم و حاجی ملّا عبدالله هروی و مرحوم میر آقای نستعلیق‌نویس در امور خطاطی بذل مساعی به خرج دادند. محمد علی عطار هروی که در نگارش خطوط هفتگانه ید طولایی داشت به نبشتن کتیبه‌های خط ثلث جلی این عبادتگاه همت گماشت و مرحوم فکری سلجوقی و مشعل هروی نیز در کار تزئین و نقاشی مسجد خدماتی انجام دادند. (← تصویر ۵ـ ۱۸)

جهت آگاهی دربارهٔ مشخصات داخلی و طول و عرضهای این عبادتگاه به نگارش مطالبی می‌پردازم که فکری سلجوقی از روی نسخهٔ خطی *خلاصة‌الاخبار و اخبارالاخیار* خواند میر، گردآوری کرده است: «مسجد جامع شریف مشتمل است بر چهار صد و شصت گنبد و صد و سی رواق و چهار صد و چهل و چهار پیل‌پایه و طولش سوای عرض دیوار دویست و پنجاه و چهار زرع است و عرضش صد و پنجاه زرع و طول صفهٔ مقصوره و عرضش بیست و پنج زرع و دهنهٔ طاقش بیست و شش زرع و طول صفهٔ شمال بیست و سه زرع و عرضش پانزده زرع و طول صفهٔ جنوبی بیست و دو زرع است و عرضش سیزده زرع و نیم. طول گنبد مقبره ملوک بیست و چهار زرع است و عرضش بیست و سه زرع و طول صحن مسجد صد و چهارده زرع است و عرضش هشتاد و چهار زرع و این بقعه شش دروازه دارد که غیرت هشت در بهشت است و در هفت اقلیم شبه و نظیر ندارد.»[1]

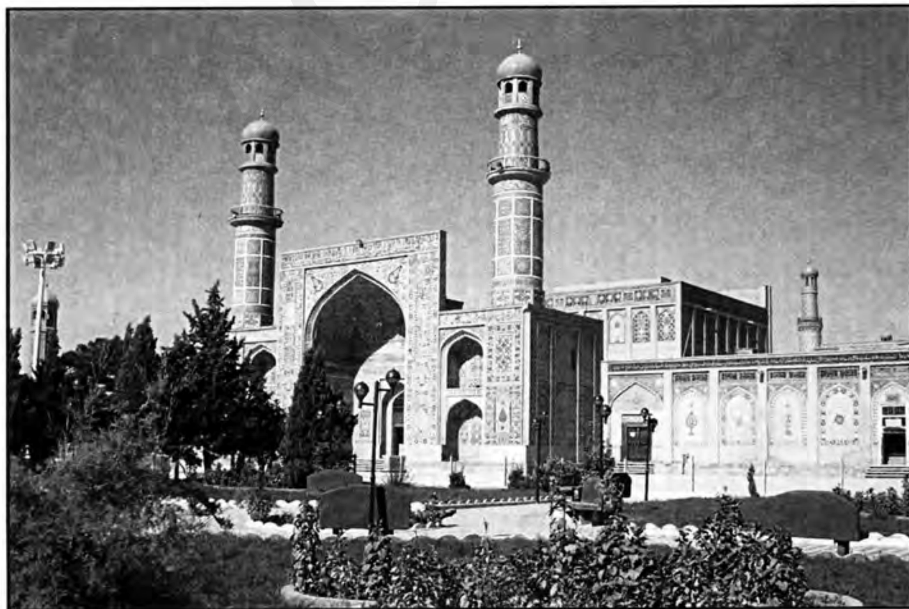
نقشه و اسکلت کلی مسجد جامع طی قرون اخیر تفاوتی نکرده و تنها گلدسته‌هایی به آن اضافه شده است. این مسجد ۱۲ گلدسته دارد که پس از سال ۱۳۲۲ بازسازی و نوسازی شده است. در ضلع غربی صحن مسجد یک ایوان بزرگ در وسط و دو ایوان

---

۱ . مجلهٔ هرات، دورهٔ دوم، سال یازدهم، میزان ۱۳۲۷، ص ۱۳.



تصویر ۵ – ۱۸ . مسجدجامع شریف درحال حاضر



تصویر ۵ – ۱۹ . پارک مسجد جامع در سمت شرقی

میانه در دو جانب دیده می‌شود. در سمت جنوب صحن یک ایوان بزرگ در میان و پنج ایوان خرد با یک دالان و درِ ورودی در یک سو و پنج ایوان خرد با یک دالان و درِ ورودی در سوی دیگر وجود دارد. ضلع شمالی هم به مانند ضلع جنوبی است، با این تفاوت که ایوان بزرگ و ایوانهای کوچک دارای پنجره بوده و از اتاقهای آن برای مراسم فاتحه و غیره استفاده می‌شود. در ضلع شرقی هم یک ایوان بزرگ در وسط و سه ایوان میانه و یک کوچک در یک جانب و سه ایوان متوسط که یکـی از آن دالان دراز درِ شرقی است با یک ایوان خرد در سمت دیگر ایوان بزرگ قرار گرفته است. در گوشهٔ شمال شرقی، مدرسهٔ جامع واقع شده و پارک بزرگ مسجد جامع به طرف شرق موقعیت دارد. ایوان شرقی و دو منار آن که از آن به کارگاه کاشی‌سازی می‌روند از ابنیهٔ سـال ۱۳۲۳ محسوب شود. (← تصویر ۵-۱۹)

در صحن مسجد یک چاه آب و دو محراب سنگی توجهٔ آدم را جلب می‌سازند و دیگ هفت جوش بزرگ قدیمی که در داخل ایوان بزرگ ضلع شرقی جا دارد و جای خشت فرش قدیمی صحن مسجد جامع را قطعات سنگ سفید گرفته است.

قلعهٔ اختیارالدین (ارگ هرات)

در ایام قدیم، بر شمال شهر هری قلعه‌ای بوده که آن را دژ شمیران می‌گفتند و در بعضی از تواریخ قدامت آن به پیش از بنای شهر هرات مـی‌رسد، چـنان‌که در بـخش یکـم *روضات‌الجنات* آمده است: «به اجازهٔ همای چهرآزاد دختر بهـمن بـن اسـفندیار کـه او را شمیران می‌خواندند و تختگاه او بلخ بود، حصار شمیران را بساختند و دوازده سال در عمارت او به سر بردند... بعد از طوفان نوح علیه‌السلام اول بقعه‌ای که در خراسان ساختند قلعهٔ شمیران است.»[1] اگرچه روایت مذکور شکل افسانوی دارد، با آن هم نشان می‌دهد که دژ نام‌برده پیشینهٔ پردرازنا دارد.

این قلعهٔ باستانی در مسیر تاریخ پر نشیب و فراز هرات بارها ویران شده و دوباره از نو آباد شده است. پس از تهاجم سپاه چنگیزخان که طی آن شهر هرات منهدم شد، این

---

۱. روضات الجنات، بخش یکم، ص ۵۵.



تصویر ۵ – ۲۰ . ارگ هرات، پیش از ترمیم. (عکس از نیدر مایر)



تصویر ۵ – ۲۱ . ارگ هرات، پیش از ترمیم

دژ باز در عهد ملک فخرالدین کرت به کوشش وزیر وی اختیارالدین نام به طور خامه ساخته شد و به قلعهٔ اختیارالدین مشهور شد.

در زمان تصرف هرات به وسیلهٔ تیمور لنگ، قسمتی از این قلعه ویران شد ولیکن در دورهٔ سلطنت شاهرخ میرزا پسر تیمور این دژ گلین را دوباره به صورت پخته و اساسی بنا کرده و با کاشیهای رنگارنگ بیاراستند؛ چنان‌که در این‌باره حافظ ابرو مورخ عهد تیموریان می‌نگارد: «بر دیوار شمالی شهر قلعه علی حده که ملک فخرالدین کرت در زمان پادشاه عادل غازان خان آن را از خشت خام بر روی خاک برآورده بود و به مرور زمان مدروس و مطموس گشته، حضرت سلطنت شعاری [شاهرخ میرزا] در شهور سنهٔ عشر و ثمان مائه [۸۱۸ هـ.] به بنای حصنی حصین رحین و تسدید اساس قلعه منیع رفیع که در استواری با سد سکندری دعوای برتری نماید اشارت فرمود، آن را گشاده برگردانید و در همان موضع با سنگ و آجر قلعه‌ای بنیاد نهاد و به تکلف هرچه تمام‌تر، در مابین دو سال به اتمام رسید. یک درِ قلعه در اندرون شهر و یک درِ دیگر در بیرون آن است.»[1]

پس از فروپاشی امپراتوری تیموریان، قلعهٔ موصوف باز هم یکی از مراکز عمدهٔ تدافعی شهر هرات بوده است و در نبردهای دامنه‌دار ازبکان و صفویان نقش اساسی داشته و در بستر زمان ضربات و خسارات زیادی را متحمل شده است. دژ مزبور در عهد حکمرانی وزیر یارمحمد خان و سپه‌سالار فرامرز خان نیز ترمیم شد. (← تصویر ۵ـ ۲۰)

یکی از حوادث بسیار عجیب این است که «در پایان سال ۱۳۳۰ شمسی جنرال حیات‌الله خان با یک کندک از افراد فرقه با دهل و سرنا و نقاره به تخریب این قلعهٔ باستانی، به ویژه خانهٔ زرنگار آن پرداخت. هنوز هم هرویان فرهنگ‌دوست از آن واقعه با نفرت و انزجار یاد می‌کنند.»[2] (← تصویر ۵ـ ۲۱)

این قلعه در زاویهٔ شمال‌غرب حصار قدیم هرات که حالا ناف شهر هری است موقعیت دارد. ساحت مرتفع صحن داخلی قلعه به جانب شرق و قسمت تحتانی آن در سمت غرب افتاده است که به دو دروازهٔ شمالی و جنوبی پیوند می‌شود. چنان‌که از نقشهٔ قدیمی دریافت می‌شود، دژ موصوف دارای ۱۷ برج دیدبانی بوده که شاه‌برج آن به نام

---

۱. جغرافیای حافظ ابرو، ص ۱۳.
۲. مجلهٔ هرات باستان، میزان و قوس ۱۳۶۴، ص ۳۹.

برج تیموری یاد می‌شود و تا کنون در کنج شمال‌غربی موقعیت دارد. ارتفاع دیوارهای این دژ از سطح زمین بین ۳۰ تا ۴۰ متر برآورد شده است. سابق در پیرامون قلعه خندقهای ژرفی وجود داشت که برای افزایش قدرت دفاعی همواره پر از آب بود، اما اکنون از آن خندقها اثری نیست. حالا دروازه‌های شمالی و جنوبی قلعه مسدود بوده و از دروازهٔ غربی رفت و آمد می‌کنند.

کار بازسازی ارگ هرات در سال ۱۳۵۴ هـ. ش زیر نظر دو نفر از متخصصین یونسکو آغاز شد و اما پس از کودتای ثور ۱۳۵۷ به کندی گرایید و سپس مدتی متوقف شد. قابل گفتن است که این دژ کهنسال تا هنوز پای استقامت بر زمین کوبیده و از روزگاران تلخ و شیرین حکایتها دارد.

پس از سقوط طالبان کار بازسازی و ترمیم ارگ هرات از سر گرفته شد و دکانها و ساختمانهای سمت شرق و جنوب، تخریب و به پارک اختصاص داده شد. (← تصویر ۵_۲۲)



تصویر ۵ – ۲۲ . ارگ هرات در حال حاضر

پلان اصلاحی ارگ هرات: در دورهٔ جمهوری داوودخان (۱۳۵۶ـ۱۳۵۲) قرار بود که پلان اصلاحی ساحه پیرامون قلعهٔ اختیارالدین، مشهور به ارگ هرات، همزمان با تطبیق پلان عمومی شهر هرات عملی شود؛ به این صورت که ساحات اطراف ارگ گشادتر شده و بر اساس نقشهٔ نامبرده دوباره‌سازی می‌شود.

در پلان خندقهای دور ارگ به شکل آب‌نما می‌شد و ساختمان دکانها به طور یک‌منزله و به سبک معماری عهد تیموریان در نظر گرفته شده بود. در این ساحه مسجد پای‌حصار، خرقهٔ شریف و حوض ملک به عنوان آثار تاریخی حفظ می‌شد.

در ۱۸ عقرب ۱۳۵۳ محمد داوود رئیس دولت و صدراعظم کشور بعد از ملاحظهٔ این پروژه، تطبیق آن را هدایت داد. در قسمت دکانهای یک منزلهٔ جنوب و غرب قلعه تصمیم گرفته شد که به شکل بازار سرپوشیده نقشه شود، لیکن جنگ و یرانگر هرگز مجال تطبیق این طرح را نداد.[۱]

مصلّای هرات

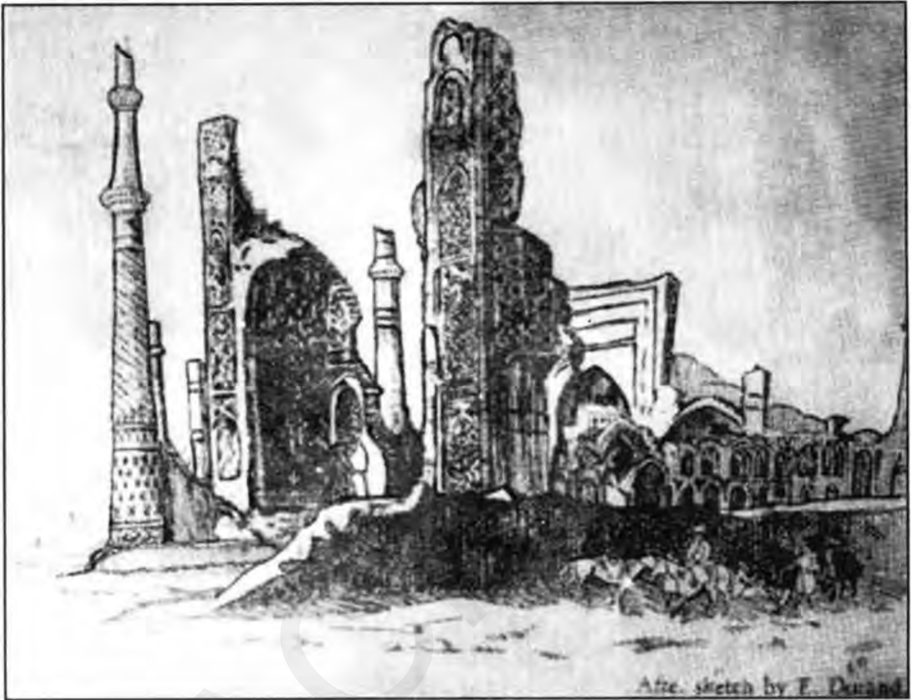
مصلّاهای هری در شمال غربی شهر هرات به کنار سرک مولانا عبدالرحمان جامی و یا خیابان قدیم قرار داشته‌اند. خیابان، منطقه‌ای تاریخی و دیرین‌سال است که در روزگاران کهن آن را کوی خدایگان یعنی جایگاه پادشاهان می‌گفتند. در دورهٔ تیموریان نیز این ساحه به دارالسلطنهٔ هرات مبدل و باز تختگاه سلاطین تیموری شد.

در عهد تیموریان در ساحت خیابان قدیم، مصلاهای هرات درخشندگی بی‌نظیر داشتند و این عمارات عبارت بودند از مدرسهٔ گوهرشاد آغا، مسجد جامع گوهرشاد، مدرسهٔ سلطان حسین بایقرا، خانقاه سلطان‌حسین، مسجد جامع امیر علی‌شیر نوایی، دارالحفاظ، دارالشفا، خانقاه اخلاصیه و مدرسهٔ اخلاصیه. (← تصویر ۵ـ۲۳)

پس از مرگ سلطان حسین بایقرا، دو فرزندش بدیع‌الزمان و مظفر حسین نتوانستند امپراطوری بزرگ تیموری را نگه‌دارند. بعد از فروپاشی حکومت تیموریان خیابان زیبا و عمارات کم‌نظیرش در میان آتش جنگها، اغتشاشات و ناامنیهای درازدامن بی‌یار و

---

۱. نقشهٔ اصلاحی اطراف قلعه اختیارالدین، آمریت پما، ولایت هرات.



تصویر ۵ - ۲۳ . نمایی از ویرانه‌های مصلاها پیش از انهدام کامل

یاور ماندند. اما با این همه، آثار باستانی خیابان به‌سان زیبا گوهرهایی در دل هرات باستان، شکوه پارینه را فروزان داشتند که مغزهای بیمار این یادگار نفیس معماری را قدر ندانستند و از روی سیاست پوچ و افکار پوسیده با تحریکات و مقاصد شوم اجنبی در پایان سال ۱۳۰۳ و اوایل ۱۳۰۴ قمری به زور باروت از بیخ و بن ویران و با خاک یکسان کردند و از این آبدات گران‌قدر وطن جز نُه پایه منار و یک گنبد مقبرۀ گوهرشاد چیزی باقی نگذاشتند (← تصویر ۵ـ ۲۴). از جمله ده منار موصوف یک پایه در سال ۱۳۰۰ شمسی، یک منار به سال ۱۳۰۷ و یک مناره در سال ۱۳۲۹ شمسی فرو غلتید و اکنون یک منار از مسجد جامع و یکی از مدرسۀ گوهرشاد و چهار پایه منار از مدرسۀ میرزا باقی مانده است.[1]

۱ . مجلۀ هرات، دورۀ دوم، شمارۀ ۱۰، ۱۱، ۱۲، حوت ۱۳۴۱ ص ۲۳، ۲۶.



۵ – ۲۴ . مناره‌های هرات در ۱۲۹۸ ش. (عکس از نیدر مایر)

در مورد مصلّای هرات، مرحوم محمد یوسف ریاضی تاریخ‌نگار آن دوره معلومات مفیدی دارد که نگارش آن خالی از لطف نخواهد بود: «مصلای هرات که به تصویب امنای انگلیس [و موافقهٔ امیر عبدالرحمان خان] ویران شد، اول بنای عالی صفحات مشرق‌زمین بود که نردبان فکر و خیال به پایهٔ آن منتهی می‌شد و غرفات مسجد و ایوان مقصورهٔ آن را با کاشیهای آبی و سبز منقش کرده بودند، به طوری که اکنون هیچ استادی تدبیر فن او را ندارد و هیچ معماری نصبش را نمی‌تواند. و اصل بنیاد پنج مصلا بود، هر کدام از عهدی بـه قـرار تفصیل: مصلای اول را ملکان غور که به سلاطین کرتیه معروف‌اند بنا نهاده‌اند. مصلای دوم را امیر تیمور گورگان ساخته بود و مصلای سوم یادگار سلطان حسین میرزای بایقراست. دو مصلای دیگر را شاهرخ و سلاطین ازبک بنا نهاده و سلاطین صفویه به اتمام رسانیده بودند. و به هر یک از آن مصلاها صحن و ایوان و گنبدی با دو منارهٔ بسیار مرتفع تعبیه شده بود.

آن یک مصّلایی که از [زمان] امیر تیمور بود و ایوان و غرفاتش در عهد شـاه حسـین میرزای صفوی شکست یافته بود، آجر آن را آورده چهار سوق و حوض معروف هـرات را

ساخته بودند. فعلاً چیزی که از مصلا باقی مانده است، نُه منار است.»[۱]

در دورهٔ بحرانی اخیر و در جریان جنگ طولانی افغانستان باز هم ضربات کاری بر معدود آثار باقی ماندهٔ خیابان قدیم وارد آمد. منار زیبای مدرسهٔ فخرالمدارس به همراه بنای معاصر مدرسه تخریب شد. منار داخل باغ بهزاد خمیده قامت شده و قدرت روی پای ایستادن را کم‌کم از دست خواهد داد و چهار منارهٔ دیگر نیز زخمهای کاری گلوله‌های توپ و تانک را بر پیکر ستبرشان تحمل کرده‌اند (← تصویر ۵ـ۲۵). راه موتررو میان مناره‌ها و عبور و مرور وسایط نقلیهٔ سنگین خطر جدّی متوجّهٔ این آثار کرده است. امید برای حفظ این آثار تاریخی تدابیر جدی اتخاذ شود.



تصویر ۵ - ۲۵ . مناره‌های عهد تیموریان

۱ . عین الوقایع تاریخ افغانستان، محمد یوسف ریاضی، ص ۱۸۰.

گنبد سبز

گنبد قشنگ کلاه درویشی گوهرشاد بیگم که به دستور گوهرشاد زوجهٔ شاهرخ میرزا جهت دفن خودش، شوهر و فرزندانش به دست استاد عمادالدین معمارا عمار شد، یکی از شاهکارهای عصر تیموریان در قرن نهم هجری محسوب می‌شود. ابنیهٔ مـزبور در خیابان مشهور هرات در آغوش بـاغ بـهزاد تـنهای تـنها افـتاده و جـنگ، نـاژوهای آسمان سای باغ را به آتش کشیده است.

این بنا که به گنبد سبز مشهور است، از نگاه سبک معماری دارای سه پوشش تو در تو است که گنبد فوقانی آن به شکل کلاه درویشی طراحی شده که در منطقهٔ ما کم‌نظیر است و برای باستان‌شناسان و فرهنگ‌دوستان جهان اهمیت زیادی دارد و از نگاه صـنعت توریسم برای کشور ما بسیار مفید است. (← تصویر ۵ـ۲۶)



تصویر ۵ - ۲۶ . گنبد سبز، یادگار عهد تیموریان

گازرگاه شریف

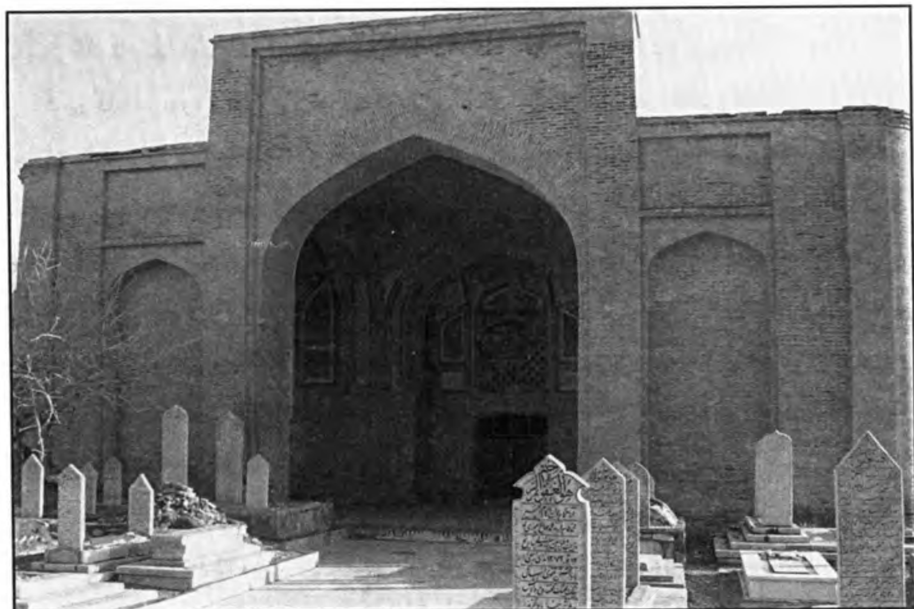
به شمال شهر هرات، در دامن فراخ کوه دیواندر که در این حصهٔ کوه، زنجیرگاهش خوانند، قریهٔ سرسبز و زیبای گازرگاه واقع است. دربارهٔ وجه تسمیهٔ این مکان تاریخی روایات گوناگونی ابراز شده است. بعضی بدین نظراند که چون زیارت خواجه عبدالله انصاری مشهور به پیر هرات در آنجا بوده و هرکس که بدانجا می‌آمده گناهانش شستشو می‌شده است، به این سبب آن را گازرگاه (گازرستان و یا رختشوی‌خانه) نامیده‌اند. در این باب مولانا عبدالرحمان جامی شعری دارد:

گازرگهی است تربت او کاب مغفرت　　　در ساحتش سفید کند نامهٔ سیاه

برخی را چنین باور است که به دلیل رفت و آمد زیاد مردم به زیارت پیر هری، اینجا را گذرگاه گفته‌اند. در برخی تواریخ آمده است که در این مکان در سنهٔ ۱۵۰ هجری بین مسلمانان و خوارج و یا به روایتی میان لشکر اسلام و زردشتیان که از آتشکدهٔ بزرگ



تصویر ۵ – ۲۷. صحن گازرگاه شریف



تصویر ۵ - ۲۸. خانه زرنگار در کازرگاه



تصویر ۵ - ۲۹. عمارت نمکدان درباغ گازرگاه

فراز کوه آنجا حراست می‌کردند، نبرد بسیار سختی رخ داده است و به این علت آن را کارزارگاه نام نهاده بودند که به مرور زمان به گازرگاه تبدیل شده است.

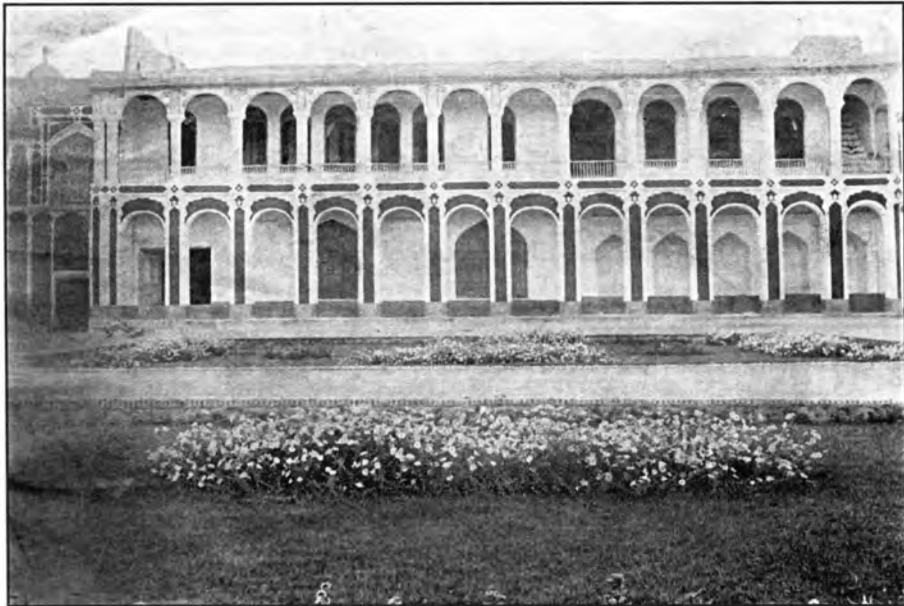
گازرگاه در دورهٔ غوریان و سلجوقیان اندک آبادی داشته ولیکن در زمان شاهرخ میرزای تیموری (۸۵۰ـ۷۹۹) به طور اساسی تعمیر و کاشی‌کاری شده و خانهٔ زرنگار، معماری استادانه، حوض زمزم، سنگهای منقش، احجار رنگین و سنگ‌نبشته‌های آن چشم را جلا می‌بخشند (← تصویرهای ۵ـ۲۷ و تصویر ۵ـ۲۸). ساختمان مقبول نمکدان در شمال باغ گازرگاه که در واقع به شکل نمکدان طراحی شده از یادگارهای عهد امیر علی‌شیر نوایی است (← تصویر ۵ـ۲۹). لوح مرمرین آرامگاه پیر هرات از دورهٔ سلطان ابوسعید است و سنگ بسیار نفیس و ارزشمند هفت‌قلم که از عجایت صنعت حجاری قلمداد می‌شود، یادگار عهد سلطان حسین بایقراست.

در ساحت زیارت پیر هرات چندین شاعر، عالم و شخصیتهای مشهور هرات آرمیده‌اند. موجودیت موی مبارک بر ارزش معنوی این دیار افزوده است. گازرگاه در واقع گنجینهٔ آثار تاریخی، محل دعا، ذکر، نذر و مراد هرویان، تفریحگاه مردم و بَست و پناهگاه مصون اهالی هرات محسوب می‌شود.

چارباغ

چارباغ که محمد یوسف ریاضی آن را به صورت «چهارباغ» نبشته، به طرف شمال غربی مسجد جامع بزرگ شهر هرات موقعیت داشته است. گویند که اصل بنای چهارباغ در زمان وزیر یارمحمد خان بنیان‌گذاری شده بود و عمارات درونی بیشتر از زمان سعدالدین خان نائب‌الحکومه و یک حصه از عهد سلیمان خان والی وقت بوده است. (← تصویر ۵ـ ۳۰)

در نسخهٔ خطی‌ای که در اوایل قرن جاری پیش از ویرانی چارباغ نوشته شده است در مورد این محل اداری ولایت هرات چنین آمده است: «طرف شرق چهارباغ صندوقخانهٔ جنسی که در یک زمانی دارالحفاظ و بعد محل ادارهٔ اخبار اتفاق اسلام بوده و فعلاً خانه و مسجد قاضی و آشپزخانهٔ سرکاری است و از طرف شرق راه عام جنب مسجد جامع است، از طرف غرب اصطبل خاصه و کارخانه‌های کشمیره‌بافی و کتابخانهٔ ملی، از سمت شمال



تصویر ۵ - ۳۰. چارباغ پیش از ویرانی



تصویر ۵ - ۳۱. ویرانه های چارباغ، قبل از جنگ در جاده غربی مسجد جامع

راه عام جنب مستری‌خانهٔ سرکاری و از جانب جنوب سراها و سراچه‌ها و حرمسراهای ایالتی است. طول چهارباغ شرقاً و غرباً ۲۵۰ فوت یا ۷۰ زرع شاه و عرض آن شمالاً و جنوباً ۱۸۰ فوت یا ۵۰ زرع شاه است. صحن چهارباغ پر از درختان تناور ناجو بود. سردار فتح‌محمد خان پسر وزیر محمد اکبر خان در یکی از شبهای تابستان در حالی که سرشار نشه و خمار مشروبات بود، از صدای درختان دلگیر شده و امر به قطع جمیع درختها داد. باقی‌ماندهٔ اشجار در سنهٔ ۱۳۲۴ هجری به حکم محمدسرور خان نائب لحکومهٔ هرات قطع شد و میدان چهارباغ صاف شد.»[1]

در قرن جاری عمارت چهارباغ مرمت و بازسازی نشد و رو به ویرانی نهاد. تا دههٔ ۱۳۴۰ خورشیدی تعدادی از ویرانه‌های چهارباغ موجود بود (← تصویر ۵-۳۱)، ولیکن در حال حاضر اثری از آن باقی نیست و به جای آن دکان، سرای نشیمن و مارکتهای تجارتی بنا شده است.

خرقهٔ شریف

در مورد اصل خرقهٔ مبارک، روایات متفاوت ارائه شده است. از کتاب ***نفحات‌الانس*** و کتاب ***خزینة‌الاولیا*** نقل کنند که وصلهٔ گریبان خرقهٔ موجود، از پیراهن حضرت محمد(ص) بوده است، و لیکن در کتاب مقامات شیخ‌الاسلام احمد جامی آمده که همهٔ خرقه از حضرت رسول اکرم است.

دربارهٔ مکان خرقهٔ مبارک نقل کنند که در عهد سلطنت شاهرخ میرزا در داخل قلعهٔ کهسان جایگاه مناسب با گنبد عالی برای نگهداری خرقهٔ شریف اعمار شد و خرقه تا هنگام پادشاهی احمدشاه ابدالی در آنجا نگهداری می‌شد. در زمان تیمورشاه بود که محمد اسماعیل خان مستوفی و شیخ عبداللطیف خان پدر وی به سبب داشتن وظیفهٔ خطیر دولتی از یک طرف و تولیت خرقهٔ مبارک که به طریق ارث به آنان تعلق داشت از طرف دیگر، خرقه را از کهسان به مکان جدید آن که در اندرون شهر هری به پیش روی ارگ موقعیت داشت انتقال دادند. در عهد سلطنت ظاهر شاه به سال ۱۳۷۰ هـ.ق در

۱. نسخهٔ قلمی اوایل قرن جاری، بدون نام مؤلف، ص ۷۳ - ۷۹.

دورهٔ عبدالغفور خان والی هرات بنای پارینهٔ خرقهٔ شریف نوسازی شد. (← تصویر ۵ـ ۳۲)

خرقهٔ شریف مورد احترام عموم و زیارتگاه خاص و عام بود و در وقت مشکلات، شیوع امراض مهلک، خشکسالی و قحطی اهالی هری، خرقه را از شهر بیرون کرده و در دشت عیدگاه می‌بردند. در آن حال شخصی متقی و پرهیزگار بر سر منبر آمده و در حالی که خرقهٔ متبرکه را بر سر دست شفیع می‌آورد، به دعا و زاری نزد پروردگار جهت دفع بلا و مصیبت مشغول می‌شد و جمعیت حاضر همه آمین می‌گفتند.

یک بار در دورهٔ نائب‌الحکومه سردار محمد سلیمان خان به علت شیوع مرض وبا و دفعهٔ بعد در سال ۱۳۱۸ ه. ش به دورهٔ محمدقاسم خان نائب‌الحکومهٔ هرات خرقهٔ مبارک را بیرون کردند.[۱]



تصویر ۵ – ۳۲. خرقهٔ شریف

۱. کتاب خرقهٔ مبارک، ص ۱۱۳.

گنبد سید عبدالله و شهزاده قاسم (شهزاده‌ها)

سید عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر طیار(رض) در سال ۱۴۳ ه.ق دار فانی را وداع گفت. گنبد بلند مزار سید عبدالله که بر فراز تپهٔ خاکی مصرخ پارینه قرار دارد در زمان سلطان غیاث‌الدین محمد کرت (۷۰۶ق) بنا شده و در عهد سلطان حسین بایقرا بار دیگر مرمت‌کاری شده است. این گنبد در جریان جنگ تخریباتی برداشته که در دورهٔ اخیر به بازسازی آن اقدام شده است (← تصویر ۵-۳۳). یکی از ابنیهٔ تاریخی دیگر در مصرخ گنبد شهزاده قاسم است (← تصویر ۵-۳۴) که جهت معرفی، این بیت بر سر درِ ورودی آن نوشته شده است:

این آستان قدس که دایم منور است	ز اولاد مصطفی و ز احفاد حیدر است
قاسم وراست نام گرامی به روزگار	مشهور نزد اهل هری، پور جعفر است

گنبد سلطان آقا

پیش از جنگ، به روی مرقد سلطان‌میر عبدالواحد شهید، گنبدی عالی وجود داشت که در جریان نبرد تخریب شد. در دورهٔ اخیر گنبدی دیگر توسط یک تن از تاجران هراتی به جای گنبد سابق آباد شده است. (← تصویر ۵-۳۵)

ایوان مزار امام فخر رازی

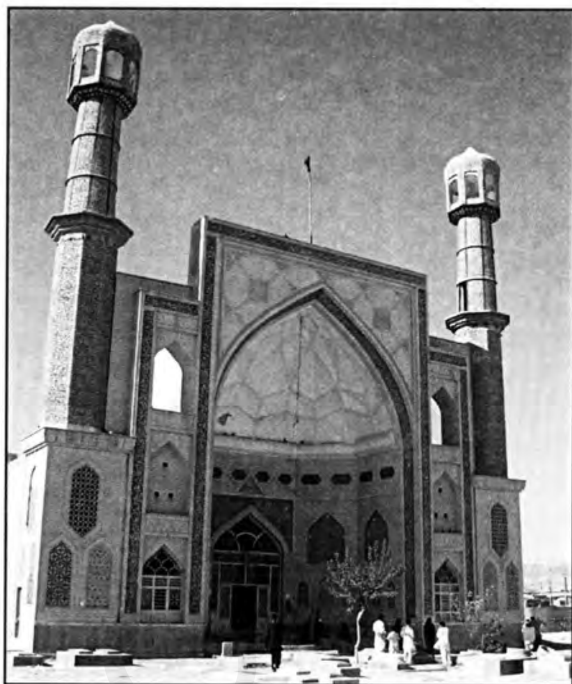
رازی از علما و دانشمندان نامدار مدنیت خراسان اسلامی بوده که فروغ دانشش هریوای باستان را تابندگی بخشیده است. امام فخر، معروف به ابن خطیب در علوم عقلی و نقلی تبحر فراوان داشته و تعداد تألیفات او ۱۱۲ جلد ذکر شده است. وی در سال ۵۴۳ ه.ق زاده و در ۶۰۶ ه.ق بدرود حیات گفته است. عمارتی که در عهد سلطان حسین بایقرا بر مزار رازی آباد شده بود، در جریان کشمکشهای شیبانیان و صفویان ویران شد. در اواخر قرن سیزدهم ه.ش حاجی آدم خان نامی ایوان کوچکی اعمار و لوحی بر سر مزار وی نصب کرد.



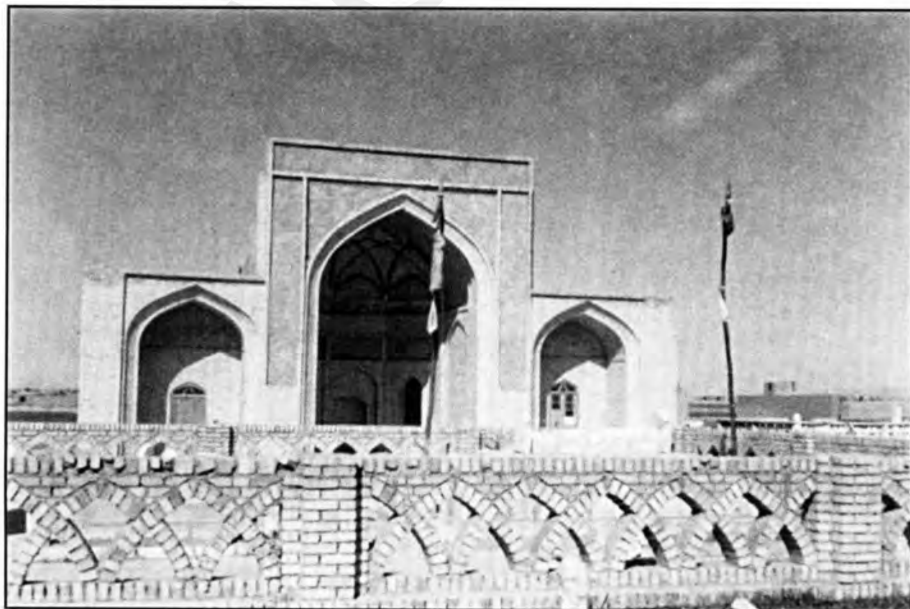
تصویر ۵ - ۳۳ . گنبد سید عبدالله



تصویر ۵ - ۳۴ . گنبد شهزاده قاسم



تصویر ۵ - ۳۵
گنبد سلطان آقا
بعد از اعمار مجدد



تصویر ۵ - ۳۶. ایوان جدید مزار امام فخر رازی

در زمان عبدالله خان ملکیار والی هرات ایوان بزرگی در مقابل آرامگاه رازی ساخته شد که در دهۀ ۱۳۶۰ در زیر آتش جنگ ویران شد. لیکن در سال ۱۳۷۴ یکی از تاجران هراتی ایوان مذکور را دوباره آباد کرد. (← تصویر ۵ـ ۳۶)

ایوان مزار مولانا واعظ کاشفی

وی یکی از علمای نامور دورۀ تیموریان بود که روزهای جمعه در مسجد جامع بزرگ هرات و مدارس مصلی‌های این شهر به‌وعظ و خطابه می‌پرداخت. او در نجوم و انشا ید طولایی داشت و اشعار دلنشین هم می‌سرود. از آثار مشهور وی می‌توان از ***تفسیر حسینی*، *جواهر التفسیر* و *مخزن‌الاشیاء*** نام گرفت.

مولانا در سال ۹۱۰ هـ.ق وفات کرد و بقعه‌ای عالی بر مزار وی در شرق سرک خیابان بنا کردند که به مرور زمان ویران شد. در سال ۱۲۹۸ ش. محجری پخته بر مزار



تصویر ۵ – ۳۷ . ایوان مزار مولانا کاشفی

این عالم بزرگوار را عمار و دو لوح مرمرین در آن نصب شد. به سال ۱۳۲۴ خورشیدی ایوانی مزین به کاشی در سوی غرب مزار و باغی به مساحت دو و نیم جریب احداث شد. (← تصویر ۵ـ۳۷)

بنای صحن مولانا عبدالرحمان جامی

دربارهٔ نام و کنیت مولانا جامی در *رسالهٔ مزارات* آمده است: «لقب ایشان عمادالدین و لقب مشهور نورالدین و تخلص ایشان جامی و نام والد ماجد ایشان نظام‌الدین احمد بن شمس‌الدین محمد دشتی است.»[۱] مولانا در سال ۸۱۷ هجری تولد و به سنهٔ ۸۹۸ هجری وفات یافته است. ایوان مقبول صحن مقبرهٔ جامی در زیر آتش جنگ ویران شد و باز طی سالیان اخیر توسط یکی از تاجران هراتی بازسازی و عمارت دیگری نیز در آنجا ساخته شد. محوطهٔ عمومی صحن مقبرهٔ مولانا هفت جریب بوده که با ساحهٔ قبرستان عمومی و پارک جانب شرقی آن سی جریب می‌شود. (← تصویر ۵ـ۳۸)



تصویر ۵ - ۳۸ . ایوان جدید مزار مولانا جامی

۱ . رسالهٔ مزارات، ص ۱۰۹.

مسجد تاریخی غلوار

این مسجد در چهار کیلومتری غرب دروازهٔ ملک به سمت شمال سرک پروژهٔ سمنت واقع شده و از قریهٔ حوض کرباس فاصلهٔ چندانی ندارد. در دورهٔ سلطنت شاهرخ میرزای تیموری عمارت قشنگی با کاشی معرق، خطوط و نقوش زیبا بر این جایگاه ساخته شد که تا پیش از جنگ آباد بود. این ابنیهٔ باستانی در طول جنگ خسارات زیادی دید، اما در دورهٔ اخیر دوباره بازسازی شده است. (← تصویر ۵ـ ۳۹)



تصویر ۵ - ۳۹ . مسجد غلوار، بعد از ترمیم اخیر

پل مالان

این پل در جنوب شهر هرات به روی هریرود بسته شده و حاکم‌نشین انجیل را به گذره وصل می‌سازد. پل دیرین‌سال مالان پیشینهٔ دراز دارد. در تاریخ حبیب‌*السیر* در مورد آن آمده است: «پل مالان مبنی است بر بیست و شش طاق که از خشت پخته و گچ و آهک

ساخته شده و در هیچ یک از تواریخ هرات مذکور نیست که بانی آن کیست و آنچه از السنه و افواه استماع می‌افتد آن است که ضعیفه‌ای آن را بنا کرده است.»[۱]

برخی از هراتیان به این باورند که در روزگار قدیم این پل را یکی از زردشتیان هروی اعمار کرده است، اما بیشتر هراتیان و مالانیان بر این عقیده‌اند که پل یاد شده را دو خواهر خیراندیش به نام بی‌بی حور و بی‌بی نور در قرن هفتم هجری مطابق قرن سیزدهم میلادی از پول دسترنج شخصی خود ساخته‌اند.

پل مالان در گذر تاریخ بارها ترمیم شده است. طبق مشاهدهٔ خانیکوف جغرافیه‌دان روسی که در عهد حکمرانی سلطان‌احمد خان به سال ۱۸۵۹ میلادی از هرات دیدن کرده این پل دارای ۲۳ طاق بوده است. مولوی خسته در کتاب **معاصرین سخنور** می‌گوید که این پل در دورهٔ شجاع‌الدوله بازسازی شده است و این شعر نشانگر آن است:

پل مالان که سیلاب حوادث — غبار هستی‌اش بر باد کرده
وزیر بی‌نظیر از روی تدبیر — اساسش را ز نو بنیاد کرده
به تاریخ بنایش گفت صدیق — «شجاع‌الدوله خان آباد کرده»

در بدایع‌الوقایع تألیف قرن دهم هجری آمده است که پل مالان بیست و هشت طاق داشته است. طی دهه‌های اخیر خاصه در جریان جنگ دامنه‌دار، چند طاق این پل فروریخته بود و ترمیم اساسی آن توسط مؤسسهٔ داکار و تمویل جامعهٔ اروپایی در برج اسد ۱۳۷۴ هـ. ش به پایهٔ اکمال رسید. این پل در حال حاضر ۲۱ طاق دارد و عبورگاه عراده‌جات، چهارپایان و پیادگان است و در فصل سیلابهای بهاری هریرود منظرهٔ جالبی را به نمایش می‌گذارد. (← تصویر ۵ـ ۴۰)

به شمال پل، جنگلی دامن گسترانیده و بر جنوب آن اولنگ و اراضی جنگل تخریب‌شدهٔ سابق افتاده است. در فصل کاهوبازار که رود مملو از سیلابهای بهاری است، مردم هرات به میلهٔ پل مالان می‌روند و در صورت مساعد بودن هوا، آب‌بازی می‌کنند.

---

۱. تاریخ حبیب‌السیر، جلد چهارم، ص ۶۵۱.



تصویر ۵ - ۴۰ . پل مالان در حال حاضر



تصویر ۵ - ۴۱ . عمارت ابوالولید بعد از ترمیم

بقعهٔ ابوالولید

در *مقصدالاقبال سلطانیه* در مورد خواجه آمده است: «خواجه [ابوالولید] احمد بن ابی‌رجا عبدالله بن ایوب بن حنیفه الهروی رحمت‌الله تعالی از اکابر علماء ظاهر و باطن و هروی‌الاصل بوده که در سال دویست و سی دو از هجرت در هرات وفات یافته و در قریهٔ آزادان مدفون است و سلطان محمد کرت بر سر تربت ایشان گنبدی بنا فرمود.»[۱]

گویند که در عهد تیموریان بقعهٔ خواجه به همت امیر علی‌شیر نوایی بازسازی شد و چند دهه قبل مرحوم حاجی محمد عظیم خان هراتی نیز به مرمت این زیارتگاه تلاش ورزید. ولی طی جنگ طولانی اخیر این بقعه ویران شد. پس از جنگ، مسجد جامع ابوالولید و بقعهٔ آن بار دیگر بازسازی شده است. (← تصویر ۵ـ۴۱)

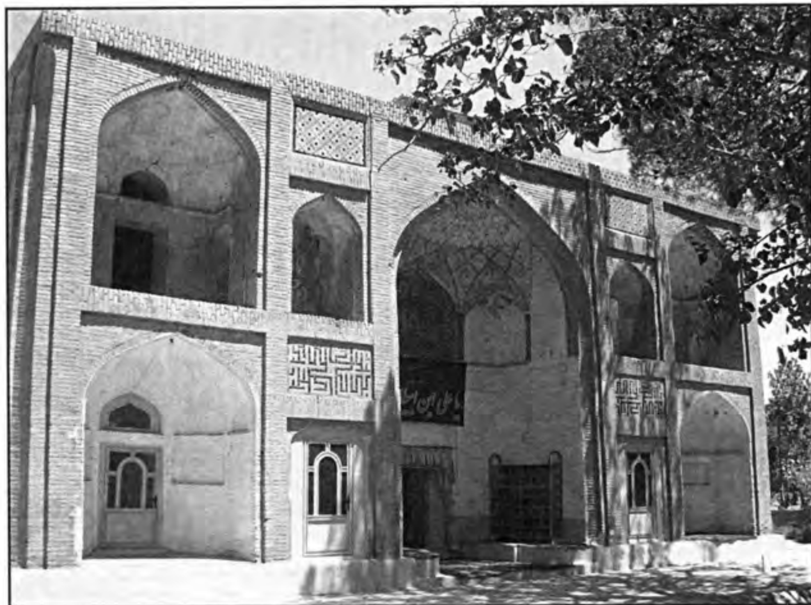
گنبد امام شش‌نور

مولانا عبیدالله هروی مؤلف حصهٔ دوم *رسالهٔ مزارات هرات* از امام شش‌نور به نام «سادات سته» یادکرده است. در زیر گنبد عالی آن که مثال قشنگی از روزگار تیموریان هرات است، شش قبر دیده می‌شود. آنجا به سبب موجودیت همین شش تن از سادات کبار به شش‌نور مشهور شده است. گنبد مزبور تا هنوز پای استقامت بر زمین کوبیده و از دوران درخشان پیشین حکایت می‌کند، اما نیاز به مرمّت و توجّهٔ نسل کنونی دارد. (← تصویر ۵ـ۴۲)

گنبد مزار خواجه محمد غازی در فوشنج

مزار خواجه محمد غازی در مرکز زنده‌جان به جنوب قلعه‌نو واقع شده است. گنبد بلندمنظر عالی روی قبر محمد غازی که دارای هشت رواق خرد و بزرگ است از عهد سلجوقیان به یادگار مانده است و نمایانگر هنر معماری، کاشی، منبت و کنده‌کاری و

۱ـ رسالهٔ مزارات، ص ۱۳.



تصویر ۵ – ۴۲ . گنبد شش نور، یادگار تیموریان



تصویر ۵ – ۴۳ . مسجد غوریان، یادگار تیموریان

خطاطی آن دوران است. در جریان جنگ این ابنیهٔ نفیس و ذی‌قیمت خساراتی دیده که نیاز به رسیدگی دارد.

گنبد پارینه مقابل مزار شیخ ابوالحسن فوشنجی صوفی و عارف معروف که در جنوب زنده‌جان موقعیت دارد نیز در اثر جنگ صدمه دیده است. در درهٔ رباط پی اتاقی وجود دارد که آن را خدای‌خانه گویند و سابقهٔ بسیار تاریخی دارد. گویند که در باستان زمانه‌ها اینجا امان‌کوه فوشنج بوده و پادشاهان در این سنگرگاه مستحکم کوهی پناه می‌گرفته‌اند. همچنین در آنجا گنبد دیگری جلب نظر می‌کند که گویا در حدود سال ۷۵۶ بنا شده و مقبرهٔ امیر طغرل یکی از شاهان محلی در آن قرار گرفته است.

مسجد جامع غوریان

این مسجد که در مرکز حاکم‌نشین غوریان موقعیت دارد، در عهد سلطان حسین بایقرا در قرن نهم هجری بنا شده است. مسجد دارای ایوانی بلند و گنبدی مقبول است. ساختمان مسجد به شیوهٔ استادانه ساخته شده و با مسجد زیارتگاه شباهت بسیار دارد. برخی از حصص مسجد رو به خرابی است و نیازمند به بازسازی است. (← تصویر ۵ـ۴۳)

گنبد گوهرشاد در کهسان

کهسان که در سابق کوسویه‌اش می‌گفتند، در ۱۱۶ کیلومتری غرب شهر هرات واقع است و گنبد گوهرشاد یکی از آثار ذی‌قیمت عهد تیموریها در این حاکم‌نشین بوده که هنر معماری، کاشی، نقاشی، مقرنس‌کاری و خطاطی آن روزگار، در آن تبارز چشمگیری داشته است. دریغ و درد که در گرماگرم نبرد یکی از بمبهای آتشین بر تارک این ابنیهٔ نفیس اصابت کرده و آن را به دو نیم ساخته بود. در سالیان اخیر گنبد مذکور دوباره بازسازی شده است. (← تصویر ۵ـ۴۴)



تصویر ۵ - ۴۴ . گنبد
گوهرشاد در کهسان



تصویر ۵ - ۴۵ . مسجد غار کروخ

مسجد غار کروخ

کروخ در ۳۲ کیلومتری شمال‌شرق شهر هرات قرار گرفته و غار جالب آن در ۶ کیلومتری مرکز این حاکم نشین موقعیت دارد. در قسمت غربی غار، مسجد کوچکی وجود دارد که قدامت آن به سال ۵۲۵ می‌رسد. نقل کنند که یک مرتبه در عهد ملک معزالدین حسین کرت در سال ۷۶۷ و بار دیگر در عهد سلطان ابوسعید تیموری به قرن نهم هجری ذریعهٔ استاد ولی بن محمد رازه بازسازی و ترمیم شده است. (← تصویر ۵ـ۴۵)

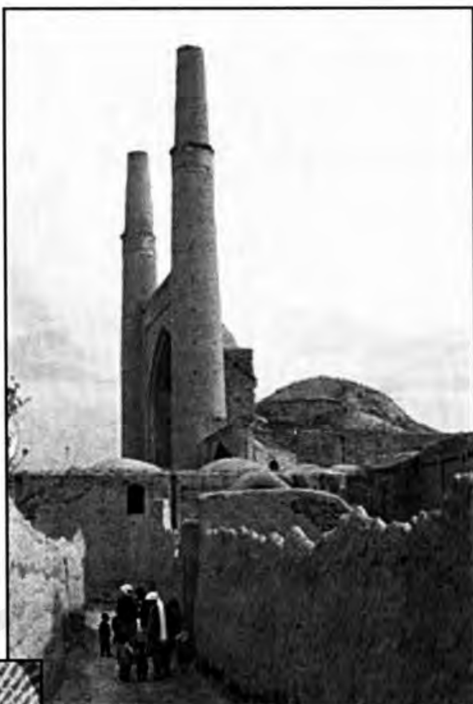
مسجد جامع زیارتگاه

قریهٔ زیارتگاه در ۲۵ کیلومتری شهر هرات واقع شده و از مربوطات گذره است. مسجد جامع زیارتگاه از ابنیهٔ نفیس و ذی‌قیمت دورهٔ سلطان حسین بایقراست که پس از مسجد جامع بزرگ شهر هرات از بزرگ‌ترین مساجد این ولایت محسوب می‌شود.

شیوه و اسلوب معماری طاقهای دو سوی رواق مرکزی این مسجد از جمله شاهکارهای معماری عصر تیموری به شمار می‌آید که نظیر آن کمتر دیده شده است. در جریان جنگ رواق مرکزی مسجد توسط حملات موشکی تخریب شده و سقفهای گنبدی‌پوش داخل اتاقها نیز ترکش و شکست برداشته بود. در دورهٔ بعد از جنگ مسجد مزبور ترمیم شده است. (← تصویر ۵ـ۴۶)

مسجد چهل ستون

این مسجد در جنوب مسجد جامع زیارتگاه واقع بوده است و مردم بومی به آن مسجد چهل‌ستون می‌گفتند و به این باور بودند که مسجد مذکور از عهد عمر بن عبدالعزیز یکی از خلیفگان اموی به یادگار مانده است. مسجد دارای چهل فیل‌پایهٔ مربع‌شکل بوده که گنبدهای پارینه سال بر آنها استوار بوده‌اند. محراب بیرونی مسجد که به عهد تیموریان



تصویر ۵ - ۴۶ . مسجد زیارتگاه



تصویر ۵ - ۴۷ . مسجد چهل‌ستون

منسوب می‌کردند، به کاشی و نقوش زیبا مزین بوده است.
پیش از جنگ درازدامن، مسجد چهل ستون پا برجا بوده ولیکن در جریان جنگ خراب شده است. نقل کنند که حصصی از آن را ذریعه دینامت منهدم کرده‌اند. از آن مسجد فقط ۱۶ ستون تخریب شدهٔ بدون سقف تا چند سال پیش باقی مانده بود. (← تصویر ۵ـ۴۷)

خانقاه ملای کلان

این خانقاه در دشت یلان به جنوب قریهٔ زیارتگاه و یا زیارتجاه موقعیت داشته و از یادگارهای عهد سلطان حسین بایقرا محسوب می‌شده است. سقف این ابنیه چند دههٔ قبل فرو غلتیده و ساختمان آن در حال ویرانی بوده است.

آبدات چشت شریف

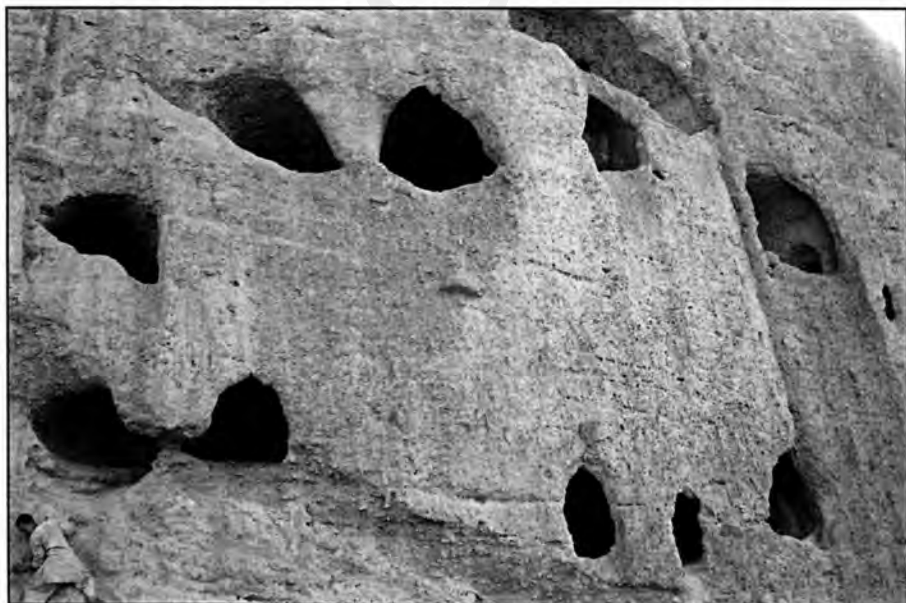
در چشت شریف دو خانقاه بسیار نفیس و ارزشمند عصر سلطان غیاث‌الدین محمد بن سام غوری وجود دارد که در آن تزئینات و هنر معماری دورهٔ غزنوی و غوری به کار رفته است و دارای گچ‌بری‌ها و کندن‌کاری‌های روی خشت پختهٔ بسی زیبا و دلنشین است. این آثار گرانبها یگانه یادگار عهد غوریان در افغانستان است که از نگاه تاریخی و باستان‌شناسی اهمیت شایان دارد. در سال ۱۳۸۴ زمانی که از درهٔ چشت دیدار کردم، این دو گوهر نفیس را در حال ویرانی یافتم. جای آن دارد که مؤسسات حمایت از آثار باستانی هرچه زودتر برای نجات آن همت گمارند. (← تصویر ۵ـ۴۸)

از آثار تاریخی دیگر چشت، خانقاه دره‌سبز است که یادگار عهد تیموری‌هاست. گنبد مزار خواجه مودود چشتی در سال ۱۳۲۲ هـ.ش توسط حاجی محمد اسماعیل مهندس و غلام‌حیدر مهندس اعمار شده است.

در بین راه اوبه و چشت در منطقهٔ سراپرده و ناو به کنار رود هری اتاقکهای کوچکی در دل یک دیوارهٔ تپه بلند ریگی و سنگی کنده شده که مردم محل به آن «خانهٔ دیوان» گویند (← تصویر ۵ـ۴۹). این خانه‌چه‌های غار مانند، بسیار ابتدایی و بدون ریزه‌کاری



تصویر ۵ - ۴۸ . دو خانقاه چشت شریف، یادگار عهد غوریان



تصویر ۵ - ۴۹ . خانه‌چه‌های غارمانند چشت شریف

و تزئینات‌اند. من نمونهٔ آن را در دیوار ریگی تپه مرتفع شهر بامیان به کنار بتهای بودا مشاهده کردم. از راه غورات می‌توان به بامیان رفت. شاید در زمانی که بامیان مرکز عمدهٔ آئین بودا بوده است، در این خانه‌چه‌های غار مانند، راهبان بودایی عبادت می‌کرده‌اند.

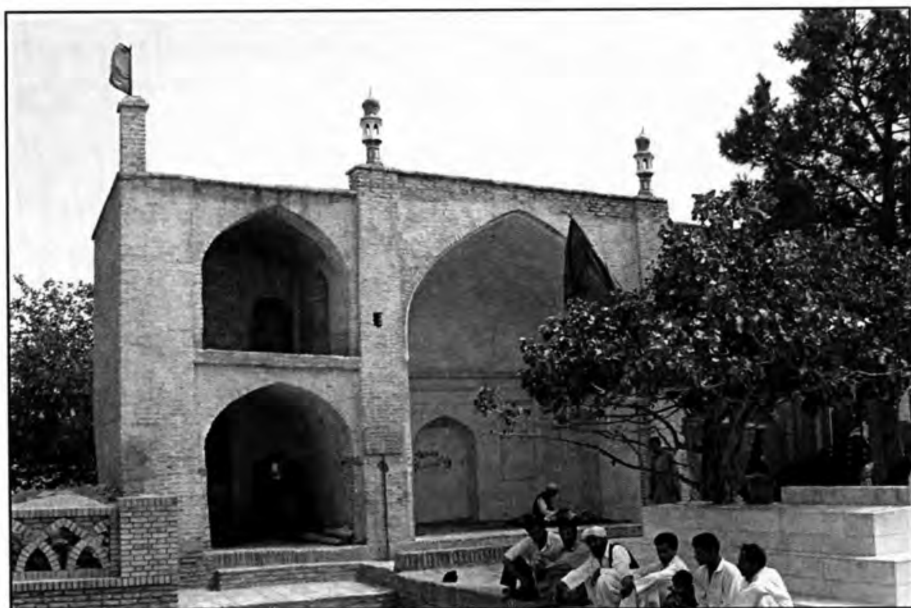
خواجه غلتان

شیخ یحیی بن عمار سجستانی معروف به خواجه غلتان از بزرگان این دیار به حساب آمده و قبر او در خیابان کهن، از قدیم زیارگاه عام و خاص بوده است. حالا این زیارت تاریخی در شمال شهر هرات به نزدیک سید عبدالله مختار و گمرک هرات موقعیت دارد (← تصویر ۵ـ ۵۰). در نزد مردم هرات این باور وجود دارد که این بزرگوار در هنگام رسیدن به حوالی شهر هرات، مشاهده کرد که خاک این شهر، مدفن اولیا، دانشمندان، هنرمندان و دیگر بزرگان است. به این دلیل، وی به خود اجازه نداد که بر آن خاک مقدّس، پای نهد. پس خود را با غلت‌زدن به شهر رسانید و به این سبب به «خواجه غلتان» مشهور شد.

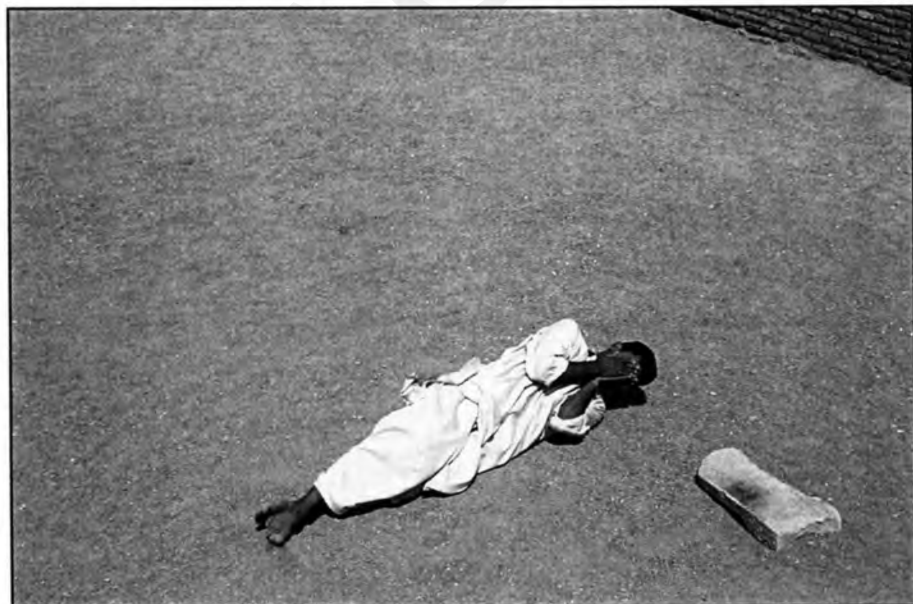
مردم هرات در صحن مسطح این زیارت غلت می‌زنند و باور دارند که به سبب کرامت این بزرگوار، به آسانی و خودبه‌خود غلت می‌خورند. آنها پیش از غلت‌زدن مراد می‌طلبند. اگر مرادشان برآورده شود، به آسانی غلت می‌خورند و به سوی دیوار روبه‌رو می‌روند. در غیر این صورت، غلت زده نتوانسته و یا به دو جانب کج می‌شوند (← تصویر ۵ـ ۵۱). مردم از شهرهای دیگر نیز به این زیارت می‌شتابند و مراد می‌طلبند.

باره‌های تاریخی هرات

شهر کهنهٔ هرات دارای حصاری قدیمی بوده که در هنگام هجوم جنگ‌افروزان، مردم هری به داخل آن پناه می‌بردند. شبها دروازه‌های شهر را می‌بستند تا مردم شهر در امان باشند. در اوایل قرن جاری دیوارهای بلند قلعهٔ بزرگ هریوای باستان از روزگاران کهن حکایت می‌کرد، لیکن به مرور زمان حصار هری تخریب شده و مردم خاک این باره‌ها



تصویر ۵ - ۵۰ . زیارت خواجه غلتان



تصویر ۵- ۵۱ . شخصی در حال غلت‌زدن

را برای کاه گل کاری، خشت‌مالی و دیگر نیازهایشان بردند. در جریان جنگ طولانی اخیر بیشترینهٔ باره‌ها ویران شده و از بروج تاریخی، خاصه برج خاکستر و باره‌های عریض دروازهٔ عراق و قندهار فقط دیوارهای نازکی در بعضی حصص باقی مانده است که آن هم در حال نابودی است. دولت در حفظ میراث فرهنگی و آثار تاریخی توجه ندارد و اهالی اطراف باره‌ها هم به اهمیت حراست از آثار باستانی شهرشان آگاه نیستند. (← تصویر ۵ـ۵۲)

معابد و یاکنائس یهودیان در شهر هرات

در اوایل قرن جاری تقریباً هفت هزار نفر یهودی در افغانستان زندگی می‌کردند و تا دههٔ ۱۳۴۰ خورشیدی در هرات بود و باش داشتند و سپس به اسرائیل عودت کردند. یهودیان در هرات دارای محله، حمام و معابد مخصوص خود بودند. معابد یهودیان عبارت بود از معبد ملّاعاشور، معبد گلها (گلکیها) و معبد ملّا رحمان.

معبد ملّا عاشور در کوچهٔ خندق زینه‌دار به جانب جنوبی بازار عراق واقع است. از تاریخ بنای کنیسه در حدود دو صد سال سپری می‌شود. اتاق اصلی در طبقهٔ دوم قرار داشته و دارای نقاشی و گچبریهای ظریفانه بوده است. در حال حاضر قسمتی از سقف معبد ویران شده و باقی ماندهٔ آن نیز رو به نابودی است (← تصویر ۵ـ۵۳). معبد گلها در سال ۱۱۹۱ خورشیدی تأسیس شده و به شمال بازار عراق در یکی از کوچه‌های محلهٔ شوره‌خانه موقعیت دارد. از این معبد به حیث مسجد استفاده شده و مسلمانان در آن نماز می‌خوانند. معبد ملّا رحمان در کوچهٔ مرغ‌فروشی موقعیت داشته و از تاریخ اعمار آن در حدود بیش از ۷۵ سال می‌گذرد. اکنون از این معبد به عنوان مکتب ابتدایی دولتی استفاده کنند.



تصویر ۵- ۵۲ . قسمتی از باره در شمال شهر قدیمی



تصویر ۵- ۵۳ . معبد ملا عاشور

کتابنامه

ابن حوقل، **صورت الارض**، مترجم دکتر جعفر شعار، چاپ ایران.

ابونصر هروی، قاسم بن یوسف، **رسالهٔ طریق قسمت آب قلب**، تألیف ۹۲۱، به اهتمام و کوشش مایل هروی، چاپ ایران.

احمدی، محمد شعیب و محسنی، محمدیاسین، **مبادی کنترول و شناسایی گیاهان هرزه**، پوهنتون (دانشگاه) کابل، ۱۳۶۸.

اروین گروتس باخ، **جغرافیای شهری در افغانستان**، ترجمهٔ حسن انوشه، چاپ ایران، ۱۳۶۸.

اسعدی، مرتضی، **جهان اسلام، بخش افغانستان**، جلد اول، چاپ ایران، سال ۱۳۶۶.

اسفزاری، معین الدین زمچی، **روضات‌الجنات فی اوصاف مدینة الهرات**، به تصحیح سید محمد کاظم امام، چاپ ایران، ۱۳۳۸.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، **مسالک و ممالک**، به کوشش ایرج افشار، چاپ ایران، ۱۳۴۰.

افشار یزدی، دکتر محمود، **افغان‌نامه**، جلد اول، چاپ ایران، ۱۳۶۰.

بهار، محمد تقی، **سبک‌شناسی**، جلد اول، چاپ ایران ۱۳۶۹.

جامی، الحاج محمد ابراهیم الاحمد، **خرقهٔ مبارکه**، چاپ سال ۱۳۴۷.

جامی، مولانا عبدالرحمان، **دیوان اشعار**، مقدمهٔ هاشم رضی، چاپ ایران.

حافظ ابرو، **جغرافیای قسمت ربع خراسان هرات**، به کوشش مایل هروی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.

حبیبی، عبدالحی، **تاریخ مختصر افغانستان**، چاپ کابل، ۱۳۶۸.

حبیبی، عبدالحی، **د افغانستان پیشلیک**، چاپ کابل، ۱۳۵۳.
حبیبی، عبدالظاهر، **حشره‌شناسی**، انتشارات پوهنتون (دانشگاه) کابل، ۱۳۶۷.
خلیلی، خلیل الله، **آثار هرات**، جلد اول، چاپ مطبعهٔ فخریهٔ سلجوقی در جوار چهارباغ هرات، سال ۱۳۰۹ شمسی.
خواندمیر، **تاریخ حبیب السیر**، جلد چهارم، چاپ تهران.
رجائی، محمد ابراهیم، **رهنمای هرات**، چاپ مطبعهٔ هرات، تعلیقات به قلم محمد علم غواص، سال ۱۳۴۷.
رضاقلی خان هدایت، **روضة الصفا**، جلد نهم، چاپ ایران.
ریاضی هروی، محمد یوسف، **عین الوقایع تاریخ افغانستان**، به کوشش محمد آصف فکرت هروی، چاپ ایران، ۱۳۶۹.
زکی، دکتر محمد حسن، **تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام**، ترجمهٔ محمد علی خلیلی، چاپ ایران ۱۳۶۶.
سیفی هروی، سیف بن محمد بن یعقوب الهروی، **تاریخ‌نامهٔ هرات**، به کوشش محمد زبیر صدقی، افست تهران.
صدیقی، پیرمحمد، **آفات مهم زراعتی در افغانستان**، انتشارات دانشگاه کابل، ۱۳۶۰.
صفا، دکتور ذبیح‌الله، **مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی**، چاپ ایران.
عارض، غلام جیلانی، **اقلیم افغانستان**، پوهنتون (دانشگاه) افغانستان، کابل، ۱۳۴۸.
عارض، غلام جیلانی، **جغرافیای طبیعی افغانستان**، چاپ پوهنتون (دانشگاه) کابل، ۱۳۶۰.
عبدالله ابوسعید هروی، **کتاب دوم مزارات**، به تصحیح و حواشی فکری سلجوقی (رسالهٔ مزارات).
عروضی سمرقندی، **چهار مقاله**، به اهتمام علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، چاپ ایران، ۱۳۶۸.
غبار، میرغلام محمد، **افغانستان در مسیر تاریخ**، چاپ ایران، ۱۳۵۹.
غبار، میر غلام‌محمد، **جغرافیای تاریخی افغانستان**، حواشی و تعلیقات فرید بیژند، کابل، ۱۳۶۸.
فرهنگ، میرمحمد صدیق، **افغانستان در پنج قرن اخیر**، ۲ جلد، چاپ ایران، ۱۳۷۱.
قزوینی، حمدالله بن بکر مستوفی، **نزهت القلوب**، به اهتمام دبیر سیاقی، چاپ ایران ۱۳۳۶.
کیهان، مسعود، **جغرافیای طبیعی ایران**، چاپ ایران، ۱۳۱۰.
گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود گریزی (۴۴۲ ـ ۴۴۳ هـ ق)، **زین‌الاخبار (تاریخ گردیزی)**، به تصحیح عبدالحی حبیبی، چاپ ایران، ۱۳۶۳.
لیسلی، جولین، **نتایج وضع خانه‌های مسکونی شهر کابل، هرات، مزار و قندوز**، دلو و حوت

۱۳۶۸، مترجم انجنیر غلام‌سخی غیرت، چاپ کابل، ۱۳۶۹.
منهاج سراج، **طبقات ناصری**، تصحیح و مقابهٔ عبدالحی حبیبی، چاپ ایران، ۱۳۶۳
واصفی، زین‌الدین محمود، **بدایع الوقایع**، تصحیح اکساندر بلوروف، چاپ ایران، ۱۳۴۹.
واعظ هروی، امیر عبدالله الحسینی، **مقصدالاقبال سلطانیه**، به تصحیح و حواشی فکری سلجوقی (رسالهٔ مزارات).
آریانا دایرةالمعارف، انجمن دایرة المعارف افغانستان، جلد سوم، چاپ کابل، ۱۳۲۸.
اطلس عمومی افغانستان، مؤسسهٔ جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، چاپ ایران.
اطلس قریه‌های افغانستان، جلد سوم، چاپ کابل ۱۳۵۳.
اطلس محلات افغانستان، بخش هرات، ادارهٔ مرکزی احصائیه، چاپ کابل، حوت ۱۳۶۴.
تاج‌التواریخ، (خاطرات عبدالرحمان خان)، جلد اول، به اهتمام آقا محمد جعفر مولا و آقا محمد حسن لاری، چاپ بمبئی، ۱۳۲۲. جلد دوم، به اهتمام آقا محمد جعفر مولا و محمد حسین لاری، چاپ بمبئی، ۱۳۲۲.
حدودالعالم من المشرق الی المغرب، (۳۷۲ هـ. ق)، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، چاپ ایران، ۱۳۴۰.
دستاوردها و موفقیتهای پوهنتون هرات، سال ۱۳۸۶، صاحب امتیاز پوهنتون هرات، چاپ اسلمی هرات.
زولوژی، زیر نظر گل سلیم شرافت، احمد شاه جلال و آمنه اسلمی، چاپ کابل وزارت تحصیلات عالی.
قاموس جغرافیای افغانستان، جلد اول، به اهتمام محمد حکیم ناهض، چاپ کابل، ۱۳۳۵.
مسودهٔ سومین پلان پنج ساله انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان، چاپ کابل ۱۳۴۶ - ۱۳۵۰.
معلومات احصائیوی افغانستان، ادارهٔ مرکزی افغانستان، چاپ کابل، سال ۱۳۵۶.
معلومات احصائیوی افغانستان، صدارت اعظمی، ادارهٔ مرکزی احصائیهٔ افغانستان، چاپ کابل، ۱۳۵۵.
نتایج **کامل نخستین سرشماری به سطح کشور در سال ۱۳۵۸**، ادارهٔ مرکزی احصائیه، نشریهٔ شمارهٔ دوم، چاپ کابل، جدی ۱۳۶۲.
نتایج مقدماتی نخستین سرشماری نفوس ادارهٔ مرکزی احصائیه، چاپ کابل، حوت ۱۳۵۹.
نسخهٔ خطی در مورد هرات، اوایل قرن جاری، مؤلف نامعلوم، مربوط کتابخانهٔ شخصی غلام‌رسول

نیکزاد.
نقشهٔ افغانستان هرات، چاپخانهٔ سازمان جغرافیای ایران ۱۳۵۲، سری ۱۵۰۱.
نقشهٔ پلان اصلاحی اطراف ارگ هرات، آمریت پما در ولایت هرات.
نوروزنامه، (منسوب به عمر خیام) تصحیح و مقابلهٔ مجتبی مینوی، چاپ ایران ۱۳۱۲
سالنامه‌های احصائیوی ۱۳۶۰ ـ ۱۳۶۸، ادارهٔ مرکزی احصائیه، چاپ کابل
سالنامه‌های احصائیوی ۱۳۵۸ ـ ۱۳۶۸، ادارهٔ مرکزی احصائیهٔ کابل.
سالنامهٔ احصائیوی ۱۳۶۸، وزارت احصائیهٔ مرکزی، چاپ کابل.
سالنامهٔ احصائیوی ۱۳۶۶، ادارهٔ مرکزی احصائیه، چاپ کابل ۱۳۶۷.
سالنامهٔ احصائیوی ۱۳۶۰، ادارهٔ مرکزی احصائیه، چاپ کابل.
سالنامهٔ افغانستان، سال ۱۳۴۶ ـ ۱۳۴۷، مدیر مسئول طوفان ملکیار، چاپ کابل.
سالنامهٔ کابل، سال ۱۳۱۱. و سال ۱۳۱۶، چاپ کابل.
مجلهٔ آواز، شمارهٔ ۳۰، قوس ۱۳۶۹.
مجلهٔ ادبی هرات، سال سوم شمارهٔ سوم، چاپ هرات جوزای ۱۳۱۳.
مجلهٔ دانشگاه تهران، شمارهٔ اول و دوم، سال ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۷۱.
مجلهٔ هرات، چاپ مطبعهٔ هرات، دورهٔ دوم، سال نهم، شمارهٔ پنجم، اسد ۱۳۳۵. دورهٔ دوم، سال اول، شمارهٔ اول، اسد ۱۳۲۷. دورهٔ دوم، سال نهم، شمارهٔ سوم، جوزای ۱۳۳۵. دورهٔ دوم، سال یازدهم، شمارهٔ دوم، ثور ۱۳۳۷. دورهٔ دوم، سال سیزدهم، شمارهٔ ۱۰، ۱۱، ۱۲ حوت ۱۳۴۱. دورهٔ دوم، سال سیزدهم، شمارهٔ هفتم، میزان ۱۳۳۷، چاپ هرات.
مجلهٔ هرات باستان، چاپ در ولایت هرات. سال سوم، میزان و قوس ۱۳۶۱، شمارهٔ چهارم، نمبر مسلسل ۱۲، میزان و حوت ۱۳۶۰. شمارهٔ اول و دوم، سال ۱۳۶۱. میزان و قوس ۱۳۶۴.
مجلهٔ هفت قلم، شمارهٔ اول عقرب ۱۳۷۳، صاحب امتیاز ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات.
روزنامهٔ اتفاق اسلام، شماره‌های ۲۲ جوزای ۱۳۷۴، ۶ سنبلهٔ ۱۳۷۴، دوم عقرب ۱۳۷۳، دوم عقرب ۱۳۷۴، ۳۱ سرطان ۱۳۷۴، ۲۸ سرطان ۱۳۸۴.
استفاده از اسناد مکتوب در دفتر ریاست فخرالمدارس هرات و مصاحبه با مسئولان آن.
استفاده از اسناد موجود در دفتر لیسهٔ زراعت هرات.
اسناد و دوسیه‌های پروژهٔ آبدات تاریخی هرات واقع در مسجد جامع بزرگ هرات و مشاهدات عینی مؤلف.
اسناد و مدارک ریاست آبیاری و منابع آب هرات.

اسناد و مدارک ریاست پوهنتون (دانشگاه) ولایت هرات.
تهیهٔ احصائیه و معلومات از دفتر معاونت علمی دانشگاه.
کسب معلومات از خلیل حسن‌زاده و مسئولان مدرسهٔ صادقیه.
کسب معلومات از دفتر مدرسهٔ جعفریه و ریش سفیدان محل.
کسب معلومات از دفتر مدرسهٔ غیاثیه.
مصاحبه با انجنیر واسع جمشیدی در پروژهٔ آب‌رسانی هرات در مورد طرح جدید آب‌رسانی.
مصاحبه با انجینر دلاور مرادی، مدیریت پلان و انجنیری ریاست عمومی برق هرات، اسد ۱۳۸۷.
مصاحبه با حاجی شیراحمد رئیس برق هرات در سال ۱۳۸۴ خورشیدی.
مصاحبه با ریاست مخابرات ولایت هرات و محمد اسحاق مدیر عمومی پست، اسد ۱۳۸۷.
مصاحبه با محمد اکرم مهمند آمر جوازسیر ترافیک هرات در سال ۱۳۸۴.
مصاحبه با مسئولین انستیتوت تخنیکی (مکتب تخنیکی) هرات در اسد ۱۳۸۷.
مصاحبه با مولوی شمس‌الدین مدیر دارالحفاظ و استفاده از دفاتر حاضری.
مصاحبه با مولوی محمد حسین فیروز سرپرست کتابخانهٔ فخرالمدارس.
مصاحبه با میهن یار رئیس مطبعهٔ هرات در سال ۱۳۷۲ و استفاده از معلومات این دفتر.
مصاحبه و گفت و شنود با مسئولان لیسهٔ بهزاد هرات.
آمریت پما در ولایت هرات، نقشهٔ ماستر پلان و پلان انکشافی آن.
آمریت عمومی جنگل‌ها و علفچرهای ولایت هرات، ریاست عمومی زراعت.
شعبهٔ نباتات مزروعی، دانشکدهٔ زراعت هرات.
مدیریت پلان ریاست عمومی تعلیم و تربیهٔ ولایت هرات.
مرکز ملل متحد برای اسکان بشر مقیم ولایت هرات.

Niedermayer and Diez, photos of Kabul and Herat.

Niedermayer, photos, 1910.

http://avalon.unomaha.edu/afghan/afghanistan/herat/ar02.htm Retrieved,18 July 2007

http://WWW.bbc.co.uk/persian/afghanistan/story/2008/01/080124-s-herat-winter.shtml.

http://photography.nationalgeographic.com/photography/enlarge/kandahar- gate - pod - image.html - Retrieved, 4 March 2008

http://photography.nationalgeographic.com/photography/enlarge/herat - bazar - pod - image. html -

Retrieved, 26th March 2008.

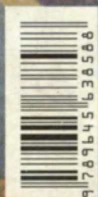
http:// en.wikipedia.org/wiki/Districts of afghanistan. Retrieved, 7th April 2008

http://commons.Wikimedia.org/wiki/Image:Afghan - topo - en . jpg Retrieved, 28th March 2008

http://WWW.bbc.co.uk/persian/afghanistan/story/2008/01/080102 - na - herat- museum. shtml-
Access, 4th Jun 2008.



هرات، یکی از چهار شهر بزرگ خراسان قدیم و از شهرهای مهم افغانستان امروز به حساب می‌آید، با آثار باستانی و جنبه‌های تمدنی ارزشمند و بااهمیت. سیر کوتاهی در جغرافیهٔ طبیعی، بشری و تاریخی این شهر، می‌تواند تصویری واقعی و همه‌جانبه از هرات دیروز و امروز در ذهن خوانندگان خلق کند و عموم مردم این شهر، به‌ویژه دانش‌آموزان، دانشجویان و پژوهشگران را به کار آید.





انتشارات ترانه
مشهد، میدان سعدی، پاساژ مهتاب
تلفن: ۲۲۵۷۶۴۶ تلفاکس: ۸۴۵۰۱۳۰